

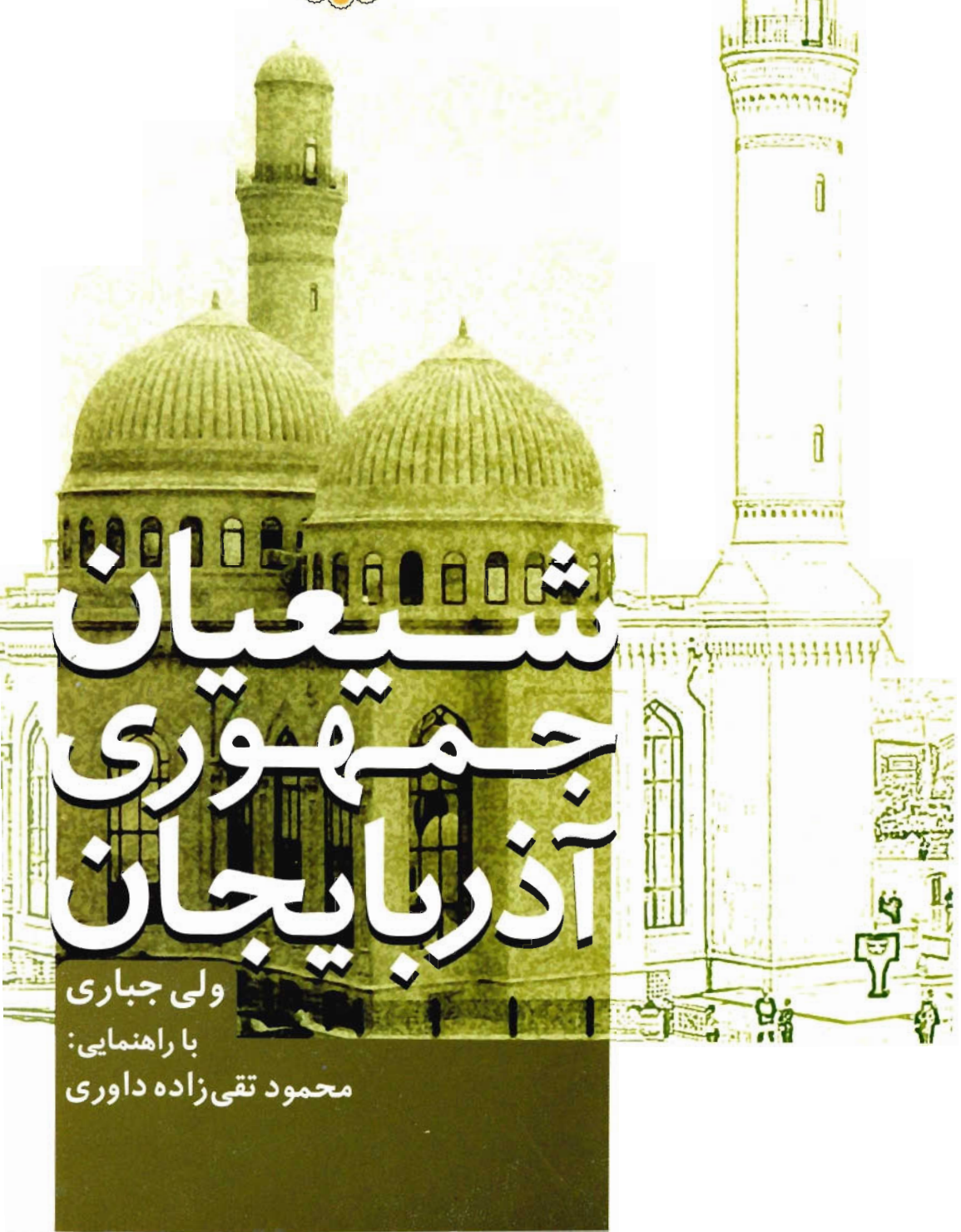


شیعیان جمہوری آذربائیجان

ولی جباری

با راهنمایی:

محمود تقی زاده داوری



آذربایجان

۴

—

۴

محمود نقی زاده داووری
ولی جباری

آذربایجان
جمہوری

آذربایجان

جمہوری

The Shi'ite of The Republic of Azarbaijan

Vali Jabbāri

Supervised by:
Mahmood T.Davari(Ph.D)



موسسه شیعه‌شناسی

ایران • قم • صندوق پستی: ۶۱۳۹ / ۳۷۱۵۵ • تلفن: ۲۸۰۴۶۳۶

انتشارات مؤسسه شیعه‌شناسی

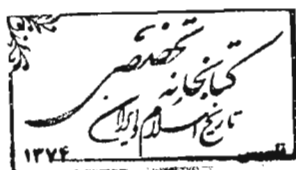
ISBN 978-600-5147-11-7



9 786005 147117

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیعیان جمهوری آذربایجان



ولی جباری
با راهنمایی:
محمود تقی‌زاده داوری

- سرشناسه : جباری، ولی، ۱۳۵۰
- عنوان و نام پدیدآور : شیعیان جمهوری آذربایجان، ولی جباری، با راهنمایی محمود تقی‌زاده داوری.
- مشخصات نشر : قم، انتشارات شیعه‌شناسی، ۱۳۸۹.
- مشخصات ظاهری : ۲۶۸ ص، نمودار.
- شابک : ۴۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸۶۰۰۵۱۴۷۰۱۱۰۷.
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا.
- یادداشت : The Shiite of Azarbaijan
- موضوع : شیعه، جمهوری آذربایجان.
- موضوع : آذربایجان (جمهوری).
- شناسه افزوده : مؤسسه شیعه‌شناسی
- رده‌بندی کنگره : ۱۳۸۹ ش ۹ ج ۲ / DK۶۹۲/۳
- رده‌بندی دیویی : ۹۴۷/۹۱
- شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۶۳۱۲۵

شیعیان جمهوری آذربایجان

- مؤلف: ولی جباری
- ناشر: انتشارات شیعه‌شناسی
- نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹
- صفحه‌آرا: محمدکاظم آزرم
- چاپ و صحافی: اسوه
- شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه
- قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال

ISBN 978-600-5147-11-7

شابک: ۹۷۸۶۰۰۵۱۴۷۰۱۱۰۷

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۳
------------	----

فصل اول: پیشینه تشیع در جمهوری آذربایجان

۱. جغرافیای تاریخی.....	۱۹
۲. تاریخچه سیاسی.....	۲۴
۳. تاریخچه ورود اسلام و تشیع.....	۲۶
الف. ورود اسلام.....	۲۶
ب. رواج تشیع.....	۲۷
ج. اسلام و تشیع در دوره تزارها.....	۲۸
د. کمونیسم؛ فراموشی مبانی اعتقادی و ترویج الحاد.....	۳۰
ه. استقلال جمهوری آذربایجان و رواج مجدد تشیع.....	۳۲

فصل دوم: وضعیت جغرافیایی و آب و هوایی

۱. مختصات جغرافیایی.....	۳۵
۲. مساحت و مرزها.....	۳۵
۳. شرایط طبیعی.....	۳۶
الف. آب و هوا.....	۳۶
ب. رودخانه‌ها و دریاچه‌ها.....	۳۷
ج. کوه‌ها.....	۳۸
د. دشت‌ها و جلگه‌ها.....	۳۸
ه. منابع زیرزمینی.....	۳۹
۴. جغرافیای انسانی.....	۴۰
الف. شهرها.....	۴۰
ب. مناطق شیعه‌نشین و سنی‌نشین و ارمنی‌نشین.....	۴۱
ج. پرچم ملی.....	۴۳

فصل سوم: جمعیت

۴۷	مقدمه
۴۹	۱. آمارهای جمعیتی
۵۲	الف. امید به زندگی
۵۳	ب. ازدواج و طلاق
۵۴	ج. جمعیت شهری و روستایی
۵۵	د. نرخ زاد و ولد
۵۶	۲. جمعیت شیعیان
۵۶	الف. اختلافات آماری
۵۸	۳. بررسی شاخص‌های توزیع و تحلیل جمعیت
۵۸	الف. رشد جمعیت
۵۹	ب. تراکم حسابی
۵۹	ج. نسبت جنسیتی (مرد و زن بودن)
۵۹	د. بیری و جوانی جمعیت
۶۰	ه. بار تکفل
۶۰	و. میزان خام موالید
۶۰	ز. میزان خام مرگ و میر
۶۰	ح. میزان مرگ و میر کودکان
۶۱	ط. معادله توازن
۶۱	ی. نسبت سنّی
۶۱	ک. نسبت جنسی
۶۲	ل. نسبت بازماندگان
۶۴	م. روش تصحیح سازمان ملل
۶۴	ن. ضریب اسپراگ
۶۶	۴. فرق دینی
۶۶	الف. پراکندگی جغرافیایی جمعیت شیعیان
۶۷	ب. پراکندگی جغرافیایی جمعیت اهل سنت
۷۱	ج. تفاهم و تنازع اقوام و مذاهب
۷۳	د. فرق دینی غیراسلامی
۷۸	ه. طریقت‌های غیررسمی
۷۹	ز. گروه‌ها و مجامع دینی

۸۰	۵. اقوام.....
۸۰	الف. تنوع قومیتی در جمهوری آذربایجان.....
۸۱	ب. گروه‌های قومی.....
۸۳	ج. اقلیت‌های قومی.....
۸۸	د. آرامنه و ترکیب قومی منطقه قره‌باغ.....

فصل چهارم: ساختار اقتصادی

۹۳	۱. اقتصاد در حال گذر.....
۹۵	۲. کشاورزی و دام‌داری.....
۹۶	۳. صنعت و معدن.....
۹۷	۴. نظام بانکی و مالی.....
۹۸	۵. واحد پول.....
۹۹	۶. شاخص‌های اقتصادی.....
۱۰۱	۷. حمل و نقل.....
۱۰۲	۸. نفت و گاز و انرژی.....
۱۰۴	۹. موافقت‌نامه‌های نفتی.....
۱۰۷	۱۰. توزم.....
۱۰۸	۱۱. تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی.....
۱۰۹	۱۲. صادرات و واردات.....
۱۱۰	۱۴. وضعیت اسلام‌گراها در اقتصاد جمهوری آذربایجان.....

فصل پنجم: ساختار سیاسی

۱۱۳	۱. تحولات سیاسی دو دهه اخیر.....
۱۱۶	۲. تقسیمات اداری - سیاسی.....
۱۱۷	۳. نهادهای حکومتی.....
۱۱۷	الف. دولت.....
۱۱۸	ب. مجلس ملی.....
۱۱۹	۴. نهادهای حکومتی جمهوری خودمختار نخجوان.....
۱۱۹	۵. عضویت در سازمان‌های بین‌المللی.....
۱۲۰	۶. قانون اساسی.....

- الف. فصول ۱۲۰
- ب. اصلاحات و تغییرات ۱۲۱
- ج. ملاحظات قانون اساسی ۱۲۲
- د. سازوکار کنترل اجرای قانون اساسی ۱۲۵
۷. ارتش جمهوری آذربایجان ۱۲۶
- الف. ساختار کلی نیروهای مسلح ۱۲۸
- ب. دلایل گرایش به ناتو ۱۲۹
- ج. ملاحظات امنیتی ۱۲۹
- د. درگیری‌های مرزی ۱۳۰
۸. احزاب و گروه‌های سیاسی (موافقان و مخالفان دولت) ۱۳۲
- الف. احزاب قدیمی و احزاب جدید ۱۳۳
- ب. احزاب موافق و مخالف دولت ۱۳۵
- ج. احزاب مستقل ۱۳۶
- د. احزاب غرب‌گرا و شرق‌گرا ۱۳۶
- ه. احزاب بزرگ و احزاب کوچک ۱۳۶
- و. احزاب قانونی و غیرقانونی ۱۳۷
- ز. احزاب پان‌ترکیست ۱۳۸
- ج. احزاب فعال و غیرفعال ۱۳۸
۹. گروه‌های شیعی اسلام‌گرا ۱۳۹
- الف. وضعیت سیاسی گروه‌های شیعی اسلام‌گرا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ۱۴۳
- ب. وضعیت سیاسی گروه‌های شیعی اسلام‌گرا پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۵۰
- ج. وضعیت سیاسی گروه‌های شیعی اسلام‌گرا در دوره استقلال خواهی ۱۶۵
- د. وضعیت سیاسی گروه‌های شیعی اسلام‌گرا پس از استقلال تا تثبیت حکومت حیدر علی‌اف ۱۷۱
- ه. مواضع و تظاهرات سیاسی گروه‌های اسلام‌گرای شیعه ۱۷۲
۱۰. محدودیت‌ها و برخوردهای حکومتی در قبال اسلام‌گرایان ۱۷۶
۱۱. وضعیت سیاسی گروه‌های شیعی اسلام‌گرا در یک دهه اخیر ۱۸۰
- الف. افزایش گروه‌های سیاسی شیعی و ائتلاف با تشکلهای سیاسی همسو ۱۸۰
- ب. حضور فعال در جریان‌ها و حوادث سیاسی ۱۸۱
- ج. راهپیمایی‌های روز قدس ۱۸۳

۱۸۴	د. واکنش به حوادث جهان اسلام
۱۸۶	ه. واکنش نسبت به اهانت رسانه‌های دولتی
۱۸۸	و. مخالفت با لایحه ممنوعیت حجاب
۱۸۹	ز. مخالفت با توسعه روابط رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان
۱۹۰	ح. مقابله با حکومت در تخریب مساجد و ممنوعیت پخش اذان
۱۹۱	ط. برگزاری عزاداری‌های محرم و صفر در خیابان‌ها
۱۹۱	ی. رویه وحدت و اعتدال و مقابله با جریان‌ات ضد شیعی
۱۹۳	ک. حمایت از جمهوری اسلامی ایران
۱۹۳	ل. مخالفت با حضور ناتو و کشورهای بیگانه
۱۹۴	م. حمایت از ملت مظلوم عراق و افغانستان و مخالفت با حضور نظامیان آذری
۱۹۴	ن. انتقاد از سیاست‌ها و برنامه‌های ضد دینی حاکمیت
۱۹۴	ص. برگزاری همایش‌ها و سخنرانی‌های گوناگون
۱۹۵	ع. افزایش پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و مطبوعات
۱۹۷	چند ارزیابی
۱۹۹	ف. اسلام‌گراها در دولت و مجلس

فصل ششم: آموزش و پرورش و آموزش عالی

۲۰۳	۱. نرخ باسوادی
۲۰۵	۲. نظام آموزش رسمی
۲۰۵	الف. نظام آموزشی قدیم
۲۰۷	ب. نظام آموزش و پرورش جدید
۲۱۳	ج. آموزش عالی
۲۱۵	د. فرهنگستان ملی علوم آذربایجان
۲۱۷	۳. آموزش علوم دینی
۲۱۷	الف. مدارس علوم دینی رسمی
۲۱۹	ب. مراکز رسمی تحصیل دینی در دانشگاه‌ها
۲۲۱	۴. محدودیت حضور بانوان محجبه در مدارس و دانشگاه‌ها
۲۲۲	۵. وضعیت گروه‌های شیعی اسلام‌گرا در مدیریت مدارس و دانشگاه‌ها

فصل هفتم: فرهنگ

۲۲۷ ۱. ادبیات و زبان
۲۲۷ الف. زبان
۲۲۸ ب. تحولات زبان نوشتاری
۲۳۱ ج. محفوظ ماندن الفبای عربی در آثار تاریخی
۲۳۳ د. نام‌گذاری‌ها
۲۳۴ ه. شعر و شاعری
۲۳۹ د. مؤسسات فرهنگی و هنری
۲۴۰ ۲. پوشش زنان و مردان و حجاب اسلامی
۲۴۰ الف. پوشش‌های ظاهری
۲۴۲ ب. فرهنگ عفاف و حجاب مسلمانان
۲۴۴ ج. پوشش اسلامی
۲۴۶ د. محدودیت‌های حکومت نسبت به بانوان محجبه
۲۴۷ ۳. ازدواج
۲۵۰ ۴. رسانه‌ها، نشریات و کتب دینی
۲۵۰ الف. مطبوعات
۲۵۲ ب. مؤسسات انتشاراتی
۲۵۲ ج. کتاب‌خانه‌های عمومی آذربایجان
۲۵۳ د. پایگاه‌های اطلاع‌رسانی
۲۵۴ ه. کتب دینی
۲۵۶ و. شبکه‌های تلویزیونی و برنامه‌های مذهبی
۲۶۰ ز. شبکه‌های رادیویی
۲۶۲ ۵. مساجد و اماکن مقدس مذهبی
۲۶۲ الف. مساجد
۲۷۱ ب. زیارتگاه‌ها
۲۸۱ ج. زیارت‌های مذهبی خارجی
۲۸۲ ۶. آیین‌های مذهبی
۲۸۲ الف. مقدمه
۲۸۴ ب. وفیات و مراسم عزاداری
۲۸۶ ج. عزاداری ماه محرم

۲۸۹ د. هیات‌های عزاداری
۲۹۰ ه. مراسم مذهبی
۲۹۵ ۷. جشن‌های ملی
۲۹۷ ۸. ترویج غرب‌گرایی توسط حکومت

فصل هشتم: سازمان روحانیت شیعه

۳۰۱ ۱. پیشینه تاریخی
۳۰۱ الف. مقدمه
۳۰۲ ب. روحانیت شیعه در دوره حکومت تزار
۳۰۳ ج. روحانیت شیعه در دوره حکومت کمونیست‌ها
۳۰۵ ۲. سازمان‌های دینی رسمی و غیررسمی
۳۰۵ الف. سازمان روحانی رسمی و دولتی (اداره روحانیان مسلمانان قفقاز)
۳۱۲ ب. سازمان روحانی غیر رسمی
۳۱۷ ج. سایر مؤسسات آموزشی دینی غیر رسمی
۳۱۸ ۳. عرصه‌های خدمات
۳۱۸ الف. تعلیم علوم دینی
۳۲۰ ب. ترویج معالم و شعائر دینی
۳۲۰ ج. فصل خصومات و حل اختلافات (حکم و حکومت)
۳۲۱ د. جمع و تقسیم وجوه شرعی (خمس، زکات و نذورات)
۳۲۲ ۴. ارتباط با مرجعیت
۳۲۵ ۵. دیانت و سیاست (چالش‌های روحانیت با حکومت)
۳۲۶ الف. ممانعت از ایجاد مراکز دینی و حوزه‌های علمیه دینی مستقل
۳۲۷ ب. ممانعت از برگزاری مراسم دینی در اماکن عمومی
۳۲۷ ج. ممانعت از گشایش دفتر مراجع دینی
۳۲۸ د. ممانعت از انتشار ادبیات شیعی ایران
۳۲۸ ه. تلاش حکومت برای کنترل فعالیت‌های دینی
۳۳۰ و. محدودیت‌ها و مشکلات شیعیان در برگزاری مراسم دینی
۳۳۱ ز. سایر چالش‌ها
۳۳۱ ۶. تأثیر عوامل خارجی بر محیط دینی جمهوری آذربایجان
۳۳۱ الف. ترکیه
۳۳۳ ب. کشورهای عربی
۳۳۴ ج. نفوذ میسیونرهای مسیحی

فصل نهم: روابط با جمهوری اسلامی ایران و حوزه علمیة قم

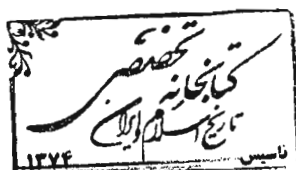
۳۳۷	مقدمه
۳۳۸	۱. روابط سیاسی
۳۳۹	موانع توسعه مناسبات ایران و آذربایجان
۳۴۰	۲. روابط اقتصادی
۳۴۰	الف. موافقت‌نامه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی
۳۴۲	ب. بازارچه‌های مرزی
۳۴۲	ج. حمایت‌های کمیته امداد امام خمینی!
۳۴۴	۳. بررسی میزان علاقه‌مندی شیعیان جمهوری آذربایجان به جمهوری اسلامی ایران
۳۴۵	الف. آموزش طلاب علوم دینی
۳۴۷	ب. ترجمه و توزیع ادبیات شیعی
۳۵۰	ج. اعزام مبلغ
۳۵۰	د. صدور فتاویٰ مقابله با توهین به مقدسات
۳۵۰	ه. ایجاد مدارس علوم دینی در شهرهای گوناگون
۳۵۱	و. احداث مساجد و زیارتگاه‌های مذهبی
۳۵۱	ز. ارسال محصولات فرهنگی

فصل دهم: نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

۳۵۵	۱. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۳۶۱	۲. راه‌کارها و پیشنهادها

فهرست منابع و مآخذ

۳۶۳	الف. منابع فارسی
۳۶۶	ب. منابع لاتین



مقدمه

سال‌ها گذشتگانمان جدایی قفقاز از سرزمین کهن ایران زمین را با حسرت یاد می‌کردند. در رأس قفقاز، ولایات باکو، گنجه، لنکران، شکی، شاماخی، شیروان و نخجوان قرار داشت. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (سابق) در سال ۱۳۷۱ و استقلال جمهوری آذربایجان، مردم مسلمان و شیعه این خطه، که روزگاران زیادی را در حسرت جدایی از موطن اصلی خود گذرانده بودند، سیل‌آسا با شکستن موانع مرزی، به سوی خویشاوندان خود در شهرهای هم‌مرز و زیارت اماکن مقدّس و جمهوری اسلامی ایران سرازیر شدند. در این زمان، بیشتر خانواده‌های شهر اردبیل به نوعی میزبان آنها بودند. بدین‌روی، نگارنده نیز به مطالعه و شناخت فرهنگ و رسوم مردمان کشوری علاقه‌مند شد که در روزگاری نه چندان دور در ترکیب ایران قرار داشت.

جمهوری آذربایجان اگرچه از نظر درصد جمعیتی، دومین کشور شیعه‌نشین جهان اسلام به شمار می‌آید، اما مردم آن به دلیل آنکه چندین دهه از آموزه‌های اسلامی و شیعی دور بوده و برداشت‌های درستی از اسلام و جمهوری اسلامی ایران ندارند و بدین‌روی، نیازی مبرم به تعلیم و تبلیغ معالم شرع دارند و به دلیل حضور و تأثیر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در سیاست، فرهنگ، اقتصاد، مذهب، مسائل نظامی و امنیتی و به ویژه قرار داشتن در همسایگی کشور عزیزمان، این کشور در راهبرد سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. و ما نیز به دلیل شیعه بودن، تعلق داشتن به ایران و خواست مردم این

کشور برای پر کردن خلأ اعتقادی و فرهنگی‌شان، نمی‌توانیم نسبت به این موضوع بی‌تفاوت باشیم. اولین گام به سوی این امر بزرگ، مطالعه و شناخت دقیق مسائل سیاسی، اجتماعی، دینی و فرهنگی این کشور تازه استقلال یافته است. در دو دهه گذشته نیز تلاش شده است به این شناخت نایل شویم و نتیجه این تلاش‌ها و تحقیقات نیز در نشریات و رسانه‌های محلی و کشوری منعکس شده است. نگارنده از سال ۱۳۸۶ با راهنمایی‌های علمی و معنوی استاد ادیب، فرزانه و دوستدار علوم تخصصی شیعه، دکتر محمود تقی‌زاده داورری تصمیم گرفت تا گوشه‌ای از نواقص اطلاعاتی موجود در شناخت وضعیت سیاسی، اجتماعی و دینی این کشور را با تدوین کتاب شیعیان جمهوری آذربایجان جبران کند، ضمن آنکه مطالعه یک حوزه شیعی با قلمرو سیاسی مشخص با روش‌های جامعه‌شناسانه، می‌تواند کاربرد فراوانی در پژوهش‌های دانشگاهی داشته باشد.

امروز، بخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شیعیان در کانون توجهات بین‌المللی قرار دارند. مؤید این مطلب حجم کتب، مقالات و برنامه‌های رسانه‌ای است که در سطح دنیا روز به روز بر تعدادشان نیز افزوده می‌شود. جمهوری آذربایجان هم، که مردمانش مذهب خود را شیعه دوازده امامی اعلام می‌کنند، متأسفانه اگرچه به عنوان شیعه‌گری نمودی نداشته‌اند، اما تحولات جهانی، به ویژه در جهان اسلام موجب شده است تا شیعیان این کشور هر روزه بر تحركات سیاسی - اجتماعی خود در مسائل داخلی و بین‌المللی بیفزایند. این کشور در موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی خاصی قرار دارد. اسلام‌گرایی و ایران‌گرایی در این کشور رشد کرده و در مقابل، با هجوم افکار و عقاید الحادی و انحرافی، توجه قابل ملاحظه محافل صهیونیستی و کشورهای استکباری و خلأ ناشی از ناآشنایی با اصول و آموزه‌های مکتب تشیع بر مشکلات فرهنگی، دینی و اجتماعی مردم افزوده است، به گونه‌ای که حکومت لائیک و سرکردگان مذاهب ابداعی و التقاطی داخلی و بین‌المللی و فرامنطقه‌ای از ضعف مزبور سوءاستفاده نموده،

تلاش می‌کنند با تغییر دیدگاه‌ها و افکار مردم، حتی به تغییر ترکیب جمعیتی شیعه اقدام کنند و شیعیان را از اکثریت بپندازند. همجواری با روسیه به عنوان یکی از کشورهای تأثیرگذار در دنیا و رویدادهای منطقه‌ای، و همچنین همجواری با دو کشور مطرح منطقه خاورمیانه - یعنی ایران و ترکیه - موجب شده تا به اعتقاد عده‌ای از کارشناسان و سیاست‌مداران، این منطقه به محلّ برخورد ادیان اسلام و مسیحیت تبدیل شود و پس از اشغال قره‌باغ، کوچاندن مسلمانان، شکل عملی به خود بگیرد.

اسلام‌گرایان در وضعیت سیاسی دردناک و نامساعد حاضر و نقض حقوق بشر، در معرض خطر بزرگی قرار دارند؛ به هیچ حزب، جمعیت و گروه اسلامی اجازه فعالیت رسمی داده نمی‌شود. اما با وجود تمام این محدودیت‌ها، جمعیت‌ها و گروه‌های سیاسی و غیرسیاسی اسلام‌گرا در قالب فعالیت‌های فرهنگی، تبلیغ دین اسلام و مبانی تشیع را تداوم می‌بخشند. از هر فرصتی برای فعالیت‌های سیاسی استفاده می‌کنند و تعلیمات و تبلیغات دینی را سرلوحه کارهای خود قرار داده‌اند.

آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی متعددی وجود دارد. خلأهای دینی، مشکلات اقتصادی، و وابستگی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای ایجاد توازن در سیاست‌های داخلی و خارجی موجب شده است تا جریان‌های منحرف دینی همچون وهابیت، بهائیت، میسیونرهای مسیحی و حتی کریشناهای هندی برای ایجاد جای پا در این کشور به صورت گسترده تلاش کنند که این امر اختلافات دینی، مشکلات امنیتی و اجتماعی برای شیعیان به وجود آورده است.

پژوهش حاضر ضمن آنکه نگاهی مختصر به تاریخچه تشیع و وضعیت جغرافیایی و آب و هوایی جمهوری آذربایجان دارد، اوضاع جمعیتی، اقوام و فرق دینی و ساختار اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دهد؛ ساختار سیاسی کشور و نقش احزاب و گروه‌های سیاسی و فعالیت‌های گروه‌های شیعه اسلام‌گرا، که پس

از پیروزی انقلاب اسلامی ایران رشد یافته است، بررسی می‌شود. نیز در مبحث فرهنگ، به تفصیل، ادبیات، پوشش‌ها، رسانه‌ها، اماکن مذهبی، آیین‌های مذهبی و آداب و رسوم مورد بحث قرار گرفته و به دلیل اهمیت روحانیت شیعه، فصل جداگانه‌ای به تاریخچه و عملکرد و مطالعه ابعاد امور دینی و چالش‌های روحانیان با حکومت این کشور اختصاص یافته است. در پایان، ضمن بررسی روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران و بخصوص حوزه علمی قم، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری لازم ارائه شده است.

در کتاب حاضر، از روش‌ها و ابزارهای گوناگونی برای گردآوری اخبار و اطلاعات استفاده شده است؛ از جمله روش «پرس‌وجو» که «متداول‌ترین وسیله بررسی تجربی در جامعه‌شناسی است. در گروه‌های بزرگ، هنگامی که مقایسه نسبتاً دقیق رفتار گروه‌ها با یکدیگر مطرح می‌شود، باید مقیاس‌های دقیق، قابل اطمینان و یک شکلی برای مقایسه و سنجش افراد با یکدیگر یافت که در مجموع، روش «پرس‌وجو» برای نیل به این هدف کاراتر است. در روش «پرس‌وجو»، عموماً ترکیبی از روش‌های دیگر نیز به چشم می‌خورد.^۱ این نوع مطالعه ترکیبی از مطالعات میدانی، کتاب‌خانه‌ای، مشاهدات و معاینات محقق در سفرهای متعدد به این کشور و سرانجام، تحلیل مصاحبه‌ها با کارشناسان امور قفقاز، طلاب علوم دینی و دانشجویان، مسافران و زائران این کشور است.

۱. فرامرز رفیع‌پور، کندوکاوها و پنداشته‌ها، ص ۲۶۹.

فصل اول

پیشینهٔ تشیع در
جمهوری آذربایجان

۱. جغرافیای تاریخی

کشوری که امروزه «جمهوری آذربایجان» نامیده می‌شود، در روزگاری نه چندان دور در ترکیب سرزمین کهن ایران قرار داشت، ولی پس از جنگ‌های ایران و روس و طی عهدنامه‌های ننگین «گلستان» (۱۸۱۳) و «ترکمان چای» (۱۸۲۸) به روسیه تزار ملحق شد.

اسم این کشور ابتدا «آلبانیا» (آلبانیای قفقاز) و سپس «آران» بود و با نام ولایاتی همچون گنجه، شاماخی و شیروان شناخته می‌شد که در سال ۱۹۱۸ حزب «مساوات پان ترکیست»، که وابستگی آشکاری به امپراتوری عثمانی و ارتباطات پنهانی با استعمار انگلیس داشت، با نیت سیاسی و هدفمند نام اصلی آن را تغییر داد و سپس در جهت جواب‌گویی به خلأ هویتی موجود و نیل به اهداف سیاسی خود، با نام جمهوری آذربایجان اعلام موجودیت نمود. اسناد، مدارک و متون شناخته شده در دوره‌های تاریخی حاکی از آن است که این منطقه هیچ زمانی به «آذربایجان» مرسوم نبوده است.

استرابو (۲۴-۶۴م)، مورّخ و جغرافی‌نگار، مشهور مسیحی، درباره آلبانیا و آران نوشته است: «مرزهای سرزمین آنان در مشرق، دریای کاسپین، و در مغرب، سرزمین ایبریایی [گرچی‌ها] است. مرزهای شمالی آن را کوه‌های قفقاز پاس‌داری می‌کند... مرزهای جنوبی آنان را ارمنیه، که در کنار آن است، فراگرفته است.»^۱

در کتیبه سه زبانه شاپور اول (۲۴۱-۲۷۳ م)، که مناطق تحت فرمان وی درج شده است، پس، از توصیف چندین منطقه، می‌نویسد: «... عربستان و ارمنستان و آذربایجان و گرجستان و ماخلونی و آران و بلاشکان (برسجان، در شمال آذربایجان ایران) و بتیشخوارگر (بخش کوهستانی مازندران)» که در آن به وضوح آذربایجان از آران جدا ذکر شده است.^۱

ابن خردادبه، نویسنده کتاب المسالک و الممالک (۲۵۰ هـ ق)، در توصیف شهرهای آذربایجان، فقط به شهرهایی اشاره می‌کند که هم‌اکنون در ترکیب استان‌های آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل و کردستان قرار دارند و در آن هیچ اشاره‌ای به شهرهای مشهور آن سوی رود ارس نمی‌کند؛ چراکه در آن زمان نام این منطقه «آران» بود.^۲

بلاذری، از جغرافی‌نگاران قرن سوم (م ۲۷۹ هـ ق)، در فتوح البلدان، زمانی که به ذکر خبر فتح آذربایجان پرداخته، از شهرهایی نام برده است که در جنوب رود ارس قرار دارند و هیچ نامی از شهرهای واقع در آن سوی ارس ذکر نکرده است.^۳ می‌توان این موضوع را نشانه تفکیک بین دو قسمت ارس دانست.

یعقوبی، از مورخان بزرگ همین قرن، در کتاب البلدان خود، از شهرهایی نام می‌برد که در جنوب ارس واقع شده‌اند و ذکری از شهرهای شمالی ارس به میان نیاورده است. وی شهرهای اردبیل، برزند، ورتان، بردعی، شیز، سراه (سراب)، مرند، تبریز، میانه، ارومیه، خوی و سلماس را جزو شهرهای آذربایجان ذکر کرده است.^۴

۱. اطلس تاریخی ایران، ش ۸.

۲. ابن خردادبه (عبدالله بن احمد)، المسالک و الممالک، ص ۱۲۰.

۳. احمد بلاذری، فتوح البلدان، ص ۴۵۷-۴۶۴.

۴. احمد بن واضح یعقوبی، البلدان، ص ۴۶.

نویسندهٔ *حدود العالم* درباره شهرهای آران، از قبان، بردع، بیلقان، باژگاه، گنجه، شمکور، خان، وردوقیه، قلعهٔ تفلیس، شکی، مبارکی، سوق الجبل، سنباطمان، قبله، بردیج، شروان، خرسان، لیزان، کردان، شاوران، دربند و باکو نام برده و این شهرها را جزو آران برشمرده است. این کتاب قدیمی‌ترین منبع جغرافیایی موجود در ایران است.^۱ مقدسی آران را جزیره‌ای در میان دریاچه و ارس می‌داند.^۲

ابواسحاق ابراهیم اصطخری، از جهانگردان و جغرافی‌نگاران بنام دوران اسلامی، در خصوص شهر دربند، که در شمال جمهوری آذربایجان قرار دارد، می‌نویسد:

«باب الابواب شهری است بر کنارهٔ دریای طبرستان... و به جنب آن کوهی عظیم هست به «ذئب» معروف و هر سال هیزم بسیار در آن جمع می‌شود و چون خواهند اهل آذربایجان و ارمنیه و آران را از دشمن اعلام کنند به شاهق آن کوه آتشی عظیم و سهمگین می‌افروزند تا ایشان را مفهوم می‌شود و جامه‌های کتان بغایت لطافت از آنجا مرتفع می‌شود و به آذربایجان و ارمنیه و آران جامهٔ کتان نمی‌باشد.»^۳

کتاب *تاریخ الباب* آقای فقیه (نیمهٔ دوم قرن پنجم)، که دربارهٔ حکومت‌های باب‌الابواب، شروان، شدادیان و آران نگارش یافته، سه متن کوتاه دربارهٔ جدایی آران از آذربایجان آورده است.^۴

در کتاب *احسن التواریخ*، نوشتهٔ حسن بیگ روملو در خصوص رویدادهای سال ۸۲۲ هـ ق و لشکرکشی شاهرخ میرزا برای جنگ با قرایوسف آمده است:

۱. *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، ص ۱۶۱-۱۶۴.

۲. ابو عبد الله محمد بن احمد مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ص ۵۵۴-۵۵۵.

۳. همان، ص ۱۸۹-۱۹۰.

۴. ولادیمیر فتودورویچ مینورسکی، *شاهان شروان و امیران دربند*، ص ۲۰ و ۴۶.

«... [قرايوسف] از اطراف دیار آذربایجان و آران و بغداد لشکر فراوان و جنود بی‌کران جمع ساخت و هرچه در ازمئه سابقه و قرون ماضیه در خزانه جمع آورده بود بر ایشان نثار کرد. از ولایت تبریز، لشکر پیاده، که هرگز متعارف نبود، طلب نمود.»^۱ این متن نیز بر تفکیک آران از آذربایجان در این عصر حکایت دارد.

و نیز می‌نویسد: «شاه طهماسب بن شاه اسماعیل ... در این سال متوجه عالم بقا گردید. چنان‌که مذکور گشت، مملکتش آذربایجان و شیروان مع شکی، ازان، عراق عجم، فارس، کرمان، خراسان، از گیلان بیه پس.»^۲

تاریخ عالم آرای عباسی در چند متن جداگانه در اخباری که به تفصیل آورده، به جدایی آذربایجان از آران و شیروان در دوره صفویه تصریح کرده است.^۳

اگر بخواهیم نام تاریخی این منطقه را از زبان اصحاب علم در غرب معرفی کنیم، اظهارات بارتولد در سال ۱۹۲۴ و درست پس از گذشت چند سال از نام‌گذاری جعلی این منطقه، جالب توجه است. در این اظهارات، نیتات سیاسی پشت این اسم جعلی افشا می‌گردد؛ موضوعی که در طول یک سده گذشته در دستور کار سازمان‌های سیاسی و امنیتی شوروی (سابق) و سپس استکبار جهانی امروز قرار گرفته است. وی می‌گوید:

هیچ‌گاه «شیروان» به آن مفهومی که تمام خطه جمهوری آذربایجان کنونی را دربرگیرد، نبوده است؛ شیروان قسمت کوچکی از آن را تشکیل می‌داد که مرکز آن شهر شاماخی بود. اما شهرهایی چون گنجه هیچ‌گاه جزو شیروان نبوده‌اند. هرگاه لازم بود برای همه مناطقی که خاک کنونی جمهوری آذربایجان را شامل می‌شود نامی برگزینیم، بهتر می‌بود نام «آران» بر آن نهاده شود. نام آذربایجان از

۱. حسن بیک روملو، احسن التواریخ، ج ۱، ص ۲۳۶.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۵۲۹.

۳. ترکمان اسکندر بیگ، تاریخ عالم آرای عباسی، ص ۱۶۹، ۲۹۳، ۷۵۴، ۷۵۶ و ۱۰۸۵.

آن جهت برگزیده شد که پس از تأسیس جمهوری آذربایجان گمان می‌رفت که آذربایجان ایران و جمهوری آذربایجان یک واحد جغرافیایی را تشکیل دهند.^۱

با پیروزی بلشویک‌ها در سال ۱۹۱۷ در روسیه، سرزمین‌های اشغالی قفقاز پس داده نشد و با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی (سابق)، منطقه قفقاز جزئی از بلوک شرق گردید و به منطقه مرکزی اوراسیا ملحق شد. با وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و تضعیف توان دولت مرکزی در کنترل مناطق پیرامونی، ساکنان بخش‌های جنوبی قفقاز از فرصت استفاده کردند و جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان و گرجستان، و در این قلمرو جمهوری دموکراتیک آذربایجان را تأسیس کردند که از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۰ ش / ۱۹۱۸-۱۹۲۱ م پا برجا بودند. پس از اشغال قفقاز توسط سپاه ۱۱ ارتش سرخ در سال ۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۰ م حکومت‌های مستقل قفقاز جنوبی منحل و در آنها حکومت شوروی برپا گردید. در سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۵ ش ۱۹۳۶-۱۹۲۲ م، فدراسیون جمهوری‌های شوروی ماورای قفقاز برقرار شد. در سال ۱۳۱۵ ش / ۱۹۳۶ م در کنگره فوق‌العاده شوراها، طبق مفاد قانون اساسی جدید شوروی (سابق)، فدراسیون ماورای قفقاز لغو و جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان و گرجستان به عنوان جمهوری مستقل و قانونی جزو شوروی گردیدند.^۲

در ۱۸ نوامبر سال ۱۹۹۱ پس از ۷۱ سال حکومت کمونیست‌ها، مجدداً در این منطقه حکومت جمهوری مستقلی با نام «جمهوری آذربایجان» به وجود آمد که از اهداف سیاسی گذشته جدا نبود.

اکنون جمهوری آذربایجان تعلق جغرافیایی و نام تاریخی خود را عوض کرده

۱. بارتولد، جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام، ص ۲۲۶.

۲. محمدحسین افشردی، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران،

است و در حالی که هیچ‌گونه سند تاریخی مبنی بر نامیدن این منطقه به اسم «جمهوری آذربایجان» وجود ندارد، اما با وجود اغراض سیاسی مورد اشاره، کمتر هفته‌ای است که تنش سیاسی یا اجتماعی یا امنیتی به واسطهٔ این نیت، علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح نگردد.

۲. تاریخچهٔ سیاسی

در دوران حکومت هخامنشی، بخش گسترده‌ای از منطقهٔ قفقاز از جمله گرجستان، آران و ارمنستان جزو ایالات و فرمان‌گزاران ایران بوده‌اند. در زمان داریوش با تقسیم کشور، چند ایالت یا استان یا والی نشین (ساتراپ) به وجود آمد که به ایران خراج می‌دادند و حتی والیان آنها نیز از سوی ایران منسوب می‌شدند و دولت‌های ایران بر تمامی یا بیشتر مناطق قفقاز حکم‌رانی می‌کردند. در این دوران، فرهنگ، زبان و اقتصاد ایرانی بسیار تأثیرگذار بود.^۱ با سقوط امپراتوری ساسانی و فتح ایران توسط اعراب، این منطقه نیز به تصرف مسلمانان درآمد و با وجود برخی مقاومت‌های پراکنده، در همان سال‌های ابتدایی، مردم بیشتر نقاط مسلمان شدند و به تدریج، اسلام رشد و گسترش یافت. این منطقه در اوایل اسلام، توسط مأموران خلفا اداره می‌شد. در عهد، اموی زیر نظر مستقیم حکام اموی شام بود، ولی از زمان عباسیان با ایجاد حکومت‌های کوچک در منطقه، به صورت خراج‌گزار و نیمه‌مستقل درآمد. از جملهٔ این حکومت‌ها می‌توان به سالاریان، شدادیان و شروان‌شاهان اشاره کرد.^۲

مسلمانان در دههٔ دوم هجری پس از فتوحات اولیه در ایران، به سمت منطقهٔ قفقاز نیز لشکر کشیدند و طی سال‌های ۲۰ تا ۳۰ هجری و از مسیر آذربایجان،

۱. همان، ص ۳۱۳.

۲. ر. ک. احمد کسروی، شهریاران گمنام، ص ۲۰.

سرزمین‌های حاشیه دریای مازندران تا دهانه رود ولگا (محل استقرار قوم خزر) به تصرف قوای اسلام درآمد.

بررسی منطقه قفقاز طی ۲۱ قرن قبل از ظهور سلسله صفویه نشان می‌دهد که ایرانیان به طور مستقیم یا از طریق سلسله‌های ایرانی تبار بر تمام یا بخش اعظم منطقه حاکمیت داشته‌اند. طی این مدت، سلسله‌های هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان به طور آشکارا و مستقیم بر منطقه حاکم بوده و در دوران ورود اسلام تا استیلای مغولان نیز ایرانیان از طریق حضور در نظام حکومتی یا سلسله‌های ایرانی تبار، منطقه را تحت کنترل خود داشتند.^۱ پس از ظهور صفویه و اختلافات امپراتوری عثمانی، صفوی، منطقه قفقاز به عنوان سرحد، چند بار بین صفوی و عثمانی دست به دست شد و سرانجام در سال ۱۵۵۵ م / ۹۶۳ ق با انعقاد معاهده صلح «آرسیه» بخش شمالی گرجستان به دولت عثمانی، و ارمنستان، اردهان و کاریتل کاخت به ایران واگذار شد و از این زمان به بعد حکام آران، گرجستان و ارمنستان توسط پادشاهان صفویه منصوب می‌شدند و فرامین آنها در زمینه پرداخت خراج حکومتی به ایشان ابلاغ می‌گردید.^۲

با قدرت گرفتن نادرشاه دست دیگران از منطقه کوتاه شد. پس از مرگ نادرشاه، نظارت دولت مرکزی بر این سرزمین‌ها کمتر شد و به تدریج، خان‌نشین‌های محلی، که تحت تابعیت ایران بودند، به وجود آمدند. در قرن ۱۸ م چندین خان‌نشین، ملک‌نشین و سلطان‌نشین کوچک در مناطقی مانند قراباغ، طالش، شکی، شروان، گنجه و سایر مناطق حکومت می‌کردند. همین امر مقدمات حضور روس‌ها در قفقاز را فراهم نمود که به جنگ‌هایی خونین انجامید و در نتیجه

۱. محمدحسین افشردی، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران،

ص ۵۵.

۲. همان، ص ۳۱۶.

آن، سرزمین‌های ایرانی آن سوی ارس به اشغال روسیه درآمد.^۱ پس از نیمهٔ دوم قرن ۱۷ حرکت روس‌ها به سمت قفقاز شروع و طی قرن ۱۸ ادامه یافت و در نهایت، در سال ۱۸۱۳ تا ۱۸۲۸ طی جنگ‌های دوگانه و عهدنامه‌های «گلستان» و «ترکمان‌چای» منطقهٔ قفقاز به طور کامل از ایران جدا شد و به تصرف روسیه درآمد.

به طور کلی، جمهوری آذربایجان و مناطق همجوار آن طی قرون متمادی قبل و پس از اسلام تحت حاکمیت حکومت‌های ایرانی و همیشه جزئی از گسترهٔ فرهنگی و سرزمین ایران بوده‌اند.

۳. تاریخچهٔ ورود اسلام و تشیع

پیش از ورود اسلام به نواحی شمالی رود ارس در قرن هفتم، این منطقه به دلیل نامتجانس بودن بافت نژادی محل، برخورد و صحنهٔ رقابت ادیان گوناگون بود و مذاهب الهی و غیرالهی منطقه از جمله آتش‌پرستی، زرتشتی‌گری، بت‌پرستی، مزدکیسم، شمنیزم، یهودیت و مسیحیت در آن فعالیت می‌کردند.^۲ کلیسای نستوری نیز، که نمایندهٔ اندیشهٔ دیوفیزیتی بود؛ طرفداران فراوانی در منطقه داشت و مقاومت زیادی در مقابل گسترش اسلام از خود نشان می‌داد.^۳

الف. ورود اسلام

دین اسلام در قرن هفتم میلادی توسط اعراب به سرزمین‌های ایرانی آن سوی ارس نفوذ کرد و به تدریج، جایگزین دین مسیحیت شد. پیشروی مسلمانان در

۱. محمد رضایی، تاریخ تشیع در آذربایجان، ص ۴۲۴-۴۲۵.

۲. افندی، تاریخ آذربایجان، ص ۱۰-۳۰.

۳. خبرگزاری آران، س ۳، ش ۶، «تحولات اجتماعی - فرهنگی در آذربایجان، دین و احیای دینی»، ص ۹۰.

قفقاز، از آذربایجان ایران شروع شد. در سال ۲۲ هـ / ۶۴۲ م، مردم دربند با اسلام آشنا شدند و دین اسلام اندکی پس از آشنایی مردم آذربایجان با آن، به صورت دین اصلی آنها درآمد^۱ و به عنوان دین مسلط تا به امروز تداوم یافته و از زمان ظهور صفویان به تدریج تشیع در این منطقه رشد و گسترش پیدا کرده است.

ب. رواج تشیع

ظهور دولت صفوی موجب رسمیت یافتن تشیع و احیای هویت و وحدت مناطق گوناگون ایران گردید.

رواج و تداوم تشیع در جمهوری آذربایجان را می‌توان در سه دوره متفاوت بررسی کرد: دوره اول از زمان ظهور صفویه و رسمیت تشیع تا زمان اشغال این مناطق توسط روسیه تزاری؛ دوره دوم از زمان اشغال این کشور تا فروپاشی اتحاد شوروی؛ و دوره سوم از زمان استقلال تا عصر حاضر. هریک از این مقاطع زمانی را می‌توان به چند دوره دیگر نیز تقسیم کرد.

در اواخر محرم سال ۹۰۵ هـ شروع فعالیت شاه اسماعیل صفوی از سرزمین‌هایی بود که امروزه «جمهوری آذربایجان» نامیده می‌شود و توسط شروان شاهان اداره می‌شد که دست‌نشانده ملوک آق‌قویونلو بودند.^۲ وی پس از فتح باکو و تصرف قلعه گلستان و تصرف شامخی، نبرد نهایی را در بهار ۹۰۷ هـ در شروان انجام داد که به پیروزی قوای قزلباش انجامید.^۳

۱. خبرگزاری آران، س ۳، ش ۶، «تحوّلات اجتماعی - فرهنگی در آذربایجان، دین و احیای دینی» ص ۹۱.

۲. امیر صدرالدین ابراهیم امینی هروی، فتوحات شاهی، ص ۴۳۵.

۳. ولی‌قلی شاملو، قصص الخاقانی، ص ۳۶. نیز ر.ک. ترکمان اسکندر بیگ، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۲۸.

پس از تصرف تبریز و رسمیت یافتن تشیع، حملات خود را در تقویت تشیع در مناطق ایرانی آن سوی ارس انجام داد و به تدریج، تشیع به مذهب اکثریت مردم تبدیل شد.^۱

ج. اسلام و تشیع در دوره تزارها

پس از شکست ایران در نبرد با امپراتوری روسیه و امضای معاهدات ننگین گلستان و ترکمان‌چای، مناطق شمالی ارس به اشغال امپراتوری روسیه درآمد. در ابتدای تسلط روس‌ها، آنها در امور داخلی خان‌نشین‌های محلی مداخله نمی‌کردند، ولی پس از مدتی که خود را از نظر سیاسی قدرتمند یافتند، به اعمال سیاست‌های جدید در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، ملیت و دین در این مناطق در جهت اهداف خود پرداختند.^۲ روابط روسیه تزاری با اسلام و مسلمانان تا حد چشمگیری به وسیله نقطه‌نظرات کلیسای پرو - اسلاو تعیین می‌گردید. میسیونرهای مسیحی پرو - اسلاو عموماً در مناطقی که اسلام ضعیف بود و مسلمانان با مسیحیان در آمیخته بودند فعالیت گسترده‌ای داشتند. روسیه تزاری برای ایجاد اختلاف بین مسلمانان، به تحریک و تفرقه بین ایشان می‌پرداخت و به منظور استحاله فرهنگی مردم در فرهنگ روسی، به تأسیس مدارس روسی و اعطای زمین، رتبه نظامی، نشان و حقوق بازنشستگی به علما برای جلب حمایت آنان اقدام می‌نمود.^۳

۱. الیاس واحدی، برآورد استراتژیک جمهوری آذربایجان، ج ۱ و ۲، ص ۳۱۲.

۲. خیرگزاری آران، س ۳، ش ۶، «تحولات اجتماعی - فرهنگی در آذربایجان، دین و احیای دینی».

۳. همان، ص ۹۴.

در این دوره، تزارها با هدف نظارت و کنترل مسائل دینی و نیز قطع رابطهٔ مسلمانان با حوزه‌های دینی ایران و عراق و نیز مراجع تقلید، به تأسیس ادارهٔ روحانیان و تربیت طلب و ابسته به خود پرداختند. تزارها بیشتر به جنبهٔ تعلّق فیزیکی و رسمی این مناطق توجه داشتند. با وجود برخی اقدامات برای تغییر هویت فرهنگی این منطقه، مانعی بر سر راه مراودات گوناگون با مردم ایران و سایر مناطق اسلامی نبود و تغییرات محسوسی در وضعیت فرهنگ دینی مردم ایجاد نشد. در این دوره، طلب آن سوی ارس برای کسب علوم اسلامی به حوزه‌های علمیهٔ ایران و عراق سفر می‌کردند و کاروان‌هایی از مسلمانان برای زیارت راهی شهرهای مذهبی ایران و عراق و حجاز می‌شدند. در زمان تزارها، قریب شصت هزار نفر از مسلمانان از طریق ایران یا راه‌های دیگر به مکه مسافرت کردند.^۱

در اواخر دورهٔ تزار، جمهوری آذربایجان تحت تأثیر روشن‌فکران مسلمان به سمت سکولاریستی شدن پیش رفت. در فاصلهٔ بین سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۷ افرادی ظهور کردند که در مجلات و جرایدی مانند *اکیچی* و *ملانصرالدین*، برخی از مراسم شیعی مانند پرپایی مراسم عاشورا و برخی سنت‌های قدیمی و مذهبی را مورد انتقاد قرار می‌دادند. در مقابل این تحریکات، علمای دینی با نوشتن برخی مطالب سعی می‌کردند عدم مخالفت دین با علم را نشان دهند.^۲

۱. خیرگزاری آران، س ۴، ش ۸ و ۹. «علمای دینی جمهوری آذربایجان بعد از جدایی از ایران»، به نقل از: هادی هاشمیان، *علمای قفقاز*، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۴۰.
 ۲. همان، س ۳، ش ۶. «تحولات اجتماعی - فرهنگی در آذربایجان، دین و احیای دینی»، ص ۹۵.

د. کمونیسم؛ فراموشی مبانی اعتقادی و ترویج الحاد

با سقوط تزاریسم، به مدت هفتاد سال کمونیزم بر مناطق مسلمان‌نشین به ویژه آذربایجان، سایه افکند و به اجبار دین و مذهب برای مدتی از صحنه عمومی جامعه کنار رفت.^۱ از اوایل دهه ۲۰ قرن بیستم، یعنی دهه اول حکومت کمونیزم، نظارت‌های شدیدی بر مسائل دینی و دین‌داری اعمال و تحقیر دین شروع شد و به اعمال فشار و دست‌گیری و حبس دین‌داران اقدام کردند. بسیاری از علما دستگیر و به سبیری تبعید شدند و عده بسیاری نیز به شهادت رسیدند؛ ولی با توجه به وابستگی شدید مردم به مبانی دینی و اسلامی و با وجود تبلیغات شدید ضد دینی، در عمل، نوعی احتیاط در سرکوب و کشتار مردم رعایت می‌شد. با روی کار آمدن استالین در اواخر سال ۱۹۲۸ مبارزه با دین شدت بیشتری گرفت و در قالب قتل‌عام‌های وسیع دین‌داران و روحانیان و نیز تخریب مساجد و سایر موارد به شیوه بسیار افراطی انجام شد. این زمان یکی از مصیبت‌بارترین دوره‌های تاریخ آذربایجان به شمار می‌رود.

در این دوره، حکومت شوروی (سابق) برای جلوگیری از تجمع مردم به منظور انجام اعمال دینی، به ویران کردن مساجد پرداخت. (پیش از استقرار نظام کمونیزم در جمهوری آذربایجان، قریب دو هزار مسجد در این کشور فعال بودند). در سال ۱۹۳۰ بیشتر مساجد یا تعطیل شدند یا کاربری آنها را تغییر دادند و با قطع ارتباط مناطق مسلمان‌نشین با سایر ملت‌های مسلمان و ایجاد نفاق و اختلاف بین شیعه و سنی، به پیشبرد اندیشه «دین؛ افیون ملت‌ها» و ترویج آن پرداختند.

شروع جنگ جهانی دوم و حمله آلمان نازی به شوروی (سابق) موجب شد تا حکام وقت موقتاً دست از برنامه‌های خود بردارند و در عرصه دینی برای جذب داوطلبان جنگ و دادن روحیه به سربازان آزادی‌های محدودی اعمال شود، ولی

با پایان یافتن جنگ، اعمال محدودیت‌ها دوباره آغاز شد و تا سال ۱۹۶۰ تمام فعالیت‌های مذهبی و انجام واجبات دینی به صورت مخفیانه انجام می‌شد. شدت ممنوعیت‌ها و خفقان علیه دین‌داران به حدّی بود که مسلمانان در انجام فرایض دینی خود، حتی به دیوار خانه‌هایشان نیز اعتماد نداشتند. کوچک‌ترین زرمهٔ دینی سرکوب و به مجازات‌های شدید محکوم می‌گردید. در این دوره، رژیم کمونیستی با توجه به سیاست‌های جهانی و نفوذ در ملل اسلامی، به بازگشایی ادارهٔ روحانیان قفقاز، که تا سال ۱۹۴۲ تعطیل بود، اقدام کرد. هدف از بازگشایی این اداره، علاوه بر پاک نمودن چهرهٔ شوروی از یک کشور کافر و بی‌دین، تربیت روحانیان وابسته بود.

سیاست شوروی پس از جنگ مبتنی بر نوعی تسامح بود تا از اسلام به نفع دولت بهره ببرد. از سیاست‌های دیگر ایشان در آذربایجان برای قطع پیوندهای دینی و تاریخی مردم با گذشتهٔ اسلامی و ایرانی، بر هم زدن ترکیب قومی و مذهبی منطقه با اسکان آرامنه و روس‌ها بود. در برخورد با تشیع، از جانب کمونیسم‌ها دو نوع رفتار مشهود بود: از یک‌سو، مانند سایر مذاهب، تشیع نیز از صحنهٔ زندگی اجتماعی بیرون رانده شد و به امری خصوصی در داخل منازل تبدیل گردید و با تعطیلی مساجد، مراسم شیعی مانند عزاداری عاشورا نیز ممنوع شد. از دیگر سو، نفوذ مذهب در زندگی خصوصی مردم افزایش یافت؛ حتی در برخی محله‌ها به آموزش محدود دینی کودکان اقدام می‌شد. تداوم تشیع در آذربایجان در عصر استیلای کمونیسم را باید در ادامهٔ برخی سنت‌ها جست و جو نمود؛ مسائلی مانند سنت تدفین و اعمال و مراسم مربوط به آن، ختنه، ازدواج و آداب و رسوم آن در بقای ظاهری تشیع در این کشور دارای نقش بود. در عصر کمونیسم باید این‌ها را به عنوان پدیده‌ای فرهنگی، که با هویت ملی گره خورده بود، مورد ارزیابی قرار داد.^۱

۱. محمد رضایی، تاریخ تشیع در آذربایجان، ص ۱۴۰.

هـ استقلال جمهوری آذربایجان و رواج مجدد تشیع

پس از کسب استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱، دین به تدریج، به عرصه زندگی اجتماعی مردم بازگشت و با آنکه بسیاری از مقامات این کشور از افراد بازمانده دوره حکومت شوروی (سابق) بودند و خط مشی لائیک و ملی‌گرایی را در پیش گرفتند، ولی در کنار آن، بنا به دلایل گوناگون سعی کردند از مشروعیت و مقبولیت اسلام در چارچوب خاص خود استفاده نمایند. جامعه و فضای دینی و اعتقادی جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی شوروی، شاهد تحولات و فراز و نشیب‌های فراوانی بود. زدودن هویت اسلامی در دوره کمونیزم آثار منفی خود را پس از استقلال با ایجاد نوعی خلأ سردرگمی در مردم نشان داد.

این نکته را نباید از یاد برد که مردم این کشور به صورت اسمی مسلمان و شیعه بودند ولی عاملان شریعت به ندرت در میان آنها مشاهده می‌شدند. ولی با وجود این، دین و مذهب در خاطره مردم به روش‌های گوناگون حفظ شده بود؛ چنان‌که در حرکات استقلال‌خواهانه مردم این کشور، شعارهای اسلامی مطرح گردید، و در بقای دین در جمهوری آذربایجان، علاوه بر تأییدات غیبی، باید از تلاش‌های مؤمنان و نقش مراسم مذهبی مرسوم و سنتی مانند عراداری‌ها، سفره‌های احسان، سفره‌های منتسب به ائمه اطهار علیهم‌السلام تلاش علمای دینی نام برد. به طور کلی، با توجه به عدم تصریح به نام دینی خاص در قانون اساسی و رسمیت نداشتن آن، شاهد آشفتگی فضای دینی با انواع تبلیغات از سوی ادیان گوناگون و نحله‌های الحادی مانند بهائیت، وهابیت، مسیحیت و حتی شیطان‌پرستی هستیم. ولی اخبار و گزارش‌ها و ارزیابی‌های موجود، به ویژه در زمینه حضور مردم در مناسبت‌های دینی، تعلق بسیار به فرهنگ گذشته، رشد روزافزون حجاب، و آیین‌های اسلامی، می‌توان ادعا کرد که اسلام در این کشور در حال تقویت و گسترش است و ارزش‌های دینی به تدریج رونق می‌یابد. مخالفت با تصویب لوایح ضد دینی همچون ممنوعیت حجاب، ممنوعیت پخش اذان، اعتراض‌های گسترده علیه رژیم اشغالگر قدس، و ممانعت از گشایش پارک دوستی با اسرائیل نمونه‌هایی است که حکومت را مجبور به عقب‌نشینی نمود.

فصل دوم

وضعیت جغرافیایی

و آب و هوایی

۱. مختصات جغرافیایی

جمهوری آذربایجان در ۳۸ درجه و ۲۵ دقیقه تا ۴۱ درجه و ۵۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۴ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۵۱ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. طول آن از شرق به غرب ۵۰۰ کیلومتر و عرض آن از شمال تا جنوب ۴۰۰ کیلومتر است.

جمهوری آذربایجان شبیه یک ستاره دریایی با شش بازوست (جدا از بخش مجزای نخجوان) که تنها یک بازوی آن (پیشرفتگی شبه جزیره آبشرون در خزر)، که محصول طبیعت است، بقیه نتیجه تقسیم سیاسی و تفکیک سرزمین کشورهای همجوار از یکدیگر است.^۱

۲. مساحت و مرزها

جمهوری آذربایجان با ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع مساحت، دارای ۲۱۷۳ کیلومتر مرز خشکی با ۵ کشور هم‌مرز است: از شمال با روسیه (جمهوری خودمختار داغستان) به طول ۲۸۰ کیلومتر، از شمال شرقی با گرجستان به طول ۳۴۰ کیلومتر، از غرب با ارمنستان به طول ۷۶۶ کیلومتر (از طریق نخجوان)، از جنوب با ایران به طول ۶۱۸ کیلومتر، از غرب با ترکیه به طول ۱۱ کیلومتر، و از شرق با ۸۲۵ کیلومتر به ساحل دریای مازندران (خزر) محدود می‌شود.^۲

۱. محمدحسین افشردی، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران،

ص ۳۹.

۲. بهرام امیراحمدیان، جغرافیای کامل قفقاز، ص ۱۳.

۳. شرایط طبیعی

الف. آب و هوا

مناطق آذربایجان آب و هوای گوناگونی دارد. در بخش مرکزی و شرقی این کشور زمستان‌ها ملایم و طولانی است؛ ضمن آنکه دمای هوا در تابستان‌ها بسیار افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، در بخش‌های جنوب شرقی آذربایجان، میزان بارندگی در سال به ۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ میلی‌لیتر می‌رسد. منطقه خودمختار نخجوان نیز دارای آب و هوای قاره‌ای خشک با زمستان‌های سرد و تابستان‌های گرم است. مجموع درجه حرارت مناطق گوناگون آذربایجان از حداکثر ۴۳ درجه سانتی‌گراد در تابستان (در بخش‌های مرکزی) تا حداقل ۳۰ درجه سانتی‌گراد در زمستان (در بخش‌های کوهستانی) متغیر است. میزان بارندگی نیز در بخش‌های گوناگون این سرزمین از ۲۰۰ میلی‌متر در سال (در بخش‌های جنوب شرقی) تا حداکثر ۱۸۰۰ میلیمتر در سال (در منطقه لنگران) تغییر می‌کند.^۱

اقلیم‌های آب و هوایی جمهوری آذربایجان عبارت است از:

۱. اقلیم نیمه بیابانی و بیابانی خشک در ۵۰ درصد از قلمرو کشور در دشت‌های گر، ارس و نخجوان؛
۲. اقلیم معتدل - گرم در ۳۰ درصد از قلمرو کشور در کوه‌پایه‌های قفقاز و نواحی کوهستانی کم ارتفاع از جمله جلگه لنگران و مناطق تالش؛
۳. اقلیم سرد در ۲۰ درصد از قلمرو این جمهوری در نواحی کوهستانی مرتفع، از جمله در قسمت‌هایی از نخجوان و منطقه قره‌باغ؛
۴. اقلیم کوهستانی توندرا در ارتفاعات بیش از ۲۷۰۰ متر.^۲

1. www.rasekhoon.net, 2009.

۲. بهرام امیراحمدیان، جغرافیای کامل قفقاز، ص ۱۳.

ب. رودخانه‌ها و دریاچه‌ها

در جمهوری آذربایجان، شبکه متراکم رودها، قلمرو کشور را همچون شبکه تارهای عنکبوتی پوشش داده است. در این کشور قریب ۸۴۰۰ رود وجود دارد که طول حدود ۸۵۰ رود بیش از ۵ کیلومتر است و ۲۱ رود با بیش از ۱۰۰ کیلومتر جریان دارد. رودخانه «گُر» (کورا) بزرگ‌ترین رود منطقه قفقاز ۱۵۱۵ کیلومتر طول دارد که ۹۰۰ کیلومتر آن در اراضی جمهوری آذربایجان جاری است و نقش مهمی در زندگی اقتصادی و شکل‌گیری الگوهای زندگی مردم ایفا می‌کند. دومین رود بزرگ این کشور رودخانه «ارس» نام دارد که رود مرزی ایران و جمهوری آذربایجان است و از ارتفاعات کوه‌های بین‌گُل ترکیه سرچشمه می‌گیرد. طول این رود از سرچشمه تا مصب ۱۰۷۲ کیلومتر است. سومین رود کشور «ترتر» است که در نواحی کلبجر، مارداکرت، میریشیر و بردع جریان دارد. رودهای بلغار، گوی تپه، ولش، قوم‌باشی، سودا شار، بشرو و آستارا، که در منطقه جنوب و تالش‌نشین این کشور جریان دارد، و رودهای آغستا، شامخور، طاووس، زهیم، قوشقا، گنجه، ترتر و خاچین، که از رشته‌کوه‌های قفقاز کوچک سرچشمه می‌گیرد و در اراضی آذربایجان جاری می‌شود، از دیگر رودخانه‌های این کشور است.

در این کشور قریب ۴۰۰ دریاچه وجود دارد که ۲۵۰ دریاچه دائمی است و از این میان، ۲۵ دریاچه مساحتی بیش از یک کیلومتر دارد. دریاچه‌های اراضی آبخوران و قوبستان، دریاچه‌های آلاگول بزرگ و کوچک، دریاچه‌های یخچالی شاه داغ، دریاچه‌های مانداب گُر، جیران چول، بینه قدی، ماسازیر، گوی گول، مارال گول، قانلی گول، ساری سو، حاجی قبول، بیوک شور، جاندار گول، آجی‌نور و دریاچه‌های سدهای ارس، سرسنگ، شمکیر، مینگه چویر، از آن جمله‌اند.^۱

ج. کوه‌ها

قریب ۶۰ درصد از کل مساحت این کشور را اراضی کوهستانی تشکیل می‌دهد. متوسط بلندی اراضی آن ۶۵۷ متر است. قلّه «بازار دوزو» بلندترین نقطه جمهوری آذربایجان است که قریب ۴۴۶۶ متر ارتفاع دارد. رشته کوه‌های قفقاز بزرگ با سه رشته اصلی، که از شبه جزیره تامان در غرب تا دماغه شبه جزیره آبشوران و از آنپا تا سومقائیت کشیده شده است، رشته کوه‌های قفقاز کوچک بین دریای سیاه و رود ارس، رشته کوه شاه داغ در مرز بین جمهوری‌های ارمنستان و آذربایجان، رشته کوه‌های تالش در جنوب غربی و شمال غربی و در همسایگی با ج. ا. ایران، رشته کوه موروداغ از شاه داغ تا درّه ترتر با قلّه جامیش داغ، و رشته کوه زنگه زور در امتداد شمالی - جنوبی در مرز نخجوان و ارمنستان با قلّه قاپیچیق کوه‌های مهم این جمهوری هستند.^۱

د. دشت‌ها و جلگه‌ها

پست‌ترین نقطه جمهوری آذربایجان در کناره دریای خزر ۲۸ متر بلندتر از سطح آب‌های آزاد جهان است. مجموعاً ۸۶۱۰۰ کیلومتر مربع از خاک این سرزمین در خشکی و ۵۰۰ کیلومتر مربع از آن در آب قرار دارد. از این مقدار، ۱۸ درصد از اراضی آذربایجان قابل کشاورزی، ۵ درصد به صورت آیش دایمی، ۲۵ درصد مراتع طبیعی و ۱۱ درصد جنگلی است. مابقی خاک آذربایجان را استپ‌های نسبتاً خشک تشکیل می‌دهد. فلات قفقاز جنوبی در مسیر میانی رود ارس، دشت مغان در جنوب رشته کوه قفقاز کوچک، جلگه لنکران در جنوب شرقی کشور با درازای ۱۱۰ و پهنای ۳۰ کیلومتر، جلگه گُر - ارس در مسیر پایین رودهای ارس - گُر با درازای ۲۵۰ کیلومتر و با دشت‌های مشهور شیروان، قره‌باغ، میل،

مغان و سالیان، جلگه سامور - دوه‌چی بین دامنه‌های شمالی قفقاز بزرگ و دریای خزر با معادن نفت، و دشت گنجه - قازاخ در دامنه‌های شمال شرقی کوه‌های قفقاز کوچک و رود گر از مشهورترین دشت‌ها و جلگه‌های این کشور به شمار می‌آیند.^۱

جنگل‌های این کشور ۱۱ درصد از کل مساحت را به خود اختصاص داده و عمدتاً در مناطق کوهستانی قرار دارند. ایمیشلی، آق‌دره، و لاجین از مناطق جنگل‌خیز هستند.

جزایر متعلق به جمهوری آذربایجان در دریای خزر عبارتند از: بوللا، چیکیل، چیلو، زنبیل، سنگی مغان، گیل، گیلین‌یانی، پیراللهی، قاراسو، قوم، نارگین، وولاف.

۵. منابع زیرزمینی

نفت و گاز اصلی‌ترین و مهم‌ترین منبع زیرزمینی این کشور به شمار می‌آید، به گونه‌ای که در دهه پنجاه قرن گذشته، اصلی‌ترین تأمین‌کننده نفت و گاز اتحاد جماهیر شوروی بوده است. در قلمرو جمهوری آذربایجان، سه نوع مواد معدنی ارزشمند وجود دارد که عبارتند از: فلزات، غیرفلزات، و مواد معدنی. در دو سوم مساحت این کشور، منابع عظیم نفت و گاز وجود دارد که بیشترین لایه‌ها در شبه‌جزیره آبهشوران، سکوی قاره خزر و مجمع‌الجزایر آن قرار دارد. علاوه بر آن، نواحی شیروان، آران، قوبستان، جیران چول، سیه‌زن و آجی‌نهور نیز دارای منابع نفت هستند. بیش از ۷۰ درصد نفت موجود در لایه‌های بیش از ۳۰۰۰ متری قرار دارد. منابع گاز علاوه بر مناطق نفت‌خیز مزبور، در منطقه قاراداغ، اسماعیلی و قوبستان نیز یافت می‌شود.

از منابع فلزی، می‌توان از آلونیت، آهن، کبالت، مس و فلزات پلی متال، آهن، منگنز، تیتان، کرومیت، نمک، گوگرد، باریت، و جیوه در داش کسن، باکو، کلبجر، گوموشلو، آق درّه، نخجوان، زاکاتالا، و بالاکن نام برد. معادن غیرفلزی آهک، گچ، ماسه، سنگ و رس در قوبستان، آبشوران، طاووس، نخجوان، گرانبوی، نهرم نفت چالا، و شیروان به وفور یافت می‌شود.^۱

۴. جغرافیای انسانی

الف. شهرها

شهرهای جمهوری آذربایجان از گذشته‌های دور، مراکز تجارت و صنعت بوده و شهرهایی همچون باکو، شاماخی، نخجوان و شکی محل عبور و مرور تجار خارجی از اقصا نقاط دنیا به شمار می‌آمده است. در دوران حکومت کمونیست‌ها، اگرچه از اهمیت سایر شهرها همچون گنجه و شکی و شاماخی کاسته شد، اما باکو همچنان جزو شهرهای مهم و پنجمین شهر شوروی (سابق) بود و شهرهای صنعتی دیگری همچون سومقائیت و مینگه چویر ایجاد شدند.

باکو یا بادکوبه (سابق) بزرگ‌ترین بندر دریای خزر و پرجمعیت‌ترین شهر حوزه این دریاست که با احتساب شهرک‌های اطراف، بیش از ۲۲۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد که ۲۵ درصد از جمعیت کل کشور را در خود جای داده است. باکو به «شهر صنعت»^۱، بخصوص صنایع نفت و گاز، مشهور است و تولیدات بیش از حد منابع نفتی در آن، آلودگی‌های زیست محیطی بسیاری را در خشکی و دریا موجب شده است. بندری بودن این شهر، و سابقه تاریخی آن، که بیشتر آثار گذشتگان در منطقه‌ای به نام «ایچری شهر» در کنار ساحل دریا قرار گرفته است، و نیز شهرت آن به عنوان شهر موسیقی و شعر، شهر موزه و تئاتر و شهر مجسمه از خصوصیات آن است. بیشتر مردم این شهر شیعه‌اند.

گنجه با جمعیت تقریبی ۳۰۰ هزار نفر، از دیگر شهرهای تاریخی و مشهور جمهوری آذربایجان است. شهرت در دین‌داری و مردانگی، معروف بودن در شعر و شخصیت‌های شیعی، و صنعت و معماری از ویژگی‌های این شهر است. بیشتر مردم این شهر شیعه‌اند. مشکلات اقتصادی موجب شده است مردان این شهر برای کسب درآمد، راهی سایر کشورها، بخصوص روسیه، گردند.

سومقائیت، سومین شهر پرجمعیت با جمعیت تقریبی ۲۸۰ هزار نفر، در زمان حاکمیت کمونیست‌ها ایجاد شده است. صنایع پتروشیمی آن مشهور بود که امروزه به تلی از آهن قراضه تبدیل شده است. قرار داشتن در نزدیکی شهر باکو و کنار ساحل دریای خزر بر اهمیت آن افزوده است. بیشتر مردم این شهر نیز شیعه‌اند.

ده شهر مهم و پرجمعیت جمهوری آذربایجان عبارتند از: باکو (۱۸۹۳۰۰۰ نفر)، گنجه (۳۰۷۰۰۰ نفر)، سومقائیت (۲۶۸۰۰۰ نفر)، مینگچویر (۹۵۵۰۰ نفر)، نخجوان (۷۰۴۰۰ نفر)، شیروان (۶۹۶۰۰ نفر)، شکی (۶۲۵۰۰ نفر)، یولاخ (۵۴۷۰۰ نفر)، خان‌کندی (۵۳۰۰۰ نفر)، لنکران (۴۸۵۰۰ نفر)، آق‌دام (۳۹۵۰۰ نفر)، بردع (۳۸۰۰۰ نفر).^۱ شاماخی، شوشا، قوبا، زاکاتلا، علی‌بایراملی، صابرآباد، ساعاتلی و ایمیشلی از دیگر شهرهای این جمهوری هستند.

ب. مناطق شیعه‌نشین و سنی‌نشین و ارمنی‌نشین

به طور دقیق، آمار جمعیت شیعیان و اهل سنت در مناطق این کشور مشخص نیست، اما بر اساس مشاهدات، آمارهای منتشر شده مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی، اخبار و سایر مستندات، شیعیان در تمامی مناطق کشور حضور دارند و به استثنای مناطق شمالی و منطقه شیروان، در سایر مناطق در اکثریت قرار دارند. منطقه

مرکزی شامل باکو و شهرها و شهرک‌های اطراف آن با بیش از ۳ میلیون نفر جمعیت؛ مناطق جنوبی و هم‌مرز با جمهوری اسلامی ایران، بخصوص شهرهای آستارا، لنکران، ماسالی و لریک؛ منطقه میل مغان از جمله شهرهای جلیل آباد، بیله سوار، صابرآباد، ساعتلی، ایمیشلی؛ و همچنین اکثریت قریب به اتفاق (بیش از ۹۵ درصد) منطقه خودمختار نخجوان از اصلی‌ترین مناطق حضور اکثریتی شیعیان هستند. اهل سنت بیشتر در شهرهای قازاخ، تووز، آغستا قبا، قُصار، خاچماز، اسماعیلی، زاقاتالا، شکی، قاخ و بالاکن حضور دارند.

پس از استقلال جمهوری آذربایجان و بروز بحران و جنگ میان این کشور و ارمنستان، آذری‌های منطقه قره‌باغ اخراج شدند و در سایر مناطق سکنا گزیدند و آرامنه ساکن در مناطق آذری‌نشین نیز به ارمنستان و قره‌باغ کوچانده شدند. جنگ گسترش یافت و بیش از ۲۰ درصد اراضی جمهوری آذربایجان به اشغال آرامنه در آمد. در حالی که در طول تاریخ اکثریت منطقه قره‌باغ از آن مسلمانان بود، پس از حکومت کمونیست‌ها با کوچ‌های اجباری و سیاست‌های نژادی، تلاش شد این ترکیب به هم بخورد؛ مثلاً، در شهر شوشا قریب ۱۰۴۸ خانوار آذری و ۴۷۴ خانوار ارمنی زندگی می‌کردند. در روستاهای قره‌باغ نیز تعداد نفوس آرامنه ۱۲۹۰۲ نفر و جمعیت مسلمانان ۴۳۳۱۱ نفر بود.^۱ پس از این تاریخ، با اعمال سیاست حکومت تزار مبنی بر برهم‌زدن ترکیب جمعیتی قره‌باغ، از نواحی گوناگون داخل حکومت تزار و یا خارج آن، از آن جمله ایران و ترکیه، آرامنه، مهاجر به قره‌باغ کوچانده شدند. کمونیست‌ها این‌گونه در جهت ایجاد مناطق بحران‌خیز در نقاط گوناگون اتحاد جماهیر شوروی (سابق) تلاش می‌کردند با شروع بحران قره‌باغ و شعله‌ور شدن جنگ میان ارمنستان و آذربایجان، ترکیب جمعیتی کاملاً به هم خورد و مهاجرت‌های بزرگی بین دو کشور صورت گرفت. مسلمانان و

۱. قره‌باغ در چشم‌انداز تاریخ ایران، ص ۱۱۸.

آذری‌های منطقه خودمختار قره‌باغ و هفت شهر اطراف این منطقه به صورت آواره به سایر نقاط آذربایجان مهاجرت کردند. طبق ادعای دولت آذربایجان بیش از یک میلیون آذری آواره در این کشور ثبت شده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی این رقم را بیش از ۸۰۰۰۰۰ نفر اعلام نکرده‌اند.

ج. پرچم ملی

پرچم جمهوری آذربایجان از سه نوار افقی مساوی، از رنگ‌های آبی (فوقانی)، قرمز (میانی) و سبز (تحتانی) تشکیل شده است. هلال سفیدرنگ ماه و ستاره هشت پر در قسمت میانی قرار دارد. رنگ آبی نشان اصلیت ترک مردم آذربایجان است. رنگ سرخ پرچم به نشانه پیشرفت و حرکت به سوی دموکراسی و مدرنیته است. رنگ سبز نشانه مدنیت و تاریخ اسلامی است. این پرچم در اواخر دهه ۱۹۱۰ تا ضمیمه شدن آذربایجان به اتحاد جماهیر شوروی، استفاده می‌شد.

در ۹ نوامبر ۱۹۱۰ دولت جمهوری دموکراتیک آذربایجان طرح پرچم سه‌رنگ دیگری را به تصویب رسانید. این پرچم پس از انضمام جمهوری آذربایجان به شوروی (سابق) لغو گردید.

در ۱۷ نوامبر ۱۹۹۰ پرچم سه‌رنگی توسط مجلس عالی جمهوری خودمختار نخجوان به عنوان پرچم ملی پذیرفته شد. در همین جلسه، این پرچم به عنوان پرچم ملی آذربایجان به شورای عالی آذربایجان شوروی (سابق) پیشنهاد شد. در ۵ فوریه ۱۹۹۱ شورای عالی جمهوری شوروی آذربایجان پیشنهاد مزبور را تصویب کرد.

فصل سوم

جمعیت

مقدمه

شناخت ویژگی‌های جمعیتی هر کشور پایه و اساس برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است و تا زمانی که سرشماری‌ها و مطالعات آماری علمی انجام نشود امکان تصمیم‌گیری برای مسئولان کشوری و لشکری وجود ندارد و محققان علوم اجتماعی نیز امکان بررسی‌های دقیق نخواهند داشت.

یکی از معضلات اجتماعی کشورهای جهان سوم از جمله جمهوری آذربایجان، نبود آمارهای دقیق بر پایه اصول علمی شناخته شده در محافل علمی و دانشگاهی است. در این حالت، سرشماری‌های منظم صورت نمی‌گیرد و آمارها بر اساس خواست و سیاست حکومت‌ها دست‌کاری می‌شود و مطابق سلیقه‌ها و اهداف سیاسی - امنیتی خاص توصیف، تحلیل و تفسیر می‌گردد. جمهوری آذربایجان اگرچه تا دو دهه قبل در ترکیب اتحاد جماهیر شوروی (سابق) قرار داشت و اطلاعات آماری دقیق آن در اختیار نهادها و بخش‌های حکومتی این رژیم قرار داشت، اما بر اساس ماهیت این رژیم، در انتشار دقیق آمار مربوط به مذاهب و قومیت‌ها ملاحظات گوناگونی در نظر گرفته می‌شد. با توجه به این مطالب، در بررسی متغیرهای جمعیتی این کشور، با مشکلات و مسائل متعددی مواجهیم، اما تلاش خواهیم کرد با مقایسه اسناد در دسترس، مشاهدات و بررسی‌های دو دهه گذشته، و بررسی‌های مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی داخلی و بین‌المللی به شناخت نزدیک به واقعیت جمعیت جمهوری آذربایجان دست یابیم. برخی از مسائل جمعیتی این کشور از این قرار است:

جمعیت شیعیان، اهل سنت و سایر مذاهب اسلامی و غیراسلامی به صورت شفاف و دقیق بیان نمی‌شود، بلکه با ملاحظات سیاسی - امنیتی طرح می‌گردد. نهادهای حکومتی تلاش می‌کنند تا درصد شیعیان را پایین و درصد اهل سنت را بالا اعلام کنند. در کنار این، فعالیت‌های میسیونرهای مسیحی، سلفی‌های عرب و نورچی‌های ترکیه در ترکیب جمعیتی ادیان گوناگون تأثیر گذاشته است.

ترکیب قومیتی این کشور با توجه به تکثر اقوام و با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی - امنیتی، غیرواقعی نشان داده می‌شود. برای نمونه، در حالی که جمعیت تالش جمهوری آذربایجان بیش از ۱۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهد، در آمارهای رسمی گنجانده نمی‌شود و یا خیلی پایین (قریب ۲ درصد) اعلام می‌گردد.

بحران قره‌باغ و جنگ میان دو کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان موجب به هم خوردن ترکیب جمعیتی در منطقه خودمختار قره‌باغ و شهرهای اطراف آن شده است که قریب ۲۰ درصد اراضی جمهوری آذربایجان در آن قرار دارد و مردم این منطقه به سایر شهرها، بخصوص شهر باکو، مهاجرت اجباری نموده‌اند.

پس از استقلال این کشور، فقط یک‌بار، آن هم در ۲۷ ژانویه ۱۹۹۹ سرشماری صورت گرفته است و آمار بقیه سال‌ها بر اساس این سرشماری به صورت برآورد بیان می‌شود.

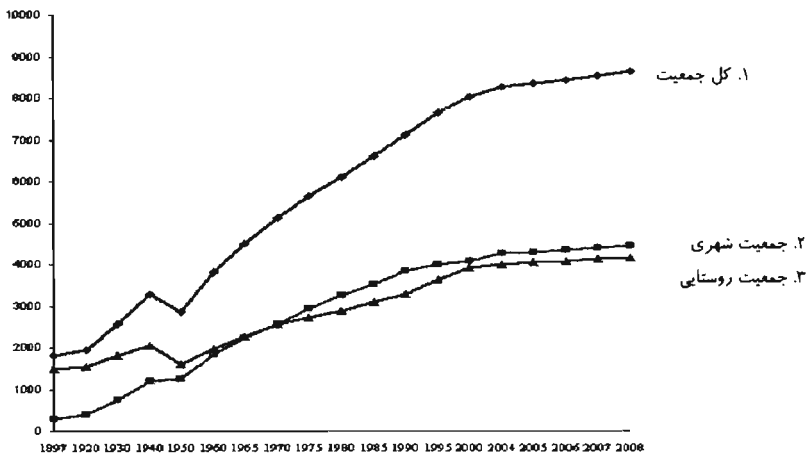
به دلیل مشکلات اقتصادی، تعداد فراوانی از مردم این کشور به کشورهای همسایه، بخصوص روسیه و ترکیه، مهاجرت نموده‌اند، به گونه‌ای که برخی از آمارهای غیررسمی حاکی از حضور تقریبی دو میلیون آذری در این کشورهاست.

۱. آمارهای جمعیتی

آخرین سرشماری جامع و رسمی، که در جمهوری آذربایجان انجام گرفته، سرشماری ۲۷ ژانویه ۱۹۹۹ است که بر این اساس، کل جمعیت این کشور ۷۹۵۳۴۰۰ نفر اعلام شد. از این تعداد ۴۰۶۴۳۰۰ نفر (۵۱/۱٪) در شهرها و ۳۸۸۹۱۰۰ نفر (۴۸/۹٪) در روستاها زندگی می‌کردند.

مطابق برآورد مرکز آمار این کشور، این تعداد در سال ۲۰۰۸ به ۸۶۲۹۹۰۰ نفر رسیده است که ۴۴۶۴۸۰۰ نفر (۵۱/۷٪) در شهرها و ۴۱۶۵۱۰۰ نفر (۴۸/۳٪) در روستاها زندگی می‌کنند. این ارقام نشان می‌دهد که جمعیت جمهوری آذربایجان در طول ۸ سال گذشته دارای رشد ۱/۱۶٪ بوده است. نمودار ذیل سیر رشد جمعیت این کشور را در یک سده گذشته نشان می‌دهد:

نمودار (۱): سیر رشد جمعیت جمهوری آذربایجان در یک سده گذشته^۱



با هدف بررسی کمی و اختصار در بیان آمارهای جمعیتی، در ذیل با استناد به مرکز آمار این کشور، جداول آماری جمعیتی را ارائه می‌کنیم:^۲

1. www.azstat.org, 2007.

2. www.azstat.org, 2009.

جدول (۱): توزیع جمعیت گروه‌های سنی ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸

سال	تعداد جمعیت			درصد			جمعیت زنان به ازای هر هزار مرد		
	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
کل جمعیت	۸۴۲۶۴۰	۸۵۳۲۷۰	۸۶۲۹۹۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۳۱/۸	۱۰۲۹/۲	۱۰۲۶/۷
۴-۰	۶۰۰۹۰۰	۶۳۹۷۰۰	۶۴۷۰۰۰	۷/۱	۷/۱	۷/۵	۸۵۶/۳	۸۵۴/۲	۸۵۴/۴
۹-۵	۶۰۶۶۰۰	۵۶۹۲۰۰	۵۷۵۷۰۰	۷/۲	۷/۲	۶/۷	۸۹۲/۱	۸۹۰	۸۷۵/۹
۱۴-۱۰	۸۵۹۳۰۰	۸۲۲۰۰۰	۸۳۱۳۰۰	۱۰/۲	۱۰/۲	۹/۶	۹۳۹/۳	۹۲۶/۹	۹۳۰/۱
۱۵-۱۹	۹۳۰۰۰۰	۹۲۸۴۰۰	۹۳۹۰۰۰	۱۱	۱۱	۱۰/۹	۹۵۳	۹۵۰/۶	۹۴۹/۸
۲۴-۲۰	۸۱۲۰۰۰	۸۴۴۷۰۰	۸۵۴۳۰۰	۹/۶	۹/۶	۹/۹	۹۶۲/۳	۹۵۹/۷	۹۵۸/۱
۲۹-۲۵	۶۸۰۴۰۰	۶۹۸۸۰۰	۷۰۶۸۰۰	۸/۱	۸/۱	۸/۲	۱۰۴۱/۴	۱۰۳۹/۱	۱۰۱۷/۱
۳۴-۳۰	۶۰۵۸۰۰	۶۱۴۷۰۰	۶۲۱۷۰۰	۷/۲	۷/۲	۷/۲	۱۱۰۸/۶	۱۱۰۵/۵	۱۰۲۱/۸

۳۹-۳۵	۶۶-۵۰۰	۶۵۱۰۰	۶۵۲۶۰۰	۶۱۸	۶۱۸	۶۱۶	۶۱۶	۱۱۳۴/۵	۱۱۳۱/۳	۱۱۱۷/۵
۴۴-۴	۶۸۸۲۰۰	۶۶۶۱۰۰	۶۹۱۹۰۰	۸/۲	۸/۲	۸/۲	۸	۱۱۱۰/۴	۱۱۰۸/۱	۱۱۲۱/۱
۴۹-۴۵	۶۱۱۸۰۰	۶۶۲۱۰۰	۶۶۹۶۰۰	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۵	۱۰۷۳/۲	۱۰۷۰/۳	۱۰۷۲/۱
۵۴-۵۰	۳۸۴۹۰۰	۴۲۲۶۰۰	۴۲۷۲۰۰	۴/۶	۴/۶	۴/۶	۵	۱۰۷۹/۴	۱۰۷۶/۳	۱۰۸۶/۹
۵۹-۵۴	۲۵۵۳۰۰	۲۸۰۱۰۰	۲۸۳۳۰۰	۳	۳	۳	۳/۳	۱۱۰۶/۴	۱۱۰۴/۳	۱۰۹/۷
۶۴-۵۹	۱۴۲۰۰۰	۱۳۷۷۰۰	۱۳۹۳۰۰	۱/۷	۱/۷	۱/۷	۱/۶	۱۱۹۴/۷	۱۱۹۲/۴	۱۱۹۳/۷
۶۹-۶۵	۲۴۸۹۰۰	۲۲۸۹۰۰	۲۳۱۵۰۰	۲/۹	۲/۹	۲/۹	۲/۷	۱۲۸۷/۳	۱۲۸۵/۷	۱۲۷۶/۳
۷۵-۷۰	۳۵۰۳۰۰	۳۷۶۸۰۰	۳۷۹۱۰۰	۴/۱	۴/۱	۴/۲	۴/۳	۱۴۵۸/۲	۱۴۵۱/۹	۱۱۴/۹

مرکز آمار جمهوری آذربایجان در ابتدای سال ۲۰۰۹ نیز آخرین آمار جمعیتی خود را به شرح ذیل منتشر نمود. بر این اساس، در سال ۲۰۰۸ جمعیت این کشور با افزایش قریب ۱۰۰ هزار نفری و با ۱۲ درصد رشد جمعیت، به ۸۷۳۰۰۰۰ نفر در اوایل سال ۲۰۰۹ رسید. بنابر گزارش کمیسیون ویژه، پراکندگی جمعیت در کشور ۱۰۱ نفر در یک کیلومتر مربع است و ۵۱/۷ درصد در شهرها و ۴۸/۳ درصد در روستاها ساکن هستند. ۴۹ درصد اهالی را مردان و ۵۱ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. نسبت جنسیتی در مقابل هر ۱۰۰۰ نفر مرد، ۱۰۲۷ نفر زن است؛ یعنی ۵۳/۹ درصد متولدان پسر و ۴۶/۱ درصد متولدان دختران هستند. ۲۳ درصد جمعیت در گروه سنی ۰ - ۱۴ ساله، ۷۰ درصد جمعیت در گروه سنی ۱۴-۶۴ ساله و ۷ درصد در گروه سنی ۶۵ سال به بالا قرار دارند. جمعیت گروه سنی ۱۴-۲۹ ساله ۳۱/۲٪ جمعیت را تشکیل می‌دهد.^۱

الف. امید به زندگی

طبق گزارش مرکز آمار، امید به زندگی در این کشور بالاست و امید به زندگی زنان بیش از مردان است. اگرچه در طول یک دهه گذشته نیز فراز و نشیب زیادی وجود نداشته و تقریباً رقم ثابتی در آمارهای جمعیتی دیده می‌شود، اما برداشت نگارنده که در طول بیش از یک دهه حضور و مراوده با مردم این کشور مشاهده کرده، با آنچه در آمارهای رسمی درج شده، متفاوت است. بیشتر مردم این کشور به سیگار معتادند و فقر اقتصادی نیز موجب شده است تا مردم در سطح اقتصادی پایینی قرار داشته باشند. وضعیت بهداشت، بخصوص در شهرهای کوچک و روستاها، نامناسب است و همین موجب پایین آمدن میانگین عمر می‌شود.

۱. www.azstat.Org, 2009;

نیز سایت مرکز آمار جمهوری آذربایجان، ۲۳ ژانویه ۲۰۰۹.

جدول شماره (۲): امید به زندگی از ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۸

سال	کل	مردان	زنان
۱۹۹۶	۷۰/۲	۶۶/۳	۷۳/۸
۱۹۹۷	۷۱/۲	۶۷/۴	۷۴/۶
۱۹۹۸	۷۱/۶	۶۷/۹	۷۵
۱۹۹۹	۷۱/۶	۶۸/۱	۷۵/۱
۲۰۰۰	۷۱/۸	۶۸/۶	۷۵/۱
۲۰۰۱	۷۱/۹	۶۸/۶	۷۵
۲۰۰۲	۷۲/۲	۶۹/۴	۷۵/۱
۲۰۰۳	۷۲/۳	۶۹/۵	۷۵/۲
۲۰۰۴	۷۲/۴	۶۹/۶	۷۵/۲
۲۰۰۵	۷۲/۴	۶۹/۶	۷۵/۲
۲۰۰۶	۷۲/۴	۶۹/۶	۷۵/۲
۲۰۰۸	۷۲/۴	۶۹/۷	۷۵/۱

ب. ازدواج و طلاق

جمهوری آذربایجان فرهنگ سنتی خود را حفظ کرده است. اگرچه در دو دهه گذشته مشکلات و معضلات اقتصادی موجب کاهش نرخ ازدواج و افزایش نرخ طلاق و همچنین بالا رفتن سن ازدواج شده، اما این مسئله زیاد محسوس نبوده است.

جدول شماره (۳): ازدواج و طلاق ۱۹۹۶ الی ۲۰۰۸

سال	در هر ۱/۰۰۰ نفر	
	ازدواج	طلاق
۱۹۹۶	۵/۱	۰/۷
۱۹۹۷	۶/۱	۰/۸
۱۹۹۸	۵/۲	۰/۷
۱۹۹۹	۷/۸	۰/۶
۲۰۰۰	۵	۰/۷
۲۰۰۱	۵/۲	۰/۷
۲۰۰۲	۵/۲	۰/۷
۲۰۰۳	۶/۹	۰/۸
۲۰۰۴	۷/۶	۰/۸
۲۰۰۵	۸/۷	۱/۱
۲۰۰۶	۹/۵	۰/۹
۲۰۰۷	۹/۷	۱

ج. جمعیت شهری و روستایی

این کشور از لحاظ جمعیت شهری و روستایی تقریباً در حالت تساوی قرار دارد. در حالی که بیش از ۲ میلیون نفر از جمعیت کشور (قریب ۲۵ درصد) در باکو زندگی می‌کنند، شهرهای پرجمعیت دیگر این کشور از جمله شهر گنجه و سومقائیت قریب ۳۰۰ هزار نفر جمعیت دارند. در این کشور، بیش از ۶۵ شهر وجود دارد و آمار ۵۱ درصد جمعیت شهری و ۴۹ درصد جمعیت روستایی با واقعیات موجود مطابقت ندارد، مگر اینکه نواحی اطراف باکو روستایی تلقی گردد.

جدول (۴): جمعیت شهری و روستایی ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸

سال	کل جمعیت	جمعیت روستا / شهر		درصد کل جمعیت	
		شهری	روستایی	شهری	روستایی
۲۰۰۲	۸۱۴۱۴۰۰	۴۱۳۰۱۰۰	۴۰۱۱۳۰۰	۵۰/۷	۴۹/۳
۲۰۰۳	۸۲۰۲۵۰۰	۴۱۵۴۳۰۰	۴۰۴۸۲۰۰	۵۰/۷	۴۹/۳
۲۰۰۴	۸۲۶۵۷۰۰	۴۲۵۱۳۰۰	۴۰۱۱۴۰۰	۵۱/۵	۴۸/۵
۲۰۰۵	۸۳۴۷۳۰۰	۴۲۹۸۳۰۰	۴۰۴۹۰۰۰	۵۱/۵	۴۸/۵
۲۰۰۶	۸۴۳۶۴۰۰	۴۳۵۶۶۰۰	۴۰۷۹۸۰۰	۵۱/۶	۴۸/۴
۲۰۰۷	۸۵۳۲۴۰۰	۴۳۹۷۶۰۰	۴۱۳۵۱۰۰	۵۱/۵	۴۸/۵
۲۰۰۸	۴۱۶۵۱۰۰	۴۴۶۴۸۰۰	۸۶۲۹۹۰۰	۵۱/۷	۴۸/۳

د. نرخ زاد و ولد

از دوره حکومت کمونیست‌ها و به دلایل اقتصادی و فرهنگی و حتی سیاسی، نرخ رشد جمعیت در این کشور کنترل می‌شود و جمعیت رشد متعادلی دارد.

جدول (۵): نرخ زاد و ولد ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷

سال	جمعیت			در هر ۱۰۰۰ نفر		
	زاد و ولد	مرگ و میر	رشد طبیعی	زاد و ولد	مرگ و میر	رشد طبیعی
۲۰۰۲	۱۱۰۷۱۵	۴۶۵۲۲	۶۴۱۹۳	۱۳/۸	۵/۸	۸
۲۰۰۳	۱۱۳۴۶۷	۴۹۰۰۱	۶۴۴۶۶	۱۴	۶	۸
۲۰۰۴	۱۳۱۶۰۹	۴۹۵۶۸	۸۲۰۴۱	۱۶/۱	۶/۱	۱۰
۲۰۰۵	۱۴۱۹۰۱	۵۱۹۶۲	۸۹۹۳۹	۱۷/۲	۶/۳	۱۰/۹
۲۰۰۶	۱۴۸۹۴۶	۵۲۲۴۸	۹۶۹۶۸	۱۷/۸	۶/۲	۱۱/۶
۲۰۰۷	۱۵۱۹۶۳	۵۳۶۵۵	۹۸۳۰۸	۱۸	۶/۳	۱۱/۷

۲. جمعیت شیعیان

الف. اختلافات آماری

جمعیت شیعیان یکی از مباحث مورد اختلاف میان اصحاب علم، نهادهای حکومتی، دوایر دینی، حکومتی، اسلام‌گرایان، مراکز بین‌المللی آمار، و اصحاب مطبوعات این کشور بوده است:

۱. عده‌ای از اسلام‌گرایان همچون حاج علی‌اکرام علی‌اف، درصد جمعیت شیعه کشور را ۸۵ تا ۹۰ درصد اعلام کرده و معتقدند: افرادی که درصد جمعیت شیعه را پایین ذکر می‌کنند، اغراض سیاسی دارند. به اعتقاد آنها، اهل سنت فقط در مناطق شمالی کشور، که پراکندگی جمعیتی پایینی دارد، متمرکزند. طلاب علوم دینی جمهوری آذربایجان ۸۳ درصد جمعیت این کشور را شیعه می‌دانند که همه شیعیان دوازده امامی‌اند.^۱

۲. دائرة المعارف بریتانیکا در گزارش آماری سال ۲۰۰۵ جمعیت شیعیان جمهوری آذربایجان را ۸۰/۴۴ درصد و جمعیت اهل سنت را ۱۹/۵۶ درصد ذکر کرده است.

۳. دانش‌نامه آنلاین Wikipedia در گزارش آماری خود درباره جمعیت شیعیان ۶۷ کشور جهان در سال ۲۰۰۵، درصد جمعیتی شیعیان این کشور را ۸۰ درصد اعلام داشته است.

۴. ابراهیم بالجی، محقق سرشناس ترک‌تبار، در مقاله معروف «سرنوشت مذهب شیعه در آذربایجان پس از فروپاشی شوروی»، معتقد است: بیش از ۸۰ درصد مسلمانان آذربایجان خود را پیرو مذهب شیعه دوازده امامی محسوب می‌کنند.

۵. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان در اعلام

۱. پژوهش، س ۲، ش ۶، «آذربایجان: بایسته‌های پژوهش دینی»، ص ۳۶.

درصد‌های جمعیت مذاهب گوناگون در جمهوری آذربایجان، پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز مطالعات «ینی شرق» (شرق نو) و همچنین تعدادی دیگر از مراکز بین‌المللی دیگر جمعیت شیعیان را ۷۵ درصد جمعیت مسلمانان ذکر کرده است.

۶. فرانسوا توال، نویسنده کتاب ژئوپلیتیک شیعه، و خانم بهناز اسدی در کتاب جمهوری آذربایجان (چ وزارت امور خارجه) و افراد فراوان دیگری معتقدند: ۷۰ درصد جمعیت مسلمانان این کشور شیعه‌اند.

۷. اخیراً آقای هدایت اروج‌اف، مسئول رسیدگی به امور گروه‌های دینی جمهوری آذربایجان، جمعیت شیعیان را ۶۵ درصد مسلمانان و جمعیت اهل سنت را ۳۵ درصد اعلام داشته است. این اظهارات اعتراضات فراوانی را در کشور به همراه داشته است.

تقسیم‌بندی هفت‌گانه مزبور تقریباً تمامی دیدگاه‌های مختلف را تحت پوشش قرار می‌دهد؛ اما یک نکته را نباید فراموش کرد و آن اینکه بر ذکر آمارها و درصد‌های جمعیتی شیعه از سوی بعضی از شخصیت‌ها و محافل، اغراض سیاسی حاکم است. آقای مهدی نعلبندی، نویسنده کتاب یادداشت‌های سفر به جمهوری آذربایجان؛ باکو ۲۰۰۱، تعبیر جالبی را در این خصوص به کار برده است که بر زیبایی متن حاضر خواهد می‌افزاید:

روس‌ها از رگ تشیع آذری‌ها می‌ترسیدند که هرچه به مرزهای ایران نزدیک می‌شوی آثار فقر و بی‌توجهی را بیشتر می‌بینی و حالا هم همین ترس باعث می‌شود آمار رسمی شیعیان هر روز کمتر و کمتر اعلام شود. اوایل ۸۵ درصد شیعه و ۱۵ درصد سنی، بعد رسید به ۷۵ درصد شیعه و ۲۵ درصد سنی، و حالا هم ۵۵ درصد به ۴۵ درصد و لابد فردا هم می‌شود ۳۵ درصد شیعه و ۶۵ درصد سنی!^۱

به نظر می‌رسد ضمن اینکه دیدگاه هر کدام از افرادی که در این تقسیم‌بندی قرار گرفته‌اند باید به دقت بررسی شود، اما درصد جمعیتی بین ۸۰ تا الی ۸۵ درصد مورد کنکاش قرار گیرد، با واقعیت مطابقت بیشتری دارد. با توضیحات مزبور اگر بخواهیم جمعیت شیعه را ۸۰ درصد بدانیم، طبق آخرین آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار جمهوری آذربایجان، تعداد جمعیت شیعه این کشور ۶۹۸۴۰۰۰ خواهد بود. $۶۹۸۴۰۰۰ \times ۸۰\% = ۸۷۳۰۰۰۰$

۳. بررسی شاخص‌های توزیع و تحلیل جمعیت

در این قسمت به ارزیابی جمعیتی شامل رشد جمعیت، تراکم، شاخص‌های توزیع جمعیتی، و تحلیل جمعیت این کشور می‌پردازیم. آمار منتشر شده مرکز آمار این کشور در سال ۲۰۰۹ در پایگاه اطلاع‌رسانی Azstat.Org مبنای ارزیابی است.

الف. رشد جمعیت

جمعیت مولید سال ۲۰۰۸ تعداد ۱۵۱۹۶۳ نفر و تعداد مرگ و میر همین سال ۵۳۶۵۵ نفر بود. رشد طبیعی جمعیت این کشور ۹۸۳۰۸ نفر و از نظر درصد رشد نیز ۱/۱۷ درصد است. طی بررسی‌های به عمل آمده، رشد جمعیت این کشور از سال ۱۹۹۵ از ۱/۲ درصد بالا نرفته (۱۹۹۵) و از ۰/۸ درصد نیز (سال ۲۰۰۲) پایین نیامده است. بر همین اساس، می‌توان گفت: این کشور رشد جمعیتی استاندارد دارد.

یادآوری: به دلیل اینکه آمار مربوط به مهاجرت‌ها در انتشارات مرکز آمار این کشور اعلام نشده، تعیین دقیق رشد جمعیت غیرممکن است.

ب. تراکم حسابی

مطابق آمار سال ۲۰۰۸، جمعیت این کشور به ۸۶۲۹۹۰۰ نفر رسیده است. کل مساحت این کشور نیز ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع است که بر همین اساس، تراکم حسابی جمعیت این کشور ۹۹/۶۵۲ نفر می‌شود. (این تراکم را مرکز آمار این کشور ۱۰۱ نفر اعلام کرده است.)

به دلیل مشخص نبودن مناطق مسکونی و غیر مسکونی، بحران قره‌باغ و اشغال قریب ۲۰ درصد از اراضی این کشور توسط ارامنه و همچنین عدم اعلام کل منابع اقتصادی، امکان محاسبه تراکم زیستی و اقتصادی وجود ندارد.

ج. نسبت جنسیتی (مرد و زن بودن)

طبق این آمار، ۴۹ درصد اهالی را مردان و ۵۱ درصد را زنان تشکیل می‌دهند و نسبت جنسیتی در مقابل هر ۱۰۰ نفر مرد، ۱۰۲/۷ نفر زن در بین کل جمعیت کشور است. این در حالی است که ۵۳/۹ درصد متولّدان را پسر و ۴۶/۱ درصد متولّدان را دختران تشکیل می‌داده‌اند.

د. پیری و جوانی جمعیت

جمعیت زیر گروه سنی ۰ - ۱۵ ساله این کشور در سال ۲۰۰۸ تعداد ۲۰۵۴۰۰۰ نفر بوده است که ۲۳/۸٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند. جمعیت بالای ۶۵ سال این کشور نیز ۶۱۰۶۰۰ نفر معادل ۷ درصد جمعیت کشور بوده است.

به دلیل اینکه جوانی جمعیت هنگامی است که جمعیت زیر گروه سنی ۰ - ۱۵ ساله بیش از ۴۰ درصد باشد و پیری جمعیت نیز هنگامی اتفاق می‌افتد که جمعیت بالای ۶۵ سال بیش از ۱۰ درصد باشد، با این وصف، نمی‌توان به این کشور جوانی جمعیت یا پیری جمعیت را نسبت داد.

هـ. بار تکفل

جمعیت بین گروه سنی ۱۵-۶۵ ساله این کشور ۵۹۶۵۳۰۰ نفر و جمعیت گروه‌های سنی ۶۵ سال به بالا و همچنین ۰-۱۴ ساله (جمعیت گروه‌های غیرفعال) ۲۶۶۴۶۰۰ نفر بوده که در نتیجه، بار تکفل در این کشور برای هر فرد عبارت از عدد ۲/۲۳ است.

و. میزان خام موالید

جمعیت کل کشور در سال ۲۰۰۷ تعداد ۸۵۳۲۷۰۰ نفر و تعداد کل موالید ۱۵۱۹۶۳ نفر بوده است. بنابراین، می‌توان گفت: میزان خام موالید ۱۷/۸۱ بوده است. این میزان در سال ۲۰۰۴ تعداد ۱۶/۱، در سال ۲۰۰۵ تعداد ۱۷/۲ و در سال ۲۰۰۶ تعداد ۱۷/۸ بوده است.

ز. میزان خام مرگ و میر

میزان خام مرگ و میر ۶/۳ در هر ۱۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۷ بوده که در یک دهه گذشته تغییرات قابل توجهی نداشته است؛ چنان‌که حداکثر آن ۶/۷ نفر در سال ۱۹۹۵ و حداقل ۵/۷ نفر در سال ۲۰۰۱ بوده است.

ح. میزان مرگ و میر کودکان

تعداد مرگ و میر کودکان زیر یک سال این کشور در سال ۲۰۰۷ تعداد ۱۲/۱ نفر بوده است که طبق آمار یک دهه گذشته، کاهش قابل توجهی را نشان می‌دهد؛ یعنی از میزان ۲۳/۳ در سال ۱۹۹۵ به ۱۱/۹ در سال ۲۰۰۶ کاهش یافته است. طبق این آمار، مرگ و میر کودکان دختر همیشه کمتر از پسران بوده است.

ط. معادله توازن

برای بررسی و تعیین صحت آمارهای اعلام شده آمارهای سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه جمعیت سال اخیر ۸۶۲۹۹۰۰ نفر اعلام شده، با تفریق جمعیت متولدان از مرگ و میرهای سال ۲۰۰۷ به علاوه جمعیت سال ۲۰۰۷، که ۸۵۳۲۴۰۰ نفر اعلام شده است، عدد ۸۶۲۹۰۹۸ به دست می‌آید که با لحاظ نمودن مهاجران، می‌توان گفت: مشکلی در بیان آمار وجود ندارد و با واقعیت همخوانی دارد:

$$۸۵۳۲۴۰۰ + (۱۴۸۹۴۶ - ۵۲۲۴۸) = ۸۶۲۹۰۹۸$$

ی. نسبت سنی

در ارزیابی نسبت سنی، آمار سال ۲۰۰۸ مبنای قضاوت قرار می‌گیرد. تعداد جمعیت گروه سنی ۳۴-۳۹ ساله ۶۵۲۴۰۰ نفر است. همچنین جمعیت گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله تعداد ۶۲۱۷۰۰ نفر و جمعیت گروه سنی ۴۰-۴۴ ساله نیز ۶۹۱۹۰۰ نفر است. با اجرای فرمول نسبت سنی عدد ۹۹/۳۳ درصد به دست می‌آید که با توجه به نزدیک بودن به عدد یک، مطلوب توصیف می‌گردد.

ک. نسبت جنسی

در ارزیابی نسبت جنسی، آمار سال ۲۰۰۴ مبنای قضاوت قرار می‌گیرد. جمعیت مردان گروه سنی ۲۰-۲۴ تعداد ۳۱۳۱۰۰ نفر و جمعیت زنان همین گروه ۳۳۴۹۰۰ بوده است که با اجرای فرمول لازم، عدد ۹۳ درصد به دست می‌آید که تفاوت قابل توجهی ندارد. اجرای فرمول برای گروه سنی ۵۰-۵۴ عدد ۹۲ درصد و برای گروه سنی ۱۰-۱۶ عدد ۱/۰۰۷ درصد به دست می‌آید.

جدول (۶): نسبت هر یک از گروه‌های سنی جمعیت

جمعیت	گروه‌های سنی زنان	جمعیت	گروه‌های سنی مردان
۲/۷۶۳/۷	کل	۲/۴۹۵/۱	کل
۲۹۶۰	۱۶-۱۹	۲۹۸۲	۱۶-۱۹
۳۳۴۹	۲۰-۲۴	۲۹۸۲	۲۰-۲۴
۳۳۱۷	۲۵-۲۹	۲۹۷۴	۲۵-۲۹
۳۶۰۶	۳۰-۳۴	۳۲۱۹	۳۰-۳۴
۳۶۳۲	۳۵-۳۹	۳۳۶۱	۳۵-۳۹
۲۷۲۹	۴۰-۴۴	۲۶۰۱	۴۰-۴۴
۲۷۲۹	۴۵-۴۹	۱۶۷۱	۴۵-۴۹
۱۰۴۰	۵۰-۵۴	۹۶۰	۵۰-۵۴
۱۱۳۰	۵۵-۵۹	۹۸۷	۵۵-۵۹
۱۵۳۳	۶۰-۶۴	۱۲۸۷	۶۰-۶۴
۲۵۷۸	+ ۶۵	۱۷۷۸	+ ۶۵

ل. نسبت بازماندگان

به دلیل بررسی موضوع در گروه‌های سنی و تفکیک گروه‌ها به صورت ۴ ساله، آمار سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ مبنای قضاوت قرار می‌گیرد. طبق جدول ذیل، در بیشتر گروه‌های سنی همخوانی تعداد جمعیت وجود ندارد و خطا مشاهده می‌شود؛ یعنی به جای کاهش تعداد جمعیت در گروه‌های سنی ۴ سال بعد، شاهد افزایش هستیم؛ یعنی بیش شماری صورت گرفته است. این خطا در ۷ گروه از ۱۵ گروه سنی وجود دارد.

درصد خطای بیش شماری نیز به ترتیب ۱/۰۲، ۱/۱۸، ۱/۰۲، ۱/۰۴، ۱/۰۲، ۱/۱۷، ۱/۵۲ است. به دلیل تکرار موضوع در آمارهای انتشار یافته در سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷، احتمال دست‌کاری آمارها دور از انتظار نیست. در جدول ذیل تفاوت‌ها و خطاها به صورت پررنگ ذکر شده است:

جدول (۷): خطای بیش شماری در نسبت بازماندگان سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۴

سال	۲۰۰۴	۲۰۰۸
کل جمعیت	۸۲۶۵۷	۸۶۲۹۹
۰-۴	۵۶۰۹	۶۴۷۰
۵-۹	۷۰۲۲	۵۷۵۷
۱۰-۱۴	۹۱۵۷	۸۳۱۳
۱۵-۱۹	۸۹۷۷	۹۳۹۰
۲۰-۲۴	۷۵۲۲	۸۵۴۳
۲۵-۲۹	۶۴۲۴	۷۰۶۸
۳۰-۳۴	۶۲۳۴	۶۲۱۷
۳۵-۳۹	۶۷۵۵	۶۵۲۴
۴۰-۴۴	۶۹۰۲	۶۹۱۹
۴۵-۴۹	۵۲۲۷	۶۴۹۴
۵۰-۵۴	۳۳۲۳	۴۲۷۲
۵۴-۵۹	۱۸۹۸	۲۸۳۳
۶۰-۶۴	۱۹۶۴	۱۳۹۳
۶۵-۶۹	۲۴۸۹	۲۳۱۵
۷۰+	۳۱۵۴	۳۷۹۱

م. روش تصحیح سازمان ملل

این روش برای تصحیح و تسطیح گروه‌های سنی کاربرد دارد. در این روش، از جمع جبری استفاده می‌شود که ضرایب آن عبارتند از: $1-4+10+4-1$ در خصوص جمهوری آذربایجان و برای سال ۲۰۰۸ نسبت به گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله نتیجه ذیل حاصل شده است که تفاوت ۲۳ درصدی را نشان می‌دهد:

$$-۹۳۹/۰۰۰ + ۴(۸۱۲/۰۰۰) + ۱۰(۶۸۰/۴۰۰) + ۴(۶۰۵/۸۰۰) - ۶۶۰۵۰۰ = ۷۲۰۶۰۰$$

$$۹۳۹/۰۰۰ - ۷۲۰/۶۰۰ = ۲۱۸/۴۰۰$$

ن. ضریب اسپراگ

ضریب اسپراگ را مطابق آمار اعلامی سال ۲۰۰۸ برای گروه‌های سنی وسطی ۱۵-۱۹ ساله انجام می‌دهیم:

جدول (۸):

محاسبه گروه‌های سنی ۱۵-۳۹ ساله در سال ۲۰۰۸ بر اساس ضریب اسپراگ

تعداد جمعیت	گروه‌های سنی
۹۳۹۰۰۰	ساله ۱۹-۱۵
۸۵۴۳۰۰	ساله ۲۴-۲۰
۷۰۶۸۰۰	ساله ۲۹-۲۵
۶۲۱۷۰۰	ساله ۳۴-۳۰
۶۵۲۴۰۰	ساله ۳۹-۳۵

و مطابق جدول و ضرایب ذیل:

$$\begin{aligned} & \cdot / 0.128 + \cdot / 0.848 + \cdot / 15.04 - \cdot / 0.24 + \cdot / 0.16 \\ & - \cdot / 0.16 + \cdot / 0.144 + \cdot / 2224 - \cdot / 0.416 + \cdot / 0.64 \\ & + \cdot / 0.64 - \cdot / 0.336 + \cdot / 2544 - \cdot / 0.336 + \cdot / 0.64 \\ & + \cdot / 0.64 - \cdot / 0.416 + \cdot / 2224 + \cdot / 0.144 - \cdot / 0.16 \\ & + \cdot / 0.16 - \cdot / 0.24 + \cdot / 15.04 + \cdot / 0.848 - \cdot / 0.128 \end{aligned}$$

جدول (۹): ضرایب تصحیح‌شده ۱۵ ساله جمعیت

جمعیت تصحیح‌شده ۱۵ ساله برابر است با:

$$\begin{aligned} & ./.۰۱۲۸(۹۳۹۰۰۰) + ./.۰۸۴۸(۸۵۴۳۰۰) + ./.۱۵۰۴(۷۰۶۸۰۰) - ./.۰۲۴(۶۲۱۷۰۰) \\ & + ./.۰۰۱۶(۶۵۲۴۰۰) = ۲۸۵۰۶۲ \end{aligned}$$

جمعیت تصحیح‌شده ۱۶ ساله برابر است با:

$$\begin{aligned} & ./.۰۰۱۶(۹۳۹۰۰۰) + ./.۰۱۴۴(۸۵۴۳۰۰) + ./.۲۲۲۴(۷۰۶۸۰۰) - ./.۰۴۱۶(۶۲۱۷۰۰) \\ & + ./.۰۰۶۴(۶۵۲۴۰۰) = ۱۴۹۳۱۳ \end{aligned}$$

جمعیت تصحیح‌شده ۱۷ ساله برابر است با:

$$\begin{aligned} & ./.۰۰۶۴(۹۳۹۰۰۰) - ./.۰۳۳۶(۸۵۴۳۰۰) + ./.۲۵۴۴(۷۰۶۸۰۰) - ./.۰۳۳۶(۶۲۱۷۰۰) \\ & + ./.۰۰۶۴(۶۵۲۴۰۰) = ۱۲۰۰۰ \end{aligned}$$

جمعیت تصحیح‌شده ۱۸ ساله برابر است با:

$$\begin{aligned} & ./.۰۰۶۴(۹۳۹۰۰۰) - ./.۰۴۱۶(۸۵۴۳۰۰) + ./.۲۲۲۴(۷۰۶۸۰۰) + ./.۰۱۴۴(۶۲۱۷۰۰) \\ & - ./.۰۰۱۶(۶۵۲۴۰۰) = -۵۹۰۱ \end{aligned}$$

جمعیت تصحیح‌شده ۱۹ ساله برابر است با:

$$\begin{aligned} & ./.۰۰۱۶(۹۳۹۰۰۰) - ./.۰۲۴۰(۸۵۴۳۰۰) + ./.۱۵۰۴(۷۰۶۸۰۰) + ./.۰۸۴۸(۶۲۱۷۰۰) \\ & - ./.۰۱۲۸(۶۵۲۴۰۰) = ۱۳۱۶۷۱ \end{aligned}$$

حال اگر جمعیت تصحیح‌شده سنین منفرد ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ ساله را با هم جمع کنیم، جمعیت تصحیح‌شده گروه سنی ۱۰-۱۴ ساله به دست می‌آید که برابر است با: ۵۷۲۱۴۵ و با توجه به خطای ۳۹ درصدی، آمارهای منتشر شده درست به نظر نمی‌رسند. پس مطابق معیارها و فرمول‌های مورد قبول اصحاب علم جمعیت‌شناسی، با وجود انتشار به روز و مرتب آمارهای متفاوت توسط مرکز آمار این کشور، آنچه واقعیت به نظر می‌رسد و آنچه در جهت تعیین صحت و سقم این آمارها با اتکا به فرمول‌های مورد قبول اهالی علم در این مقاله انجام گرفت، که غیر واقعی بودن و خطاهای قابل توجه در بیان آمارها را نشان می‌دهد که موضوع در نسبت بازماندگان و ضریب اسپراگ و تصحیح سازمان ملل خود را نشان داد.

۴. فرق دینی

فرقه‌های گوناگونی در جمهوری آذربایجان زندگی می‌کنند که اکثریت آنها را مسلمانان با ۹۳ درصد تشکیل می‌دهند و بقیه آنها از سایر فرق دینی مانند یهودی و مسیحی هستند شیعیان در اکثریت و اهل سنت در ردیف بعدی قرار دارند.

الف. پراکندگی جغرافیایی جمعیت شیعیان

به طور قطع نمی‌توان گفت آماری منتشر نشده است که جمعیت شیعیان و یا جمعیت‌های اهل سنت در کدام مناطق، با چه میزان جمعیت و با چه پراکندگی‌هایی قرار دارند، و اگر هم این قطعیت در دو دهه پیش وجود داشت، پس از فروپاشی شوروی به دلیل اینکه از یک سو نفوذ فرقه‌هایی همچون سلفی‌ها و نورچی‌ها بیشتر شده و از سوی دیگر، بحران‌های نظامی و اقتصادی، که موجب مهاجرت‌های جمعیتی گردیده، باعث به هم خوردن ترکیب‌های جمعیتی شده است، براساس مشاهدات، آمارهای منتشر شده از سوی مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی، اخبار و سایر استنادات، شیعیان در تمامی مناطق کشور حضور داشته و به استثنای مناطق شمالی و منطقه شیروان در اکثریت قرار دارند. منطقه مرکزی شامل باکو و شهرهای اطراف آن با بیش از ۳ میلیون نفر جمعیت، مناطق جنوبی و هم مرز با جمهوری اسلامی ایران، بخصوص شهرهای آستارا، لنکران، ماسالی، لریک، و میل مغان از جمله شهرهای جلیل‌آباد، بیله سوار، صابر آباد، ساعتلی، ایمیشلی و همچنین اکثریت قریب به اتفاق جمهوری خودمختار نخجوان از اصلی‌ترین مناطق حضور اکثریتی شیعیان هستند.

ب. پراکندگی جغرافیایی جمعیت اهل سنت

تشکیلات سنی مذهب غیر وهابی جمهوری آذربایجان عبارت است از:
 ۱. جمعیت حنفی‌ها؛ ۲. مجامع دینی ترکیه؛ ۳. مجامع طرفدار نقش‌بندی؛
 ۴. جمعیت‌های نورچی.

مذاهب سنی دیگری نیز در برخی مناطق آذربایجان به وجود آمده بودند، ولی به دلیل آنکه شرایط لازم را برای فعالیت کسب نکردند، منحل شدند. اگرچه جمعیت‌های «اخوان المسلمین» و «حزب التحریر» می‌خواستند در این کشور شبکه‌های حزبی خود را فعال کنند، ولی به دلایل سیاسی - امنیتی در انجام این کار موفق نشدند. امکان فعالیت مبلغان تشکیلات رادیکال از سوی دولت سلب شده و برای آنها اجازه صادر نمی‌شود. حاج سلمان موسی‌اف، معاون رئیس اداره مسلمانان قفقاز، رهبر سنی‌های جمهوری آذربایجان است.

۱- حنفی‌ها: در میان اهل سنت، حنفی‌ها در اکثریت هستند. بنابر اسناد تاریخی، حنفی‌ها بیشتر در شهرهای قازاخ، تووز، و آغستافا ساکن بوده‌اند. به دلیل حضور حنفی‌ها، بیشتر طرفداران و پیروان فرقه وهابیت در مناطق سنی‌نشین شمال جمهوری آذربایجان، یعنی مناطق قبا، قُصار، خاچماز، اسماعیلی، زاکاتالا، شکی، قاخ و بالاکن قرار دارند و دلیل اصلی توسعه سلفی‌ها و حنفی‌ها حمایت مؤسسات خارجی است. در باکو و همچنین در مناطق شیعه‌نشین نیز گرایش مردم، به ویژه جوانان آذری، به این فرقه مشاهده می‌شود. در باکو، سلفی‌ها توانسته‌اند دانشگاهیان، روشن‌فکران و همچنین سران دولت را جذب کنند. بنا بر اسناد تاریخی، حنفی‌ها در شهرهای قازاخ، و تووز، آغاستافا ساکن بوده‌اند. اگر اواخر دوران حکومتی شوروی (سابق) را بررسی کنیم، خواهیم دید ترک‌های ترکیه در آن زمان نیز علاوه بر فعالیت‌های دینی، نفوذ فراوانی در عرصه‌های سیاسی داشتند و برای خود موفقیت‌هایی کسب کرده بودند. از سوی دیگر، تدریس دینی ترک‌ها موجب شد تا بعدها تیات ایجاد مذهب حنفی در آذربایجان مدنظر باشد.

از سال ۱۹۹۲ به بعد، صدها جوان آذری به ترکیه سفر کرده، و در دانشگاه‌های الهیات آنان مشغول تحصیل شده‌اند. افتتاح دانشکده دولتی دانشگاه باکو، که توسط ترک‌ها مدیریت می‌شد، گشایش برخی مؤسسات الهیات ترک‌ها در بخش‌هایی از جمهوری آذربایجان، تأسیس دانشگاه قفقاز و همچنین مؤسسه «مرکز حمایت از جوانان»، گسترش شبکه اسلامی «STV» در مناطق کشور (شبکه خزر)، راه‌اندازی موج رادیویی «اف ام بورج» (Burc-FM) و برخی اقدامات دیگر توسط ترک‌ها موجب گسترش دامنه فعالیت ترک‌ها شده است.

۲- نورچی‌ها: همزمان با فعالیت سنتی‌ها، که به وسیله دولت ترکیه هدایت می‌شدند، نورچی‌ها نیز نقش بزرگی ایفا می‌نمودند. تاریخ شروع فعالیت نورچی‌ها در آذربایجان به سال‌های گذشته، یعنی به زمان حکومت شوروی (سابق) بر می‌گردد که با ایدئولوژی سید نوری و فتح‌الله گله فعالیت می‌کردند. همزمان با ریاست جمهوری الچی بیگ شرایط فعالیت نورچی‌های ترکیه گسترده شد.^۱

نورچی‌ها شیوه‌های مخصوص خود را دارند؛ پس از ورود به هر دولتی، در مؤسسات علمی و دانشکده‌های عالی، دوره‌هایی تشکیل می‌دهند و به نام «کمک به پیشرفت تحصیل و علم در میان مردم، به ویژه جوانان» ایده‌های خود را تبلیغ می‌کنند. نورچی‌های جمهوری آذربایجان نیز تحت عنوان «شرکت آموزشی چاغ»، در بخش تحصیل، تلاش‌های خوبی را شروع کرده‌اند و در المپیادهای گوناگون، مؤسسات وابسته این شرکت همیشه کرسی‌هایی را برای افراد خود تصاحب می‌کنند.

۳- سلفی‌ها: این جریان فعالیت اصلی و تبلیغاتی خود را از سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۸۹ در باکو آغاز کرد، اما ابتدا از سوی هیچ‌کسی شناخته نمی‌شد. طبق اظهارات دین‌داران قدیمی، بنای اولیه مذهب سلفی‌ها را فردی به نام سلیم نهاده است. وی

1. www.ayna.az, 2007.

فلسطینی‌الاصل و از منطقه غزه بود. او در دوران شوروی (سابق) در دانشکده دولتی باکو در رشته حقوق تحصیل می‌کرد. در همان زمان، افرادی را جمع و مذهب سلفی را در میان آنان تبلیغ کرده. پس از اینکه او تحصیلات خود را به پایان رسانید، در میان مردم جایگاهی پیدا نکرده بود.

بعد از استقلال آذربایجان، شیخ سلیم کویتی از سوی جمعیت «التراث الاسلامیه» به باکو فرستاده شد و او نیز تشکیلات خود را ایجاد کرد. این تشکیلات جوانان را برای تحصیل به دانشگاه‌های عربستان سعودی اعزام و دوره‌هایی نیز در کشور راه‌اندازی می‌کند و تبلیغات گسترده‌ای در مناطق شمالی صورت می‌دهد. کتب دینی در بین مردم توزیع و سخنرانی علمای سلفی در میان مردم ایراد می‌گردد. سلفی‌ها در اوایل، در مسجد «لزگی ایچری شهر» گرد هم می‌آمدند، اما در سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۸ مجوز ساخت یک مسجد را گرفتند و به واسطه کمک‌های مالی ممدین بودینین، میلیاردر کویتی، مسجد «جمعه» (مسجد ابوبکر) به رهبری سلیم در شهر نریمان‌اف احداث گردید که همزمان ۳۰۰۰ نفر می‌توانستند در این مسجد نماز بخوانند. تبلیغات سلفی‌های آذربایجان از سوی برخی گروه‌های دیگر از جمله تشکیلات «الحرمین» عربستان سعودی نیز صورت می‌گرفت.

دومین گسترش وهابیت از سال ۱۹۹۳ شروع شد. درگیری‌های چچن و افزایش تدریجی تشکیلات اومانیستی اعراب در باکو نقش بزرگی در به وجود آمدن وهابیت آذربایجان ایفا کرد. همچنین ترانزیت و واردات برخی سلاح‌های جنگی به دلیل درگیری‌های چچنی‌ها و همچنین ورود آوارگان و مهاجران جنگی چچنی به آذربایجان در ساماندهی فرقه وهابیت آذربایجان نقش بزرگی ایفا کرد.

در سال ۱۹۹۶ وزارت امنیت ملی آذربایجان از فعالیت گروه جدیدی به نام «جیش‌الله» خبر داد. این گروه با هدف ایجاد اختلافات دینی در کشور ایجاد شد. این گروه متهم به قتل اعتبار عرکین نیز بود و در صدد ایجاد تشکیلات «کریشنا»

نیز برآمد. علاوه بر اینها، گروه مزبور در سال ۱۹۹۸ بانک «توسعه اروپا» را نیز سرقت کرد. مبارز علی‌اف، رهبر ۳۲ گروه «جیش‌الله»، در زمان دستگیری خود اعتراف کرد که با خطاب و شامیل باسایف، از فرماندهان چپنی‌ها ارتباط دارد. او از سوی تشکیلات مخفی بین‌المللی «فداییان اسلام»، مأمور انجام عملیات خراب‌کارانه علیه مراکز سیاسی آمریکا و اسرائیل در جمهوری آذربایجان نیز بود. سرانجام، در سال ۲۰۰۰ گروه «جیش‌الله» دستگیر شدند و مبارز علی‌اف، رهبر این گروه، به حبس ابد محکوم گردید.

در حال حاضر، سلفی‌ها و پیروان آنها با مرکزیت مسجد «ابوبکر» در باکو گردهم می‌آیند. طرفداران افراطی و معتدل این فرقه به دو دسته تقسیم می‌شوند. پیروان رسمی این فرقه به مرکزیت مسجد «ابوبکر»، به امامت جماعت قامت سلیمان‌اف، فعالیت می‌کنند. بیشتر پیروان و حاضران در این مسجد را ساکنان و اهالی مناطق شمالی آذربایجان از جمله لزگی، آوار، و تات تشکیل می‌دهند. قامت سلیمان‌اف از روستای «خینالیق» شهر قوبا است. اهالی این منطقه گویش مخصوصی دارند.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ سلفی‌های آذربایجان نیز رشد کردند. با اینکه چندین بار سلفی‌ها خود را از وهابیان جدا دانسته و وهابی بودن خود را انکار کرده‌اند، ولی این ارتباط در میان مردم به وضوح قابل مشاهده است. روابط سلفی‌های رادیکال با مسلمانان آذربایجان موجب شده بود تا مردم آنها را وهابی بنامند. پس از این حوادث و افزایش فعالیت‌های جهت‌دار رادیکال‌های دینی، تبلیغ اسلام نیز بیش از پیش سخت شد. در حال حاضر، سلفی‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول به رهبری شیخ قامت سلیمان‌اف و گروه دیگر، که از نظر گروه اول «خوارج» نامیده می‌شود، گروه «رادیکال» است. سران دولت و مردم وجود چنین جریانی را خطری علیه دولت می‌دانند.^۱

۴. شافعی‌ها: در حال حاضر، بیشتر شافعی‌های سنی آذربایجان به دلایل گوناگون، جای خود را به حنفی‌ها و سلفی‌ها داده‌اند، اگر چه پیش از اینکه شیعیان بر منطقه تسلط پیدا کنند بیشتر آذربایجانی‌ها شافعی مذهب بودند. این فرقه در شهرستان‌های شمالی آذربایجان، قوبا، قُصار، خاچماز، اسماعیلی، زاکاتالا، شکی، قاخ، بالاکن، قبله، آغوز و همچنین در میان جوانان طرف‌دارانی دارد. در حال حاضر، تنها در مناطق شمالی کشور حضور فعال دارد و در حدّ مجمع دینی، چند روحانی بیشتر ندارد. شافعی‌ها به دلیل عدم حمایت نیروهای خارجی به تدریج، جای خود را به مذاهب حنفی و سلفی می‌دهند و از صحنه اجتماعی دور می‌شوند. در دانشگاه اسلامی باکو، مذهب شافعی در حال تدریس دروس فقهی خود است. پیش از فروپاشی شوروی، ۶۵ تا ۷۰ درصد سنی‌ها را شافعی‌ها و ۳۰ تا ۳۵ درصد آنها را حنفی‌ها تشکیل می‌دادند، اما بعدها با توجه به نفوذ و تبلیغات ترک‌ها، اکنون تعداد سنی‌های حنفی مذهب نسبت به شافعی‌ها بیشتر است.^۱

ج. تفاهم و تنازع اقوام و مذاهب

پس از آنکه شاه اسماعیل صفوی در سال ۱۵۰۱ مذهب شیعه اثناعشری را به عنوان دین رسمی دولت ایران اعلام کرد، جمهوری آذربایجان کنونی، که یکی از استان‌های امپراتوری صفویان بود، پیرو این مذهب شد. با وجود مبارزه چند صدساله ایران شیعه و امپراتوری عثمانی سنی بر سر قفقاز، این منطقه حالت چندگانگی مذهبی خود را حفظ کرد. اسلام سنی و اسلام شیعه صرف‌نظر از دشمنی‌هایی که هر از گاهی داشته‌اند، در این منطقه با یکدیگر همزیستی داشته‌اند. سنی‌ها در طول تاریخ در قسمت شمالی آذربایجان کنونی حایز اکثریت بوده‌اند. در ذیل، روابط میان شیعیان و سایر فرق را بررسی می‌کنیم:

1. *Azərbaycan İslamın Modernləşdirilməsi.*

۱- روابط میان شیعیان و سنی‌ها: با وجود گذشت صدها سال از سکونت شیعه و سنی در این منطقه، در بین آن‌ها همچنان روابط مسالمت‌آمیز برقرار است و با وجود تأثیر عوامل داخلی و خارجی، این روحیه حفظ شده است. به وضوح می‌توان نقشه‌های خنثاشدهٔ طرح‌های دولت‌های غربی را، که مخالف آذربایجان هستند و نقشه‌های مکارانه و حيله‌گرانه‌ای را که برای مذاهب موجود در آذربایجان دارند، مشاهده کرد. پس از فروپاشی شوروی، دولت‌های زیادی در صدد بوده‌اند تا با تفرقه در میان مذاهب، این کشور را دچار بحران و تنش کنند. آنها خواسته یا ناخواسته برای اجرای اهداف خود، کتاب‌ها و جزوه‌های گوناگونی را با شمارگان بسیار چاپ و در میان مردم آذربایجان پخش کرده‌اند. حتی گاه کار به جایی کشیده که مقاله‌های تند و آتشین خود را در روزنامه‌های مخالف به چاپ رسانده‌اند. این اقدامات به اتحاد موجود ضربه وارد کرده و در میان دین‌داران ناراحتی ایجاد نموده است. اما با وجود همهٔ برنامه‌های پلید و مکارانه نتوانسته‌اند از همبستگی میان مذاهب بکاهند و اختلاف ایجاد کنند. امروزه شیعیان و سنی‌های آذربایجان در فکر افزایش اتحاد و همبستگی خود هستند.^۱

۲- روابط میان شیعیان و سلفی‌ها: اختلاف بین گروه‌های وهابی و شیعیان اگرچه جزو سیاست‌های عوامل خارجی بوده است، اما بجز چند درگیری، که در قصبه‌های مهدی آباد، و بیله جری، بزونای باکو و چند شهر دیگر کشور اتفاق افتاده و منجر به دست‌گیری تعدادی از شیعیان و وهابی‌ها و حبس چند ماههٔ آنها در سال ۱۳۸۵ گردیده، کمتر شاهد درگیری‌های شدید بوده‌ایم. در این زمینه، حکومت نیز از ترس ایجاد جنگ مذاهب و احساس خطر برای خود، با چنین تنش‌هایی برخورد جدی نموده است. البته هر روزه اخباری از ایجاد محدودیت در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی برای وهابی‌ان از رسانه‌های آذری پخش می‌شود. به عبارت دیگر، وهابی‌ان امنیت و آرامش گذشته را ندارند و نورچی‌های

1. www.yenisharq.Org, 2008.

میان‌رو ترکیه بر وهابیان افراطی در مقابل شیعیان ترجیح داده شده‌اند. از سوی دیگر، حمایت از صوفی‌گری نیز جزو سیاست‌های حکومت قرار گرفته است. سلفی‌های رادیکال با انتشار کتاب‌ها و نوشته‌هایی تلاش می‌کنند تا شیعیان را مشرک نشان دهند. شیعیان هم افکار خود را به وهابیان معطوف کرده‌اند. ایجاد اختلاف در میان این دو گروه مسلمان مانع بزرگی برای وحدت است. حضور و نفوذ قدرت‌های خارجی برای تعمیق این اختلافات مشهود است. دلیل دیگر اختلافات میان سلفی‌ها و شیعیان به عضویت در آمدن بعضی از افراد فاقد سواد دینی در این گروه‌های افراطی است. مسلمانان بیشتر دربارهٔ این‌گونه مسائل بحث می‌کنند: ساعت را به کدام دست ببندند؟ اندازه و نحوهٔ ریش چگونه باشد؟ چگونه کت بپوشند؟ کیفشان را به چه شکلی ببندند؟ و اینکه در حین غذا خوردن، استفاده از چاقو و چنگال حرام است یا نه؟^۱ ولی اختلافات ایجاد شده در دو دههٔ گذشتهٔ آتش زیر خاکستری است که اگر حرکت اشتباهی به عمد یا غیرعمد صورت پذیرد، موجب یک انفجار بزرگ می‌شود.

د. فرق دینی غیراسلامی

۱- مسیحیان: در سال‌های پس از فروپاشی شوروی، میسیونرهای مسیحی با سوءاستفاده از خلأ اعتقادی و مشکلات اقتصادی و با فراهم شدن زمینه‌های مادی و معنوی، تبلیغات زیادی انجام داده و موفق به جذب تعدادی از مردم به مسیحیت شده‌اند. «مسیحیان با مشاهدهٔ اوضاع دینی اهالی کشور و با هدف ایجاد و جذب گروه‌های مسیحی و همچنین با شعار گشودن چشم‌ها به سوی حقیقت، با کمک ۲۹ تشکیلات وابسته، دین جدیدی را که از سوی اداره‌های آمریکایی حمایت می‌شود، وارد کشور می‌کنند.^۲

1. *Slamin Social va Filosofya Koklari*, 2007.

2. www.Azerbaijan.az, 2007.

اگر بخواهیم ریشه‌های این اهداف و فراهم نمودن زمینه‌های فعالیت میسیونرها را بررسی کنیم، نمی‌توانیم از نقش رفیق علی‌اف، رئیس سابق کمیته رسیدگی به امور دینی جمهوری آذربایجان، چشم‌پوشی کنیم. وی در مدت پنج سال مسئولیت خود، که با درگیری‌های بسیار با الله شکور پاشازاده، رئیس اداره مسلمانان قفقاز، همراه بود، در صدد دستیابی به عواید مادی برخی از زیارتگاه‌ها و عبادتگاه‌ها بود که در نهایت، به کناره‌گیری خودش منجر شد. میسیونرهای مسیحی همانند عنکبوت در صدد بودند تا با استفاده از این امکانات، جمهوری آذربایجان را احاطه نمایند. در آذربایجان، شاخه‌های مجامع دینی مسیحیان شامل پرو اسلاوها، کاتولیک‌ها، پروتستان‌ها و مجمع فرعی مالکان است و در اسناد دولتی پنج تشکیلات مسیحی دارای مجوز است. مالکانی‌ها کلیسایی نداشته و مالکیت خصوصی کلیسا را قبول ندارند.^۱

۲- **مراکز دینی ارتدوکس:** با توجه به آزادی‌های دینی و معنوی جمهوری آذربایجان، بیشتر مراکز مسیحی را کلیساهای پرو اسلاو روسی تشکیل می‌دهند. اگر آماری از دیگر تشکیلات فعال دینی در آذربایجان داشته باشیم، شاید از نظر تعداد احزاب و تشکیلات غیراسلامی، به پای تشکیلات اسلامی نرسند؛ اما می‌توان آنها را پس از تشکیلات اسلامی به عنوان دومین مجامع دینی فعال نام برد. پس از سال ۱۹۹۱ کلیسای «جان میرونوستس» - که از سال ۱۹۰۷ توسط حاج زین‌العابدین تقی‌اف اداره می‌شد - به مسیحیان پرو اسلاو روس‌ها داده شد. در مراسم گشایش این کلیسا، حیدر علی‌اف، رئیس جمهور سابق و تعدادی از سران حکومتی حضور داشتند. علاوه بر این، در خلال سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۱ کلیساهای متعددی با مدال مریم مقدس در آذربایجان ساخته شد و در اختیار

1. Ibid.

دین‌داران مسیحی قرار گرفت.^۱ در حال حاضر در باکو سه کلیسا، و در گنجه و خاچماز یک کلیسای روسی پرو اسلاو فعالیت می‌کند و بخش مرکزی بر امور دینی دین‌داران داخلی و خارجی کلیساهای پرو اسلاو نظارت و فعالیت‌های آنان را تحت نظر دارد.

۳- مراکز دینی کاتولیک‌های روم: در سال ۱۹۹۹ مجوز فعالیت کاتولیک‌های روم در آذربایجان به تصویب رسید. برای تأمین عبادتگاه مخصوص کاتولیک‌ها، ساختمانی خریداری و به کلیسای کاتولیک‌ها تحویل شد. در ماه می سال ۲۰۰۲ رهبر کلیسای کاتولیک‌های روم، ای اوهان پاول، به باکو سفر و با سران رسمی دولتی و نمایندگان اجتماعی دیدار کرد. همچنین در ماه آوریل ۲۰۰۳ رهبر احزاب روسی، وارتوس، در سفر رسمی خود به آذربایجان، با مقامات رسمی دولت، مقامات دینی، مسلمانان، مسیحیان، یهودیان و رهبران دیگر مجامع دینی دیدار کرد.

در ۷ مارس ۲۰۰۸ کلیسای کاتولیکی «مریم مقدّس» در باکو افتتاح گردید. یان چاپلا، رهبر کاتولیک‌های آذربایجان، از امکانات و آزادی‌های موجود و امنیت و آرامش دینی، که مرهون حمایت‌های رئیس‌جمهور آذربایجان است، تقدیر کرد. الهام علی‌اف نیز با ابراز خرسندی از افتتاح کلیسای کاتولیک، این روز را یک روز به یاد ماندنی توصیف کرد. در این دیدار، شیخ‌الاسلام پاشازاده، رئیس اداره روحانیت قفقاز، به آزادی‌های دینی موجود در آذربایجان اشاره کرد و آن را نوعی افتخار برای کشورش دانست. سیمون ایخیلی‌اف، رهبر یهودیان کوهستان (داغ یهودی‌لری)، نیز به وجود سه مجمع و تشکل یهودی فعال در آذربایجان اشاره کرد و گفت: در آذربایجان، هیچ وقت سیاست ضددینی وجود نداشته است.^۲

1. Ibid.

2. www.apa.az. 2008.

۴- **کلیسای پرواسلاوگرجی‌ها:** پرواسلاوهای گرجی غالباً در شمال آذربایجان و در شهرهای قاخ، زاکاتالا و بالاکن زندگی می‌کنند و بیشتر به زبان گرجی سخن می‌گویند. بیشتر آنها در شهر قاخ به کلیسای پرو اسلاوگرجی‌ها منسوبند. گرجی‌های مسیحی در شهرهای بالاکن و زاکاتالا در حال روی آوردن به دین اسلام هستند. مسیحیان گرجی شهر قاخ همانند دیگر مسیحیان و مجامع دینی مسیحیان، در کلیسای خود فعالیت می‌کنند. این مسیحیان تابع کلیسای ارتدکس هستند.

۵- **مراکز آلبانی‌ها و اودین‌ها:** اودین‌ها از ساکنان قدیمی آذربایجان هستند و به یکی از زبان‌های قفقازی سخن می‌گویند. آنها از زمان‌های قدیم، که آلبانی‌ها مهاجرت و دین اسلام را قبول کردند، در دین خود باقی مانده‌اند. امروزه تعداد منسوبان اودین‌های جهان تقریباً ۱۰۰۰۰ نفرند که ۶۰۰۰ نفر آنها در جمهوری آذربایجان (۴۴۰۰ نفر به شکل منسجم در روستای نیچ شهر قبله) زندگی می‌کنند. در سال ۲۰۰۳ کلیسای مخصوص آلبانی‌ها و اودین‌ها بنا شد و مجوز فعالیت آن صادر گردید. این کلیسا در روستای کیش شهر شکی در سال ۲۰۰۳ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در ماه می سال ۲۰۰۶ در روستای نیچ شهر قبله، کلیسای قدیمی آلبانی‌ها و اودین‌ها به نام «یئلسی» دوباره بازسازی شد و مورد استفاده قرار گرفت. اکنون رابرت موبیلی، استاد دانشگاه دولتی باکو، رهبری مجمع دینی اودین‌ها و آلبانی‌ها را بر عهده دارد.

۶- **پروتستان‌ها:** در دوران شوروی (سابق) تعدادی از روس‌ها و مالاکان‌های پروتستان وجود داشتند که بعدها نیز تعدادی از آنها از اروپا به آذربایجان مهاجرت نمودند و با نمایندگان پروتستان‌ها ارتباط برقرار کردند. پس از فروپاشی شوروی، از سوی دولت‌های غربی تعداد زیادی از میسیونرهای پروتستان به آذربایجان مهاجرت کردند و دست به فعالیت‌های گسترده‌ای زدند. در حال حاضر، پروتستان‌ها به شکل منسجم و گسترده‌ای فعالیت دارند.

۷- یهودی‌ها: یهودیان آذربایجان به سه مجمع وابسته‌اند: ۱. مجمع دینی یهودیان اروپایی - آشکی‌نازی؛ ۲. مجمع دینی یهودیان کوهستان - سفارت لر؛ ۳. مجمع دینی یهودیان گرجی.

به طور کلی، تعداد یهودیان موجود در کشور ۱۶۰۰۰ نفر می‌باشد. ۱۱۰۰۰ نفر از آنان یهودیان کوهستان می‌باشند که حدود ۶۰۰۰ نفر از آنان در باکو و ۴۰۰۰ نفر از آنان در قبا و ۱۰۰۰ نفرشان نیز در شهرهای شمالی آذربایجان زندگی می‌کنند. یهودیان اشکنازی حدوداً ۴۳۰۰ نفر هستند. اکثریت یهودیان اشکنازی در باکو و شهر سومقائیت زندگی می‌کنند و یهودیان گرجی نیز ۷۰۰ نفر تخمین زده شده‌اند.^۱

یهودیان آذربایجان بیش از ۲۵۰۰ سال است که در این منطقه سکونت دارند بیشتر آنان در شمال شرق آذربایجان در شهرهای قوبا و آغوز و در منطقه شیروان در شهر گویچای زندگی می‌کنند. در حال حاضر، در باکو سه و در آغوز و قوبا یک مرکز یهودی فعالیت می‌کند. در ماه مارس سال ۲۰۰۳ و در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۳ در باکو مرکز بین‌المللی تحصیلی خاباد لیوواویچ «اود - اونر» شروع به فعالیت کرد. همچنین طبق سند شماره ۲۲۲ پنجم ماه اکتبر سال ۲۰۰۶ وزارت کشور جمهوری آذربایجان، مجوز فعالیت و افتتاح مدرسه ابتدایی «ایساک ابراموویچ خانووکون» در روستای قرمزی شهر قوبا صادر شده است.^۲

رفتار و سخنان رؤسای جمهور آذربایجان با تشکیلات یهودیان قابل توجه است و بیشتر به دلایل سیاسی و استفاده از حضور لابی یهودی در مقابل لابی ارمنی، برای حل بحران قره باغ از آنها حمایت می‌کنند. برای مثال، حیدر علی اف، رئیس‌جمهور پیشین آذربایجان، که در آوریل سال ۲۰۰۳ با رئیس

1. www.azarbajjan.az, 2008.

2. Ibid.

فدراسیون یهودیان MDB، رئیس فدراسیون یهودیان اسرائیل - روسیه لئو لئوایف و همچنین تعدادی از نمایندگان تشکیلات یهودیان ملاقات داشت، در سخنانی اعلام کرد: یهودیان ساکن در آذربایجان همیشه با آرامش و راحتی زندگی کرده‌اند. من پشتیبان شما هستم. در آذربایجان برنامه‌های ضد دینی وجود ندارد و یهودیان نیز می‌توانند آشکارا به سفارش‌های دین خود عمل کنند. یهودیان ساکن در آذربایجان می‌توانند به تمامی آیین‌های یهودیت آزادانه عمل کنند. وضعیت معیشتی و زندگی یهودیان ساکن در آذربایجان همانند طرف‌داران و نمایندگان دیگر فرقه‌های دینی در آذربایجان است.^۱

یهودیان آذربایجان روابط تنگاتنگی با تشکیلات یهودیان اسرائیل و یهودیان ساکن در کشورهای غربی دارند. تشکیلات بین‌المللی یهودیان آذربایجانی سوخنوت، آقودیت اسرائیل، و تشووا اسرائیل روابط نزدیک خود را با تشکیلات یهودیان آمریکایی و انگلیسی حفظ کرده است. بر اساس عقاید دینی یهودیان، یهودیان کوهستان ربّانی‌های این دین هستند. آنها روایت‌های منابع دینی چراغ عهدی، اتیقله، تالمود و راووین را از میان برداشته‌اند. در مقایسه یهودیان کوهستان با یهودیان آشکی نازی، یهودیان کوهستان سنتی‌ترند.

هـ. طریقت‌های غیر رسمی

۱- بهائیان: در دهه سوم قرن بیستم، مجامع دینی ممنوع شده آذربایجان دوباره رونق گرفتند و شروع به فعالیت کردند. در حال حاضر، دو گروه بهائی در جمهوری آذربایجان فعالیت می‌کنند که یکی از آنها مجمع دینی بهائیان ساکن شهر باکو و دیگری مجمع دینی بهائیان سومقائیت است. بهائیان به همراه هم‌مسلك‌های خود در فنلاند، سوئد و هندوستان در ۲۲ می سال ۱۹۹۲ کنگره یهودیان را برپا کردند و پس از آن نیز توانستند مجامع دینی خود را به رسمیت

برسانند. بهائیان آذربایجان در سال ۱۹۳۳ توانستند مجوز رسمی فعالیت خود را کسب کنند. در سال ۲۰۰۲ دوباره این مجوز از سوی مرکز گروه‌ها و مجامع دینی آذربایجان تمدید شد. در سال ۲۰۰۴ گروه رسمی روحانیان بهائی به طور رسمی فعالیت خود را شروع کرد. پس از اصلاح قوانین، بهائیان می‌توانستند آذری‌ها را برای فعالیت جذب کنند. هم‌اکنون بهائیان در هجده منطقه جمهوری آذربایجان زندگی می‌کنند و در دیگر مناطق، خانواده‌های کوچک و یا انفرادی دارند. آنها نه مجمع دینی دارند.

۲- کریشناها: در جمهوری آذربایجان، بخصوص در شهر باکو، مجمع دینی دیگری که ریشه آن از هندوستان است، فعالیت می‌کند. نام رسمی آن مجمع دینی شعور کریشناچی‌های شهر باکو است.

ز. گروه‌ها و مجامع دینی

محدودیت‌های بسیاری بر سر راه تشکلهای دینی شیعیان جمهوری آذربایجان وجود دارد و حکومت تلاش می‌کند تا هر مسجد، زیارتگاه، مکان مذهبی، گروه و جمعیت دینی را تحت نظارت خود در آورد. به همین دلیل، هر روزه دین‌داران برای اخذ مجوز رسمی فعالیت به مراکز ذی‌ربط مراجعه می‌کنند. طبق قوانین جمهوری آذربایجان، گروه‌ها و اماکن مذهبی باید خود را در قالب مجمع (اجماع) ثبت کنند. طبق آخرین آمار و به گفته گوندوز اسماعیل‌اف، مدیر شعبه گروه‌های دینی، قریب ۵۲۰ گروه و اتحادیه دینی در جمهوری آذربایجان مجوز رسمی اخذ کرده‌اند که از این مجامع ۳۲ تشکل غیراسلامی‌اند.^۱ مجامع در شهرها و روستاهای کشور شکل گرفته‌اند و معمولاً روستاهایی که اماکن مذهبی و یا مسجد دارند، دارای مجمع دینی هستند. با وجود تعداد شیعیان، مجامع دینی آنها کمتر از اهل سنت است.

۵. اقوام

الف. تنوع قومیتی در جمهوری آذربایجان

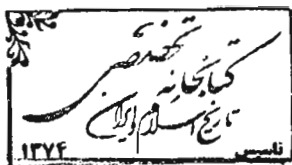
جمهوری آذربایجان از اقوام گوناگونی تشکیل شده که در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و شیوه زندگی دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند. این گروه‌ها شامل ایرومی‌ها، قاراپاچی‌ها، پادری‌ها، شاهسونی‌ها و قاراداغی‌هاست. تعدادی از آنها در داخل مرزهای این کشور و عده‌ای در ایران و ترکیه زندگی می‌کنند. ایرومی‌ها در غرب و نواحی کوهستانی قفقاز سفلا دامدار و کشاورزند. «کاراپاخی» معروف‌ترین گروه قومی جمهوری آذربایجان است که در بخش غربی این کشور و قسمتی از گرجستان و ارمنستان زندگی می‌کنند. پادری‌ها در بخش شرقی، که قدیمی است، شیوه اقتصاد روستایی را حفظ کرده‌اند. شاهسون‌ها عمدتاً در جنوب و منطقه مغان این کشور کشاورزی و دام‌داری می‌کنند. قاراداغی‌ها در شمال غربی ایران در کوه‌های معروف به قره‌باغ مثل شاهسون‌ها زندگی می‌کنند.^۱

بیشتر جمعیت جمهوری آذربایجان آذری‌اند. عده‌ای بر این نظرند که آذری‌ها از قوم ترک هستند. به دلیل جنگی که میان ارمنه و آذری‌ها در جریان است، نسبت ارمنه پایین آمده. از میان اقوام دیگر، می‌توان به لزگی‌ها، آوارها و داغستانی‌ها اشاره کرد. یهودیان، اوکراینی‌ها و گرجی‌ها از دیگر اقلیت‌ها هستند که مجموعاً دو درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. به دلیل مهاجرت روس‌ها به روسیه و یهودیان به اسرائیل، در این نسبت نیز کاهش دیده می‌شود.^۲ طبق آخرین سرشماری اتحاد جماهیر شوروی (سابق) و همچنین آمار ارائه شده در کتاب *اقوام مسلمان شوروی (شرین آکینر)* بیش از بیست اقلیت قومی در این کشور وجود دارد. جمهوری آذربایجان بیشترین تعداد گروه‌های قومی است که آذری‌ها ۸۲/۷ درصد، روس‌ها و ارمنه ۵/۶ درصد و لزگی‌ها ۲/۴ درصد را تشکیل می‌دهند.^۳

۱. بهناز اسدی کیا، *جمهوری آذربایجان*، ص ۲۹.

۲. محمدحسین افشردی، *بارتولد، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، ص ۱۳۳.

۳. بهناز اسدی کیا، *جمهوری آذربایجان*، ص ۲۳.



ب. گروه‌های قومی

همان‌گونه که در بحث جمعیت ادیان مشکل انتشار آمار دقیق وجود دارد، در ارائه جمعیت اقوام نیز کمبود اطلاعات و اخبار رسمی وجود دارد و به عبارت دیگر، از انتشار آمار اقوام خودداری می‌گردد. در جدولی که در ادامه خواهد آمد (جدول ۱۰)، گروه‌های قومی از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۹ به صورت مجزا معرفی می‌شوند. این آمار پس از استقلال دچار تغییرات و تحولاتی شده است:

۱. آذری‌ها از منطقه خودمختار قره‌باغ اخراج شدند و ارامنه بسیاری از ارمنستان و سایر نقاط دنیا در این منطقه و شهرهای اطراف آن، که بیش از ۲۰ درصد خاک کشور را تشکیل می‌دهد، ساکن شده‌اند. تاکنون آمار درستی از این منطقه منتشر نشده است.

۲. جمعیت تالش‌ها به دلیل حساسیت‌های سیاسی مطرح نمی‌شود. در سال ۱۹۹۱ منطقه تالش و مغان به رهبری علی اکرام همت‌اف اعلام استقلال کرد و برای خود مجلس و دولت مستقل تشکیل داد، اما خیلی زود از هم پاشید و رهبران آن فراری و یا محبوس گشتند. طبق آخرین آمارها و برآوردهای موجود و سرشماری ۱۹۸۹، قریب یک میلیون نفر تالشی در جمهوری آذربایجان زندگی می‌کنند که ۳۰۰ هزار نفر در منطقه باکو و اطراف آن، ۶۹ هزار نفر در آستارا، ۴۰ هزار نفر در یاردیملی، ۱۴۴ هزار نفر در ماسالی، ۵۴ هزار نفر در لریک، ۱۶۴ هزار نفر در لنکران، ۶۱ هزار نفر در بیله سوار، و ۱۳۳ هزار نفر در شهر جلیل آباد ساکن هستند. اکثر قریب به اتفاق تالشی‌ها شیعه‌اند. در جدول مزبور، آماری از تالشی‌های این کشور، که بیش از ۱۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، ذکر نشده است.

۳. پس از فروپاشی شوروی از تعداد جمعیت روس‌ها و ارامنه به شدت کاسته شد و در حالی که در آمارهای رسمی تعداد آنها قریب ۵ درصد جمعیت کشور اعلام می‌شد، در حال حاضر تعداد روس‌ها به ۵۰۰۰ نفر نیز نمی‌رسد و ارامنه نیز به ارمنستان کوچیده‌اند.

۴. لزگی‌های این کشور نیز از اقوامی هستند که در طول دو دههٔ گذشته چالش‌هایی با حکومت داشته‌اند و حتی در قالب داغستان و دربند درصدد اعلام استقلال برآمده‌اند. اکثریت آنها سنی‌مذهب و در مناطق شمالی پراکنده‌اند. آمار واقعی آنها نیز اعلام نمی‌شود.

۵. پس از استقلال، تعداد زیادی از یهودی‌های جمهوری آذربایجان به فلسطین اشغالی مهاجرت کرده‌اند و آمار پراکنده‌ای در خصوص آنها ارائه می‌گردد.

جدول (۱۰): ترکیب جمعیت اقوام بر پایهٔ سرشماری ۱۹۸۹-۱۹۹۹^۱

مقایسه ۱۹۹۹ با ۱۹۸۹	۱۹۹۹	۱۹۸۹	۱۹۹۹	۱۹۸۹	به تفکیک سال
	درصد		تعداد		
۱۱۳۳۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۷۹۵۳۴۰۰	۷۰۲۱۲۰۰	کل
۱۲۴۱۰۰	۸۲/۷	۸۲/۷	۷۲۰۵۵۰۰	۵۸۰۵۰۰۰	آذربایجانی‌ها
۱۰۳۹۰۰	۱/۸	۲/۴	۱۷۸۰۰۰	۱۷۱۴۰۰	لزگی‌ها
۳۶۱۰۰	۱/۵	۵/۶	۱۴۱۷۰۰	۳۹۲۳۰۰	روس‌ها
۳۰۹۰۰	۱	۵/۶	۱۲۰۷۰۰	۳۹۰۵۰۰	ارمنی‌ها
۳۶۰۰	۰/۶	۰/۳	۷۶۸۰۰	۲۱۲۰۰	تالش‌ها
۱۱۵۴۰۰	۰/۵	۰/۶	۵۰۹۰۰	۴۴۱۰۰	آواره‌ها
۲۵۰۰	۰/۴	۰/۲	۴۳۴۰۰	۱۷۷۰۰	ترکمن‌ها
۱۰۵۱۰۰	۰/۴	۰/۴	۳۰۰۰۰	۲۸۶۰۰	تاتارها
۸۹۶۰۰	۰/۲	۰/۵	۲۹۰۰۰	۳۲۳۰۰	اکراینی‌ها
۱۱۹۲۰۰	۰/۲	۰/۲	۱۵۹۰۰	۱۳۳۰۰	سخورها
۱۰۴۸۰۰	۰/۲	۰/۲	۱۴۹۰۰	۱۴۲۰۰	گرجی‌ها
۱۰۶۹۰۰	۰/۲	۰/۲	۱۳۱۰۰	۱۲۲۰۰	کردها
۱۰۶۷۰۰	۰/۱۳	۰/۲	۱۰۹۰۰	۱۰۲۰۰	تات‌ها
۲۸۹۰۰	۰/۱	۰/۴	۸۹۰۰	۳۰۸۰۰	یهودی‌ها
۶۷۸۰۰	۰/۰۵	۰/۱	۴۱۰۰	۶۱۰۰	آدین‌ها
۳۰۶۰۰	۰/۱۲	۰/۴	۹۶۰۰	۳۱۳۰۰	دیگر اقوام

۱. محمدحسین افشردی، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران،

ج. اقلیت‌های قومی

۱- **یهودی‌ها:** از جمله جمعیت‌هایی که از دیرباز در آذربایجان ساکن بوده‌اند، یهودی‌ها هستند که «جهود» نیز خوانده می‌شوند. به سبب تمایز با یهودیان روسیه و اوکراین، اینها را یهودیان کوهستان و یا «داغ یهودی‌لری» می‌نامند. یهودیان در طول صدها سده زندگی در کنار تات‌ها، ترک‌ها و لزگی‌های آذربایجان، علاوه بر آموختن زبان این اقوام، شیوه زندگی، عادات و آداب آنها را نیز پذیرفته و در عین حال، زبان و فرهنگ ویژه خود و گاهی خصوصیات فیزیکی و سیمای قوم سامی را هم حفظ نموده‌اند. هم‌اکنون قریب ۱۰۰۰۰ نفر از آنها در آذربایجان زندگی می‌کنند و عمدتاً در روستای «موجوغ» از توابع شاماخی، که در ساحل چپ رودخانه «قودیال» قرار دارد، سکونت دارند.

پس از نشر دین مسیح و پس از آن دین اسلام، یهودی‌گری در دین بومیان و ملیت‌های مهاجر آذربایجان رسوخ نموده است. نام برخی از روستاهای قبا یادآور حضور دیرین گروه‌های یهودی مانند جهودکند و جهودلار در آن منطقه است. اکنون در این روستاها، ترکان سکونت دارند. پس از آنکه آذربایجان به اشغال روس‌ها در آمد، انبوه یهودیان از روسیه، اوکراین، بلاروس و لهستان به این کشور سرازیر شدند. برای تمایز آنان از یهودیان محلی، آنها را «روس جهود» نامیده‌اند. اینها با جهودان محلی تفاوت‌های فراوانی دارند که بارزترین آن، زبان است. همچنین جهودان مهاجر عادات و آداب ویژه و عرق سامی خود را از دست داده‌اند. گروهی از آنها به لهجه «ژارغون» آلمان سخن می‌گویند و گروه دیگر که در روسیه زیسته‌اند، زبان روسی را برگزیده‌اند. قریب بیست هزار تن از جهودان روسی در باکو و شمار کمتری در دیگر شهرهای آذربایجان اسکان یافته‌اند. جهود باکو به لحاظ اهمیت فوق‌العاده تجاری و صنعتی این شهر، در آن ساکن شده‌اند. تعیین میزان دقیق تعداد یهودیان آذربایجان بر اساس آمار رسمی به دلیل رخدادهای تاریخی و مهاجرت‌های انجام گرفته بسیار دشوار است، اما در حال

حاضر، طبق آمار منتشر شده، قریب ۲۸۱۰۰ یهودی در این کشور زندگی می‌کنند که این‌گونه دسته‌بندی شده‌اند:

۱. یهودیان کوهستان: بیش از ۱۱۰۰۰ نفر از آنان در باکو، ۶۰۰۰ نفر در قبا و ۳۶۰۰ نفر در سایر نقاط آذربایجان زندگی می‌کنند. طبق بررسی‌های تاریخی انجام گرفته و اسناد منتشر شده، خاستگاه اصلی یهودیان کوهستانی ایران بوده و در قرون گذشته از مناطق شمالی ایران به این منطقه مهاجرت کرده‌اند و به زبان تاتی سخن می‌گویند که گویش فارسی آمیخته به عبری است.

۲. یهودیان آشکی‌نازی: ۴۳۰۰ نفر در باکو و ۳۳۰۰ نفر در سایر مناطق زندگی می‌کنند.

۳. یهودیان گرجی: جمعاً قریب ۷۰۰ نفرند و بیشتر در باکو و قبا زندگی می‌کنند.

توجه صهیونیسم بین‌الملل به این منطقه و تلاش در جهت حضور در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی این کشور به دلیل مجاورت با ایران و همچنین درصد بالای شیعه، موجب شده است توجه حکومت، نهادها و دولت‌های خارجی و به ویژه مردم و شیعیان این کشور به جامعه یهود بیشتر شود. در طول تاریخ و حتی اکنون نیز اقوام آذری و یهود روابط خوبی با یکدیگر دارند و اگرچه یهودیان از نظر قشربندی اجتماعی جزو طبقات پایین بوده‌اند، اما نیروهای خارجی پس از استقلال این کشور تلاش می‌کنند تا این وضعیت تغییر کند. حجم فعالیت‌های رژیم صهیونیستی در زمینه‌های اقتصادی، شامل ایجاد شرکت‌های تجاری، ایجاد کارخانه‌ها و مزارع صنعتی - بخصوص در مناطق جنوبی هم‌مرز با ایران - در زمینه‌های امنیتی، شامل نفوذ در سیستم‌های مخابراتی و رسانه‌ای، در زمینه‌های سیاسی، شامل نفوذ در نهادهای حکومتی و دوایر دولتی، حضور در مجلس ملی، و در زمینه‌های اجتماعی و دینی، شامل ایجاد مجامع و گروه‌های دینی، و تلاش در جهت کسب نفوذ اجتماعی از آن جمله است.

این گروه با چالش‌های گوناگونی در جامعه شیعی جمهوری آذربایجان مواجه بوده که اهم آنها عبارت است از:

۱. یهودیان در طول ادوار گذشته و از نظر تاریخی، جزو طبقات پایین، تحقیر شده و منزوی بوده‌اند. از نام «جهود» برداشت منفی در اذهان مردم، بخصوص شیعیان، باقی مانده است. آنها در اذهان مردم به عنوان جاسوسان حکومت استالین برای کشتار علما در دهه سی قرن بیستم شناخته می‌شوند.

۲. در مصاحبه‌های گوناگونی که توسط نگارنده با مردم صورت گرفته، دو قشر وهابی و یهودی مورد تنفر مردم، بخصوص شیعیان، هستند. کشتار مردم فلسطین و نقش صهیونیسم در جنایات جهانی، بخصوص در حوادث جهان اسلام، موجب تنفر مردم از آنها شده است. در تحقیقی که توسط مرکز مطالعات دینی شرق انجام گرفته، میزان تنفر مردم از صهیونیسم بیش از ۹۰ درصد است و این موضوع موجب تنفر از یهودیان ساکن در این کشور نیز می‌گردد. (ر.ک. فصل ۵)

۱- لزگی‌ها (لزگیان): طوایف لزگی خصوصیتی همچون حاکمیت موروثی، انسجام اجتماعی، زبان واحد بومی و بسیاری از ویژگی‌های دیرین خود را حفظ کرده بودند؛ اما به تدریج و به اقتضای شرایط طبیعی کوه‌های قفقاز و تغییرات سریعی که دایم در اوضاع اجتماعی آنجا رخ می‌داد، لزگی‌ها از لحاظ لهجه به گروه‌های متعددی تقسیم شدند. بیشتر لزگی‌ها در مناطقی که دارای کوه‌های ناهموار است، زندگی می‌کنند؛ مناطقی که تابستان‌هایی داغ و خشک دارد و زمستان‌هایی طوفانی با سرمای وحشتناک. عده‌ای از آنها کنار دریای خزر ساکن هستند. لزگی‌ها اصالتاً از داغستان هستند. جمعیت آنها قریب ۳۷۰۰۰۰ نفر بوده که قریب ۱۶۰۰۰۰ نفرشان در جمهوری آذربایجان و در منطقه شمال شرقی، کنار مرزهای داغستان روسیه، قُصار، زیندان موروق، شیروانوفکا، لازا و ماکا ساکن هستند و بقیه در جنوب داغستان و آن سوی مرزهای جمهوری آذربایجان در روسیه زندگی می‌کنند. بیشتر لزگی‌ها با افراد قبیله خود ازدواج می‌کنند و مسن‌ترین زنان نقش تعیین‌کننده‌ای در این خصوص دارند.

هنوز هم گاهی رسم پرداخت کالیم (بهای عروس) اجرا می‌شود، اما بیشتر موارد حالت نمادین دارد.

مسلمانان تا قرن نوزدهم تأثیر فراوانی بر لزگی‌ها داشتند. لزگی‌ها در اواخر قرن هجدهم به اسلام روی آوردند. این عامل موجب حرکت‌های نظام‌مند طریقه «انجمن صوفی» گردید که سازمان‌دهی مخفیانه مدارس اسلامی و نمازخانه‌ها را در زمان شوروی (سابق) بر عهده داشت. امروزه صدها مسجد در آذربایجان و داغستان وجود دارد. هرچند لزگی‌ها مسلمانان سنتی مذهب هستند، اما دارای اقلیت شیعی قوی متعصب نیز هستند. هر دو گروه دارای اعتقادات راسخی نسبت به شعائر اسلامی هستند. برای مثال، نام بسیاری از آنها دارای کلمه «الله» است. پس از فروپاشی شوروی، تحرکاتی برای تشکیل «لزگینستان» شروع شده، ولی اکنون پشتیبان اندکی دارد. یک سازمان استقلال‌طلب به نام «سادوال» دست به تحرکاتی زد و مسئولیت انفجار بمب در متروی باکو در سال ۱۹۹۴ را به عهده گرفت، ولی اخیراً به فراموشی سپرده شده است. غالباً معتقدند که آن گروه از خارج حمایت می‌شد. اکنون در آذربایجان دو طایفه بزرگ لزگی به نام‌های «کور» و «آوار» زندگی می‌کنند. دیگر طوایف لزگی مانند اورین‌ها، هاپیتیان، غزیزیان، بودوغان، جک‌ها و خنالیقان نیز بخش دیگر جامعه لزگی‌ها را تشکیل می‌دهند.

۳- تالش‌ها: به دلایل سیاسی، تالش‌های جمهوری آذربایجان به عنوان قومی جداگانه در نظر گرفته نشده‌اند. آن بخش از مردم تالش، که در جمهوری آذربایجان ساکن هستند، همانند تات‌ها، لاهیج‌ها و دیگر مردم ایرانی زبان آن سرزمین از تحصیل به زبان مادری و نیز از تحصیل به زبان فارسی محرومند. اینان ناگزیر از تحصیل به زبان ترکی هستند. حالت دو زبانی در میان این مردم، به تدریج، به مرگ زبان قومی و استحاله آن در زبان حاکم ترکی می‌انجامد. در کتاب جغرافیای کامل قفقاز، نویسنده در فصل مربوط به خانات تالش‌ها، درباره زبان مردم تالش چنین نوشته است: «تالش‌ها اغلب مسلمان شیعه هستند و به

زبان تالشی گفت‌وگو می‌کنند. در اوایل دهه ۱۹۳۰ چند نشریه به زبان تالشی منتشر می‌شد و به همین منظور نظام نگارش ویژه‌ای ابداع شد. هرچند که در سال ۱۹۵۳ دستور زبان تالشی و در سال ۱۹۷۶ واژه‌نامه تالشی - روسی به چاپ رسید با این وجود، پس از جنگ جهانی دوم استفاده از زبان تالشی به عنوان زبان ادبی منسوخ شد. اکنون بیشتر تالشی‌ها به آذربایجانی که زبان تدریس مدارس آنها است تکلم می‌کنند. گرچه زبان تالشی تا روزگار ما پابرجا مانده است، ولی محدوده آن رفته رفته تنگ‌تر می‌شود. اکنون به تقریب، همه تالشی‌ها دو زبانی هستند و به موازات زبان مادری خود، به زبان آذربایجانی (ترکی قفقازی) گفت‌وگو می‌کنند.^۱

۴ کردها: طبق آمار غیررسمی، متجاوز از ۲۵۰ هزار نفر کرد در این جمهوری زندگی می‌کنند، ولی رسماً اعلام نشده است. جمهوری آذربایجان از ناحیهٔ اکراد احساس نگرانی زیادی می‌کند و آثار این نگرانی هر از گاهی در رسانه‌های این کشور، بخصوص رسانه‌های نوشتاری، خود را نشان می‌دهد. برای نمونه، کوچ انبوه کردها به منطقهٔ قره‌باغ آذربایجان انسان را به اندیشه وامی‌دارد. اخیراً نگرانی شدیدی در جامعهٔ آذربایجان در زمینهٔ نقل مکان کردها از شمال عراق و ترکیه به این کشور به وجود آمده است. بیشتر رسانه‌ها به وجود ارتباطی بین مهاجران کرد و سازمان تروریستی «پ.ک.ک.» اشاره می‌کنند. حتی رسانه‌های خارجی نیز به این مسئله توجه دارند. برای مثال، در پایگاه اطلاع‌رسانی روسیه‌ای www.reg.ru در ۸۶/۲/۲۱ مقاله‌ای به قلم شخصی به نام گرانت شاه نظریان درج شده که در آن آمده است: تاکنون ۶۰ تا ۷۰ هزار کرد به آذربایجان کوچ داده شده‌اند و در آیندهٔ نزدیک، این رقم به ۲۰۰ هزار نفر خواهد رسید.^۲

۱. بهرام امیراحمدیان، جغرافیای کامل قفقاز، ص ۱۶۰-۱۶۱.

2. www.Zerkalu, 28 May 2008.

د. ارامنه و ترکیب قومی منطقه قره‌باغ

منطقه خودمختار قره‌باغ، که در ترکیب جمهوری آذربایجان قرار دارد، به دنبال اختلافات ارضی و قومی با ارمنستان از سال ۱۹۸۸ توسط ارامنه اشغال شده است. ادعاهای ارضی ارامنه قره‌باغ به گذشته‌های دور برمی‌گردد؛ اما پیشینه تکرار این ادعا مربوط به قرن بیستم است:

- در جریان انقلاب ۱۹۰۷ روسیه، قره‌باغ صحنه جنگ‌های خونین بین ارامنه و آذری‌ها شد.

- در سال ۱۹۱۷ ارامنه ادعای مالکیت خود را بر قره‌باغ مطرح کردند.

- در سال ۱۹۲۱ قره‌باغ توسط استالین به کنترل آذربایجان درآمد.

- در سال ۱۹۲۴ این منطقه به استان قره‌باغ کوهستانی آذربایجان تغییر نام داد.

- در سال ۱۹۳۶، مشخص شدن مرزهای قفقاز، نارضایتی ارامنه را به دنبال داشت.

- در سال ۱۹۶۳ ارامنه قفقاز طی طوماری خواهان رسیدگی به وضع خود شدند و از خروشچف درخواست الحاق قره‌باغ به ارمنستان را نمودند. در سال ۱۹۶۴ تقاضای فوق تکرار شد.

- با تحولات «پروسترویکا» و «گلاسنوست» مجدداً ادعای مزبور مطرح شد و برای این منظور ارامنه تظاهرات مختلفی انجام و در سال ۱۹۸۸ الحاق قره‌باغ به ارمنستان صورت گرفت.^۱ درگیری‌ها کم و بیش ادامه داشت تا اینکه پس از فروپاشی شوروی، اختلافات به جنگی خانمان‌سوز و فراگیر بین دو کشور ارمنستان و آذربایجان تبدیل شد؛ جنگی که به دلیل ادعای ارضی ارمنستان بر قره‌باغ آغاز گردید، ولی در واقع، به علت سیاست‌های پیشین حاکمان شوروی (سابق) در

۱. مطالعات سیاسی مرکزی و قفقاز، س ۱، ش ۲، «قضیه ناگورنا قره‌باغ»، ص ۱۵۷.

ایجاد اختلافات سرزمینی صورت گرفته بود. بر اساس اطلاعات سرشماری سال ۱۹۸۹، از کل جمعیت استان خودمختار قره‌باغ ۷۶/۹ درصد ارامنه و ۲۱/۵ درصد آذربایجانی‌ها هستند؛ در حالی که در سرشماری قبلی در سال ۱۹۷۹، ارامنه ۷۵/۹ درصد و آذربایجانی‌ها ۲۳ درصد جمعیت این استان را تشکیل می‌دادند. با توجه به اینکه بین دو سرشماری ۱۹۷۹ و ۱۹۸۹ رشد جمعیت ارمنی‌ها ۰/۶۹ درصد در سال و آذربایجانی‌ها ۱/۹ درصد بوده است، بنابراین، به طور طبیعی، جمعیت ارامنه قره‌باغ از ۱۲۳۰۷۶ نفر در سال ۱۹۷۹ باید به ۱۳۱۸۳۹ نفر می‌رسید، در حالی که در سال ۱۹۸۹ جمعیت آن به ۱۴۵۴۵۰ نفر رسیده. به نظر می‌رسد که قریب ۱۴۰۰۰ نفر از ارامنه ایران و ارمنستان برای مقاصد سیاسی و به دست آوردن اکثریت و راندن آذربایجانی‌ها، به این منطقه کوچانده شده‌اند. هرچند پس از سال ۱۹۸۹ اطلاعی از تعداد ارامنه قره‌باغ در دست نیست، اما می‌توان حدس زد که جمعیت فراوانی از ارامنه ایران، جمهوری‌های شوروی (سابق)، اروپا، آمریکا و خاورمیانه به ارمنستان و از آنجا به قره‌باغ مهاجرت کرده‌اند. جمعیت آذربایجانی‌های قره‌باغ در سال ۱۹۷۹ برابر با ۳۷۲۶۴ نفر بود که با رشد ۱/۹ درصد در سال، باید در سال ۱۹۸۹ به قریب ۴۵۰۰۰ نفر می‌رسید. بنابراین، قریب ۴۵۰۰ نفر از مردم منطقه را وادار به مهاجرت کردند و تعدادی نیز در طول درگیری‌های بین ارامنه و آذربایجانی‌ها از سال ۱۹۸۸ به بعد تا قبل از سرشماری ۱۹۸۹ کشته شدند که به همین دلیل، علت افزایش دو برابری ارامنه نسبت به آذربایجانی‌ها در دوره ۱۹۷۹-۱۹۸۹ به خوبی معلوم می‌شود. در این دوره آذربایجانی‌ها ۹ درصد و ارامنه ۱۸/۲ درصد رشد داشتند.^۱

۱. بررسی تحولات سیاسی آذربایجان از سال ۱۹۸۵ به بعد، ص ۳۲۶ به نقل از: فصل‌نامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۴.

پس از این بحران، تمامی آذری‌های قره‌باغ از این منطقه و حتی شهرهای اطراف آن کوچانده شدند و قریب یک میلیون نفر آواره بر جای ماند. بحران قره‌باغ به دلیل سابقه تاریخی و عوامل تغییر ترکیب جمعیتی، عوامل جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و مرزی، عوامل فرهنگی، افکار توسعه‌طلبانه آرامنه، دخالت‌های دولت‌های خارجی و سرانجام بی‌کفایتی مسئولان آذربایجان تاکنون حل نشده است.

فصل چهارم

ساختار اقتصادی

۱. اقتصاد در حال گذر

اقتصاد جمهوری آذربایجان در طول حکومت کمونیست‌ها بر پایه نظام سوسیالیسم پایه‌ریزی شد و تلاش گردید همچون سایر جمهوری‌ها، در یک یا چند محصول خاص به صورت تک‌محصولی توسعه پیدا کند و این کشور نیز بیشتر در زمینه تولید و عرضه منابع خام نفتی شهرت یافت و به صنایع جانبی نفت، همچون پتروشیمی توجه ویژه‌ای مبذول شد و سایر صنایع و امور کشاورزی و دام‌داری به صورت سنتی پیش رفت. با هدف از خود بیگانه ساختن مردم، پرورش انگور و توسعه تاکستان‌های بزرگ و بالتبع تولید وسیع مشروبات الکلی در دستور کار حاکمان کمونیستی قرار گرفت، به گونه‌ای که این جمهوری به یکی از مناطق اصلی تولید و صدور مشروبات شوروی سابق تبدیل گردید.

پس از استقلال، جمهوری آذربایجان تلاش کرده است تا از سیستم سوسیالیستی گذشته عبور کرده و به بازار آزاد گام نهد و خصوصی‌سازی نیز در چارچوب فرمان شماره ۱۱۲ ریاست جمهوری در ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۵ تحت عنوان بر نامه دولتی خصوصی‌سازی اموال دولت از ۱۹۹۵-۱۹۹۸ اجرا شده است. این جمهوری در مقایسه با جمهوری‌های تازه استقلال یافته اطراف خود، در اثر بهره‌برداری از منابع نفتی و سرمایه‌گذاری خارجی توسعه بیشتری پیدا کرده است. با وجود این، پس از استقلال این کشور، تورم فزاینده ناشی از آثار جنگ قره‌باغ همراه با سیاست‌های آزادسازی قیمت‌ها و خصوصی‌سازی اقتصاد موجب شده است مردم جمهوری آذربایجان تحت فشارهای شدید اقتصادی قرار بگیرند

و قدرت خرید آنها به سرعت کاهش یابد. ولی از سال ۱۹۹۶، افزایش درآمدهای حاصل از قراردادهای نفتی بین‌المللی، روند رو به رشد سرمایه‌گذاری خارجی، اعتبارات صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و مساعدت کشورهای اروپایی موجب شده است تا اقتصاد نابسامان این کشور رو به بهبود برود.

جمهوری آذربایجان برای ثبات بخشیدن به اوضاع اقتصادی، با کمک صندوق بین‌المللی پول، دو برنامه اقتصادی را به اجرا درآورده و توانسته است میزان تورم را کاهش دهد. میزان تورم در این کشور از ۴۱۱ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۲۰ درصد در سال ۱۹۹۶ و ۷/۳ درصد در سال ۱۹۹۷ و صفر درصد در سال ۱۹۹۸ و منفی ۵ درصد در سال ۲۰۰۰ میلادی کاهش یافته است. اما در ۳ سال گذشته با تأثیرپذیری از اقتصاد جهانی، جمهوری آذربایجان تورم بالای ۱۰ درصد را تجربه کرده است. اصلاحات اقتصادی در این کشور و آزادسازی تجارت موجب پاگیری طبقه جدیدی از تجار و صاحبان صنایع با سرمایه‌های اندک شده است. با وجود این، نباید فراموش کرد که این کشور در مرحله گذار از اقتصاد متمرکز کمونیستی به اقتصاد باز است و هنوز بخش‌هایی از اقتصاد کشور به شیوه سابق اداره می‌شود. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تأکید دولت جمهوری آذربایجان در بخش اقتصادی بیشتر بر توسعه فعالیت‌های نفتی بوده است. در سال ۲۰۰۴، متوسط تولید ناخالص داخلی ۳۴۰۰ دلار و نرخ رشد اقتصادی ۱۰/۲ است.^۱

جمهوری آذربایجان در فرایند دوره گذر، با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کند که تأثیر مافیای اقتصادی برای تصاحب زمین‌های حاصلخیز و صنایع سودده، حل نشدن مشکل مالکیت در بسیاری از مناطق، رکود فعالیت در بسیاری از اراضی و کارخانه‌هایی که روزگاری به تولیدات مشغول بودند، نبود ثبات سیاسی

۱. بهرام امیراحمدیان، بررسی کشورشناسی جمهوری آذربایجان، فصل اقتصاد.

و اقتصادی، مدرن نبودن صنایع کشاورزی، فقدان امنیت مالی برای تجار خارجی در واردات و صادرات، تحریم محصولات از سوی روسیه، مشکلات ساختاری در تولید و خدمات، و عدم آگاهی مردم و عادت نداشتن به نظام جدید از جمله این مشکلات است بدین‌روی، بیشتر مردم در فقر اقتصادی به سر می‌برند.

۲. کشاورزی و دام‌داری

جمهوری آذربایجان به دلیل دارا بودن زمین‌های حاصلخیز، میانگین بارندگی ۱۲۰۰ الی ۱۴۰۰ میلی‌متر و توجه ویژه به کشاورزی، از زمان شوروی (سابق)، در زمینه کشاورزی و دام‌داری قابلیت‌های خوبی داشته است، اگرچه امروزه به علت سوءمدیریت و آشفتگی در مالکیت، بهره‌برداری خوب و صنعتی از آنها نمی‌شود. اراضی پیرامون رودهای این کشور، بخصوص رودخانه‌های مشهور گُر و ارس، مناطق میل مغان، دشت‌ها و جلگه‌های تالش، لنکران و نخجوان از مهم‌ترین مناطق کشاورزی هستند. گندم، انگور، پنبه، توتون، غلات، چای، انواع میوه و سبزی، کرم ابریشم، سیب زمینی و علوفه از اصلی‌ترین محصولات کشاورزی به شمار می‌روند. «اراضی زیر کشت جمهوری آذربایجان ۱/۳ میلیون هکتار است که ۳۰ درصد آن به غلات ۲۳ درصد محصولات صنعتی، ۴۱ درصد محصولات جالیزی و سبزیجات و محصولات علوفه‌ای اختصاص دارد.»^۱

پرورش گاو و گوسفند در مراتع وسیع مناطق کوهستانی این کشور اهمیت دارد. به گونه‌ای که در سال ۱۹۹۲، قریب ۵ میلیون رأس گوسفند و ۱/۸ میلیون رأس گاو پرورش داده می‌شد.^۲ ماهی‌گیری و سایر محصولات دریایی از جمله خاویار - به دلیل قرار گرفتن در سواحل دریای خزر - و تولید محصولات طیور، به

۱. همان، ص ۱۲۲.

۲. همان.

ویژه به صورت سنتی، از دیگر فعالیت‌های دام‌داری این کشور است.

جمهوری خودمختار نخجوان نیز منطقه‌ای کشاورز نشین است، اما با سیاست‌های حکومتی قبل از فروپاشی بیشتر به کشت انگور در جهت مشروبات خط‌دهی شده و در حال حاضر نیز با رکود کشاورزی مواجه است. محصولات زراعی آن کتان، تنباکو، انگور و گندم است. صنایع غذایی، معدنی و تولید ابریشم در نخجوان از توسعه خوبی برخوردارند. «علی‌رغم وجود زمینه‌های مساعد کشاورزی، در شرایط کنونی، این جمهوری مجبور به واردات ۴۰۰ میلیون دلار مواد غذایی در سال است.^۱

۳. صنعت و معدن

در دوران شوروی (سابق)، صنعت و معدن بخش مهمی از اقتصاد جمهوری آذربایجان به شمار می‌آمد (۵۴ درصد در سال ۱۹۹۱). جمهوری آذربایجان با منابع طبیعی و معدنی غنی، دارای کارخانه‌ها و صنایع متعدد، از جمله تأسیسات پتروشیمی، ماشین‌سازی، تولید و تجهیز صنایع نفت است که در سال‌های اخیر نیز با هجوم شرکت‌های نفتی غرب، شاهد توسعه آن بوده‌ایم. صنعت استخراج و تصفیه نفت، تولید گاز طبیعی، تولید ماشین‌آلات، استخراج معادن، تولید انرژی، صنایع شیمیایی، تولید آلومینیوم، آهن و فولاد، صنایع مواد غذایی، سیمان، پارچه‌بافی، تولید مصالح ساختمانی، تولید فرش دستباف و ماشینی از شاخه‌های مهم صنعت آذربایجان به شمار می‌رود.^۲

مرکز اصلی صنایع سبک در شهرهای شکی، خان‌کندی، گنجه، باکو و مینگه‌چویر است. صنایع سنگین بیشتر در باکو متمرکز است که در سال‌های اخیر،

1. www.wikipedia. com, April 2009.

2. Ibid.

افزایش چشمگیری یافته و قیمت بالای نفت نیز تأثیر زیادی بر تولید ناخالص ملی این کشور گذاشته است. علاوه بر منابع عظیم نفت و گاز حجم قابل توجهی از آلومینیوم، فولاد، سیمان، معادن سنگ نمک، گوگرد، فسفر و جیوه نیز در این کشور استخراج می‌گردد.

پس از جنگ قره‌باغ، صنایع این جمهوری - بجز صنعت نفت - رشد قابل ملاحظه‌ای نداشته و با بسته شدن راه ارتباطی جمهوری خودمختار نخجوان با جمهوری آذربایجان در زمان شروع جنگ، این کشور در وضعیت بحرانی خاصی قرار گرفته است؛ صنایع متحمل خسارات سنگینی شده‌اند و روند صادرات به میزان چشمگیری کاهش یافته است.

۴. نظام بانکی و مالی

در سال ۱۹۹۳، جمهوری آذربایجان از حوزهٔ روبل خارج گردید و از اول مارس ۱۹۹۴، منات به عنوان پول ملی و رسمی کشور شناخته شد و برای توسعهٔ بازار پولی، مبادلات ارزی در شبکهٔ بین بانکی باکو به وجود آمد.

با برقراری نظام تک‌نرخ ارز و بر اثر اجرای برنامه‌های تثبیت اقتصادی، که از سوی صندوق بین‌المللی پول حمایت می‌شد، در سال ۱۹۹۴ شاهد نرخ بسیار بالای تورّم: یعنی ۱۶۶۴ درصد بودیم که در میان کشورهای تازه استقلال‌یافته کم‌نظیر بود. اما این تورّم بالا با ثبات سیاسی به وجود آمده در سال ۱۹۹۵ به ۸/۴ درصد، در سال ۱۹۹۶ به ۸/۲ درصد و در سال ۱۹۹۷ به ۷/۳ درصد کاهش پیدا کرد. اصلاحات ساختاری، از جمله خصوصی‌سازی ادامه یافت؛ اما تاکنون گسترش فساد مالی و مقاومت نهادها و مدیران شرکت‌های دولتی مانع پیشرفت سریع برنامه‌های اصلاحی و جلب سرمایه‌های خارجی برای تجدید ساختار صنایع غیرنفتی در این کشور شده است.

نظام بانکی در جمهوری آذربایجان شامل این بخش‌هاست: ۱. بانک ملی آذربایجان ANB؛ ۲. چهار بانک تخصصی؛ ۳. شعبهٔ آذربایجانی بانک شوروی

(سابق): ۴. قریب ۴۰ بانک بازرگانی و تعاونی دیگر. به موجب فرمان ۱۲ فوریه ۱۹۹۲ رئیس جمهور این کشور، مقرر شد دو بانک تخصصی «اگرو پرام» و «پرم استوری» با شعبه سابق «گاسبانک» شوروی برای ایجاد بانک «ملی» آذربایجان ادغام شوند. بانک «بین‌المللی» یکی از بانک‌های تخصصی دولتی است که به موجب فرمان ۱۰ ژانویه ۱۹۹۲ ریاست جمهوری تأسیس شده تا جایگزین شعبه اصلی «ونشکاندام» شوروی (سابق) گردد. کارکردهای اصلی این بانک عبارت است از: انجام عملیات ارزی و تجارت خارجی برای دولت در خارج از کشور. بانک «بازرگانی» آذربایجان نیز در ماه مارس سال ۱۹۹۱ تأسیس شد که محدود به امور صادرات و واردات با سهام‌داران خارجی است. در سال‌های اخیر، حضور بانک‌های خارجی غربی از کشورهای اروپایی و آمریکایی و ژاپن رونق بیشتری یافته است.

۵. واحد پول

واحد پول جمهوری آذربایجان «منات» است. پیش از استقلال، «روبل» پول واحد اتحاد جماهیر شوروی (سابق) در نظام اقتصادی این کشور حاکم بود؛ اما پس از استقلال، همچون سال ۱۹۱۸، دوباره منات واحد پول این کشور شد. به دلیل تورم‌های بالای اقتصادی، ارزش منات به شدت کاهش یافته است. دولت این کشور با اهداف اقتصادی و حذف چهار صفر و با شکل جدید، منات را از ۲۸ دسامبر سال ۲۰۰۵ در قالب اسنکاس‌ها و سکه‌های جدید به مردم عرضه کرده است.^۱ در حال حاضر، ارزش هر منات جدید جمهوری آذربایجان معادل ۱۱۰۰ تومان و یا ۱ دلار و ۲۰ سنت است.

۶. شاخص‌های اقتصادی

در سال ۲۰۰۸ میلادی، جمهوری آذربایجان بنا به گزارش بانک جهانی، برترین کشور از نظر اجرای برنامه‌های اصلاحات اقتصادی بوده و در رتبه نخست اصلاحات اقتصادی جهان قرار گرفته است. این کشور در سال گذشته، اصلاحات زیادی در بخش قانون‌گذاری انجام داده و موفق شده است از رتبه ۹۷ جهانی در سال ۲۰۰۸ میلادی، به رتبه ۳۳ در سال منتهی به ۲۰۰۹ میلادی صعود کند. طی سال ۲۰۰۸ این کشور با تصویب و اجرای قوانینی مانند تسهیل و کاهش مراحل و روند آغاز کار، پرداخت اینترنتی مالیات و کاهش حجم دیوان‌سالاری مرسوم اداری، و توسعه و استفاده از فناوری‌های روز دنیا، در راه اصلاح اقتصادی موفقیت‌هایی به دست آورد. اکنون مدت زمان لازم برای انتقال دارایی در جمهوری آذربایجان از ۶۱ روز به ۱۱ روز کاهش یافته که با کمک قانون یکپارچگی ثبت دارایی‌های زمین و مستغلات توانسته است این موفقیت را به دست آورد.

کارشناسان اقتصادی بر این باورند که با بهبود شرایط اقتصادی جمهوری آذربایجان، بازار این کشور رو به توسعه است.^۱ در فرایند گذر از نظام گذشته به نظام جدید، بخش‌های اقتصادی نیز دچار تغییراتی گردیده‌اند، به گونه‌ای که در سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۷، سهم بخش‌های صنعت و کشاورزی در تولید ناخالص داخلی کاهش یافته و سهم بخش ساختمان و بخش بازرگانی رو به افزایش است. این تغییرات ساختاری در اقتصاد کشور عمدتاً ناشی از جریان آزادسازی قیمت‌ها و دیگر سیاست‌های اقتصادی دولت است که از سال ۱۹۹۲ در این کشور آغاز گردیده است. تولید ناخالص داخلی جمهوری آذربایجان بر اساس هزینه‌های جاری نیز نشان‌دهنده رشد مصرف خانواده‌ها و نیز مصرف بخش دولتی است.

۱. محمدحسین افشردی، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران،

هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی از ۱۰۲ میلیارد منات در سال ۱۹۹۳ به ۱۲۰۴۳ میلیارد منات در سال ۱۹۹۷ بالغ گردیده است. همچنین طی این دوره، مصارف بخش دولتی نیز از ۴۸ میلیارد منات به ۱۸۲۸ میلیارد منات افزایش پیدا کرده است.

طبق برآورد ژوئیه سال ۲۰۰۰ میلادی میزان تولید ناخالص داخلی (GDP) جمهوری آذربایجان قریب پنج میلیارد دلار بود که تولیدات کشاورزی ۸/۱۸ درصد، تولیدات صنعتی ۴۲/۸ درصد و فعالیت‌های خدماتی ۳/۳۸ درصد آن را تشکیل می‌داد. اگرچه میزان تولید ناخالص داخلی جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۸ میلادی قریب چهار میلیارد دلار بود، ولی بالا رفتن قیمت جهانی نفت خام منجر به ترقی میزان تولید ناخالص داخلی این کشور شده است. میانگین رشد تولید ناخالص داخلی جمهوری آذربایجان در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۸، ۱۰/۸۵- درصد بود، ولی این میزان در انتهای سال ۱۹۹۹ به ۱۰ درصد افزایش یافت و در سال ۲۰۰۰ به ۱/۱۱ درصد رسید.^۱ همچنین متوسط درآمد سرانه مردم از تولید ناخالص داخلی این جمهوری در سال ۲۰۰۳ به ۳۴۰۰ دلار رسید. متوسط رشد اقتصادی این کشور در فاصله سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۶ بالغ بر ۱۷ درصد و در سال ۲۰۰۶ دو برابر این نرخ (۳۵ درصد) بوده. به موازات گسترش تولید ناخالص داخلی، صادرات و واردات این کشور نیز طی همین سال‌ها، رشد متوسط ۲۳ و ۲۸ درصد را تجربه کرد و در سال ۲۰۰۶ این ارقام به ترتیب به ۴۶ و ۳۸ درصد رسید.

۳۰ درصد حجم تولید ناخالص ملی آذربایجان از تولیدات کشاورزی و دام‌پروری به دست می‌آید. قریب چهار میلیون هکتار از جمله ۱/۵ میلیون هکتار سطح زیر کشت، و بیش از ۳۰۰ هزار هکتار باغ‌های میوه و تاکستان در این جمهوری وجود دارد.

1. *The states man year book*, 2003.

۷. حمل و نقل

شکل حکومتی شوروی (سابق)، شبکه حمل و نقل توسعه یافته‌ای را طلب می‌کرد. به همین دلیل، جاده‌های ارتباطی و حمل و نقل ریلی قابل توجهی در این کشور وجود دارد. جاده‌ها ۶۲ درصد حمل و نقل این جمهوری را بر عهده دارند و حمل و نقل با اتوبوس نقش اول را در جابه‌جایی مسافر دارد. باکو دارای متروی شهری است و بیشتر شهرهای این کشور از طریق راه‌آهن به همدیگر متصل هستند. طول مسیر شبکه راه آهن ۲۰۷۰ کیلومتر و مجموع شبکه راه‌های اصلی و شاه‌راه‌های آن ۲۴۲۹۶ کیلومتر است. فرودگاه باکو اصلی‌ترین فرودگاه کشور است که با بسیاری از کشورهای دنیا خط هوایی برقرار کرده است. در نخجوان، گنجه، یولاخ، لنکران و بالاکن نیز فرودگاه‌های محلی وجود دارد که به صورت غیرمنظم پروازهایی در آنها صورت می‌گیرد.

از سال ۱۹۲۶ یک خط کشتی‌رانی در دریای خزر ایجاد شده است که باکو را به بندر «کراسنودسک» جمهوری ترکمنستان و بندر ایران (انزلی و نوشهر) متصل می‌کند. و تنها راه دریایی تقریباً نیمه بسته این کشور است.

با وجود گسترده بودن جاده‌ها و حمل و نقل ریلی، این کشور از لحاظ تجهیزات و امکانات و زیربنای لازم در سطحی پایین است. وضعیت آسفالت جاده‌های این کشور وخیم و واگن‌های راه‌آهن از رده خارج هستند.

شبکه اصلی حمل و نقل این کشور راه‌آهن است که ۶۰ درصد از حجم کل حمل و نقل در کشور را تأمین می‌کند. حمل بار از طریق دریا نیز با کشورهای آسیای میانه انجام می‌شود. از این طریق، فراورده‌های نفتی، معدنی، کودهای طبیعی و محصولات کشاورزی حمل می‌شوند. در این جمهوری، در حدود ۳۰ فرودگاه وجود دارد. راه‌آهن آذربایجان و خط کشتی‌رانی باکو - ترکمن باشی در ایجاد کریدور ترابری ارو - آسیایی تراسکا نقش فعالی دارد. در این کشور به طور دایم دیدار کشورهای عضو این سازمان برگزار می‌شود.

آذربایجان یک سری توافق‌نامه و قرارداد بین‌المللی را در مورد مسائل همکاری در زمینه‌های حمل و نقل از جمله توافق‌نامهٔ کریدور بین‌المللی شمال - جنوب مورخ ۱۲ سپتامبر سال ۲۰۰۰ در سن پترزبورگ (الحاق سال ۲۰۰۴) امضا نموده است.^۱

۸. نفت و گاز و انرژی

جمهوری آذربایجان ۳/۶ میلیارد بشکه ذخایر تثبیت‌شدهٔ نفت دارد. البته ذخایر احتمالی آن را بین ۸ تا ۱۵ میلیارد بشکه تخمین زده‌اند. این کشور در ابتدای قرن بیستم یکی از بزرگ‌ترین مناطق نفتی جهان بود و اهمیتش برای شوروی (سابق) معادل تگزاس برای آمریکا بود. تولید نفت در سال ۱۸۷۰ شروع و با کشف منابع جدید در سبیری و اورال، توجه به آذربایجان کم شد. تولید نفت از ۲۲ میلیون تن در سال ۱۹۸۶ به ۱۵ میلیون تن در سال ۱۹۹۱ رسید. پس از کنسرسیوم ۱۹۹۷، قریب ۱۱۵ هزار بشکه در روز تولید می‌شد که اکنون به قریب ۵۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است و عمدتاً از طریق خطوط نفتی باکو - جیحان صادر می‌شود.

در سال ۲۰۰۸، شاهد رشد صادرات نفت بوده‌ایم، به طوری که هشت میلیون و ۷۳۱ هزار تن نفت به بازارهای جهانی صادر شده که هشت میلیون و ۴۸۲ هزار تن از نفت صادراتی جمهوری آذربایجان توسط کنسرسیوم شرکت‌های نفتی خارجی فعال در میداین آذری، چراغ و گونشلی واقع در دریای خزر به بازارهای جهانی منتقل شده است که نسبت به مدت زمان سال گذشتهٔ میلادی ۱۸ درصد بیشتر است. مجموع نفت صادراتی جمهوری آذربایجان

۱. ر. ک. بررسی وضعیت اقتصادی جمهوری آذربایجان، فصل ارتباطات.

در سال ۲۰۰۷ میلادی ۳۰ میلیون و ۵۷۹ هزار تن بوده که درمقایسه با سال ۲۰۰۶ میلادی ۹/۳۵ درصد افزایش داشته است بر اساس این گزارش، در سه ماهه اول سال ۲۰۰۹ میلادی در مجموع، ۱۱ میلیون و ۲۴۶ هزار تن نفت از منابع خشکی و دریایی جمهوری آذربایجان استخراج شده که ۸ درصد بیش از میزان استخراجی در مدت زمان سال گذشته است. ۹ میلیون و ۷۸ هزار تن از مجموع نفت جمهوری آذربایجان توسط کنسرسيوم شرکت‌های نفتی در میدین چراغ و آذری در دریای خزر، و بقیه از سوی شرکت دولتی نفت آذربایجان (سوکار) از منابع خاص استخراج شده است.^۱

متأسفانه طبق اعلام مطبوعات جمهوری آذربایجان، ۵۰ درصد نفت این کشور به رژیم اشغالگر قدس صادر می‌شود.

آذربایجان یکی از تولیدکنندگان بزرگ انرژی الکتریکی در میان جمهوری‌های آسیای میانه است. این جمهوری توان تولید ۱۸/۰۶ میلیارد کیلووات ساعت انرژی الکتریکی را دارد که ۹۰/۹۸ درصد این ظرفیت توسط نیروگاه‌های حرارتی و ۹/۰۲ درصد توسط نیروگاه‌های برق آبی آذربایجان تأمین می‌شود. میزان مصرف داخلی انرژی الکتریکی جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۸ میلادی قریب ۱۵/۵ میلیارد کیلووات ساعت بود. همچنین این کشور در همین سال، بالغ بر یک میلیارد کیلووات ساعت الکتریسیته صادر و ۱/۲ میلیارد کیلووات ساعت برق از همسایگان خود خریداری کرد.^۲

۱. ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران)، ۲۱ فروردین ۱۳۸۷، به نقل از: خبرگزاری آذریپرس.

2. www.rasekhoon.net, April 2009.

۹. موافقت‌نامه‌های نفتی

پس از استقلال و به قدرت رسیدن حیدر علی‌اف، موافقت‌نامه‌های متعددی در جهت اکتشاف و صدور نفت این جمهوری با شرکت‌های غربی و روسی منعقد گردید. در ابتدا، میزان ذخایر نفتی این کشور هزاران میلیون تن اعلام شد، اما با بررسی‌های دقیق بعدی، موضوع بیشتر تبلیغاتی عنوان گردید. «دولت این کشور ۱۹ موافقت‌نامه نفتی با ۳۰ شرکت بزرگ نفتی از ۱۴ کشور جهان به امضا رسانده است. کل سرمایه‌گذاری این طرح‌ها ۶۰/۹ میلیون دلار، و کل ذخایر ۱/۶ میلیارد تن نفت خام و ۱/۳ تریلیون متر مکعب گاز برآورد می‌شود.»^۱

در این جمهوری ۱۹ کنسرسیوم نفتی مشغول فعالیت هستند (بخشی برای حوزه خشکی و برخی برای حوزه دریایی). با وجود این، مهم‌ترین کنسرسیوم‌های نفتی آذربایجان ۵ کنسرسیوم ذیل است:

کنسرسیوم اول در حوزه «آذری - چراغ» فعالیت می‌کند که قرارداد آن در سال ۱۹۹۴ بین جمهوری آذربایجان و ایالات متحده آمریکا منعقد شد. این حوزه در زمان شوروی (سابق) شناسایی گردید و مذاکرات اولیه آن را گورباچف و ریگان انجام دادند. این کنسرسیوم در حقیقت، نخستین همکاری نفتی شوروی (سابق) با آمریکا بود. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آمریکایی‌ها ادامه فعالیت این حوزه را پی‌گیری کردند و در سال ۱۹۹۴ حیدر علی‌اف، رئیس جمهوری آذربایجان، قرارداد آن را با ۱۲ شرکت امضا کرد. در این کنسرسیوم، پس از جمهوری آذربایجان - به ترتیب - آمریکا و انگلستان بیشترین سهم را دارند. ذخایر احتمالی این حوزه قریب ۶۰۰ میلیون تن است که برای بهره‌برداری از آن به ۱۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز است. مشکل اصلی این حوزه نحوه انتقال نفت آن به بازارهای مصرف است.

۱. بهرام امیراحمدیان، بررسی کشورشناسی جمهوری آذربایجان، ص ۱۵۲.

کنسرسیوم دوم مربوط به حوزه «قره‌باغ» است. قرارداد این حوزه در سال ۱۹۹۵ منعقد گردید و پیش‌بینی می‌شود یکصد میلیون تن ذخیره داشته باشد. پس از آنکه حفر چاه‌های اولیه در این حوزه به نفت نرسید، کنسرسیوم با شکست مواجه شد.

کنسرسیوم سوم مربوط به حوزه «شاه‌دنیز» است که در آن ایران نیز سهم دارد. اما پس از حفر چاه‌های یک و دو معلوم شد که این حوزه، گازی است و نفت ندارد.

کنسرسیوم چهارم مربوط به حوزه «دانول دوز اشرفی» است که قرارداد آن در سال ۱۹۹۶ منعقد شد. عمده سهم این کنسرسیوم متعلق به آمریکاست که ابتدا پیش‌بینی می‌شد ذخیره‌ای معادل ۱۰۰ میلیون تن نفت خام داشته باشد. جالب آنکه پس از حفر چاه‌ها، این حوزه نیز به نفت نرسید و کنسرسیوم آن بسته شد. با وجود این، پیش‌بینی می‌شود در صورت بهره‌برداری از ۴ حوزه نفتی مزبور، از سال ۲۰۰۹ روزانه یک میلیون و ۲۵۰ هزار بشکه نفت در جمهوری آذربایجان تولید شود.

پنجمین حوزه نفتی جمهوری آذربایجان در منطقه «اینام» در ۶۰ کیلومتری جنوب شهر باکو واقع است. عملیات حفاری نخستین چاه اکتشافی این حوزه از ۲۵ نوامبر سال ۲۰۰۰ آغاز شده است. براساس قرارداد منعقد شده در سال ۱۹۹۸، ۵۰ درصد از سهام این کنسرسیوم متعلق به شرکت دولتی نفت آذربایجان «سوکار» ۲۵ درصد متعلق به شرکت مشترک انگلیسی و آمریکایی «بی‌پی» و ۲۵ درصد دیگر متعلق به شرکت هلندی «شل» است. میزان ذخایر نفتی حوزه «اینام» قریب ۱۷۰ میلیون تن و رقم سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای اجرای طرح بهره‌برداری از آن قریب دو میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. مهم‌ترین موافقت‌نامه‌های نفتی با شرکت‌های خارجی عبارتند از: موافقت‌نامه استخراج نفت از منطقه «کورداشی» شهر سالیان با حضور شرکت‌های آمریکایی، ایتالیایی، ژاپنی،

اسپانیایی، ترکیه‌ای و عربستانی در سال ۱۹۹۸؛ موافقت‌نامه استخراج نفت از منطقه «چراغلی» و «گونشلی» با شرکت‌های آمریکایی، اروپایی، روسی و ترکیه‌ای در سال ۱۹۹۴؛ موافقت‌نامه استخراج نفت از منطقه «شاه دینز» با شرکت‌های اروپایی، روسی، ترکیه‌ای و ایرانی در سال ۱۹۹۶، و موافقت‌نامه استخراج نفت از منطقه «کورداشی» و «آراز - آلف» با شرکت‌های اروپایی در سال ۱۹۹۸.

جمهوری آذربایجان نفت خود را از طریق دو خط لوله «باکو - سوپسا» و «باکو نوروسیسیک» به جمهوری‌های گرجستان و روسیه صادر می‌کرد. این کشور برای صدور نفت به اروپا نیازمند احداث خط لوله جدیدی بود که بندر باکو را به ترکیه متصل کند. اگرچه مسیر ایران برای احداث این خط لوله با صرفه‌ترین مسیر است، ولی ممانعت برخی قدرت‌ها، آذربایجان را وادار به انعقاد قرارداد «باکو - جیهان» کرد که به دلیل بعد مسافت و هزینه بالای احداث این خط لوله، به هیچ وجه صرفه اقتصادی ندارد. خط نفتی «باکو - تفلیس - جیحان» در طول چندین سال ساخته شد و در سال ۲۰۰۷ به بهره‌برداری رسید. اکنون بیشتر منابع نفتی خام این کشور از این مسیر عبور می‌کند.

در حال حاضر، از مجموع نفت صادراتی جمهوری آذربایجان هشت میلیون و ۳۱۱ هزار تُن آن از طریق خط لوله «باکو - تفلیس - جیهان» به بازارهای اروپا صادر می‌شود که ۵۴/۴۳ درصد بیش از مدت مشابه سال گذشته میلادی است. بقیه نفت صادراتی جمهوری آذربایجان از طریق خط لوله «باکو - نوروسیسیک» (مسیر روسیه) و نیز خط آهن گرجستان به بازارهای جهانی حمل می‌شود.

در سه ماهه اول سال ۲۰۰۹ میلادی ۹/۶ میلیون تن نفت از آذربایجان صادر شده است که در همین مدت فقط از طریق خط لوله «باکو - تفلیس - جیهان» ۷/۷ میلیون تن نفت توسط بریتش پترولیوم صادر شده است. در این مدت، از طریق خط لوله «باکو -

نوورا سیسک» نیز حدود ۶۱۱ هزار تن نفت صادر شده است. همچنین از طریق این خط لوله تولیدات نفتی شرکت دولتی نفت آذربایجان و تولیدات مشترک این شرکت با برخی از شرکت‌های خارجی نیز در حوزه‌های غیردریایی صادر شده است. از طریق خط لوله «باکو - سوپسا» نیز ۱/۱ میلیون تن نفت صادر شده است. از سوی دیگر، در ۳ ماهه اول سال ۲۰۰۹ از طریق خطوط راه آهن حدود ۱۹۲ میلیون تن نفت برای صادرات به بازارهای جهانی، به بندر باتومی گرجستان صادر شده است.^۱

۱۰. تورّم

به دنبال استقلال و نبود ثبات سیاسی و اقتصادی و آشفتگی در مدیریت کالا و خدمات و جنگ قره‌باغ، در سال ۱۹۹۴ تورّم به ۲/۴۰۰ درصد رسید و قیمت‌ها ۲۰۰ برابر شد. رشد تولید ناخالص داخلی در ۱۹۹۲-۱۹۹۵، ۲۰ تا ۳۰ درصد بود. از سال ۱۹۹۵ و با حضور حیدر علی‌اف در رأس قدرت و ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی، قیمت‌ها کاهش پیدا کرد، به گونه‌ای که طبق اعلام کمیته اقتصادی این کشور، نرخ تورّم در سال ۱۹۹۷ به ۴ درصد و در سال‌های منتهی به ۲۰۰۷ به کمتر از ۱۰ درصد رسید. البته با بحران پیش‌آمده جهانی در سال ۲۰۰۸ نرخ تورّم دو رقمی شده است؛ چنان‌که نرخ تورّم در سال ۲۰۰۹ میلادی، ۲۲ درصد برآورد شده است.^۲ چند منبع غیر دولتی نیز تورّم را در سال ۲۰۰۸، ۳۸ درصد اعلام کرده‌اند.^۳

۱. ایسنا (خبرگزاری دانشجویان، به نقل از: گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۹ اردیبهشت

۱۱. تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی

صادرات این کشور علاوه بر محصولات کشاورزی شامل کالاهای صنعتی، مواد غذایی، ماشین‌آلات و ماشین‌های فلزکاری، محصولات نساجی، نفت و گاز و مواد شیمیایی و پتروشیمی است. در مقابل، جمهوری آذربایجان به واردات محصولات صنایع غذایی، ماشین‌آلات صنعتی و فلزکاری، برخی مواد غذایی، ماشین‌آلات تولید فلزات غیرآهنی و آهنی و برخی محصولات کشاورزی نیاز دارد. جمهوری آذربایجان برای سروسامان بخشیدن به وضعیت اقتصادی خود، تلاش‌های دامنه‌داری برای جذب سرمایه‌های خارجی، به ویژه در بخش نفت و گاز، به عمل آورده است. با وجود ذخایر غنی نفت و گاز در جمهوری آذربایجان، این بخش از اهمیت بسزایی در آینده اقتصاد این کشور برخوردار است.

مطابق گزارش سازمان‌های اقتصادی، در سال ۱۹۹۶ م/۱۳۵۷ ش، شرکت‌های خارجی قریب ۷۰۰ میلیون دلار در اقتصاد این کشور سرمایه‌گذاری کرده‌اند. مجموع سرمایه‌گذاری خارجی جذب شده در سال ۱۹۹۷ م/۱۳۷۶ ش، قریب یک میلیارد دلار بود. این سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۰۴ به ۴۰۵۶۳ میلیون دلار رسید. کشورهای ترکیه، آمریکا، ایران، آلمان، روسیه و انگلستان اصلی‌ترین سرمایه‌گذاران بوده‌اند. برای اقتصاد جمهوری آذربایجان، که به بیش از ۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری، به ویژه در بخش نفت و گاز نیاز دارد، روند رو به رشد سرمایه‌گذاری خارجی، بخصوص از سوی سرمایه‌گذاران آمریکایی حایز اهمیت بود. روند رو به رشد مزبور در چند سال اخیر، کاهش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد که اعتراض مقامات دولتی را نیز در پی‌داشت. بنا به تأیید کمیته آمار دولتی جمهوری آذربایجان در طول ۶ ماهه اول سال ۲۰۰۹ میلادی، حجم سرمایه‌گذاری اقتصادی در جمهوری آذربایجان قریب ۲/۶ میلیارد منات جدید که قریب ۶۰/۳ درصد آن را سرمایه‌گذاری خارجی بالغ بر ۱/۶ میلیارد منات در بر گرفته که در مقایسه با مدت زمان مشابه سال ۲۰۰۵ قریب ۷/۷ درصد کاهش یافته است.

۱۲. صادرات و واردات

حجم کلی صادرات کالایی این کشور در سال ۲۰۰۶ بالغ بر ۶/۴ میلیارد دلار و حجم صادرات خدمات در قریب ۸۴۰ میلیون دلار بوده است. مهم‌ترین مقصد صادراتی کالاهای آذربایجان اتحادیه اروپاست که بیش از نیمی از صادرات را به خود اختصاص می‌دهد و رژیم صهیونیستی با سهمی قریب ۱۱ درصد در رتبه دوم قرار دارد. کشورهای ترکیه، روسیه و ایران - به ترتیب - در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. حجم کلی واردات کالایی این کشور ۵/۳ میلیارد دلار و واردات خدمات آن نیز ۲/۸ میلیارد دلار است. ۳۰ درصد واردات کالایی جمهوری آذربایجان به اتحادیه اروپا و ۲۲ درصد به روسیه اختصاص دارد و کشورهای ترکیه، ترکمنستان و اوکراین در رتبه‌های بعدی هستند. متوسط تعرفه‌های این کشور ۹/۶ درصد است که این نرخ برای محصولات کشاورزی و صنعتی - به ترتیب - ۱۴/۳ و ۸/۸ درصد است. قریب ۷۵ درصد کالاها از تعرفه‌های ۱۰ تا ۱۵ درصد برخوردار است. بالاترین تعرفه‌ها به بخش منسوجات اختصاص دارد که میزان آن به ۳۶۱ درصد نیز می‌رسد؛ اما اقلام نوشیدنی و دخانی به طور میانگین از حمایت بیشتری نسبت به سایر بخش‌ها برخوردار است.

بنا به اطلاعات کمیته دولتی آذربایجان، طی نه ماهه اول سال ۲۰۰۶، مبادلات خارجی کالا قریب ۸/۶ میلیارد دلار بوده که نسبت به دوره مشابه سال ۲۰۰۵ حجم صادرات ۹۳/۹ درصد افزایش داشته و به ۴/۸۴ میلیارد دلار رسیده و حجم واردات ۱۷/۲ درصد افزایش داشته و به ۳/۷۸ میلیارد دلار بالغ شده که تراز مثبت آن قریب ۱۰۶۸۷۹ میلیون دلار آمریکا است. بیشترین حجم صادرات طی ماه‌های ژانویه - سپتامبر سال ۲۰۰۶ به ایتالیا بوده که میزان ۲۲۸۰۶ میلیون دلار محاسبه شده است و ۴۷/۰۵ درصد از حجم کل صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد. پس از آن اسرائیل (۵۲۲۱۴ میلیون دلار) و ترکیه (۲۸۵۴ میلیون دلار) قرار دارند. صادرات اصلی به این کشورها نفت خام است.

جمهوری آذربایجان طی این مدت با ۹۲ کشور خارجی مبادلات تجاری انجام داده و از این کشور ۴۹۲ نوع کالا صادر شده است.^۱ این کشور با ایتالیا، آمریکا، اسرائیل، هند، فرانسه، روسیه، اسپانیا، هلند، اندونزی، ترکیه، انگلیس و شیلی همکاری تجاری دارد.

۱۴. وضعیت اسلام‌گراها در اقتصاد جمهوری آذربایجان

توضیحات و آمارهایی که از وضعیت اقتصادی جمهوری آذربایجان ارائه گردید، دربرگیرنده وضعیت همه اقشار و گروه‌های اجتماعی، قومی و مذهبی این کشور، از جمله گروه‌های شیعی اسلام‌گرا نیز هست. این گروه‌ها از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی متمایز از سایر گروه‌های این کشور نیستند و از لحاظ اقتصادی وضعیت مشابهی با سایر مردم دارند. شرایط، فرصت‌ها و موانع فعالیت‌های اقتصادی و کسب سرمایه برای همه گروه‌های مذهبی یکسان است و به همین دلیل، شکاف و فاصله عمیق طبقاتی ناشی از درآمد، همان‌گونه که در کل کشور وجود دارد، در میان این گروه‌ها نیز مشاهده می‌شود.

گروه‌های شیعی اسلام‌گرا غالباً در شهر باکو و سپس در شهرهای دیگر این کشور مستقر هستند و تشکّل‌های آنها در روستاها کمتر دیده می‌شود.

تجارت، کارخانه‌های بزرگ و کوچک، گمرک‌ها و نبض اقتصادی کشور در دست مافیای قدرت و وابستگان به حکومت است و به همین دلیل، سایر مردم به کارگران و کارمندان و مزدبگیران تبدیل شده‌اند. تعداد دیگری نیز به کارهای مستقل و کوچک همچون کشاورزی، باغداری، دامداری، ماهی‌گیری و تجارت چمدانی مشغولند.

فصل پنجم

ساختار سیاسی

۱. تحولات سیاسی دو دههٔ اخیر

جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۳۶ تا سال ۱۹۹۱ تحت حاکمیت شوروی (سابق) به «جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی» تغییر نام داد. در این دوره، تغییر سیاسی قابل توجهی روی نداد. حکام گوناگونی از سوی سران شوروی در مسکو بر این ناحیه حکومت می‌کردند؛ اما بیشترین سال‌ها به وسیلهٔ حیدر علی‌اف رهبری می‌شد؛ همو که پس از استقلال نیز حکومت را در دست گرفت. از چند سال پیش از استقلال، تحولات سیاسی مهمی در این کشور روی داده است که به اختصار بیان می‌شود:

● در ۲۹ سپتامبر ۱۹۸۹، پارلمان آذربایجان قطع‌نامهٔ حاکمیت آذربایجان بر سرزمین، آب و منابع طبیعی این منطقه را اعلام کرد و حق ایجاد و حفظ روابط دیپلماتیک با سایر کشورها را یادآور شد و در اواخر دسامبر سال ۱۹۸۹ این طرح را به تصویب اکثریت مردم رساند.

● به دنبال اعلام استقلال، با تصمیم دولت گورباچف، ارتش شوروی (سابق) به باکو وارد شد و کشتار ۲۰ ژانویه ۱۹۹۰ را به راه انداخت که موجب تسریع در استقلال و تجمعات بزرگ مردمی در شهر باکو و سایر شهرها شد.

● جمهوری آذربایجان در ۳۰ آگوست ۱۹۹۱ و در زمان ریاست جمهوری ایاز مطلب‌اف پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به صورت رسمی اعلام استقلال کرد.

● در فوریه ۱۹۹۲ در پی کارشکنی‌های گروه تندروی «جبهه خلق» به رهبری ابوالفضل علی‌اف (ایلچی بیگ)، ایاز مطلب‌اف استعفا داد و این گروه وارد قدرت شد.

● تداوم حملات ارامنه، موجب خروج جمهوری آذربایجان از کشورهای مشترک‌المنافع شد. این امر موجب طرف‌داری آشکارتر روسیه از ارمنستان شد و این کشور منزوی گردید.

● به دنبال عدم توفیق دولت ایلچی بیگ و دیدگاه‌های تند علیه روسیه و ایران و نبود ثبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی در کشور، با دخالت نیروهای خارجی و قرار گرفتن حیدر علی‌اف در رأس این جریان مخالف، صورت حسین‌اف در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۷۲ کودتا کرد و پس از تصرف گنجه و سایر شهرها و حرکت به سمت باکو، دولت ایلچی بیگ سقوط نمود. و حیدر علی‌اف در تاریخ ۵ تیر ۱۳۷۲ وارد کشور شد و رئیس مجلس گردید. همه‌پرسی عزل ایلچی بیگ از ریاست جمهوری در تاریخ ۷ شهریور ۱۳۷۲ برگزار شد و سپس حیدر علی‌اف با ۹۸ درصد آراء در ۱۵ مهر ۱۳۷۲ با اکثریت قاطع به ریاست جمهوری انتخاب شد. حیدر علی‌اف برای نشان دادن حسن‌نیت خود، در اوایل مهرماه ۱۳۷۲ الحاق مجدد به کشورهای مشترک‌المنافع را اعلام کرد و تلاش نمود روابط خوبی با ایران و روسیه ایجاد کند و به تدریج، ثبات سیاسی و اقتصادی در کشور ایجاد گردید. در مهرماه سال ۱۳۷۳، قرارداد شرکت‌های نفتی غرب به رهبری آمریکا و چند کشور خارجی دیگر منعقد شد؛ اما با فشارهای آمریکا، از حضور ایران در ترکیب کنسرسیوم نفتی ممانعت به عمل آمد.

● در نوامبر ۱۹۹۵ قانون اساسی جدید آذربایجان تدوین و به فرماندوم گذاشته شد. در این جمهوری، حکومت لاییک اعلام شد و حیدر علی‌اف برای دریافت کمک‌های بیشتر از اسرائیل و آمریکا، اقدام به ایجاد روابط وسیع با آنها برای مقابله با ارمنستان کرد.

● در تاریخ ۵ خرداد ۱۳۷۵ به دنبال گسترش فعالیت‌های تشکیلاتی، سیاسی

و اجتماعی حزب «اسلام»، با بهانه‌های واهی همچون جاسوسی و اتهام براندازی به نفع ایران، رهبران حزب «اسلام» آذربایجان (AIP) دستگیر شدند و فعالیت‌های این حزب تعطیل گردید.

● در اکتبر ۱۹۹۸ (مهر ۱۳۷۷)، حیدر علی‌اف مجدداً به ریاست جمهوری انتخاب شد و در آذرماه ۱۳۷۹ نیز مجلس ملی این کشور در دست طرف‌داران حیدر علی‌اف قرار گرفت. در طول حکومت حیدر علی‌اف ثبات نسبی سیاسی و اقتصادی حاکم بوده است، اما از رشد فعالیت‌های سیاسی مخالفان دولت و همچنین اسلام‌گرایان به شدت جلوگیری می‌شود، به گونه‌ای که اعتراض سازمان‌های حقوق بشر بین‌المللی را نیز موجب شده است.

● به دنبال بیماری حیدر علی‌اف و انتصاب فرزند او، الهام علی‌اف، به نخست‌وزیری، طبق برنامه‌ای از پیش تعیین شده، در اکتبر ۲۰۰۳ الهام علی‌اف به ریاست جمهوری دست یافت و سپس مرگ حیدر علی‌اف اعلام شد. مخالفان و معترضان به نتایج انتخابات، که معتقد به پیروزی عیسی قنبر بودند، به شدت سرکوب شدند و تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند و صدها تن از آنان به حبس محکوم شدند. با مرگ حیدر علی‌اف نیز ثبات سیاسی حفظ شد و سیاست‌های گذشته تداوم یافت.

● انتخابات مجلس ملی در دسامبر سال ۲۰۰۵ برگزار شد و اکثریت ترکیب مجلس همچنان طرفدار دولت هستند و اعتراضات گسترده به نتایج انتخابات و فرمایشی و جعلی خواندن آن توسط مخالفان حکومت نتیجه‌ای در پی نداشت.

● انتخابات ریاست جمهوری در اکتبر ۲۰۰۸ برگزار شد و مجدداً الهام علی‌اف به ریاست جمهوری انتخاب شد. مخالفان انتخابات را تحریم کردند و به دلیل فرمایشی و از قبل مشخص بودن نتیجه انتخابات، نامزدی را معرفی نکردند.

● در فروردین ماه سال ۱۳۸۸ با پیشنهاد دولت، لایحه‌ای به قانون اساسی این کشور افزوده شد که الهام علی‌اف می‌تواند بدون محدودیت زمانی، در انتخابات آتی شرکت کند و رئیس‌جمهور شود.

۲. تقسیمات اداری - سیاسی

جمهوری آذربایجان از نظر اداری، به ۶۵ ناحیه (رایون) تقسیم می‌شود که دارای ۶۶ شهر و ۱۲۳ شهرک است. در ترکیب این کشور، دو واحد سیاسی - اداری خودمختار شامل جمهوری خودمختار نخجوان و همچنین ولایت خودمختار قره‌باغ کوهستانی نیز وجود دارد.^۱ به نظر عده‌ای دیگر، از نظر تقسیمات اداری، این کشور به ۷۸ ناحیهٔ فرمان‌داری تقسیم می‌شود که ۶۵ فرمان‌داری آن جزو نواحی روستایی و ۱۳ فرمان‌داری آن جز مناطق مرزی هستند.^۲

علاوه بر این، کشور به ده ناحیهٔ اقتصادی تقسیم شده که عبارتند از: آیشوران، قوبا - خاچماز، داغلیق شیروان، شکی - زاکاتالا، گنجه - قازاخ، یوخاری قاراباغ، کلجبر - لاجین، کورا، کورای مرکزی، و لنکران - آستارا.^۳

جمهوری خودمختار نخجوان، که به واسطهٔ کشور ارمنستان از سایر نقاط کشور آذربایجان جدا شده، دارای ۵۵۰۰ کیلومتر مربع مساحت است و از نظر اداری به پنج ناحیه تقسیم می‌شود که دارای سه شهر و دو شهرک و ۲۱۵ روستا است. مرکز آن شهر قدیمی «نخجوان» و شهرهای آن شرور، بابک، صدرک، شاهباز، اردوباد و جلفا هستند. استان خودمختار قره‌باغ که توسط ارامنه اشغال شده، دارای ۴۴۰۰ کیلومتر مربع مساحت است و از نظر اداری به پنج ناحیه تقسیم می‌شود و دارای دو شهر و شش شهرک و دویست و بیست آبادی و مرکز آن شهر استپاناکرت (خانکندی) است.^۴

۱. بهرام امیراحمدیان، بررسی کشورشناسی جمهوری آذربایجان، ص ۱۲.

۲. محمدحسین افشردی، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۰۲.

3. www.rasekhoon.net, April 2009.

۴. بهرام امیراحمدیان، جغرافیای کامل قفقاز، ص ۱۵۱.

۳. نهادهای حکومتی

الف. دولت (نهاد ریاست جمهوری)؛ ب. مجلس ملی؛ ج. هیأت وزیران؛ د. دادگاه عالی؛ ه. دادستانی کل؛ و. شورای عالی اقتصاد.

الف. دولت

رئیس‌جمهور برای مدت پنج سال انتخاب می‌شود و حداکثر دو بار می‌تواند انتخاب شود؛ اما در فروردین ماه سال ۱۳۸۸ با پیشنهاد دولت، لایحه‌ای به قانون اساسی این کشور افزوده شد که الهام علی‌اف می‌تواند بدون محدودیت زمانی در انتخابات آتی شرکت کند و رئیس‌جمهور شود.

این کشور دارای شانزده وزارتخانه است: ۱. وزارت کشور؛ ۲. وزارت بهداشت؛ ۳. وزارت امور خارجه؛ ۴. وزارت اطلاعات و انتشارات؛ ۵. وزارت فرهنگ؛ ۶. وزارت جوانان و ورزش؛ ۷. وزارت امنیت ملی؛ ۸. وزارت دفاع؛ ۹. وزارت آموزش؛ ۱۰. وزارت ارتباطات؛ ۱۱. وزارت کشاورزی؛ ۱۲. وزارت بازرگانی؛ ۱۳. وزارت کار و تأمین اجتماعی مردم؛ ۱۴. وزارت دارایی؛ ۱۵. وزارت اقتصاد؛ ۱۶. وزارت دادگستری.

ریاست‌جمهوری همچنین دارای بیست معاونت، دفتر مشاوره و کمیته دولتی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به شرح ذیل است: ۱. کمیته اقتصادی مسکن؛ ۲. کمیته دولتی اصلاحات کشاورزی اقتصاد و آب؛ ۳. کمیته دولتی ماشین‌سازی تخصصی و تغییر شرایط آب؛ ۴. کمیته دولتی ساختمان و معماری؛ ۵. کمیته دولتی ضد انحصارات و سیاست حمایت از کارفرمایان؛ ۶. کمیته دولتی دام‌پزشکی؛ ۷. کمیته دولتی رئودزی و نقشه‌کشی؛ ۸. کمیته دولتی زمین‌شناسی و منابع معدنی؛ ۹. کمیته دولتی آب و هواشناسی؛ ۱۰. کمیته دولتی امور مهاجران و کوچ‌کنندگان اجباری؛ ۱۱. کمیته دولتی زمین؛ ۱۲. کمیته دولتی اموال و دارایی؛ ۱۳. کمیته دولتی روابط بین‌المللی؛ ۱۴. کمیته دولتی نظارت بر امور بی‌خطر بودن

تصدی امور صنایع و نظارت بر شهر؛ ۱۵. کمیته دولتی علم و صنعت؛ ۱۶. کمیته دولتی محافظت و مرمت از یادمان‌های تاریخی و فرهنگی؛ ۱۷. کمیته دولتی آمار؛ ۱۸. کمیته دولتی اکولوژی و حفاظت از آلودگی طبیعت؛ ۱۹. کمیته دولتی گمرک؛ ۲۰. اتاق بازرگانی و صنایع.^۱

مسئولان ارتش، دادگستری، شورای عالی اقتصاد، و رادیو و تلویزیون توسط رئیس جمهور تعیین می‌شوند. رئیس جمهور مقام اول قدرت در کشور است.

ب. مجلس ملی

مجلس ملی آذربایجان دارای ۱۲۵ کرسی است؛ ۱۰۰ نفر از مناطق مختلف و ۲۵ عضو دیگر از میان احزابی که بیش از ۸ درصد آراء مردم را به خود جلب کنند برگزیده می‌شوند. رئیس مجلس، اکتای اسداف، از حزب «آذربایجان نوین» است. نکته قابل توجه اینکه طبق یک سنت پارلمانی در کشورهای آسیای میانه (شوروی سابق)، در جمهوری آذربایجان نیز کرسی‌های نمایندگی مجلس را افرادی همچون وزرا، مشاوران رئیس جمهور، معاونان نخست‌وزیر، سرپرستان کمیته‌ها و ادارات عمده دولتی اشغال می‌کنند.

مجلس جمهوری آذربایجان دارای ۱۰ کمیسیون دایمی است و در موارد لازم با تصویب نمایندگان مجلس، کمیسیون‌های ویژه‌ای نیز به طور موقت تشکیل می‌شود. کمیسیون‌های ده‌گانه مجلس آذربایجان عبارتند از: ۱. کمیسیون سیاست خارجی؛ ۲. کمیسیون سیاست اجتماعی؛ ۳. کمیسیون سیاست اقتصادی؛ ۴. کمیسیون نظارت بر بودجه و دارایی؛ ۵. کمیسیون امور دینی، فرهنگی، علمی و معارف؛ ۶. کمیسیون مسائل کشت و صنعت؛ ۷. کمیسیون امور پناهندگان و هموطنان مقیم خارج از کشور؛ ۸. کمیسیون حقوق بشر و حقوق بین‌الملل؛ ۹. کمیسیون ساختار دولتی و مباحث حقوقی؛ ۱۰. کمیسیون اعتبارنامه‌ها و تخلقات.

۱. بهرام امیراحمدیان، بررسی کشورشناسی جمهوری آذربایجان، ص ۴۴۷-۴۴۸.

۴. نهادهای حکومتی جمهوری خودمختار نخجوان

۱. مجلس عالی؛ ۲. دادستانی عالی؛ ۳. هیأت وزیران؛ ۴. دادگاه عالی؛ ۵. شورای اقتصاد.^۱

۵. عضویت در سازمان‌های بین‌المللی

جمهوری آذربایجان علاوه بر سازمان ملل متحد (UN)، در اتحادیه جمهوری‌های مستقل شوروی (سابق) (CIS)، بانک اروپایی ترمیم و توسعه (EBRD)، کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا (ECE)، سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO)، کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل برای آسیا و اقیانوسیه (ESCAP)، سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (FAO)، بانک ترمیم و توسعه بین‌المللی وابسته به بانک جهانی (IBRD)، سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ICAO)، جامعه توسعه بین‌المللی (IDA)، بانک توسعه اسلامی (IDB)، صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (IFAD)، بنگاه مالی بین‌المللی (IFC)، سازمان بین‌المللی کار (ILO)، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO)، سازمان بین‌المللی ارتباطات دورماهواره‌ای (INTELSAT)، سازمان پلیس جنایی بین‌المللی (INTERPOL)، کمیته بین‌المللی المپیک (IOC)، سازمان بین‌المللی استاندارد (ISO)، اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دور (ITU)، جنبش عدم تعهد (NAM)، سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)، سازمان منع سلاح‌های شیمیایی (OPCW)، کمیسیون سازمان ملل برای تجارت و توسعه (UNCTAD)، سازمان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO)، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO)، اتحادیه جهانی پست (UPU)، فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (WFTU)، سازمان بهداشت جهانی (WHO)، سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO) سازمان هواشناسی جهانی (WMO) و سازمان

تجارت جهانی (WTO) عضویت دارد. این کشور همچنین موافقت‌نامه‌های بین‌المللی تغییرات جوّی، بیابان‌زدایی، حراست از موجودات در حال انقراض، جمع‌آوری زباله‌های دریایی و حفاظت از لایهٔ اوزون را امضا کرده است.^۱

۶. قانون اساسی^۲

پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و استقلال جمهوری آذربایجان تا سال ۱۹۹۵، قانون اساسی سال ۱۹۷۸ و متمّم سال ۱۹۸۹ (قانون اساسی جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان) ملاک عمل مقامات و دستگاه‌های اجرایی، تقنینی و قضایی جمهوری تازه تأسیس آذربایجان بود که البته اندکی پس از استقلال این جمهوری، توسط مجلس «سندی دال»، استقلال آذربایجان به قانون اساسی فوق‌اضافه شد و براساس آن، اصول و مواد مغایر با استقلال ملغا و بلااثر گردید.

اولین قانون اساسی این کشور در سال ۱۹۹۵ و در دورهٔ اول ریاست جمهوری حیدر علی‌اف تدوین شد و در دوازدهم نوامبر همان سال در یک همه‌پرسی، که همهٔ کارشناسان نتیجهٔ آن را از قبل پیش‌بینی می‌کردند، به تصویب رسید.

الف. فصول

قانون اساسی جمهوری آذربایجان شامل ۵ فصل، ۱۲ بخش و ۱۵۸ اصل است که عناوین فصول پنج‌گانه و بخش‌های دوازده‌گانهٔ آن عبارت است از:
فصل یک: شرایط عمومی (قدرت و مردم، بنیان‌های حکومت)؛

1. www.rasekhoon.net, April 2009.

۲. این بخش از مقالات آقای حسن گلی در خصوص جهت‌گیری‌های قانون اساسی جمهوری آذربایجان اقتباس شده که در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۷ و سال ۱۳۸۶ در خبرگزاری آران منتشر گردیده است.

فصل دوم: حقوق اساسی، آزادی‌ها و مسئولیت‌ها (حقوق اساسی انسانی و مدنی و آزادی‌ها، تعهدات اساسی شهروندان)؛

فصل سوم: قدرت حاکمیت (قوّه مقننه، قوّه مجریه، قوّه قضاییه، جمهوری خودمختار نخجوان)؛

فصل چهارم: دولت‌های محلی نیمه‌مستقل (شهرداری‌ها)؛

فصل پنجم: قانون و حقوق موضوعه (نظام قانون‌گذاری، تغییرات در قانون اساسی، ملحقات).

ب. اصلاحات و تغییرات

در آگوست سال ۲۰۰۲ اصلاحات و تغییراتی در بعضی از اصول مربوط به مسائل سیاسی، اقتصادی و قضایی قانون اساسی جمهوری آذربایجان به عمل آمد و از طریق همه‌پرسی به تأیید رسید که منظور از آن هموار کردن مسیر برای رسیدن الهام علی‌اف به ریاست جمهوری آذربایجان بود. توضیح آنکه بر اساس قانون اساسی این کشور، در صورت فوت و یا ناتوانی رئیس جمهور می‌بایست رئیس مجلس عهده‌دار اداره کشور می‌گردید؛ اما زمانی که حیدر علی‌اف به دلیل بیماری دچار مشکل شد، قانون اساسی این کشور تغییر یافت و به جای رئیس مجلس، نخست‌وزیر عهده‌دار اداره امور کشور گردید و بلافاصله الهام علی‌اف به نخست‌وزیری منصوب گردید تا عملاً اداره کشور را به دست گیرد و خود را برای ریاست جمهوری آماده نماید. در ۲۸ اسفند ۱۳۸۷ / ۱۸ مارس ۲۰۰۹ نیز قانون اساسی اصلاح شد که شامل ۲۴ ماده بود که یکی از آنها رفع محدودیت برای انتخاب یک شخص برای تصدی پست ریاست جمهوری برای چند دوره متوالی بود. با وجود اعتراض‌های احزاب مخالف و نهادهای حقوق بشر بین‌المللی، موضوع تصویب و اجرایی شد.

ج. ملاحظات قانون اساسی

اصل اول قانون اساسی جمهوری آذربایجان یگانه منبع حاکمیت دولت جمهوری آذربایجان را «ملت» معرفی نموده و در بند ۱ اصل ۷ چنین تصریح کرده است: «دولت آذربایجان، دموکراتیک، حقوقی، دنیوی و یونیتار است» و نیز در بند اول ماده ۱۸ به جدایی دین از دولت اشاره نموده و چنین آورده است: «در آذربایجان، دین و دولت از هم جداست و تمام عقاید دینی در برابر قانون یکی است.» همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، واضعان قانون اساسی جمهوری آذربایجان این قانون را بر دو مبنای «لائسیسم» (دنیوی بودن) و «سکولاریسم» (جدایی دین از سیاست) تدوین نموده‌اند و کوچک‌ترین توجهی به دین، مذهب و سابقه فرهنگی و تاریخی این ملت نداشته‌اند.

در قانون اساسی آذربایجان، مواردی وجود دارد که مغایر دموکراسی است. برای مثال، بند ۳ ماده ۵۶ تصریح می‌کند که خادمان دین (روحانیان) حق نامزدی در انتخابات را ندارند. چالش‌هایی همچون مقابله با حجاب، عدم ارائه مجوز به گروه‌های اسلامی و تأسیس حوزه‌های علمیه و مراکز دینی مستقل، ممانعت از برگزاری آزادانه مراسم دینی، و ممانعت از انتشار ادبیات شیعه‌گواه بارز نقض دموکراسی در جمهوری آذربایجان است که به استناد اصل «سکولاریسم» صورت می‌گیرد.

۱. فرهنگ و آموزش عالی: بند ۲ ماده ۱۶ قانون اساسی جمهوری آذربایجان کمک به توسعه فرهنگ، تحصیل علم و هنر را وظیفه دولت می‌داند و حفظ و نگاه‌داری از تاریخ مردم و میراث مادی و معنوی کشور را از دیگر مسئولیت‌های آن برمی‌شمارد. تحصیل رایگان و اجباری تا آخر مقطع متوسطه از نکات بارز و مثبت این قانون است که می‌توان گفت: بر جای مانده از نظام آموزشی شوروی (سابق) است.

۲. زبان رسمی: بند اول اصل ۲۱ قانون اساسی این کشور زبان رسمی و دولتی جمهوری آذربایجان را «زبان آذربایجانی» قید کرده است، نه تعابیر و قیدهایی

مانند ترکی یا ترکی استانبولی. به نظر می‌رسد واضعان قانون اساسی خواسته‌اند بدین وسیله زبان آذربایجانی را غیر از ترکی معرفی کرده و برای آن هویت زبانی مستقلی در برابر ترکی استانبولی یا سایر شاخه‌های ترکی قایل شوند.

۳. **حقوق انسانی:** بر اساس اصل ۲۴ قانون اساسی، تمام شهروندان از بدو تولد دارای حقوق و آزادی‌های محفوظ، انکارناپذیر و محروم‌نشده هستند. اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری آذربایجان در بند دوم، حقوق و آزادی‌های زن و مرد را مثل هم می‌داند و در بند سوم تصریح می‌کند: «دولت برابری حقوق و آزادی‌های هرکس را بدون توجه به عرق، ملیت، دین، زبان، جنسیت، وضعیت زندگی و عقیده تضمین می‌کند» و در ادامه می‌افزاید: «محدود کردن حقوق و آزادی‌های انسان و شهروندان با توجه به نسبت‌های قومی، ملی، دینی، جنسی، عقیدتی، سیاسی و اجتماعی ممنوع است.» اصل ۲۶ به همه شهروندان اختیار دفاع از حقوق مزبور و آزادی را اعطا کرده و دولت را نیز در این زمینه مسئول دانسته است. البته آنچه در عمل اتفاق می‌افتد با اصول مزبور در تضاد آشکار است.

۴. **ازدواج و خانواده:** قانون اساسی جمهوری آذربایجان در ادامه بخش دوم، به موضوع ازدواج و تشکیل خانواده و حقوق زن و مرد می‌پردازد و در اصل ۳۴ دیدگاه‌های کلی خود را در این زمینه بیان می‌کند: «عقد نکاح بر اساس رضایت قلبی بسته می‌شود و با زور نمی‌توان کسی را زن یا شوهر داد.» بند ۳ اضافه می‌کند: «ازدواج و خانواده در حمایت دولت است. نسبت‌های پدری، مادری و فرزندگی بر اساس قانون حمایت می‌شود و دولت وظیفه کمک به خانواده‌های پرآلاد را بر عهده دارد.» بند ۴ می‌افزاید: «حقوق زن و شوهر با هم برابر است و اهتمام به امور فرزندان و تربیت آنها، هم از حقوق والدین است و هم دین آنها محسوب می‌شود.» بیشتر بندهای مورد اشاره اصل ۳۴ درباره نکاح و خانواده کلیاتی هستند که معمولاً در قوانین همه کشورها آورده می‌شوند. جمله اول بند ۴ نشان‌دهنده آن است که واضعان قانون اساسی علی‌رغم مسلمان و شیعه بودن، صرفاً به آموزه‌های حقوقی غرب توجه داشته

و قوانین و مقررات اسلامی در این خصوص را مدّ نظر قرار نداده‌اند.

۵. **اقلّیت‌های قومی:** در اصل ۴۴ قانون اساسی اعلام شده است که تمام افراد حق حفظ ملیّت و اقلّیت قومی مربوط به خود را دارند و نمی‌توان کسی را از تغییر ملیّت یا قومیت خود محروم ساخت. این اصل در زمینه حفظ ملیّت و قومیت افراد کلی‌گویی کرده و حدود فعالیت اقلّیت‌های قومی را به درستی روشن ساخته؛ چنان‌که تحمّل‌ناپذیری دولت آذربایجان در قبال اقدامات قانونی اقوام گوناگون، به ویژه تالش‌ها، در تضادی آشکار با اصل ۴۴ است.

۶. **دین و آزادی بیان:** آزادی فکر و عقیده از دیگر مباحث مهم و اساسی فرهنگی و اجتماعی است که ماده ۴۷ قانون اساسی آذربایجان بدان اختصاص یافته است. این اصل در ۳ بند به این موضوع پرداخته و چهارچوب مورد نظر دولت و حکومت را ترسیم کرده است که هرکسی آزادی فکر و بیان دارد و هیچ کس را نمی‌توان به ابراز عقیده خود یا روی‌گردانی از فکر و اندیشه‌اش مجبور کرد و به تبلیغات و تشویقاتی که سبب احیای دشمنی و عداوت در سطح ملی، دینی و اجتماعی می‌شود اجازه داد. بند ۳ حکم تبصره‌ای را دارد که در ظاهر به صورت منطقی و در جهت دفاع از وحدت ملی، محدودیتی برای ابراز عقیده و فکر قایل شده، و خطر قرمز این مسئله را ترسیم کرده است، ولی در واقع، بهانه‌ای برای برخورد و سرکوب هرگونه فکر و عقیده مخالف به شمار می‌آید. آنچه امروزه در عرصه‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی این کشور از قبیل سرکوب احزاب و گروه‌های اسلامی اتفاق می‌افتد در واقع تفسیر به رأی بند ۳ این ماده است و دولت آذربایجان به صورت گسترده‌ای از آن سوءاستفاده می‌کند.

اصل ۴۸ قانون اساسی جمهوری آذربایجان در ادامه اصل ۴۷ به موضوع دین (اعتقادات و مراسم دینی) می‌پردازد و در بند ۲، ۳ و ۴ اشاره می‌کند که «هرکس حق نگرش مستقل به دین، اعتقاد به هر دینی به صورت فردی و یا جمعی، عدم اعتقاد به هیچ دینی و همچنین بیان و انتشار اعتقاد دینی خود را دارد» و «انجام مراسم دینی در صورتی که قواعد و انضباط اجتماعی را برهم نزند و یا در ضدیت

با اخلاق عمومی نباشد آزاد است.» همچنین «عقیده دینی موجب برائت از اختلال در حقوق جمعی نمی‌شود.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، نه تنها از اسلام و مذهب تشیع به عنوان مذهب اکثریت مردم اسمی به میان نیامده، بلکه با بیان اینکه اعتقاد نداشتن به هیچ دینی آزاد است، بی‌دینی تجویز و تأیید شده است. بندهای ۳ و ۴ این اصل نیز در حقیقت تبصره‌هایی هستند که مجوز هرگونه برخورد با مراسم و اعتقادات دینی را علی‌رغم صراحت بند ۲ این اصل داده‌اند.

۷. **رسانه‌های جمعی:** در اصل ۵۰ «به آزادی رسانه‌های جمعی تضمین داده می‌شود و سانسور دولتی در وسایل ارتباط جمعی، از جمله مطبوعات ممنوع است.» در سطح رسانه‌های دولتی، سانسور امری عادی و رایج است و به صورت چشم‌گیری اعمال می‌شود. این محدودیت در عرصه رسانه‌های غیردولتی کم است و بیشتر مطبوعات و رسانه‌های غیردولتی نیز وابسته به چهره‌های دولتی هستند.

د. سازوکار کنترل اجرای قانون اساسی

در اصل ۱۳۰، دیوان قانون اساسی کشور وظیفه کنترل، اجرا، عدم مغایرت مصوبات، تفسیر قانون اساسی، مطابقت قوانین موضوعه، احکام رئیس جمهور و دستورهای هیأت دولت و تطبیق فعالیت‌های شهرداری و نیز مطابقت معاهدات بین‌المللی منعقدشده را به عهده دارد.

در مجموع، قانون اساسی جمهوری آذربایجان بر اصل لایبیک و سکولاریسم استوار شده و از این نظر، چشم بسته خود را به تفکر غرب، که اسارت‌ها و انحراف‌های زیادی را دامنگیر بشر عصر حاضر کرده، وابسته ساخته است. میان برخی از مواد قانون اساسی این کشور به شکلی بارز، تضاد و تناقض وجود دارد. نمونه روشن آن تأکید بر اختیار، آزادی و حقوق شهروندی از یک‌سو، و سلب آزادی و اختیار خادمان دینی از نامزدی در انتخابات از سوی دیگر است.

۷. ارتش جمهوری آذربایجان^۱

جمهوری‌های شوروی (سابق) از داشتن ارتش مستقل محروم بودند؛ اما در اواخر فروپاشی شوروی، حوادث گوناگونی موجب تشکیل تدریجی ارتش شد. با شروع درگیری‌ها در منطقه قره‌باغ، واحدهای نظامی ویژه تشکیل شد. در جمهوری آذربایجان، سپاه چهارم اتحاد شوروی و بخش نظامی ماورای قفقاز، نیروهای پدافند هوایی و نیروی دریایی اتحاد شوروی فعالیت داشتند.

نخستین گام برای ایجاد ارتش مستقل جمهوری آذربایجان در ۳ سپتامبر ۱۹۹۱ تحت عنوان ایجاد نیروهای دفاع از جمهوری آذربایجان برداشته شد. پیش از آن نیز در اوایل ماه اوت ۱۹۹۱ افسران آذری در یک اقدام محدود، با هدف ایجاد ارتش مستقل، اقداماتی انجام داده بودند. در ۹ اکتبر ۱۹۹۱ مجلس جمهوری آذربایجان قانونی را درباره تشکیل ارتش مستقل جمهوری آذربایجان تصویب کرد که بر اساس آن، مردان ۱۸ تا ۲۵ سال باید به ۱۸ ماه خدمت اعزام می‌شدند یا به صورت قراردادی سه سال در ارتش خدمت می‌کردند. زنان ۱۸ تا ۳۵ سال نیز می‌توانستند به صورت داوطلبانه و قراردادی در ارتش خدمت کنند. براساس این قانون، درجه و رتبه تمام افسرانی که در ارتش شوروی (سابق) خدمت کرده و به ارتش آذربایجان منتقل می‌شدند، حفظ و تضمین گردید و شورای دفاع نیز با تقویت وزارت دفاع منحل شد.

پس از توافق نامه آتش‌بس ۱۹۹۴ بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان، گام‌هایی برای تجدید ساختار ارتش در تأمین تجهیزات نظامی برداشته شد. تا سال ۱۹۹۸ ارتش تجدید ساختار خود را ادامه داد و از شمار نیروهای داوطلب کاسته شد و زمینه استخدام دائم را فراهم کرد. نفقات ارتش تا سال ۱۹۹۹ به ۵۵۶۰۰ نفر کاهش یافت و با تشکیل سپاه سوم ارتش، زمینه توسعه تشکیلاتی واحدهای نظامی فراهم شد. نظام پدافند هوایی به طور قابل ملاحظه‌ای توسعه یافت.

۱. این بخش اقتباسی است از کتاب: برآورد استراتژیک جمهوری آذربایجان، الیاس واحدی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۲، ج ۲.

نیروی دریایی جمهوری آذربایجان دو هزار نفر نیرو دارد و پایگاه عمده آنها در بندر باکو مستقر است. این نیرو را افسران کارآموده در ارتش شوروی (سابق) فرمان‌دهی می‌کنند. نیروی دریایی آذربایجان دارای شناورهایی مانند کشتی‌های جنگی، فری‌گیت، کشتی‌های گشت ساحلی، کشتی‌های موشک‌انداز، مین‌روب و هاورکرافت‌های زمینی - دریایی و واحدهای مایسکلانوس بر جای مانده از ناوگان اتحاد شوروی (سابق) است. نیروهای ذخیره نظامی قابل فراخوان آذربایجان قریب ۶۰۰۰۰۰ نفر برآورد می‌شود. این افراد خدمت نظام وظیفه خود را در واحدهای نظامی ارتش اتحاد شوروی سپری کرده‌اند. بودجه نظامی آذربایجان در سال ۱۹۹۲ میلادی، ۱۲۵ میلیون دلار بود، در حالی که هزینه‌های نظامی در عمل سه برابر شد. در سال ۱۹۹۳ این رقم به ۱۲۸ میلیون دلار و در سال ۱۹۹۴ به ۱۳۲ میلیون دلار رسید. هزینه‌های نظامی در سال ۱۹۹۵ به کمترین میزان، یعنی ۱۰۹ میلیون دلار رسید و در سال ۱۹۹۶ به ۱۲۵ میلیون دلار، در سال ۱۹۹۷ به ۱۳۳ میلیون دلار و در سال ۱۹۹۸ به ۱۴۶ میلیون رسید و در سال ۱۹۹۹ مبلغ بودجه ۱۹۵ میلیون دلار بود. این رقم در حالی هزینه شد که شمار نفرات ارتش آذربایجان قریب ۷۲ هزار نفر است. برای سال ۲۰۰۰، بودجه دفاع آذربایجان ۲۰۳ میلیون دلار بود.

بعد از افزایش قیمت‌های نفت در بازارهای جهانی، شاهد رشد صدها درصدی بودجه این کشور در چند سال گذشته بودیم. بودجه نظامی این کشور در سال میلادی ۲۰۰۸ به یک میلیارد و ۲۰۶ میلیون منات، معادل حدود یک و نیم میلیارد دلار رسید، ولی در سال ۲۰۰۹ کاهش ۱۰/۳ درصدی داشت. زاهد اروج‌اف، عضو کمیسیون امنیت و دفاع پارلمان جمهوری، بودجه نظامی سال آینده این کشور را یک میلیارد و ۱۱۵ میلیون منات اعلام کرد.^۱

الف. ساختار کلی نیروهای مسلح

تمام نیروهای مسلح جمهوری آذربایجان، اعم از وزارت دفاع، وزارت اطلاعات، وزارت کشور و مرزبانی کل آذربایجان زیر نظر رئیس جمهور و فرمانده کل نیروهای مسلح هستند. وزیر دفاع از سوی رئیس جمهور به این سمت منصوب می‌شود و در حال حاضر، سپهد صفرابی‌اف از سال ۱۹۹۵ با انتصاب حیدر علی‌اف در این سمت قرار دارد. ستاد مشترک ارتش و تمام نیروهای سه‌گانه هوایی، زمینی و دریایی جمهوری آذربایجان زیر نظر وزیر دفاع قرار دارند.

ارتش بر اساس الگوی سازمانی شوروی (سابق) اداره می‌شود و درصدد است به تدریج، خود را با الگوی ارتش‌های غربی، به ویژه با معیارهای ناتو و استانداردهای نظامی این سازمان، همسان کند. در ارتش، ستاد و فرمان‌دهی نیروی زمینی ارتش وجود ندارد، بلکه سپاه‌های پنج‌گانه مستقیماً زیر نظر وزیر دفاع قرار دارند و عزل و نصب آنها بر عهده وزیر دفاع است.

گسترش نیروی زمینی ارتش بر اساس خطوط مقدم این کشور در مقابل ارامنه شکل گرفته و غیر از سپاه چهارم، که مأموریت آن صرفاً حفاظت از پایتخت است، دیگر سپاه‌ها در خطوط مقدم پدافندی قرار دارند. استعداد نیروی انسانی ارتش آذربایجان قریب ۷۲۰۰۰ نفر است که این تعداد در برخی منابع تا ۱۰۰۰۰۰ نفر نیز ذکر شده است. این کشور در زمان بحران می‌تواند نیروی خود را با استفاده از بسیج مردمی به ۳۰۰۰۰۰ نفر برساند. استعداد نیروی زمینی در سال ۱۹۹۲ در آغاز جنگ قره‌باغ، قریب ۵۶۰۰۰ نفر بود که ۴۹۰۰۰ نفر آن سربازان بالای ۱۷ ماه خدمت بودند. تا سال ۱۹۹۹ ارتش آذربایجان به همان تعداد بود، ولی پس از سال ۲۰۰۰ با افزایش نیرو مواجه شد. از سال ۲۰۰۳ اعزام مشمولان به «خدمت سربازی» از سرعت بیشتری برخوردار شد. هدف از این نام‌گذاری تشویق جوانان به خدمت سربازی و تشویق نظامیان برای باز پس‌گیری مناطق قره‌باغ بود.

ب. دلایل گرایش به ناتو

این کشور به ظنّ خویش، برای امنیت خود در قبال سایر کشورها از جمله ارمنستان، روسیه و احتمالاً ایران، ناچار است به طرف ناتو برود و منافع کشورش را در همکاری با ناتو می‌بیند. قدرتمند کردن پایه‌های ارتش هزینه‌های زیادی می‌طلبد که در توان این کشور نیست. از این‌رو، کوتاه‌ترین روش و کم‌هزینه‌ترین مسیر برای ایجاد امنیت در مقابل تهدیدهای سایر کشورها، پیوستن به اتحادیه‌های نظامی از جمله «ناتو» است. قرارداد همکاری‌های نظامی جمهوری آذربایجان با ناتو در ماه می سال ۱۹۹۴ به امضای حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور و فرمانده کل قوای این کشور، رسید. همکاری آذربایجان با ناتو صرفاً در مرحله همکاری و نظارت است. برای ورود آذربایجان به عضویت ناتو در حال حاضر مشکلات زیادی وجود دارد که عبارتند از:

۱. تنش نظامی بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر مالکیت قره‌باغ و ایجاد وضعیت «نه صلح و نه جنگ».
۲. مخالفت روسیه با پیوستن کشورهای آسیای میانه و قفقاز به ناتو؛
۳. فاصله داشتن وضعیت نظامی نیروهای مسلح با استانداردهای نظامی ناتو؛
۴. ضرورت رشد اقتصادی معین و تعریف‌شده از سوی ناتو.

ج. ملاحظات امنیتی

جمهوری آذربایجان با دغدغه‌های امنیتی و سیاسی بسیاری مواجه است؛ از جمله:

۱. اشغال قریب ۱۷-۲۰ درصد خاک قره‌باغ توسط ارمنه و نتیجه نگرفتن از جنگ و صلح در دو دهه گذشته؛
۲. ترس از اقدامات و دخالت‌های براندازانه نیروهای خارجی، مثل روسیه، آمریکا، ترکیه و ایران؛

۳. ترس از آموزه‌های اسلام شیعی ایران و فعالیت رو به رشد اسلام‌گرایان؛
۴. جریان وهابیت که به عنصر تهدیدی تبدیل شده است.
۵. نیروهای نظامی بیگانه و دغدغه ایجاد توازن در روابط با روسیه، ایران و غرب؛
۶. مشکلات قومیتی تالش و لزگی که هر از گاهی اعلام استقلال و یا خودمختاری کرده، تبعاتی برای کشور ایجاد می‌کنند.
۷. مشکلات شدید اقتصاد تک‌محصولی و وابستگی به نفت؛
۸. ترس از دست دادن جایگاه سیاسی بین‌المللی به دلیل حکومت استبدادی و موروئی؛

۹. مشکلات امنیتی جمهوری آذربایجان با ایران که عبارت است از: حضور کشورهای معارض ایران در منطقه، از جمله آمریکا و اسرائیل؛ پی‌گیری ایده «پان ترکیسم» توسط بخش‌هایی از دولت جمهوری آذربایجان (اعلام ۳۱ دسامبر به عنوان روز وحدت آذری‌های جهان)؛ حضور صهیونیست‌ها در این کشور و انتظار استخراج و صدور نفت از قفقاز.

د. درگیری‌های مرزی

جمهوری آذربایجان پس از استقلال، با بحران قره‌باغ مواجه بوده است. استان خودمختار قره‌باغ که هم‌مرز با جمهوری ارمنستان است، به دلیل جمعیت اکثریتی ارمنه و با تحریکات و اغراض سیاسی اعلام استقلال کرد و سپس خواستار الحاق به ارمنستان شد. این منطقه و چند شهر اطراف آن، که قریب ۲۰ درصد اراضی کشور را تشکیل می‌دهد، طی جنگی از سوی ارمنستان اشغال شده است. شروع بحران بدین صورت بود که کمیته قره‌باغ تقاضایی مبنی بر جدایی از منطقه آذربایجان و الحاق به ارمنستان در سال ۱۹۸۸ مطرح کرد و اقدامات دو جانبه‌ای صورت گرفت و آشوب‌ها و درگیری‌های متعددی در مناطق آذری‌نشین و

ارمنی‌نشین رخ داد که بعضاً به خون‌ریزی نیز منجر می‌شد. درگیری قره‌باغ از فوریه سال ۱۹۸۸ شروع شد و حرکات خیابانی و نهضت مردمی بر ضد شوروی (سابق) صورت گرفت. در پاییز سال ۱۹۸۹ مجلس ارمنستان قره‌باغ را به عنوان بخشی از ارمنستان اعلام کرد و آذربایجان هم متقابلاً نسبت به اعمال تحریم و محدودیت علیه این منطقه اقدام نمود.

همزمان با اعلام استقلال قره‌باغ این منطقه توسط ارمنستان اشغال شد و ارامنه قره‌باغ اعلان استقلال کردند. به دنبال این واقعه، در دسامبر ۱۹۹۱ درگیری‌های جنگی بین آذربایجان و ارمنستان شروع شد. ارامنه از مناطق آذری‌نشین و آذری‌ها از مناطق قره‌باغ اخراج شدند و کشتارها و قتل‌عام‌های گسترده‌ای صورت گرفت. در پی عدم پای‌بندی ارمنستان به آتش‌بس و حمایت از جانب روس‌ها، شهرهای شوشا، و لاجین اشغال شد و در مقابل، آذربایجان گاز خود را به ارمنستان قطع کرد. جنگ ادامه یافت و در تاریخ ۸ تیر ۱۳۷۲ آق‌دره و در ۲ مرداد ۱۳۷۲ آغدام توسط ارامنه تصرف و به آوارگی ششصد هزار تا یک میلیون نفر منجر شد و در ادامه حملات در تاریخ ۲ شهریور ۱۳۷۲ فضولی به تصرف ارامنه درآمد. در تاریخ ۸ آبان ۱۳۷۲ زنگلان و قارادیز هم به تصرف ارامنه درآمد.

در تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۷۲ شورای امنیت خروج ارامنه را از مناطق اشغالی از جمله زنگلان و قارادیز درخواست کرد. قطع‌نامه‌های ۸۲۲، ۸۵۳، ۸۷۴ و ۸۸۴ درباره ضرورت خروج از اراضی آذربایجان تصویب شد، ولی به دلیل فقدان ضمانت اجرایی عمل نشد. در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۷۳ / ۱۲ می ۱۹۹۴، آتش‌بس جنگی میان دو طرف برقرار گردید و گروه «مینسک» متشکل از کشورهای روسیه، فرانسه و آمریکا برای حل بحران قره‌باغ تشکیل شد.

در پایان آبان ماه ۱۳۷۲ اردوگاه‌های ایران در مرز دو کشور احداث شد و بیش از سی هزار آواره جنگی تحت پوشش قرار گرفتند. تلفات جنگ طبق اعلام

وزارت خارجهٔ جمهوری آذربایجان در تاریخ ۳ آذر ۱۳۷۳، ۱۶ هزار کشته، ۲۲ هزار مجروح، ۴ هزار اسیر و یک میلیون آواره اعلام شد.

اگرچه اصلی‌ترین دغدغهٔ جمهوری آذربایجان در بعد امنیتی و مرزی، بحران قره‌باغ است، اما با چند بحران دیگر نیز مواجه بوده که تنش‌ها و تنازع‌های قومی بین حکومت مرکزی و تالش‌ها و همچنین لزگی‌ها از آن جمله است که در ادامهٔ بی‌ثباتی‌های سیاسی سال‌های ابتدایی پس از استقلال، درگیری‌های شدیدی بین حکومت با علی‌اکرام همت‌اف به دنبال اعلام استقلال وی در منطقهٔ تالش مغان رخ داد، اما او نیز پس از چند ماه سقوط کرد. مدتی نیز لزگی‌های این کشور، که در منطقهٔ شمال هستند، ادعاهای استقلال‌طلبانه داشتند که این مشکل همچنان آتش زیر خاکستر است. بحران‌های تالش و لزگی‌ها اگرچه اکنون حل شده، اما هر از گاهی اخباری از تحرکات سیاسی - اجتماعی آنها به گوش می‌رسد که توسط حکومت به شدت سرکوب می‌شود و رهبران آنها زندانی می‌شوند. دستگیری و حبس مسئولان نشریهٔ *تولشی صدا* و طرف‌داران آزادی‌های مدنی در این منطقه از آن جمله است.

۸. احزاب و گروه‌های سیاسی (موافقان و مخالفان دولت)

نظام سیاسی جمهوری آذربایجان نظامی چند حزبی و جزو کشورهایی است که بیشترین تعداد احزاب سیاسی در آن نمود یافته. اگرچه کثرت احزاب در یک کشور رشد سیاسی و اجتماعی آن کشور را نشان می‌دهد، اما این موضوع در خصوص جمهوری آذربایجان مصداق ندارد و این کشور جزو غیر دموکراتیک‌ترین کشورها محسوب می‌گردد. ندادن مجوز فعالیت به ده‌ها حزب فعال و غیرفعال، بخصوص احزاب اسلام‌گرا و ایران‌گرا، برگزاری انتخاباتی غیردموکراتیک و فرمایشی و دایمی کردن ریاست جمهوری الهام علی‌اف و مواردی دیگر، از مستندات این موضوع است.

به دلیل شرایط خاص جمهوری آذربایجان، نمی‌توان تقسیم‌بندی واحدی در خصوص احزاب این کشور قایل شد. با وجود کثرت تعداد، احزاب سیاسی این کشور از تنوع قابل ملاحظه‌ای برخوردار نیستند و تجربه عملکرد سیاسی این احزاب نشان داده که در مقاطع خاص سیاسی در تقسیم‌بندی محدودتری قرار می‌گیرند. اما در عین حال، به دلیل شرایط خاص سیاسی - اجتماعی این کشور در طول پانزده سال گذشته، احزاب این کشور قارچ‌گونه رشد کرده‌اند. در هر مقطع سیاسی، حزب سیاسی جدیدی پیدا و سپس فراموش شده است؛ چراکه طبق آخرین اعلام مطبوعات جمهوری آذربایجان ۱۱۷ حزب سیاسی رسمی و غیررسمی (دارای مجوز فعالیت و یا بدون مجوز رسمی فعالیت) در جمهوری آذربایجان فعالیت می‌کنند.

تقسیم‌بندی احزاب جمهوری آذربایجان در طول پانزده سال گذشته، بیشتر منحصر به تقسیم‌بندی مخالفان و حامیان دولت بوده است. اگرچه این تقسیم‌بندی درست است، اما جامع نیست. تقسیم‌بندی ارائه شده براساس تاریخچه، موافقان و مخالفان دولت، ایدئولوژی، بزرگی و کوچکی، داشتن مجوز فعالیت، ایده‌های پان - ترکیستی، و فعال و غیرفعال است.

الف. احزاب قدیمی و احزاب جدید

۱. احزابی که از نظر تاریخی از جبهه خلق جدا شده‌اند. مسائل سیاسی، ایدئولوژیکی، اختلافات شخصی و مصالح سیاسی از جمله دلایل این جدایی بوده است. احزاب «مساوات»، «استقلال ملی»، «وحدت»، «همبستگی ملی»، حزب «اسلام»، «جبهه خلق اصلاح طلب»، و «خلق» از مهم‌ترین این احزاب هستند. بیشتر این احزاب در حال حاضر جزو احزاب مخالف حکومت به شمار می‌روند.
۲. احزابی که به دنبال حاکمیت حیدر علی‌اف ایجاد شدند و طرفدار حکومت هستند. اینها به «احزاب اقتدارگرا» مشهورند. حزب «آذربایجان نوین» (ینی آذربایجان) اصلی‌ترین این احزاب است که قبلاً حیدر علی‌اف و در حال حاضر،

الهام علی‌اف، رئیس‌جمهوری آذربایجان در رأس آن قرار دارند. احزاب «مام میهن» (آنا وطن)، «استقلال دموکراتیک»، «قورقود»، «ائتلاف برای آذربایجان»، «اتحاد ملی آذربایجان واحد»، «جمهوری خواهان آذربایجان»، «جمهوری خواهان آزاد»، «جنبش ملی»، «معارف‌گرایی دموکراتیک» و «ملت بزرگ» (ملت‌گرایی ترک) از جمله احزاب طرفدار حاکمیت آذربایجان هستند که در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی آذربایجان مطرح نیستند و با ابتکار حاکمیت ایجاد شده‌اند. تعداد احزاب حکومتی در انتخابات نوامبر ۲۰۰۶ نیز افزایش یافت و به دلیل اینکه حکومت به راحتی مجوز فعالیت رسمی برای آنها صادر می‌کرد، در این انتخابات با تعداد انگشت‌شماری از نامزدها شرکت کردند.

۳. احزابی که به دنبال اختلاف شخصیت‌های سیاسی و مقامات حکومتی آذربایجان با حکومت ایجاد شده‌اند. احزاب دموکرات به رهبری رسول قلی‌اف (رئیس مجلس سابق) و لیبرال به رهبری خانم لاله شوکت‌اوا (از مشاوران ارشد سابق حیدر علی‌اف) از مهم‌ترین این احزاب هستند. حزب «ناموس» به رهبری طغرل ابراهیم‌لی، حزب «صاحب‌کاران دموکراتیک» به رهبری نعمت پناهللی، و حزب «مساوات معاصر» به رهبری علیار صفرلی از دیگر احزاب هستند.

۴. احزابی که به شخصیت‌های دوران ریاست جمهوری ایاز مطلب‌اف منتسب هستند. احزاب «عدالت» به رهبری الیاس اسماعیل‌اف (رئیس دادگستری سابق)، «وحدت هموطنان» به رهبری ایاز مطلب‌اف (که اخیراً با «سوسیال دموکرات» ائتلاف کرده)، حزب «کار»، حزب «استقلال آذربایجان» به رهبری نظامی سلیمان‌اف جزو این احزاب هستند.

۵. احزاب جدیدالتأسیس با عقاید مخالف یا طرفدار حکومت که غالباً کوچک هستند. حزب «دموکراتیک اسلامی»، «وجدان»، «سوسیالیست» و «جمهوری خواهان آزاد» از آن جمله‌اند.

۶. احزابی با عقاید کمونیستی و سوسیالیستی که دیدگاه‌های پیش از استقلال را به صورت جدیدتر دارند و بیشتر در حزب کمونیست خلاصه می‌شوند.

ب. احزاب موافق و مخالف دولت

۱. احزاب طرفدار حکومت: (این احزاب در شماره ۲ بند «الف» به تفصیل بیان شدند).

۲. احزاب مخالف حاکمیت که بیشتر احزاب سیاسی آذربایجان را دربر می‌گیرد. مهم‌ترین احزاب سیاسی مخالف عبارتند از: حزب «جبهه خلق اصلاح‌طلب» به رهبری علی کریملی، حزب «ینی مساوات» به رهبری عیسی قنبراف و حزب «دموکرات» به رهبری رسول قلی‌اف. این سه حزب در آستانه انتخابات مجلس ملی سال ۲۰۰۵ بلوک «آزادلیق» (آزادی) را تشکیل دادند و از حمایت غرب برخوردار شدند. این سه حزب به «مخالفان رادیکال» مشهورند.

احزاب «احرار»، «مساوات معاصر»، «امید» (اقبال آقازاده)، «آزادی» (احمد اروچ‌اف)، «استقلال ملی» (به رهبری سابق اعتبار ممداف و رهبری کنونی علی علی‌اف)، «سوسیال دموکرات» (آراز علیزاده و ایاز مطلب‌اف)، «لیبرال» (خانم لاله شوکت‌اوا) که در آستانه انتخابات مجلس ملی سال ۲۰۰۵ به اتفاق چند تشکیلات و جمعیت دیگر از جمله جمعیت «آمال»، «اتحادیه دموکرات‌های آزاد» و جمعیت «در راه آذربایجان»، بلوک «ینی سیاست» را تشکیل دادند. این احزاب به مخالفان میانه‌رو و - به اصطلاح آذری‌ها - «مخالفان سالم» مشهورند.

احزاب داخل در اتحادیه نیروهای آذربایجان‌گرا شامل حزب «اسلام»، «وحدت» و «سوسیال دموکرات» و همچنین احزاب «عدالت»، «کمونیست»، «وحدت ملی»، «آذربایجان واحد»، «یوردداش»، «خلق»، «ملی‌گرایان ترک»، «رفاه اجتماعی»، «غیرت»، «همبستگی ملی هموطنان»، «ترقی ملی» و «آذربایجان متحد» (باباخان عظیم‌اف) از دیگر احزابی هستند که دیدگاه‌های میانه‌رو دارند که بعضاً دیدگاه رادیکالی نیز به خود می‌گیرند.

ج. احزاب مستقل

کمتر حزب سیاسی در آذربایجان پیدامی شود که مشی سیاسی مستقلی داشته باشد، اما بعضی از احزاب مثل حزب «اسلام» نسبت به اوضاع سیاسی به وجود آمده موضع گیری مستقلی دارند. این احزاب بیشتر در تقسیم بندی مخالف قرار می گیرند.

د. احزاب غرب گرا و شرق گرا

۱. احزاب غرب گرا: شامل بیشتر احزاب مخالف و اقتدارگرا می شوند. در جمهوری آذربایجان، کمتر حزبی پیدا می شود که دیدگاه مخالف غرب داشته باشد. البته در برخی مقاطع خاص سیاسی احزاب غرب گرای حکومتی و مخالفانی که با بی توجهی غرب مواجه می شوند، موضع ضد غربی می گیرند که در کوتاه مدت، تغییر موضع می دهند. موضع ضد غربی حزب «آذربایجان نوین» در ماه های منتهی به انتخابات مجلس ۲۰۰۵، که بحث تغییرات گسترده و برکناری حاکمیت را مطرح کرده بود و یا مواضع ضد غربی عیسی قنبراف و چند حزب مخالف دیگر که پس از حوادث ۱۵ اکتبر به دنبال عمل نکردن غرب به وعده های خود مطرح شدند، از این نمونه هایند.

۲. احزاب روسیه گرا و ایران گرا: این احزاب شامل احزاب اسلامی، از جمله حزب «اسلام»، «وحدت» و «اتحادیه روستاییان باکو»، «دموکراتیک اسلامی»، «فضیلت»، «اتحاد» و احزاب غیر اسلامی شامل حزب «سوسیال دموکرات»، «رفاه سوسیال»، «کمونیست»، و «ناموس» هستند.

ه. احزاب بزرگ و احزاب کوچک

۱. احزاب بزرگ و بانفوذ اجتماعی و اعضای فراوان که در تمام کشور فعال بوده و کمیته های خود را در شهرهای آذربایجان گسترش داده اند. احزاب «آذربایجان نوین»، «مساوات»، «جبهه خلق»، «اسلام»، «سوسیال دموکرات»، «دموکرات»، «لیبرال» و «استقلال ملی» از جمله این احزاب هستند.

۲. احزاب کوچک متمرکز در شهر باکو یا سایر شهرهای کوچک دیگر که با شخصیت‌ها و رهبران خود شناخته می‌شوند و سازمان‌ها و تشکیلات قابل توجهی ندارند. احزاب «غیرت»، «ناموس»، «رفاه سوسیال»، «مساوات معاصر» و «صاحب‌کاران» از جمله این احزاب هستند.

و. احزاب قانونی و غیرقانونی

۱. احزابی که دارای مجوز فعالیت قانونی باشند محدودند که بیشتر آنها را نیز احزاب حکومتی تشکیل می‌دهند. حاکمیت آذربایجان مطابق ملاحظات سیاسی و شرایط اجتماعی خود، فقط به تعداد محدودی از احزاب سیاسی مجوز فعالیت داده است که تعداد آنها به تعداد انگشتان دست می‌رسد. بجز احزاب حکومتی، که اکثریت قریب به اتفاق آنها دارای مجوز هستند، در میان احزاب مخالف، احزاب «ینی مساوات»، «جبهه خلق»، «استقلال ملی»، «سوسیال دموکرات»، «دموکرات»، «وحدت»، «لیبرال» و چند حزب دیگر دارای مجوز هستند.

۲. برخی احزاب بدون مجوز فعالیت هستند. از این جمله‌اند: احزابی که در مقطع انتخابات مجلس ملی ۱۹۹۵ مجوز رسمی فعالیت آنها لغو شده؛ نیز احزاب جدیدی که به دلیل ملاحظات سیاسی و ایدئولوژیکی‌شان، برای آنها مجوز فعالیت صادر نمی‌شود. حاکمیت آذربایجان در سال‌های اخیر، به کمتر حزب مخالفی مجوز فعالیت رسمی داده است. حزب «اسلام» با وجود داشتن پایگاه اجتماعی قابل توجه و فعالیت‌های درون تشکیلاتی و سیاسی از آن جمله است. لازم به ذکر است که طبق قوانین این کشور، احزابی که کنگره‌های سراسری برگزار کرده‌اند، می‌توانند فعالیت سیاسی داشته باشند و حکومت نیز به همین دلیل، مانع فعالیت‌های آنها نمی‌گردد. در انتخابات مجلس ملی سال ۲۰۰۵ قریب ۴۵ حزب رسمی شرکت کرده بود.

ز. احزاب پان ترکیست

۱. احزابی که آشکارا این نظر را تبلیغ می‌کنند و مخالف سرسخت ج.ا. ایران هستند. احزاب «جبههٔ خلق»، «اتحاد آذربایجان واحد»، «امید» (اقبال آقازاده)، «مساوات معاصر»، «قور تولوش» و «آزادی» از آن جمله‌اند.

۲. احزابی که این عقیده جزو سیاست‌های آنهاست، ولی به دلیل ملاحظات سیاسی و شرایط اجتماعی موجود، آن را اعلام نمی‌کنند؛ اما توسط برخی مطبوعات و شخصیت‌های آنها با تعابیر خاصی آن را مطرح می‌کنند. حزب «ینی مساوات» و «دموکرات» و «استقلال ملی» از جمله احزاب مخالف و حزب «ینی آذربایجان» و «مام میهن» از جمله احزاب حکومتی، در این تقسیم‌بندی قرار می‌گیرند.

۳. احزاب مخالف عقاید پان - ترکیستی که احزابی هستند با گرایش به ایران و اسلام. احزاب «اسلام»، «وحدت»، «سوسیال دموکرات» و چند حزب کوچک دیگر جزو این احزاب هستند.

ج. احزاب فَعّال و غیر فَعّال

۱. بسیاری از احزاب کوچک جمهوری آذربایجان در طول پانزده سال گذشته یا لغو شده‌اند و یا فقط نامی از آنها باقی مانده و غیر فَعّال هستند. این احزاب در مقاطع سیاسی خاص یا از بین رفته‌اند و یا در اثر ائتلاف با سایر احزاب بزرگ، ماهیت حزبی خود را از دست داده‌اند. احزاب «آلیانس آذربایجان»، «استقلال آذربایجان»، «قور تولوش»، «کار»، «ترقی ملی»، «سبز»، «آمون» (تکامل) از آن جمله‌اند.

۲. احزاب فَعّال و مطرح که محور بسیاری از احزاب قرار گرفته و در جامعهٔ آذربایجان از نفوذ و شناخت قابل توجهی برخوردارند. احزاب «مساوات»، «اسلام»، «جبههٔ خلق»، «سوسیال دموکرات»، «دموکرات»، «وحدت»، «ینی آذربایجان»، «لیبرال»، «استقلال ملی» از جملهٔ این احزاب هستند.

۹. گروه‌های شیعی اسلام‌گرا

گروه‌های شیعی اسلام‌گرای جمهوری آذربایجان در طول دو دهه گذشته، پس از جداسدن از ترکیب اتحاد جماهیر شوروی (سابق)، فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذاشته‌اند. شروع فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی نسبتاً آشکار و حضور در صحنه‌های گوناگون این کشور، همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران برجسته‌تر شده است. آنها با عنوان «خمینی‌چی»ها و بیشتر از منطقه نارداران با کو ابراز وجود کردند و دست به برخی اقدامات سیاسی زدند که این امر موجب احضار و تحت فشار قرار گرفتن آنها در دستگاه‌های امنیتی و حکومتی شد.

همزمان با استقلال جمهوری‌های شوروی (سابق) در منطقه بالتیک، زمزمه‌های استقلال‌طلبانه در این کشور نیز با شعارهای اسلامی مطرح شد و اسلام‌گرایان مشهور همچون حاج علی اکرام علی‌اف در رأس این جریانات استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه قرار گرفتند و حتی عده‌ای از آنها خواستار الحاق به موطن اصلی خود ایران شدند.

پس از پیروزی حرکت‌های استقلال‌طلبانه، که با عنوان «خلق حرکاتی» (حرکات مردمی) مطرح شد، حاج علی اکرام علی‌اف به عنوان یکی از اعضای یازده نفره شورای رهبری این حزب انتخاب شد و در مقاطع گوناگون در تدبیر امور ایفای نقش کرد؛ اما با آشکار شدن دیدگاه‌های انحرافی و ضداسلامی - ایرانی این ائتلاف، اسلام‌گرایان از این شورا جدا شدند.

پس از سقوط رژیم کمونیستی و تشکیل اولین دولت مستقل جمهوری آذربایجان، حکومت ایلچی بیگ، با عقاید بان - آدریسم، سیاست‌های ضدایرانی و ضدروسی و تمایلات شدید غربی، حکومت را برای مدت کوتاه سیزده ماه در دست گرفت. اگرچه در این دوران، جو شدید ضدایرانی و ضداسلامی بر حکام آذری حاکم بود؛ اما در عین حال، گروه‌های اسلام‌گرا در ابعاد سیاسی - اجتماعی سازمان یافتند. آنها در اولین اقدام، شروع به ثبت رسمی تشکیلات سیاسی خود

به نام حزب «اسلام» کردند و شعبه‌های خود را به تدریج در نقاط گوناگون کشور راه‌اندازی کردند و فعالیت خود را توسعه دادند. بیشتر اقدامات اولیه آنها جنبه فرهنگی و ترویج و تبلیغ و تدریس معارف اسلامی، بخصوص در شهرها، داشت، ضمن اینکه در مرکزیت کشور - یعنی باکو - نیز فعالیت‌های فرهنگی - دینی، برجستگی محسوسی در فعالیت‌های آنها نمود یافت.

با از دست رفتن منطقه قره‌باغ و اشغال آن توسط ارمنه، دولت در ضعف شدیدی قرار گرفت و آقای حیدر علی‌اف، سیاست‌مدار کهنه کار کمونیست‌ها در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، با ابزارهای تبلیغاتی و عوام‌فریبی و جلب نظر فرماندهان نظامی، حکومت را در دست گرفت. در ماه‌های ابتدایی حکومت حیدر علی‌اف، گروه‌های شیعی اسلام‌گرا فعالیت قابل توجهی انجام دادند و حضور خوبی در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی پیدا کردند و فعالیت‌های آنها در قالب حزب «اسلام» از جمله تحکیم موقعیت حزبی، در باکو و دیگر شهرها و همچنین اتخاذ مواضع سیاسی - اجتماعی نسبت به مسائل کشور و فعالیت‌های فرهنگی - دینی ادامه یافت و حیدر علی‌اف، رئیس جمهور این کشور، نیز با سیاست خاصی تلاش کرد از وجود آنها به عنوان توازن در روابط خود با ایران، غرب و روسیه استفاده کند.

پس از چند سال، حکومت حیدر علی‌اف با فرارسیدن انتخابات مجلس، محدودیت‌هایی برای گروه‌های شیعی اسلام‌گرا ایجاد کرد؛ ابتدا از نامزدی نمایندگان حزب «اسلام» برای شرکت در انتخابات مجلس (سال ۲۰۰۵) جلوگیری کرد و سپس مجوز فعالیت رسمی این حزب لغو شد و در اوایل سال ۱۳۷۵ سران حزب «اسلام» به اتهام جاسوسی برای ایران دستگیر و به زندان‌های طولانی مدت ۱۰ تا ۱۱ ساله محکوم شدند و سایر اعضای حزب نیز در سراسر کشور تحت فشار، تهدید و بازجویی قرار گرفتند. در این مقطع، فعالیت‌های اسلام‌گرایان در بعد سیاسی - اجتماعی دچار رکود قابل ملاحظه‌ای

شد و اوضاع کاملاً ضدایرانی و ضداسلامی گردید؛ چنان‌که رهبران حزب «اسلام» نیز این وضعیت را به دوران اختناق و کشتار علمای دینی سال‌های ۱۹۳۴-۱۹۳۷ شوروی (سابق) تشبیه کردند که قریب نیم دهه فعالیت‌های سیاسی اسلام‌گرایان تحت تأثیر این محیط ضداسلامی قرار گرفت.^۱

پس از آزادی رهبران حزب «اسلام» در سال ۱۳۷۹، مجدداً فعالیت‌های گروه‌های شیعی اسلام‌گرا اوج گرفت؛ این بار آنها تلاش کردند در قالب ائتلاف با سایر احزاب، وارد عرصهٔ سیاسی شوند. حضور در تجمّعات روز «قدس»، اعلام بیانیه و مصاحبه در حوادث گوناگون جهان اسلام از جملهٔ این فعالیت‌هاست. فعالیت‌های آنها در این مقطع، از شکل انحصار در یک حزب یا تشکّل سیاسی بیرون آمد و با عناوین اسلامی همچون «معنویت، اتحاد و حقوق بشر» در عرصهٔ فعالیت‌های اجتماعی مطرح گردید.

در چند سال اخیر، تفاوت عمده‌ای در فعالیت‌های سیاسی گروه‌های شیعی اسلام‌گرای جمهوری آذربایجان نسبت به گذشته مشاهده می‌شود و آن عبارت از ظهور چندین جریان و تشکّل سیاسی و حضور قدرتمند در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی و واکنش به مسائل جهان اسلام، بخصوص حوادث لبنان و فلسطین، مبارزه با توهین به مقدّسات اسلامی و تلاش‌هایی برای حضور در صحنه‌های سیاسی با وجود ممانعت‌های حکومت آذربایجان است. مجمع دینی «جمعه مسجدی» با رهبری آقای الگار ابراهیم‌لی با شعارهای اسلام‌گرایانه و با طرف‌داران جوان خود در صحنه‌های گوناگون سیاسی - اجتماعی حضور یافته و حکومت را به چالش کشانده است. در کنار این، تشکّل‌های دیگری همچون «اتحادیهٔ بیرلیک»، «دیرار»، حزب «اسلام»، و «اتحادیهٔ معنوی» نیز در صحنه‌های اجتماعی حضور پیدا می‌کنند. اگرچه فشارهای حکومت در هیچ زمانی

کاهش نیافته است، بلکه روزبه‌روز بیشتر می‌شود، اما اتحاد موجود و کثرت این تشکّل‌ها مانع برخورد جدّی و همه‌جانبه حکومت می‌شود.

پس از مرگ حیدر علی‌اف و روی کار آمدن فرزندش، سیاست وی تداوم پیدا کرده و به هیچ یک از تشکّل‌های اسلامی مجوّز فعالیت رسمی داده نشده و حتی ممانعت‌های گسترده‌ای نیز ایجاد گردیده است. هر جریان اسلامی که احساس شود خطری برای منافع دولت دربر خواهد داشت، توسط حکومت به شدت سرکوب می‌شود. نمونه آن انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۳ است. حکومت جمهوری آذربایجان با ابزارهای گوناگون مانع حضور گروه‌های شیعی اسلام‌گرا در هرم‌های قدرت می‌شود، اما این گروه‌ها حوادث داخلی کشور و مسائل جهان اسلام را به دقت زیر نظر دارند و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. مبارزه برای مقابله با حضور سیاسی - اجتماعی رژیم صهیونیستی، مبارزه با اهانت به مقدّسات و برخورد با موهنان، مبارزه با حکومت به دلیل محدودیت‌های صورت گرفته برای زنان محجّبه، مخالفت با مانع‌تراشی حکومت در جلوگیری از سر داده شدن اذان از بلندگوهای مساجد، حضور در صحنه‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای، شرکت در مراسم روز جهانی قدس، و حضور شگفت‌آور در اعتراضات ضد صهیونیستی نسبت به حوادث از آن جمله است.

در این بخش، ضمن بررسی دقیق این جریان‌ها و واکنش گروه‌های شیعی اسلام‌گرا، گوشه‌هایی از تحرّکات آنها را ارزیابی و حتی‌المقدور توصیف می‌کنیم. با نگاهی به تاریخ تحوّلات و تحرّکات سیاسی شیعیان جمهوری آذربایجان در دهه‌های اخیر متوجه می‌شویم که همچون بسیاری از جریان‌های اسلامی سایر کشورها، وضعیت سیاسی گروه‌های شیعی اسلام‌گرای جمهوری آذربایجان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، چند دوره را طی کرده است که این دوره‌ها را در بخش‌های گوناگون پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حرکت‌های استقلال‌خواهانه، پس از استقلال تا تثبیت حکومت حیدر علی‌اف و در یک دهه اخیر بررسی می‌کنیم:

الف. وضعیت سیاسی گروه‌های شیعی اسلام‌گرا پیش از پیروزی انقلاب

اسلامی ایران

وضعیت سیاسی - اجتماعی مردم جمهوری آذربایجان همچون ایران است و حتی در تبعیت از مرجعیت نیز از علمای بزرگی که در این کشور شهرت دارند، تقلید می‌کنند. بعد از جدایی این کشور از ایران و قرار گرفتن در ترکیب روسیه تزار، اگرچه این کشور از نظر فیزیکی از ایران جدا بوده، اما تعاملات و تبادلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی‌اش با ایران زیاد بوده است. حکومت تزار بیشتر بر جنبه‌های تعلق فیزیکی و رسمی این مناطق حساس بود و اگرچه در جهت تغییر هویت دینی و فرهنگی مسلمانان تلاش‌هایی صورت می‌داد، اما این حکومت به دلیل مشکلات داخلی و بین‌المللی خود، مانع مراودات اجتماعی، تحصیلی، فرهنگی و اقتصادی مردمان این منطقه با همسایگان خود، به ویژه ایران نمی‌شد.

سیاست‌های دینی و ممنوعیت‌های تزار علیه مسلمانان بیشتر جنبه نظری - تبلیغی داشت. سیاست‌های ایجاد افکار الحادی و انحرافی و ممنوعیت‌ها با احتیاط و به تدریج اعمال می‌شد و رفت و آمدهای مردمان دو سوی ارس عادی جلوه می‌نمود و تغییرات بنیادینی در اوضاع اقتصادی - فرهنگی مردم به وجود نیامد. در این دوره، طلب دینی بسیاری برای تحصیل علوم دینی به حوزه‌های علمیه جهان اسلام، بخصوص شهرهای نجف اشرف و شهر مقدس قم، سفر می‌کردند و پس از بازگشت به تبلیغ و تعلیم دین می‌پرداختند. تجارت و مبادلات اقتصادی هم به راحتی انجام می‌گرفت، حتی امکان مهاجرت و اسکان دائمی مردمان در هر یک از دو منطقه وجود داشت و اجازه هرگونه فعالیت علمی در حدود قوانین موجود آن دوره به مسلمانان داده می‌شد. مسلمانان مراسم دینی را به راحتی بجا می‌آوردند و نه تنها در شهرهای بزرگ، بلکه در شهرهای کوچک و حتی در روستاها نیز مساجد دایر بود. اهالی مسلمان این نواحی با تشکیل انجمن‌های خیریه برای بسط و نشر فرهنگ و تمدن اسلامی کوشش می‌کردند. قافله‌های زیادی از مسلمانان قفقاز و سایر مناطق روسیه برای زیارت مشاهد مشرفه و خانه

کعبه راهی مشهد و مکه می‌شدند و از طرف حکومت‌های ایران و تزار نیز تسهیلاتی برای آنان ایجاد می‌گردید. آمار منتشر شده نشان می‌دهد که در زمان تزار، قریب شصت هزار نفر از مسلمانان به قصد زیارت حج از طریق ایران و یا راه‌های دیگر به مکه مسافرت کردند. در این دوره، به دلیل وابستگی مؤمنان و مردمان مسلمان به روحانیان شیعه، وجوهات شرعی (خمس و زکات)، نذورات و احسانات و هدایایی از سوی مردم به نمایندگان مراجع تقلید، که در این منطقه مستقر بودند، تقدیم می‌شد. مراسم عزاداری، برگزاری جشن‌های اعیاد، گشودن سفره‌های احسان و نذورات برای ائمه اطهار علیهم‌السلام به راحتی انجام می‌شد. علاوه بر این، به دلیل تعلقات خاص مردمی در این منطقه امکان مقابله با این فعالیت‌ها وجود نداشت.

با حاکمیت کمونیست‌ها، شاهد تغییر سیاست‌های حکام ملحد اتحاد جماهیر شوروی بر مردم این کشور، بخصوص بر مناطق شیعه‌نشین این منطقه، هستیم. سرکوب‌ها، قتل‌عام‌ها و برخوردهای دیکتاتوری بر علیه شیعیان شروع می‌شود و خفقان فوق‌العاده‌ای حاکم می‌گردد. در این دوره، سیاست‌های نظری - تبلیغی، ممنوعیت‌ها، فعالیت‌های ضد دینی و خفقان بر علیه مسلمانان به شدت اجرا می‌شود و جلوی هرگونه فعالیت دینی گرفته می‌شود. در حقیقت، با حاکمیت کمونیست‌ها، حکومت شوروی جهت تقویت حزب کمونیست آذربایجان، در راستای کسب دو هدف برنامه‌ریزی می‌نماید: ۱. قطع پیوندهای دینی و تاریخی مردم این خطه از گذشته اسلامی و همچنین محیط مسلمان ایرانی آن و جای‌گزینی آرامنه و روس‌ها به جای مسلمانان در مناطق مسلمان‌نشین، بخصوص آذربایجان و ارمنستان؛ ۲. گسترش و صدور انقلاب کمونیستی در خاور نزدیک، که منطقه قفقاز به عنوان بهترین پایگاه محسوب می‌شد.^۱

دولت شوروی (سابق) نام یکی از مشهورترین و تاریخی‌ترین شهرهای قفقاز، یعنی گنجه را به «کیروف آباد» و «خان کندی» را به «استپاناکرت» تغییر داد و تعداد زیادی از ارامنه و روس‌ها را در آنجا ساکن کرد. به طور خلاصه، روس‌ها برای مطیع ساختن مسلمانان این خط‌مشی‌ها را اعمال کردند:

۱. تأسیس مهاجرنشین‌های روستایی روسی؛
۲. ترویج مسیحیت با حفظ سیمای ملی و بدون تحمیل زبان و فرهنگ روسی؛
۳. تغییر دین و جذب مسلمانان در محیط اجتماعی و فرهنگی روسی؛
۴. اسلام‌ستیزی و اقدام جدی برای محو اسلام به صورت نظری؛
۵. بیرون راندن، کوچانیدن، کشتار جمعی و تحقیر مسلمانان.

با وجود این ممنوعیت‌ها و خفقان علیه مؤمنان و روحانیان شیعه، در خاطرات تاریخی شاهد مجاهدت علما و مجاهدان این خطه در راه گسترش مبانی دینی و مبارزه با ملحدان و منحرفان بسیاری بوده‌ایم که نباید از تلاش‌ها و مبارزات آنان غافل ماند؛ مجاهدانی که در این راه شربت شهادت نیز نوشیدند. به هر روی، خفقان علیه مسلمانان مستولی گردید و سیاست‌های ستیزگرایانه علیه روحانیان و علمای دینی به شدت اجرا گردید. از اوایل دهه سی میلادی به بعد، مدارس، مساجد، حسینیه‌ها و تکایا بسته شد و روحانیان بسیاری در اثر اعدام، تبعید به سیبری و حبس در زندان‌ها از بین رفتند. مطابق اسناد فاش شده از سازمان امنیت شوروی (سابق)، که پس از فروپاشی شوروی اعلام گردید، بیش از هشتصد نفر از عالمان و فضلاء دینی، که از حوزه‌های نجف اشرف، کربلا، تهران، مشهد و اردبیل فارغ‌التحصیل شده و در شهرهای جمهوری آذربایجان به تبلیغ و ارشاد دینی مشغول بودند، در اندک زمانی دستگیر شدند و از بین رفتند. از این تعداد، هفده روحانی مجتهد بودند که *آیه‌الله سید غنی بادکوبه‌ای* و *آیه‌الله شیخ قدرت‌الله ابراهیمی* نماینده مرجع تقلید آن زمان یعنی *آیه‌الله اصفهانی*، و ده‌ها عالم دینی با پسوندهای *ایروانی*، *لنکرانی* و *نخجوانی* از آن جمله‌اند. بر اساس اظهارات یکی از

ناخدایان لنج‌های دریای خزر که پس از استقلال آذربایجان اعلام گردید، وی شاهد بوده است که چگونه سیصد تن از روحانیان که دست‌ها و پاهایشان بسته شده بوده توسط مأموران امنیتی در دریای خزر غرق گردیدند.^۱

از اواخر سال ۱۹۲۸ و با روی کار آمدن استالین، که از قدرت مسلمانان به عنوان اسلام انقلابی واهمه و با این اقشار روحانی و علمای دینی عناد ویژه‌ای داشت، شکل مبارزه با دین، حالت همه‌جانبه و افراطی به خود گرفت و به شکل قتل‌عام‌های وسیع دین‌داران و روحانیان، تبدیل و تخریب مساجد درآمد. این دهه را باید یکی از مصیبت‌بارترین دوره‌های تاریخ بشری، بخصوص تاریخ اسلام، قلمداد کرد. با مرور این دوره از تاریخ آذربایجان، که حتی کمترین مطالبی اسلامی در کتب نگاشته شده غرب و شرق و حتی در داخل آذربایجان نیز باقی نگذازدند، هر انسان دیندار و مسلمانی متأثر می‌شود.

با از سرگیری جنگ دوم جهانی و شرایط سخت جنگی، که لزوم حضور داوطلبانه نیروها و از جان‌گذشتگی سربازان را طلب می‌کرد، آزادی‌های محدودی اعمال شد. اما این آزادی‌ها ظاهر فریبی و در جهت نشان دادن آزادی دینی در قفقاز و یا سایر مناطق مسلمان‌نشین شوروی (سابق) بود. بجز چند مسجد، که آن هم برای نمایش به سفرای خارجی و خبرنگاران باز بودند، دیگر مساجد و اماکن اسلامی را بسته بودند. زمام‌داران کمونیست در جهت جلب حمایت دولت اسلامی در صحنه‌های سیاسی و بین‌المللی و پاک نمودن چهره جنایت‌کارانه گذشته خود، آزادی‌های محدودی به مسلمانان دادند و سفرایی را نیز با این هدف، به کشورهای اسلامی فرستادند که آنها را قانع سازند در شوروی و قفقاز رشد اقتصادی عالی و حکومت دموکراتیک وجود دارد و شوروی دوست آنهاست

۱. خبرگزاری آران، س ۴، ش ۸ و ۹، «علمای دینی جمهوری آذربایجان بعد از جدایی از ایران».

و با دعوت از رجال اسلامی و اعزام مفتی‌های حکومتی به کشورهای اسلامی درصدد تحکیم روابط خویش با جهان اسلام است. همزمان با این سیاست‌ها، دولت شوروی برای تحت کنترل درآوردن امور دینی، سیاست‌ها و اقدامات دیگری، از جمله احیای اداره روحانیان قفقاز را جزو برنامه‌های خود قرار داد. این اداره پس از حاکمیت کمونیست‌ها منحل شده بود، اما مجدداً حکام شوروی آن را راه‌اندازی کردند.

با وجود این محیط خفقان‌آور، تحرکات و فعالیت‌های اسلامی شیعیان اگرچه دچار فراز و نشیب‌های بسیار زیادی شد، اما هیچ‌گاه متوقف نشد. به نمونه‌هایی از این فعالیت‌ها، که توسط مؤمنان و ریش سفیدان این کشور بیان می‌شود، توجه کنید:

عزاداری‌ها، بخصوص در ماه‌های محرم و صفر، همیشه برپا بود. در این ایام، از برگزاری مجالس جشن و عروسی خودداری می‌شد و در اعیاد، رسوم مذهبی به طرز باشکوهی برگزار می‌گردید.^۱ از تجلیات وابستگی اهالی این کشور، عدم ازدواج با غیرمسلمانان را می‌توان یاد کرد که در شکل پاس‌داری از حیثیت ملی بروز می‌نمود. طبق آمار موجود، بیش از ۸۵ درصد ازدواج‌ها یا درون قومی یا در میان اقوام مسلمان صورت می‌گرفت.^۲

تا قبل از فروپاشی شوروی، جنبش‌های زیرزمینی به نام «جهاد مقدس» علیه نظام شوروی فعالیت می‌کرد. مسلمانان شوروی خود را نسبت به حکومت فعلی بیگانه و نسبت به جامعه اسلامی آشنای دیرین حس می‌کردند. جنبش‌های اسلامی شروع به کار کردند و

۱. عبدالحسین شهیدی ارسباران، *خاطرات حاج علی اکرام علی‌اف*، ص ۳۶.

۲. منیژه تراب‌زاده و دیگران، *ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز*، ص ۳۵۶.

بعید نبود که روزی فریاد «الله اکبر» مسلمانان شوروی کاخ کرملین را هم به لرزه اندازد.^۱

مردم مسلمان شوروی (سابق) با افتخار از ریشه‌های اسلامی خویش یاد می‌کنند و خود را فرزندان امت اسلامی می‌خوانند. آنان به شدت با روسی شدن فرهنگ جامعه خود مقابله و در اندیشه ارتباط با دنیای اسلام هستند. به طور کلی، مبارزه با دین برای دولت شوروی (سابق) کار آسانی نبود. مسلمانان در برابر این مبارزه، سخت مقاومت می‌کردند. به رغم تمام کوشش‌های آنها، مسلمانان سخت به دین خود پایبند بودند.^۲

به عقیده تحلیلگران سیاسی، کوشش‌های حکام شوروی در قطع هویت اسلامی مسلمانان این کشور بی نتیجه بود؛ چراکه آنان قبل از هر چیز، با افتخار خود را مسلمان وابسته به امت اسلامی می‌دانستند. جنبش اسلامی در شوروی (سابق) به مثابه آتش زیر خاکستر بود. اسلام به عنوان دینی که حامل بیشترین پیام‌های اجتماعی و سیاسی است، با توجه به حکومت مارکسیستی حاکم، توانسته بود موقعیت خاصی را برای خود باز کند. برنامه‌ریزی حاکمیت شوروی چنان بود که می‌بایستی افکار - به اصطلاح - واپس‌گرایانه و خطرناک ضدکمونیستی را، که مذهب حامل آن بود، از اتباع شوروی دور می‌کرد.^۳

همه قربانیان دوره حاکمیت استالین کسانی بودند که نخواستند به هر قیمتی زندگی کنند و به تملق و چاپلوسی از سرکردگان ظالم نظام

۱. همان، ص ۳۵۴.

۲. همان.

۳. همان، ص ۳۵۵.

کمونیستی پردازند. این قربانیان مظلوم و این آزادگی به قیمت جان آنها تمام شد. بعضی از عالمان بزرگ نیز، که امکان مبارزه نیافتند، با لباس شخص در انزوا زندگی کردند. بعضی‌ها دق مرگ شدند؛ چون امکان مبارزه نیافتند و وضع پیش آمده را نتوانستند تحمل کنند.^۱

در دوره حاکمیت شوروی داشتن کتب دینی و خرید و فروش و ترویج آن جرم بود. با این حال، چون مردم مسلمان بودند و هر لحظه دغدغه روحی نسبت به امور دینی و مذهبی داشتند، در حد امکان برای حفظ دین می‌کوشیدند. قرآن، کتاب‌های تاریخ اسلام، کتاب حدیث، دیوان شعرای نوحه‌سرا، رساله‌های عملیه فقها و مراجع قدیمی و کتاب‌های احکام معمولاً در منازل مخفیانه نگه‌داری می‌شد. رساله‌های مراجع معاصر آیه‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیه‌الله خویی، آیه‌الله شریعتمداری و... به صورت قاچاق و بسیار مخفیانه از طریق ایران و عراق به شوروی و آذربایجان می‌آمد.^۲

به طور کلی، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد:

۱. وضعیت شیعیان اسلام‌گرا در دوره کمونیست‌ها و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در حالت تقیّه کامل بود و هیچ‌گونه تحرّک سیاسی - اجتماعی در آن مشاهده نمی‌شد و شیعیان به گونه‌ای خانه‌نشین شده بودند. علمای دینی و رهبران مذهبی به شدت سرکوب شده بودند و هرگونه فعالیت سیاسی خفه می‌گردید و تبلیغات ضد دینی در بالاترین حدّ خود انجام می‌شد و نمادهای دینی، بخصوص تشیّع محو می‌گردید.

۲. جوّ خفقان اجتماعی اگرچه در سال‌های ابتدایی بسیار شدید بود، اما پس از

۱. عبدالحسین شهیدی ارسباران، خاطرات حاج علی اکرام علی‌اف، ص ۴۹.

۲. همان، ص ۶۲.

مرگ استالین و جنگ جهانی دوم از آن کاسته شد و مردم می‌توانستند اعمال دینی خود را انجام دهند.

۳. فعالیت‌های اجتماعی شیعه همچون عزاداری‌ها در ماه‌های محرم و صفر، برگزار می‌شد.

۴. مراسم اعیاد اسلامی و حضور در اماکن دینی مخفیانه و یا آشکارا و در مناطق گوناگون این کشور برگزار می‌شد، اگرچه با انحرافات مواجه بود.

۵. تقلید از مراجع به صورت غیررسمی و دهان به دهان صورت می‌گرفت.

بیشتر ازدواج‌ها درون‌گروهی و یا در داخل جامعه مسلمانان انجام می‌گرفت.

۶. ارتباط با دنیای اسلام و جهان تشیع تقریباً قطع بود و صرفاً از طریق داشته‌های گذشته خود به موازین اسلامی عمل می‌کردند.

ب. وضعیت سیاسی گروه‌های شیعی اسلام‌گرا پس از پیروزی انقلاب

اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی سبب خیزش و خودآگاهی ملل مسلمان شد و در این مسیر، سرزمین جمهوری آذربایجان با سابقه وابستگی ارضی و مشترکات فرهنگی به ایران، بیشترین تأثیر را پذیرفته و به قول اسلام‌گرایان این کشور، انقلاب ایران برکتی برای ملت آذربایجان است.

در طول تظاهرات و تحرکات مردمی ایران علیه طاغوت زمان و ایادی آمریکایی حامی این رژیم، حاکمان کمونیستی شوروی (سابق) با نوعی دید مثبت و با این پیش‌بینی که انقلاب اسلامی ایران در تقابل با غرب و متمایل به کمونیست‌هاست، اذهان مردم این منطقه را نسبت به جریانات ایران همسو با دیدگاه‌های خود تبلیغ می‌نمودند. اما پس از پیروزی انقلاب و برپایی حکومت اسلامی غیروابسته به شرق و غرب، موضع‌گیری‌های حکومتی شوروی تغییر کرد و حتی جمهوری اسلامی ایران کشوری مخالف عنوان گردید و در طول سال‌های

دفاع مقدّس، حکومت شوروی یکی از حامیان و تجهیزکنندگان مالی و تسلیحاتی عراق به شمار می‌رفت. به دلیل سرکوب شدید اسلام‌گرایی در دههٔ چهل میلادی و کشتار وسیع علما و ممانعت از رشد دینی مسلمانان و به دنبال آن، تأسیس «ادارهٔ روحانیان قفقاز» برای تحریف دین اسلام و کنترل امور دینی، دیدگاه بسیاری از مردم آذربایجان نسبت به دین، نگاهی انحرافی و غیرواقعی بود. وقتی دین اسلام مطرح می‌شد، اذهان مردم به ادارهٔ روحانیان و عقاید القائی آنها معطوف می‌شد و فعالیت‌های مخفیانهٔ اسلامی اندک مؤمنان آذربایجان، که خود آنها نیز به طور کامل از مبانی دینی آگاه نبودند و فقط با کنجکاو‌های خود از طریق رسانه‌های ایران بعضی از اصول دینی حقیقی را آموخته بودند، تأثیری در افکار مردم این منطقه بجا نمی‌گذاشت. فعالیت‌های سیاسی شیعیان اسلام‌گرا در این مقطع، یعنی از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا کسب استقلال و همچنین تا شروع حرکات استقلال‌طلبانه، را می‌توان در محورهای ذیل خلاصه نمود:

۱. تأثیرپذیری معنوی از انقلاب اسلامی ایران: با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و مطرح شدن اسلام به عنوان یک ایدئولوژی که مدعی برپاسازی حکومتی مبتنی بر پایه‌ها، اصول و برنامه‌های مدوّن دینی است، نظرگاه آزادی‌خواهان و مسلمانان دنیا، بخصوص مردم و مسلمانان آذربایجان نسبت به ج.ا. ایران تغییر کرد. انقلاب اسلامی موجب تغییر دیدگاه‌های مسلمانان نسبت به دین اسلام گردید. قبلاً وقتی از دین سخنی به میان می‌آمد، قبرستان‌ها، مآلهای گرسنه و ارتجاعی در اذهان مردم تداعی می‌شد و دین به عنوان یک وجود منفی تلقی می‌گردید. اما وقتی در ایران انقلاب شد، این دیدگاه عوض گردید. وقتی یک روحانی به عالی‌ترین مقام اتحاد جماهیر شوروی (سابق) که خود متشکل از چندین جمهوری بود، نامه نوشت و او را به دین اسلام دعوت کرد، خاطره‌های گذشته از بین رفت.

درخواست مناظره و مصاحبهٔ ایدئولوژیک امام علیه السلام از کمونیست‌ها تأثیرات خیلی عمیقی بر روی مردم داشته است که حتی از تأثیرات یک انقلاب نیز بالاتر بوده است. انقلاب اسلامی ایران موجب جوشش درونی مسلمانان می‌شود و به قول خودشان، بعد از انقلاب اسلامی ایران، یک نوع جوشش درونی در میان مسلمانان و حزب‌اللهی‌ها به وجود آمد. یک نوع عدم خوف از کمونیزم آغاز شد. مردم با وجود فشار از سوی حکومت، فعالیت‌های دینی خود را انجام می‌دادند. علاقهٔ خاصی به امام خمینی علیه السلام به وجود آمده بود و این مسئله باعث شده بود که حتی آزادی‌های ظاهر فریبانه‌ای نیز از طرف کمونیست‌ها به مسلمانان داده شود. اگرچه از اخبار انقلاب خبری از رسانه‌های شوروی پخش نمی‌شد، ولی به صورت فطری، یک نوع تحرک درونی و بیداری ذاتی در مردم حس می‌گردید. در این دوره، وسایل عزاداری را که در میان دیوارها و... پنهان کرده بودیم، بیرون آورده و برای انجام عزاداری‌ها آماده می‌شدیم. انقلاب اسلامی موجب آزادی معنوی گردید. از برکات انقلاب اسلامی ایران، ما آزادی پیدا کردیم؛ یک نوع آزادی معنوی نصیبمان شد. این برکات، خاص مردم آذربایجان نبود و شامل تمام ملل جهان می‌شود. انقلاب اسلامی ایران سبب دگرگونی دیدگاه‌ها می‌شود و حتی ملأهای درباری و بی‌سواد نیز دگرگون شدند. معنای «من» و «خود»، جای خود را به «ما» داد. اسلام معنای جدیدی پیدا کرد و معنای قبلی خود را از دست داد. و به طور کلی، انقلاب اسلامی ایران موجب فعال شدن حرکات دینی و وحدت اسلام‌گرایان شد.^۱

۱. مصاحبه با زائران و طلاب آذری، قم، ۱۳۸۷.

۲. تأثیر از ایده‌ها، شعارها و ایدئولوژی انقلاب اسلامی و سخنان رهبری انقلاب: تأثیر ایدئولوژی و شعارهای انقلاب اسلامی ایران همچون بسیاری از کشورها، در مردم شیعهٔ جمهوری آذربایجان نیز قابل توجه و بسزا بوده است. شعار «عدم جدایی دین از سیاست»، سرلوحه قرار گرفتن عزاداری محرم و صفر برای بیان واقعیات جامعه، توجه ویژه به اعیاد و مناسبت‌های شیعی، همچون عید غدیر و نیمهٔ شعبان، پرداخت وجوه شرعی، افزایش رفت و آمدهای مردمی به اماکن مذهبی، بخصوص عتبات عالیات، گسترش نمادهای اسلامی همچون حجاب و طرح آن به عنوان «مصونیت، نه ممنوعیت»، افزایش حضور مردمی در محیط‌های اسلامی با ظواهر شرعی، همچون گذاشتن ریش و مخالفت با مشروبات الکلی و حتی تقبیح سیگار کشیدن بروز می‌کرد.

شیعیان اسلام‌گرای جمهوری آذربایجان معتقدند: فعالیت‌های سیاسی اسلام‌گرایانهٔ آنها از انقلاب اسلامی ایران متأثر بوده است و با پیروزی انقلاب، آنها نیز با تأسی از بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران تعلیمات دینی و معارف اسلامی را با تحرک خاصی انجام می‌دهند؛ به گونه‌ای که ترس و واهمهٔ گذشته از بین رفته و حس شجاعت و ترسی در آنها ایجاد شده است. آنها به صورت قاچاق رادیو تهیه و تلاش می‌کنند تا برنامه‌های مذهبی صدای جمهوری اسلامی ایران، بخصوص سخنرانی‌های روحانیان استان‌های اردبیل و آذربایجان شرقی، همچون آیه‌الله مروج، آیه‌الله ملکوتی، آیه‌الله بنی‌فضل، حجة‌الاسلام شهنامی، حجة‌الاسلام قاضی را گوش دهند و آنها را ضبط کنند و در بین مؤمنان جمهوری آذربایجان توزیع نمایند.^۱

دل‌بستگی و محبت مؤمنان جمهوری آذربایجان به امام خمینی علیه‌السلام آن قدر بوده است که نیروهای امنیتی و انتظامی حکومت‌های گذشتهٔ کمونیستی و حتی

۱. عبدالحسین شهیدی ارسباران، خاطرات حاج علی اکرام علی‌اف، ص ۷۲-۸۱.

اکنون نیز در مطبوعات و محافل خصوصی و عمومی به آنها لقب «خمینی‌چی‌ها» داده بودند و اگرچه این لقب نوعی اتهام جاسوسی، از خودبیگانگی و بار ارزشی بسیار منفی داشته است، اما اینان همیشه از این برچسب‌ها با افتخار یاد می‌کنند. اسلام‌گرایان آذربایجان معتقدند: حاکمان کمونیستی و عوامل امنیتی آذربایجان برای ایجاد جوّ روانی در جامعه، با جاسوس و وابسته معرفی نمودن علاقه‌مندان به جمهوری اسلامی ایران، این‌گونه برچسب‌ها را به اسلام‌گرایان زده‌اند.

کتاب *جنگ بی‌صدا* (سس سیز محاربه)، که پس از دستگیری رهبران حزب اسلام در سال ۱۹۹۹ توسط وزارت امنیت آذربایجان تدوین و در سطح جامعه آذربایجان پخش شد، ضمن زدن اتهام جاسوسی به اعضای حزب اسلام برای ایران، مؤسسان این حزب را خمینی‌چی‌هایی معرفی می‌کند که در سال‌های پیش از فروپاشی شوروی (سابق) فعالیت می‌کردند:

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در آوریل ۱۹۸۰ با تلاش گروهی از مردم در یکی از قصبات باکو (نارداران) تشکیلات خمینی‌چی‌ها ایجاد گردید. در اوایل، این تشکیلات با هدف تبلیغ و بازگشت به اصل دین فعالیت می‌نمود، ولی بعدها به تدریج، تغییر مسیر داده و در جهت اهداف انقلاب اسلامی ایران حرکت نمود. اصلی‌ترین و فعال‌ترین عضو این تشکیلات حاج علی اکرام بود. خلاصه کلام، حزب «اسلام» با فعالیت همین تشکیلات خمینی‌چی‌ها ایجاد شد.^۱

اسلام‌گرایان علت این وجه تسمیه را تبلیغات دین اسلام و حکومت اسلامی به رهبری آیه‌الله العظمی امام خمینی علیه السلام توسط آنها عنوان می‌کنند:

۱. قربان‌اف، سس سیز محاربه (= جنگ بی‌صدا)، ص ۳۸.

با توجه به اینکه حکومت و عوامل امنیتی می‌خواستند با این عنوان ما را در پرونده خود و در میان مردم بشناسانند، وابسته به امام خمینی علیه السلام معرفی می‌کردند؛ می‌خواستند یک نوع اکراه در بین مردم ایجاد کنند و برای خود نیز شناخت اطلاعاتی راحتی ایجاد نمایند. به دلیل اینکه ما طرفدار و مبلغ اهل بیت علیهم السلام بودیم، آنها در صدد ایجاد نفرت مردمی در ما بودند. چون امام خمینی علیه السلام را تبلیغ می‌کردیم و او را نایب امام زمان (عج) معرفی می‌نمودیم، مارک‌های جاسوسی به ما می‌زدند.^۱

۳. خودباوری، شجاعت و تهور: در طول بیش از هفتاد سال حکومت، بر جان و دل مردم ترس انداخته بودند به گونه‌ای که مردم حتی به دیوار خانه‌هایشان نیز اعتماد نداشتند. اما پس از انقلاب اسلامی ایران، روحیه شجاعت و عدم هراس از دژخیمان کمونیستی چنان تحوّل در شیعیان حقیقی و مردم مؤمن این کشور ایجاد کرد که حاضر بودند هرگونه فشار و اذیت و حبس را تحمل کنند اما از آرمان‌های دینی خود دست برندارند. در سال‌های پس از انقلاب، تنها منبع ارتباطی آنها با ج.ا. ایران رادیو تبریز و رادیو اردبیل و گاهی رادیو رشت و رادیو ارومیه بود و هر از گاهی نیز بعضی از طلب کشورهای عربی و یا مسافران بازگشته از اروپا، که از اخبار جهان بیشتر آگاهی داشتند، اوضاع ایران و جنگ تحمیلی را برای مردم تشریح می‌کردند. در سال‌های جنگ تحمیلی که فرهنگ شهادت و مقاومت و جهاد در ایران حاکم بود، آنها بر مقاومت خود در برابر مخالفان امام و حاکمیت شوروی (سابق) می‌افزودند. آنها برای نیل به اهداف شیعی، به شهرهای گوناگون کشور مسافرت می‌کردند و تعلیمات و تبلیغات اسلامی را سرلوحه خود قرار داده بودند و در محیط خفقان‌آور استبدادی کمونیستی، هراسی به دل راه نمی‌دادند.

۱. ر.ک. عبدالحسین شهیدی ارسباران، خاطرات حاج علی اکرام علی‌اف، فصل دوم.

۴. **فعالیت‌های فرهنگی - دینی:** شاید بتوان اصلی‌ترین فعالیت شیعیان را پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در این منطقه توجه ویژه به فعالیت‌های فرهنگی - دینی به دلیل خلأ بسیار اعتقادی و دور ماندن از آموزه‌های شیعی در طول قریب به یک سده گذشته دانست. در این زمینه، از چاپ و نشر بروشورهای کوچک گرفته تا تهیه رادیو برای استماع احکام دینی و عقاید اسلامی از مراکز صدا و سیمای استان‌های مرزی، همه اقداماتی بود که گاهی می‌توانست به قیمت حبس و یا حتی اعدام آنها تمام شود، اما آنها با خرید و توزیع صدها دستگاه رادیو و توزیع آنها در بین مردم مؤمن تلاش می‌کردند تا ضمن اطلاع از اخبار انقلاب و دوران دفاع مقدس، از احکام شرعی نیز آگاه شوند. حاج علی اکرام علی‌اف تنها منبع تغذیه فکری و اعتقادی و سیاسی شیعیان را در شناخت دقیق از اسلام و تشیع و احکام حیاتی و مترقی آن از رادیوهای استان‌های مرزی معرفی می‌کند که عموم اهالی متدین در این مدت برای آشنایی بیشتر با معارف دینی، افکار و اندیشه‌های امام و جریانات انقلاب اسلامی از آن استفاده می‌کردند.

نفرات مختلفی در اردوباد و مناطق جنوبی آذربایجان و سایر مکان‌ها داشتیم که ضمن ضبط مطالبی که از ایران پخش می‌شد، آنها را در تیراژهای بالایی چاپ کرده و در بین مردم پخش می‌نمودیم. صدها دستگاه رادیو خریدیم و در اختیار مردم قرار دادیم تا اخبار ج.ا. ایران را گوش کنند. در آن زمان‌ها وضعیت مالی مان خوب بود و از طریق پرورش گل، دام‌داری و کشاورزی امرار معاش می‌کردیم. دوستی به نام «کامل» داشتم که او کتاب‌ها و مجلات مربوط به امام خمینی علیه السلام را تهیه می‌کرد و ما نیز آنها را تکثیر کرده و در میان مردم پخش می‌نمودیم. از طریق ارامنه - به دلیل عدم حساسیت به آنها - عکس‌های شخصیت‌های انقلاب، خصوصاً

حضرت امام علیه السلام، را در لنینگراد بزرگ کرده و در خانه‌ها نگه‌داری می‌کردیم. از نوارهای ضبط شده نیز استفاده خوبی می‌شد و آنها را در مجالس ترحیم و مراسمات خانوادگی در اختیار مردم قرار می‌دادیم. در برابر مآلهای درباری اینها را تبلیغ می‌نمودیم. خطابه‌هایی که از اردبیل، تبریز و ارومیه پخش می‌شد، ضبط و خلاصه نموده و به مردم می‌رساندیم. وقتی نمازهای جمعه پخش می‌شد، رادیو را جلویمان می‌گذاشتیم و اقتدا می‌کردیم تا شاید ثوابی ببریم. ما ۲۲ سال با رادیو زندگی کرده‌ایم. بعد از انقلاب و آمدن حضرت امام علیه السلام، مطالب لازم را از رادیو ضبط و تکثیر کرده و در بین مردم پخش می‌کردیم. در این دوران کارهای خیلی بزرگی صورت گرفت و نقش ناردارانی‌ها در ترویج و تبلیغ انقلاب اسلامی مؤثرتر بود. به شهرستان‌های مختلف آذربایجان می‌رفتیم و تبلیغ دین اسلام و انقلاب ایران را می‌کردیم. یک ماشین سواری در یک هفته کل آذربایجان را دور می‌زد و پیام انقلاب اسلامی را به آن مناطق می‌برد. در بعضی از شهرستان‌ها به سختی می‌توانستیم افراد دلخواه را پیدا کنیم.^۱

علاوه بر این، برگزاری کلاس‌های کوچک احکام و عقاید به صورت مخفیانه در منازل شخصی، برگزاری مراسم عزاداری اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و اعیاد اسلامی به صورت آشکار و پنهان، گسترده سفره‌های احسان و نذورات شرعی و بیان احکام عبادی، برگزاری مجالس دعا، و تشریح مسائل دینی در هنگام فوت افراد، که در محافل گوناگون به صورت کوچک و بزرگ و آشکارا و پنهانی انجام می‌پذیرفت، از دیگر اقدامات شیعیان این کشور بود.

۵. حساس شدن نیروهای امنیتی و اذیت و آزار شیعیان: فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی و حتی در پیش گرفتن اهداف سیاسی موازی با انقلاب اسلامی ایران موضوعی نبود که نیروهای امنیتی شوروی (سابق) به سادگی آن را تحمل کنند و یا اجازه فعالیت آشکار به فعالان اسلامی داده شود و شاید بتوان گفت: اکثر قریب به اتفاق فعالیت‌های اسلام‌گرایان شیعه مخفیانه انجام می‌گرفت و افرادی هم که مطلع بودند، گرایش‌های دینی سنتی داشتند و نمی‌خواستند خود را مغضوب خدا و اهل بیت علیهم‌السلام قلمداد نمایند. اما در این مسیر، به دلیل جو پلیسی حاکم بر این منطقه، اسلام‌گرایان تحت فشار و آزار و اذیت و تهدید و تحقیر قرار گرفته‌اند.

حکومت الحادی حاکم بر جامعه مسلمانان آذربایجان فشار مضاعفی بر اذهان مسلمانان وارد می‌کرد؛ حکومتی که الحاد و پوچ‌گرایی را سرلوحه سیاست‌های کلان و کوتاه مدت خود قرار می‌داد و بیش از هفتاد سال سرنوشت مردم مسلمان آذربایجان را با اهداف کمونیستی کفرآمیز تعیین می‌کرد. در یک بررسی کلی، می‌توان گفت: اسلام‌گرایان از دو جنبه تحت فشار و مجبور به تحمل سختی‌ها، گرفتاری‌ها، موانع و مشکلات بودند:

۱. حاکمیت کمونیستی، بخصوص عوامل امنیتی و اطلاعاتی شوروی (ک.گ.ب)؛

۲. اداره روحانیان قفقاز و ملأهای درباری تحت نظارت حکومت.

با روی کار آمدن گورباچف و اعمال سیاست‌های اصلاح‌طلبانه، اگرچه از شدت سرکوب‌ها، بخصوص در زمینه فیزیکی، کاسته شد، ولی در سیاست‌های تبلیغی ضددینی کمونیست‌ها تغییری ایجاد نشد.

با پیروزی انقلاب اسلامی و برای جلوگیری از شعله‌ورتر شدن آتش زیر خاکستر، آزادی‌های ظاهری در زمینه دین داده شد. با وجود این، اسلام‌گرایان از آزار و اذیت دو قشر مزبور مصون نبودند.

حکومت با نام دین و عزاداری کسی را مورد مؤاخذه قرار نمی‌داد؛ چراکه از حرکت مردمی نوعی وا همه وجود داشت. فشارها و اذیت‌ها با اتهامات و انگ‌های مختلفی مثل دزدی، قاچاق مواد مخدر و جاسوسی انجام می‌گرفت و خود اذیت‌شونده نیز متوجه قضیه می‌گردید. از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۶ ده‌ها بار ما را به مراکز «ک.گ.ب» احضار کرده و تحت فشار قرار داده‌اند. ما قبل از خارج شدن از خانه وصیت می‌کردیم و با آنها نیز با سادگی و صداقت صحبت می‌کردیم. ما را حتی به جرم تقلید از امام خمینی علیه السلام، در مقابل عدم تقلید از شریعتمداری، احضار و بازجویی می‌کردند. تا سال ۱۹۸۶ ما را خیلی اذیت کردند؛ ما را می‌گرفتند، ریشمان را تراشیده و پهلوها و سرهایمان را می‌شکستند.^۱

ولی این آزار و اذیت‌ها تغییری در روحیه مؤمنان به وجود نیاورد و به قول خودشان، هر قدر فشار حکومت بیشتر می‌شد، اسلام‌گرایان مصمم‌تر و پخته‌تر می‌شدند.

اداره روحانیان قفقاز و ملاهای درباری تحت نظارت حکومت، برای خود، قائل به انحصار انجام و حلّ امور دینی بودند و خود را مصداق کامل اسلام، و مخالفان خود را بدعت‌گذار و نجس معرفی می‌کردند.

در اوایل انقلاب ایران و بعد از گسترش فعالیت‌های دینی مؤمنین آذربایجان، اداره روحانیون و ملاهای درباری ما را بی‌لیاقت و نجس معرفی می‌کردند و اعلام نموده بودند هر کسی با ما داد و ستد کند، نجس می‌باشد. ما را بدعت‌گذار و آورنده دین جدید معرفی می‌نمودند. از گذاشتن ریش و استماع رادیو ایران محروم بودیم.

چهار گروه از این قشر با ما مخالف بودند: ۱. طرفداران شریعتمداری؛ ۲. روحانیون درباری؛ ۳. عمل‌کنندگان به احتیاط؛ ۴. مقلدین و طرفداران آیت‌الله خوئی که کار بعضاً به درگیری کشیده می‌شد و با مقلدین و پیروان امام علیه السلام به سختی مقابله می‌شد. ما خیلی توهین و تحقیر دیدم؛ محدود شدیم و تحت مراقبت مأموران و آخوندهای درباری پست‌فطرت قرار گرفتیم، ولی به یاری خداوند مقاومت کردیم. هر چه فشار آوردند، مقاومت ما بیشتر شد. علیه ما در سازمان امنیت پرونده‌سازی کردند و بارها و بارها برای توضیح و تهدید و تحقیر به سازمان امنیت احضار کردند.^۱

۶. تشکیل هسته‌های اولیه سیاسی - اجتماعی: پیش از فروپاشی شوروی و باگذشت ده‌ها سال از فعالیت‌های دینی، گروه‌های اسلام‌گرا تشکل خاصی نداشتند و به صورت پراکنده، محلی (مانند قصبه نارداران) و ارتباط مخفیانه با اسلام‌گرایان، برای ترویج آرمان‌های انقلاب اسلامی فعالیت می‌کردند. تا اواخر دهه ۱۹۸۰، هسته‌های اولیه به صورت تشکل سیاسی - اجتماعی وجود نداشت و بیشتر فعالیت‌ها، مخفیانه و ترویج شعائر اسلامی و تبلیغ احکام دینی با الهام از انقلاب اسلامی ایران صورت می‌گرفت که آنها را می‌توان به هسته‌های پراکنده، کوچک و آرام اسلامی تشبیه نمود. حکومت مستبد کمونیستی مانع جدی برای فعالیت اسلام‌گرایان محسوب می‌شد و تظاهر آنها به شعارهای استقلال‌طلبانه روشن‌فکران غرب‌زده، حساسیت بیشتری ایجاد می‌کرد. پس از سال‌های ۱۹۸۸، دین‌داران آذربایجان منسجم‌تر و فعال‌تر می‌شدند. فعالیت در مساجد، زیارتگاه‌ها و مراکز دینی متشکل‌تر گردید و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، پراکندگی‌ها به همبستگی‌ها و سازماندهی‌های محدود تبدیل شد. با

جرقه‌های ایجادشده استقلال‌خواهی و باز شدن مرزهای جمهوری اسلامی ایران، مؤمنان و اسلام‌گرایان که هسته‌های اولیه را تشکیل می‌دادند، وارد ایران شدند.

در مجموع، می‌توان گفت: انقلاب اسلامی ایران موجب سازمان‌یافتگی، ارتباطات بیشتر، ایجاد همدلی در بین مؤمنان، نزدیک شدن دیدگاه‌ها در برابر دشمن مشترک - یعنی شعارهای الحادی و انحرافی کمونیستی - گردید و به همین دلیل، اسلام‌گرایان تلاش کردند در مناسبت‌های گوناگون گرد هم جمع شوند و برای انجام فعالیت‌های اسلامی برنامه‌ریزی کنند و یا به نام اطلاع‌یابی و یا اطلاع‌رسانی اخبار ایران، با یکدیگر ملاقات‌هایی داشته باشند که این امر موجب طرح موضوعات اسلامی، سیاسی و اعتقادی می‌گردید.

۷. کمک به جبهه‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران: یکی از عجیب‌ترین و قابل توجه‌ترین رویدادهایی که از سوی شیعیان این کشور مطرح می‌شود، کمک به جبهه‌های جنگ ایران بود که در قالب نذورات و یا وجوه شرعی پرداخت می‌شد. این موضوع در سال‌های اخیر، رسانه‌ای نیز گردید و مردم باایمان این منطقه با افتخار از آن یاد می‌کنند و به قول خودشان، با غم‌های ایرانیان، غمگین و در شادی‌هایشان شریک می‌شدند؛ شعارهایشان را زمزمه و نفرت‌هایشان از متجاوزان را تکرار می‌کردند.^۱

هشت سال دفاع مقدّس و جنگ تحمیلی دورانی است که مردم مؤمن آذربایجان به خوبی با آن دوره آشنا هستند. شب‌های عملیات، که اخبار آن را از رادیو ایران گوش می‌دادند، دست به دعا می‌شدند و پیروزی رزمندگان اسلام را از خداوند طلب می‌کردند. بعضی از آنها حتی به دقت اسامی عملیات را به خوبی حفظ هستند. می‌گویند:

ما همیشه اخبار ایران را پیگیری می‌کردیم. عملیات‌ها را می‌شناختیم. حوادث جنگ را به مردم می‌رساندیم و به خاطر شهدا احسان می‌دادیم. در هشت سال جنگ، اگر خوشحال شده‌اید، خوشحال بوده‌ایم و اگر گریه کرده و ناراحت شده‌اید، ناراحت بوده‌ایم و شاید بیشتر از شما گریه کرده‌ایم. تا سحرگاهان قرآن کریم و دعاهای کمیل، توسل و ندبه تلاوت می‌کردیم. دقیقه به دقیقه از احوالات شما خبردار بودیم. از حوادث طبس و عملیات مرصاد، که کافران و منافقین به خاک ذلت نشانده شده بودند، خبر داشتیم؛ چراکه به قول حضرت امام علیه السلام در اسلام مرز وجود ندارد. ما بسیاری از عملیات‌های شما را می‌شناختیم. در سال‌های غربت ایران و دفاع جانانه و مقدّس هشت ساله ما نمی‌توانستیم بی‌تفاوت باشیم. کمک‌های مردمی از قبیل پول و طلاجات را با هزار و یک احتیاط و به شیوهٔ کاملاً مخفی جمع‌آوری و به ایران می‌فرستادیم. همچنین بعضی ادوات جنگی ساخت روس، مثل دوربین‌های جنگی و عملیاتی و... را به اذن مرجع تقلید خودمان، امام خمینی، از وجوهات شرعی مخفیانه می‌خریدیم و به ایران ارسال می‌کردیم... امیدوارم خداوند از ما قبول کند. ما آن روز بجز این کار دیگری نمی‌توانستیم بکنیم... در ساعات اعلام وضعیت قرمز دلمان می‌لرزید که مبدا اتفاقی ناگوار و خونین و ویرانی و کشتار در شهرهای ایران بیفتد. در حوادث بمباران مردم بی‌دفاع شهرهای تبریز، قم، تهران، ارومیه، اصفهان، میانه، و... توسط جنایت‌کاران صدام ما نیز خون‌گریه می‌کردیم و متأثر و متألم می‌شدیم. در همان سال‌ها، بعد از نمازهایمان و در مراسم دعای کمیل و دعای توسل، رزمندگان ایران و امام را دعا می‌کردیم و شعارهای «مرگ بر

آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» و «مرگ بر صدام» سر می‌دادیم. آرزو می‌کردیم که ای کاش در جبهه‌های ایران بودیم و علیه کفار متجاوز می‌جنگیدیم.^۱

۸. تأثیر پیام امام خمینی علیه السلام به گورباچف: اگر - بر فرض محال - انقلاب اسلامی ایران، ده سال پس از پیروزی نیز در جامعه آذربایجان ناشناخته باقی مانده باشد، بعد از پیام حضرت امام خمینی علیه السلام به عالی‌ترین مقام اتحاد جماهیر شوروی (سابق) و انعکاس آن در رسانه‌ها و مطبوعات - هرچند سانسور شده و کم‌رونق - موجب شد تا ایدئولوژی دینی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران در این کشور ارائه گردد. شیعیان آذربایجان پیام تاریخی حضرت امام علیه السلام را انقلابی در جامعه مسلمانان شوروی، بخصوص در آذربایجان قلمداد می‌کنند که در آن عظمت اسلام به نمایش گذاشته شد و نقش زن مسلمان در صحنه سیاسی - اجتماعی یک جامعه با همراهی حامل نامه حضرت امام علیه السلام مورد توجه و تعمق فکری و عملی مسلمانان و غیرمسلمانان قرار گرفت.

پس از پیام تاریخی حضرت امام خمینی علیه السلام به گورباچف، در واقع عظمت اسلام اثبات شد. صدای اذان در مآذنه‌ها به گوش رسید و اجازه بازگشایی بسیاری از مساجد مسلمانان، بخصوص در آذربایجان صادر گردید و آزادی برخی فعالیت‌های دینی داده شد. پیام تاریخی حضرت امام علیه السلام مبنی بر اینکه شعارهای کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخی جست‌وجو نمود و در سیر تحولات آتی نباید فریب غرب را خورد، راه را برای فعالیت آزادانه‌تر مسلمانان گشود و آنها از آزادی نسبی برخوردار شدند و این آزادی زمینه بسیاری از کارها گردید. با پیام حضرت امام علیه السلام دین اسلام معنای واقعی خود را پیدا کرد و القاهای قبلی اداره روحانیان و ملاهای درباری از ذهن‌ها پاک گردید و به قول خودشان، قبلاً وقتی

حرفی از دین زده می‌شد، قبرستان‌ها، مآلهای گرسنه، ارتجاعی، منحرف‌کننده دین در اذهان مردم تداعی می‌شد و دین یک چیز منفی تلقی می‌گردید؛ اما وقتی در ایران انقلاب شد، این دید عوض شد. وقتی یک روحانی به عالی‌ترین مقام شوروی (سابق) نامه نوشت و او را به دین دعوت کرد، دیگر آن خاطره‌ها از بین رفت. درخواست مناظرهٔ ایدئولوژیک حضرت امام علیه السلام از کمونیست‌ها تأثیرات عمیقی بر مردم داشت که از تأثیر یک انقلاب نیز بالاتر بود.^۱

پیام امام خمینی علیه السلام به گورباچف در سال ۱۹۸۶ در شرایطی ابلاغ شد که ایشان در آذربایجان به خوبی شناخته شده بود. در آن دوران، پیام حضرت امام علیه السلام در بین مردم منتشر نشده بود و حکومت شوروی (سابق) در جهت منافع خود اخبار را پخش می‌نمود، ولی از سوی کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در آذربایجان، پیام ایشان به صورت کامل، مکتوب و مخفیانه به دست مردم رسانده شد و آن را در بین مردم آذربایجان منعکس کردند. پس از آن پیام، شیعیان دیگر با سند حرف می‌زدند و به قول خودشان، بسیاری از مشکلاتشان با مردم، دولت‌مردان و مآلهای درباری حل شد.^۲

در دورانی که گورباچف به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ دنیا مطرح بود، حضرت امام به عنوان نمایندهٔ اسلام و ولیّ امر مسلمانان جهان - نه کشوری خاص - این پیام را نگاشتند. در آن زمان، مردم، بخصوص اسلام‌گرایان، پیام حضرت امام را با پیام حضرت رسول صلی الله علیه و آله به فرمانروایان دنیا مقایسه کردند. مآلهای درباری پس از این پیام، دیگر از مباحثه با اسلام‌گرایان فرار می‌کردند. تأثیر پیام حضرت امام خمینی علیه السلام در بین مردم بسیار بالا بود. آن پیام نوعی معجزه بود. ایشان با این پیام، رهبری خود بر تمامی مسلمانان را اثبات نمودند.

۱. مصاحبه با زائران و طلاب آذری، قم، ۱۳۸۷.

۲. ر.ک. عبدالحسین شهیدی ارسباران، خاطرات حاج علی اکرام علی‌اف، فصل دوم.

معجزه‌ای بود؛ زیرا پیش بینی وقایع را کرده و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (سابق) را - که اتفاق نیز افتاد - از قبل اعلام کرده بودند. نفس حضرت امام علیه السلام سه بار موجب انقلاب فکری در بین مردم شدند: اولین بار ایجاد جمهوری اسلامی بود. دوم، فتاوی آن حضرت در خصوص مسائل روز، مانند موسیقی، شطرنج و ماهی اوزون برون بود. سومین انقلاب، پیام آن حضرت به گورباچف در خصوص کمونیزم بود که تأثیری انقلابی در میان مؤمنان آذربایجان داشت. دست ندادن خانم دَبَاغ با گورباچف در بیان احکام اسلامی و کیفیت معاشرت زنان با مردان و نقش زن در جامعه اسلامی و حضور سیاسی - اجتماعی آنان تأثیر عجیبی داشت و بر این حرکت خانم دَبَاغ آفرین گفتند.^۱

ج. وضعیت سیاسی گروه‌های شیعی اسلام‌گرا در دوره استقلال‌خواهی

۱- فروپاشی شوروی و رویکرد مردمی نسبت به ایران: با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (سابق) و استقلال جمهوری آذربایجان، تجربه تازه‌ای در ایجاد کشوری مستقل صورت گرفت. البته چند سال قبل از فروپاشی شوروی، تماس‌ها و ارتباطات سیاسی ایران با این منطقه بیشتر شده و سفر حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، به این منطقه، نقطه‌ای عطف و خاطره‌ای فراموش‌نشدنی برای مردم، بخصوص اسلام‌گرایان، بود.

با اطلاع از حضور رئیس‌جمهور وقت ایران در مسکو، تعدادی از مؤمنین آذربایجان راهی مسکو می‌شوند، ولی به دلیل عدم امکان تماس و خبردار شدن از موضوع عزیمت ایشان به آذربایجان، سریعاً به آذربایجان بازمی‌گردند و در عرض یک شبانه‌روز با تلاش اسلام‌گرایان همه مؤمنین و بسیاری از مردم از جریان حضور

قریب الوقوع ایشان در آذربایجان آگاه می‌شوند و این آگاهی سریع مردمی موجب تعجب و حیرت عوامل امنیتی و حکومتی آذربایجان می‌شود. مردم مانند ایرانیان با شعارهای «الله اکبر» و «لا اله الا الله» و... از ایشان استقبال کردند، به طوری که خود ایشان نیز انتظار این حرکات مردمی را نداشت و در مصاحبه مطبوعاتی نیز فرمودند: آنها (آذربایجانی‌ها) مثل ایرانیان بودند و من احساس می‌کنم که در ایران هستم.^۱

پس از فروپاشی شوروی (سابق)، مردم مسلمان آذربایجان در کنار مرزها جمع می‌شدند و شعارهای اسلامی سر می‌دادند. عده‌ای خود را به آب می‌زدند و وارد ایران می‌شدند و اولین مقصد حرکتی آنان زیارت امام رضا (علیه السلام) و دیدار با خویشاوندان خود در ایران بود. در این سال‌ها (۱۳۷۱-۱۳۷۲) تعداد مسافرت‌های آن سوی ارس به ایران آن قدر زیاد بود که کنترل رفت و آمدها از دست نیروهای مرزی ایران و آذربایجان خارج شده بود. در این ایام خانه‌های بسیاری از شهرهای استان اردبیل و آذربایجان شرقی و غربی مهمان مسلمانان شیعه آذری بود که سال‌ها در عشق حضور در ایران چشم به مرزها دوخته بودند و مهمان‌نوازی‌های اهالی این استان‌ها نیز موجب تسریع و افزایش روزافزون مسافران آذری می‌شد. البته بعدها تبلیغات سوء داخلی، آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی هر دو کشور، جنگ قره‌باغ، و محدودیت‌های ایجاد شده از سوی حاکمیت جمهوری آذربایجان موجب کاهش شدید این مراودات و تبادلات اجتماعی، فرهنگی، دینی و حتی سیاسی گردید.

پیش از بازگشایی مرزها، بعضی از روحانیان ایرانی به آذربایجان می‌رفتند و با وجود دخالت مستقیم حکومت، اسکان آنها در مناطق دوردست، بیشتر رویکرد مردمی داشت.

۲- نقش اسلام‌گرایان در حرکات استقلال‌خواهانه مردمی: وقتی با مردم مؤمن آذربایجان در خصوص نقش اسلام‌گرایان در حرکات مردمی استقلال‌طلبانه این کشور صحبت می‌شود آنها با تصور و دیدگاه جداگانه‌ای نسبت به ما - که در آن دوره، در این کشور حضور نداشتیم - موضوع را بررسی می‌کنند. مردم جمهوری آذربایجان سال‌های متمادی در خفقان فکری و سرکوب‌های استبدادی کمونیست‌ها به سر برده‌اند. حکومت کمونیستی تلاش می‌کرد مردم با سایر نقاط دنیا به لحاظ فکری بیگانه باشند. همین موضوع حساسیت بیشتری در قطع ارتباط با جمهوری اسلامی ایران به وجود می‌آورد. این در حالی بود که پیش از فروپاشی حاکمیت کمونیستی، اجازه فعالیت - به اصطلاح - روشن‌فکران و اصلاح‌طلبان این کشور، حتی در سال‌های پیش از فروپاشی شوروی، داده شده بود و برایشان مجوز فعالیت و تأسیس حزب «جبهه خلق» صادر شده بود. اما هرگونه فعالیت اسلام‌خواهی و تحرکات مردمی سرکوب می‌شد و اسلام‌گرایان نمی‌توانستند به صورت رسمی و تشکیلاتی سازمان بیابند و در قالب حرکات استقلال‌خواهانه در کنار یکدیگر حضور پیدا کنند. آنان جدای از دیگران نبودند و حتی در بسیاری از مواقع شعارهای مذهبی از جمله «الله اکبر» و «لا اله الا الله» سر می‌دادند. رهبران استقلال‌طلبی، که وابستگی فکری و مالی به غرب، بخصوص ترکیه، داشتند، اگر مردم را با ایده‌های خود تحریک نمی‌کردند، حکومت مستقل به وجود آمده کنونی غیر از حکومت سکولار (غیردینی) کنونی بود.

مردم آذربایجان معتقدند:

حرکات استقلال‌طلبانه، که توسط جبهه خلق صورت می‌گرفت، به صورت قطبی و القا شده از سوی غرب بود و با آرمان‌های اسلامی آنها مغایرت داشت و با اینکه بیشتر اسلام‌گرایان مثل حاج علی اکرام و حاج واقف از سران حرکت‌های مردمی بودند، ولی نمی‌توانستند در آن تأثیر ماهوی ایجاد کنند. البته همه اسلام‌گرایان در جبهه خلق نبودند و غالباً آن را غیراسلامی می‌دانستند و هدف اسلام‌گرایان

حاضر در این تشکل هم وارد کردن معارف دینی در مبارزات بود. در تحرّکات سیاسی، ماهیت اسلامی موجود در انقلاب اسلامی ایران وجود نداشت. اسلام‌گرایان با ایده اسلامی به پیش می‌رفتند و سخنرانی‌های حاج علی اکرام نیز با دیدگاه‌های دینی ایراد می‌شد. مردم شعار «الله اکبر» می‌دادند، ولی ایده اسلام سیاسی، که باید نزد مردم تشکل می‌یافت، در میان آنها رشد نیافته بود. در حرکات استقلال‌طلبانه مردم مسلمان ایده اسلام سیاسی وجود نداشت.^۱

حرکات استقلال‌طلبانه مردمی در سایر مناطق (غیر از باکو)، بخصوص در مناطق جنوبی، ماهیت اسلامی‌تری نسبت به مرکز داشت. تأثیر انقلاب اسلامی، که از مجاورت با ایران حاصل شده بود، از جمله عوامل تأثیرگذار بر آنها بود.

حرکات مردمی (خلق حرکاتی) دوران استقلال‌خواهی در شهرهای جنوبی با شعار «الله اکبر» انجام می‌گرفت و سوره «الرحمن» خوانده می‌شود. شروع حرکات و تجمّعات مردمی با شعارهای اسلامی بود، اما متأسفانه بعد از استقلال، رهبران این حرکات مسیر اسلامی آن را تغییر دادند. در آن دوران، برخوردهای مردمی با یکدیگر خیلی مهربانانه و با محبت صورت می‌گرفت. از اسلام در حرکات مردمی مانند عصا استفاده شد و اگر اسلام نبود، حرکات مردمی به وجود نمی‌آمد.^۲

با مطالعه تاریخ حرکات مردمی دوره ۱۹۹۸-۱۹۹۹ به رهبری حزب «جبهه خلق»، شاهد حضور حاج علی اکرام علی‌اف، یکی از اصلی‌ترین اسلام‌گرایان آذربایجان، که در آن زمان، معرّف خاص و عام شده بود، جزو ترکیب شورای عالی حزب «جبهه خلق» هستیم. از سال ۱۹۸۸، که قیام مردمی در کشور آغاز

۱. مصاحبه با زائران و طلاب آذری، قم، ۱۳۸۷.

۲. همان.

شد، دین‌داران در این تحرک‌ها وارد شدند تا یکی از اسلام‌گرایان را به عنوان نماینده خود در این جبهه معرفی نمایند.^۱ با اصرار وی و تعدادی دیگر از اسلام‌گرایان، که در پست‌های دیگری همچون شورای اداری شهرستان‌ها حضور داشتند، شعبه «دین‌داران آزاد» در ترکیب شورای عالی جبهه خلق ایجاد گردید که ریاست آن را نیز حاج علی اکرام علی‌اف عهده‌دار شد و اسلام‌گرایان دیگری همچون حاج واقف و حاج نوری‌اف در ترکیب آن قرار گرفتند. همه مردم آذربایجان شاهد بودند که حاج علی اکرام‌اف یکی از پیش‌قراولان «جنبش ملی آزادی» بود. سه سال رهبری شعبه «دین‌داران آزاد» را در «جبهه خلق» بر عهده داشت و عضو هیأت اداری آن بود.^۲

به دلایل مزبور، بسیاری از اسلام‌گرایان وارد عرصه سیاست نمی‌شدند و کنترل امور سیاسی و خط‌دهی‌های داخلی و بین‌المللی کشور به دست رهبران «جبهه خلق» افتاد که وابستگی آشکاری به غرب داشتند. شورای عالی «جبهه خلق» متشکل از پانزده عضو بود که حاج علی اکرام علی‌اف نیز یکی از اعضای آن به شمار می‌رفت. تلاش‌های بسیاری برای ورود اسلام‌گرایان به حرکات مردمی صورت گرفت، اما متأسفانه فقط چند نفر به آن داخل شدند. مردم مؤمن جمهوری آذربایجان علت عدم حضور فعالانه خود را سواد کم سیاسی و عدم اعتماد به این حزب عنوان می‌کنند.

وحدت و عدم درگیری یکی از اساسی‌ترین محورهای کاری اسلام‌گرایان در حرکات مردمی بوده است. در این دوره، با وجود تحولات سیاسی و حرکات مردمی، ساختار قبلی حکومتی و اداره روحانیون حفظ شده بود و مردم نیز این ساختار را القای کمونیست‌ها می‌دانستند. بعد از کشتار مردم در حوادث ۲۰ ژانویه،

۱. نشریه میثاق، تبریز.

۲. نشریه بنی مساوات.

تعدادی از مردم و خانواده‌های جان‌باختگان قصد حمله به ادارات حکومتی و تعرض به مقامات اداره روحانیون را در پی می‌گیرند که نقش اسلام‌گرایان در ممانعت از این برخورد مشهود می‌باشد.^۱

۳- جدایی از حزب «جبهه خلق»: از ابتدای تشکیل «جبهه خلق»، تفاوت‌های عمیقی میان دیدگاه‌های فکری، سیاسی و بخصوص افکار دینی رهبران «جبهه خلق» و مردم مؤمن آذربایجان وجود داشت. وابستگی‌های فکری، معنوی و مادی سردمداران «جبهه خلق» از ابتدای زمزمه‌های استقلال‌خواهی موجب شده بود تا دین‌داران آذربایجان با این حزب موافق نباشند. اسلام‌گرایان خود را عاشق و دل‌بسته اسلام، انقلاب اسلامی و ملت مسلمان ایران می‌دانستند، اما حکام - به اصطلاح - دموکرات از ابتدا حکم به جدایی از اسلام و مخالفت با نظام اسلامی داده بودند و از دین اسلام به عنوان ابزاری که مردم تعلق خاصی به آن دارند، در جهت نیل به اهداف خود استفاده می‌کردند. علت حضور اسلام‌گرایان در دوران حرکات استقلال‌طلبانه مردمی، رسیدن به بخشی از اهداف خود از جمله استقلال کشور و آزادی انجام معارف دینی بود. دلیل دیگر حضور اولیه اسلام‌خواهان در ترکیب جبهه خلق با وجود شناخت ماهیت غرب‌گرایانه آنها، نوعی التزام زمانی و تحت‌الشعاع قرار گرفتن تمامی حرکات مردمی توسط این حزب بود. از سوی دیگر، مردم، حزب «جبهه خلق» را یگانه تشکیلات ضدکمونیستی قلمداد می‌کردند و اسلام‌خواهان نیز برای معرفی و شناساندن خود در سطح جامعه، در ترکیب حزب «جبهه خلق» قرار گرفتند. البته این حضور شامل تمامی اسلام‌گرایان نمی‌شد. به همین دلیل، دین‌داران این کشور از جبهه خلق جدا شدند و تصمیم گرفتند حزب «اسلام آذربایجان» را تأسیس کنند.^۲

۱. عبدالحسین شهیدی ارسباران، خاطرات حاج علی اکرام علی‌اف، ص ۱۱۲-۱۱۴.

۲. همان، فصل سوم.

د. وضعیت سیاسی گروه‌های شیعی اسلام‌گرا پس از استقلال تا تثبیت

حکومت حیدر علی‌اف

۴. تأسیس و ایجاد تشکیلات رسمی اسلامی: اسلام‌گرایان در حالی که شش ماه قبل از حاکمیت حزب «جبهه خلق» حزب «اسلام» را تأسیس کرده بودند، بدون ایجاد چالش و تنش و با آرامش از آن خارج شدند، ولی در راه یکپارچگی کشور از هیچ کمکی مضایقه نکردند.^۱ این جدایی منحصراً شامل اسلام‌گرایان نمی‌شد و به دلیل قدرت‌نمایی و ایده‌های خاص «جبهه خلق»، تعداد زیادی از روشن‌فکران صاحبان نفوذ مردمی از آن جدا شدند و احزاب، گروه‌ها و جمعیت‌های جدیدی تشکیل دادند. اسلام‌گرایان نیز به رهبری حاج علی اکرام علی‌اف در صدد تأسیس حزبی اسلامی با تکیه بر مبانی اسلامی و الگوپذیری از انقلاب اسلامی ایران برآمدند. آنها به دلیل نبود سازمان لازم برای رسیدن به اهداف اسلامی و سیاسی اسلام‌گرایان با احساس این خلأ، اقدام به تأسیس حزب «اسلام» نمودند؛ یعنی ضرورت وجود سازمانی برای رسیدن به اهداف ضروری بود و به قول میختر، به نظر می‌رسد سازمان تنها وسیله‌ای است که می‌تواند موجب یک خواست و هدف جمعی باشد. سازمان در دست ضعفا، به مثابه سلاحی است که برای مبارزه با اقویا به کار می‌رود. پیروزی در مبارزه زمانی حاصل می‌شود که زمینه همبستگی افرادی که دارای منافع مشترکند، فراهم باشد. بدون سازمان، هیچ موفقیتی امکان‌پذیر نیست. با گردآمدن در تجمّع‌ها و سازمان‌دهی این تجمّعات، افراد از موقعیتی اجتماعی برخوردار می‌شوند.^۲ سازمان‌دهی و تجمّع افراد هم‌عقیده یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی است که باید بانیان تشکل‌های اجتماعی و سیاسی مدّ نظر داشته باشند تا بتوانند عقاید، ایده‌ها، اندیشه‌ها و به طور کلی، جهان‌بینی خود را اعلام نمایند.

۱. نشریه ینی مساوات، ۲۷-۲۹ آذر ۱۳۷۸.

۲. جامعه‌شناسی احزاب، ص ۲۳-۲۴.

در بررسی جامعه‌شناختی احزاب، سازمان و تشکیلات آن لازمهٔ یک حزب سیاسی است و با توجه به مغایرت دیدگاه‌های دینی - سیاسی اسلام‌گرایان با اندیشه‌های حاکمان گذشته و دولت‌مردان وقت کشور، با ایجاد حزب می‌توان به آرمان‌های خود جامعهٔ عمل پوشاند؛ حزبی که غیر از سیاسی بودن، مجموعه‌ای از ابعاد فکری، اعتقادی، اجتماعی و سیاسی بود. سخن از سازمان در حقیقت، نمود سرچشمهٔ شایسته‌سالاری در طول زمان است. حزب «اسلام» نیز با این هدف، گام اولیه را پس از جدایی از حزب «جبههٔ خلق» محکم برداشته بود و به قول خودشان، علت ایجاد حزب «اسلام» این بود که می‌خواستند حرکات اسلامی را در قالب قانون و در چارچوبی مشخص قرار دهند.

هـ. مواضع و تظاهرات سیاسی گروه‌های اسلام‌گرای شیعه

۱- جمهوری اسلامی ایران؛ حامی مسلمانان جهان: مردم آذربایجان جمهوری اسلامی ایران را الگوی مسلمانان در مبارزه با استکبار و نماد تشیع معرفی کرده‌اند و استقلال عملی و فکری و عدم وابستگی به قدرت‌های بزرگ شرق و غرب را از ویژگی‌های ایران می‌دانند که در میان کشورهای اسلامی، تنها کشوری است که روی پای خود ایستاده است؛ به آمریکا و یا روسیه پناه نبرده و مستقل است. اما جمهوری آذربایجان از آغوش روس بیرون آمده و در دامان آمریکا افتاده است و تا زمانی که این کشور در مناسبات خود با همسایگانش توازن ایجاد نکند، مشکلاتش حل نخواهد شد.^۱ مردم این کشور مخالفت با مردم ایران را مخالفت با جهان اسلام می‌دانند.^۲ و جمهوری اسلامی ایران را الگوی خود قرار داده‌اند. آنها با احساس تعلق معنوی به نظام جمهوری اسلامی و اهمیت توجه به ائمهٔ

۱. خبر نشریهٔ ری‌تینگ.

۲. خبر نشریهٔ حریت.

اطهار عليه السلام در ج.ا. ایران و اعتقاد به رهبری تمامی مسلمانان جهان از سوی ولایت فقیه، خود را در غم درگذشتگان کشور ایران شریک و در جشن میلاد اهل بیت عليهم السلام خوشحال معرفی می‌کنند. می‌گویند: رفتار خوب، عدالت، علم و عقیده راستین امام خمینی رحمته الله موجب محبت ایشان در دل‌ها شد و الگویی برای جوانانی قرار گرفت که در راه خداشناسی و معرفت الهی و اخلاقی قدم برمی‌دارند. امروزه ایران به مرتبه‌ای نایل آمده که شخصیت‌های برجسته علمی را پرورش می‌دهد. این امر نیز متأثر از انقلاب است و توانسته با افشاگری‌های دولت‌های جنایت‌کار، از جمله آمریکا و اسرائیل چهره واقعی آنها را برای مردم آشکار کند.^۱

۲- حمایت از ملت مظلوم فلسطین: حمایت از ملت ستم‌دیده فلسطین و محکومیت تجاوزکاران صهیونیستی از سیاست‌ها و تدابیر اصلی و غیرقابل انکار تشکلهای شیعی جمهوری آذربایجان است. آنها با تأسی از جمهوری اسلامی ایران، حمایت از ملت مظلوم فلسطین و محکومیت تجاوزگری رژیم اشغالگر قدس را در اولویت فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی خود قرار داده‌اند و در این زمینه، اقدام به برگزاری تجمعات و تظاهرات سیاسی در دفاع از مردم فلسطین در کشور نموده و در تظاهرات، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و تجمعات، ضمن اعلام انزجار از رژیم اشغالگر قدس و به آتش کشاندن پرچم این رژیم، محکومیت تجاوزگری‌ها را با نصب پارچه نوشته‌های گوناگون و با شعارهای ضد صهیونیستی، همدردی خود را با ملت مظلوم فلسطین اعلام می‌کنند و با حضور پرشکوه در مراسم روز جهانی «قدس»، در حمایت از مردم فلسطین، اشغالگری و جنایات رژیم غاصب اسرائیل را محکوم می‌کنند. آنها اشغال قره‌باغ را در تداوم اشغال قدس می‌دانند و حمایت خود از مردم

فلسطین را امری واجب و از عبادات اسلامی می‌شمرند. در مراسم روز جهانی قدس در سال ۱۹۹۶، قابل توجه و باشکوه بود. در این مراسم، حاج علی اکرام علی‌اف ضمن فرستادن لعن و نفرین بر اسرائیل، از اشغال خاک فلسطین توسط اسرائیلی‌ها سخن به میان آورد و گفت: اشغال اراضی قره‌باغ در امتداد اشغال فلسطین است. مرگ بر دشمنان اسلام، بخصوص اسرائیل غاصب. مرگ بر صهیونیست‌ها.^۱

۳- مخالفت با حضور غرب بخصوص آمریکا: مخالفت با حضور استکبار جهانی و رژیم غاصب اسرائیل از محوری‌ترین موضع‌گیری‌های گروه‌های شیعی اسلام‌گرا بوده است که این موضع شامل روسیه، آمریکا و سایرین نیز می‌شود. اسلام‌گرایانی همچون حاج علی اکرام در مراسم روز قدس ۱۳۷۳ اعلام می‌کنند: چگونه است که آمریکا در تمام دنیا بر علیه مسلمانان اقدام می‌کند؟! ما با مردم آمریکا مخالف نیستیم؛ بلکه با دولت آمریکا مخالفیم؛ زیرا در تمامی دنیا درصدد ریختن خون مسلمانان و از بین بردن یکپارچگی آنهاست. ایدئولوژی آنها خلاف اسلام است.^۲

۴- دفاع از آزادی جهادی قره‌باغ: اسلام‌گرایان خط‌مشی موجود در حلقه بحران قره‌باغ را، که با دخالت قدرت‌های بزرگ، بخصوص آمریکا، پی‌گیری می‌شود و درصدد حفظ منافع خود هستند، قبول ندارند و علت حضور غرب به سرپرستی آمریکا را منافع این کشور می‌دانند. به عقیده آنها، قره‌باغ باید با شعار «الله اکبر» و مبارزات مردمی آزاد شود و ملت آذربایجان از حلقه مشکلات خود عاجز نیست، اما در چند سال گذشته، که سرنوشت کشور در دست دیگر کشورها بوده، این‌گونه عقب‌مانده است.

۱. نشریه آئینه، ۲۴ می ۱۹۹۶.

۲. روزنامه قدس، ۱۳۷۳.

۵- دفاع از حقوق اسلام‌گرایان ترکیه، پاکستان و چین: به دنبال تحت فشار قرار گرفتن اسلام‌گرایان ترکیه، بخصوص حزب «رفاه»، اسلام‌گرایان مخالفت خود را اعلام کردند و در این باره موضع‌گیری کردند. اتفاقات مربوط به ترکیه، دل مسلمانان را به درد آورده است: حقوق زنان محجبه پایمال می‌شود؛ اعمال تروریستی به حزب‌اللهی‌ها نسبت داده می‌شود؛ حزب «رفاه» تعطیل شده است و ... همه اینها بر خلاف اصول دموکراسی است. آنها از محکومیت اریکان ناراحت‌اند و از دولت ترکیه می‌خواهند تا از سیاست‌های غلط خود دست بردارد.^۱

۶- سایر مواضع سیاسی: اسلام‌گرایان جمهوری آذربایجان نسبت به سایر حوادث جهان اسلام و مسائل داخلی در این مقطع بی‌تفاوت نیستند و اعلام موضع می‌کنند. مخالفت با سرکوب‌های داخلی توسط حکومت و نبود دموکراسی، عدم برگزاری انتخابات عادلانه، مخالفت با هرگونه تجزیه‌طلبی دینی و ملی، ردّ کامل سیاست حکومت در ارتباط و همکاری با استکبار جهانی، غرب و رژیم صهیونیستی مخالفت با حضور اقتصادی استکبار جهانی در آذربایجان - که قصد غارت منابع نفتی و غیرنفتی این کشور را دارد و نفعی برای آذربایجان ندارند - مخالفت با گرایش‌های حکومت به فرهنگ الحادی و منحط غرب، و مخالفت با حضور نیروهای خارجی و روابط نظامی با «ناتو» - که از مناقشه قره‌باغ به عنوان اهرم فشار برای این منظور استفاده می‌کند - از جمله مواضع اتخاذ شده آنهاست. در این زمینه، آنها در مواضع، بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها، دیدگاه‌های خود را به حکومت ابراز داشته‌اند.

۱. عبدالحسین شهیدی ارسباران، خاطرات حاج علی اکرام علی‌اف، ص ۱۴۹-۱۵۱.

۱۰. محدودیت‌ها و برخوردهای حکومتی در قبال اسلام‌گرایان

حکومت جمهوری آذربایجان، که تحمّل هیچ‌گونه رقیب مخالف را ندارد و از حضور اسلام‌گرایان به دلیل موقعیت‌های اجتماعی و نفوذ در بین اقشار مردمی به شدت هراس دارد، با ابزارهای گوناگون تلاش می‌کند تا آنها را از عرصه‌های اجتماعی کنار بگذارد. در ذیل، برخی از این محدودیت‌ها و برخوردها ذکر می‌شود:

با تحکیم پایه‌های قدرت حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور این کشور، با فشار احزاب سیاسی و جوامع بین‌المللی، حکومت آذربایجان برای مشروعیت حکومت خود تلاش کرد تا زمینه انجام انتخاباتی را که ضرری برای قدرت حکومتی‌اش نداشته باشد، فراهم سازد. وی برای جلوگیری از دستیابی سایر احزاب به کرسی‌های مجلس، سیاست‌های متفاوتی را در پیش گرفت؛ بحث جمع‌آوری امضا برای احزاب سیاسی و مطابقت نظام‌نامه و اساس‌نامه این احزاب با قوانین آذربایجان را مطرح و به دنبال آن از حضور تعداد زیادی از احزاب دارای مجوّز رسمی فعالیت در عرصه‌های سیاسی ممانعت کرد. در این مسیر، تشکّل‌های سیاسی اسلام‌گرا را نیز به دلایل واهی همچون حضور خادمان دینی در شورای عالی و پایین بودن سنین اعضا از فعالیت رسمی محروم نمود.^۱

لغو مجوّز فعالیت رسمی گروه‌های شیعی اسلام‌گرا از دیگر اقدامات حکومت بود که با گسترش فعالیت اسلام‌خواهان و توسعه کمی و کیفی اقدامات آنها در تمامی شهرها و روستاهای آذربایجان، حکومت آذربایجان وجود آنها را خطری برای حاکمیت آینده خود ارزیابی کرده و تلاش نموده است تا از رشد اسلام‌گرایی در آذربایجان ممانعت به عمل آورد. در این زمینه، لغو مجوّز فعالیت رسمی از ابزارهای حکومت برای کاستن از توسعه تشکیلاتی و رشد سیاسی اسلام‌گرایان در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی جمهوری آذربایجان، از اقدامات اولیه حکومت

۱. عبدالحسین شهیدی ارسباران، *خاطرات حاج علی اکرام علی‌اف*، فصل چهارم.

بوده است. عامل دیگر لغو مجوز فعالیت رسمی آنها، فشارها و سفارش‌های خارجی برای جلوگیری از فعالیت اسلام‌گرایان در کشورهای مسلمان، از جمله جمهوری آذربایجان بوده است. سفارش دولت‌مردان رژیم‌های استکباری به رهبری آمریکا و اسرائیل به مقامات آذربایجان در سفرهایی که به این کشور داشتند و همچنین از طریق سفرای خارجی آنها، موضوعی است که رهبران حزب «اسلام» در سطح جامعه آذربایجان از طریق مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و بیانیه‌ها مدعی آن شده‌اند؛ چراکه مقامات و سفرای خارجی در این کشور بارها از رشد اسلام‌گرایی و شعارهای ولایت‌مداران‌های که هرگونه حضور کفرآمیز، استکباری، ضداخلاقی و غارتگرانه کشورهای غربی، بخصوص آمریکا و رژیم اشغالگر قدس را محکوم می‌کند و حتی برخی از برنامه‌های آنها را مسکوت می‌گذارد، نگرانند.^۱

دستگیری و برخورد شدید حکومت با گروه‌های شیعه اسلام‌گرا از دیگر اقدامات حکومت بوده است. سران حزب «اسلام» در تاریخ ۱-۳ خردادماه ۱۳۷۵ / ۲۲-۲۴ مه ۱۹۹۶ دستگیر شدند و دستور تخلیه ساختمان و مرکز خبرگزاری محل انتشار روزنامه‌ها ابلاغ شد. درباره دلایل دستگیری آنها، بهترین تحلیل و سند دستگیری‌ها را وزارت امنیت این کشور در کتاب سس سیز محاربه (جنگ بی صدا) اعلام نموده است؛ دستگیری‌هایی که به قول نویسنده این کتاب، نقشه‌اش از سال‌ها پیش طراحی شده و اسلام‌گرایان هیچ‌وقت از دید دشمنان دور نبوده‌اند. این اعتراف، هشدار به تمامی اسلام‌گرایان است تا بهانه‌ای برای سوءاستفاده دشمنان به دست ندهند. پس از سال‌ها نقشه، طرح و برنامه، وزارت امنیت آذربایجان، در یک برنامه زمان‌بندی شده، عملیاتی علیه حزب «اسلام» شکل داد و در ۶ آوریل ۱۹۹۶ آن را به انجام رسانید.^۲ در جریان بازجویی‌ها، کربلایی آقاقلی‌اف به دلیل مقاومت، عدم اعتراف و تکذیب ادعاهای

۱. قربان‌اف، سس سیز محاربه، ص ۳۹.

۲. همان، ص ۱۶۰-۱۶۶.

مأموران امنیتی اطلاعاتی، زیر شکنجه‌های آنها به شهادت رسید. مقامات آذری سعی کردند مرگ کربلایی آقا قلی‌اف را طبیعی و مربوط به سابقه بیماری ایشان بدانند و مطبوعات آذربایجان نیز از این شایعه حمایت کردند. اما مرگ در زندانی که یک ماه از آن نگذشته بود، چگونه می‌تواند طبیعی باشد؟! روزنامه آینه با بررسی بیوگرافی کربلایی آقا قلی‌اف و بیان مریضی وی در کودکی و شکستگی و ضربه مغزی وی در نوجوانی، با اعلام تأییدیه پزشکان، مرگ او را طبیعی عنوان کرد، اما حزب «اسلام» آن را نپذیرفت.^۱

ترس حاکمیت از قدرت‌یابی حزب «اسلام» و گسترش اسلام‌گرایی، مخالفت با کنسرسیوم نفتی و سرسپردگی حکومت به غرب، مخالفت با رواج بی‌بند و باری‌های اجتماعی و ضد اخلاقی‌ها، در اختیار گرفتن امور دینی، ضعف مدیریتی و رهبری حزب «اسلام» و مخالفت با رژیم غاصب اسرائیل و آمریکا در اشغال قدس از دیگر دلایل این برخورد بود. نویسنده کتاب سس سیز محاربه (جنگ بی‌صدا) در بخش دیگری از کتاب، علل دست‌گیری سران حزب «اسلام» را اعتراض آن حزب به ترویج بی‌اخلاقی‌ها و بحران‌های گوناگون می‌داند. به نوشته این کتاب، حاج علی اکرام‌اف در مراسم روز «قدس» گفته است: «در آذربایجان، دین از دست می‌رود. کشور را بحران فرا گرفته است. کاری نکنید تا مردم را به قیام دعوت کنیم.»^۲

اسلام‌گرایان اتهامات گوناگونی را تحمّل کرده‌اند که جاسوسی به نفع ایران اصلی‌ترین آن بوده است. برای نمونه، روزنامه ۵۲۵ در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۷۶ آنها را جاسوس معرفی کرده و روزنامه حریت نیز در همین تاریخ آنها را به فروختن کشور به مبلغ ۵۰ هزار دلار متهم نموده و روزنامه رزونانس حزب «اسلام» را به بنیادگرایی اسلامی مانند ایران متهم و روزنامه آزادی ادعاهای آنها

۱. نشریه آینه.

۲. قربان‌اف، سس سیز محاربه (= جنگ بی‌صدا)، ص ۵.

را بار دیگر تکرار نموده است. روزنامه آینه (*Ayna*) در مورخه ۱۷ مه ۱۹۹۷ آنها را به خیانت به وطن و هدایت از سوی جمهوری اسلامی ایران متهم کرده و روزنامه مساوات نیز آنها را تروریست خوانده است.

این اتهامات و برخوردها واکنش مطبوعات جمهوری اسلامی ایران را نیز در پی داشت. روزنامه جمهوری اسلامی با عنوان «محاكمة غیرتمندان آذری»، از فشارهای صورت گرفته علیه حزب «اسلام» انتقاد کرده و حکومت آذربایجان را به قرار دادن این کشور به تیول صهیونیست‌ها و غارت ثروت‌های مردم متهم نموده و در ادامه افزوده است: در حالی که ارامنه، ۲۰ درصد از خاک آذربایجان را اشغال کرده‌اند، دولت این کشور برای آزادی آن به معامله نشسته و هویت و آرمان مردم آذربایجان را نادیده انگاشته و جناح‌های سیاسی در سرکوب اسلام‌گرایان و خواسته‌های دینی مردم مسلمان آذربایجان به توافق رسیده‌اند. آنها مسابقه «ملکه زیبایی» برگزار می‌کنند و در مقابل، غیرتمندان مظلوم آذری و مؤمنان را دستگیر و شکنجه می‌کنند و به شهادت می‌رسانند و این روزها درصدد محاكمة آنها هستند.^۱ روزنامه ابرار هم با غیرتصادفی خواندن محاكمة حاجیان و اتهام جاسوسی و همکاری با دستگاه‌های اطلاعاتی ایران، آن را موضوعی از پیش طراحی شده عنوان کرده و آن را نشانگر دشمنی و ضدیت دولت آذربایجان با ایران اسلامی خوانده است.^۲ گروه‌های شیعه اسلام‌گرا اتهامات و ادعای مخالفان و دشمنان اسلام را رد کرده و اعلام نموده‌اند: «ما تمامی این اتهامات را رد می‌کنیم. ما را به توصیه و سفارش آمریکا و اسرائیل محاکمه کرده‌اند و خود را قربانی سیاسی قلمداد می‌کنیم و محاکمه و بازجویی‌های صورت گرفته در ادامه جریانات سال ۱۹۳۷ و علیه دین صورت گرفته است. تمامی اتهامات، ظالمانه و بی‌اساس است. دادگاه به سفارش نیروهای خارجی تشکیل شده است و آینده همه چیز را

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، نهم آبان ۱۳۷۵.

۲. روزنامه ابرار، نهم آبان ۱۳۷۵.

روشن خواهد کرد.^۱ پس از صدور رأی دادگاه هم اسلام‌گرایان آن را سفارش اسرائیلی‌ها و غیرعادلانه خواندند و هدف از آن را ایجاد خوف علیه ایران و دادگاه را یک بازی سیاسی هدایت‌شده علیه اسلام و ایران برشمردند.^۲

۱۱. وضعیت سیاسی گروه‌های شیعی اسلام‌گرا در یک دهه اخیر

وضعیت سیاسی گروه‌های شیعی اسلام‌گرای جمهوری آذربایجان در یک دهه اخیر دچار تغییر و تحولات بسیاری شده است و به جرئت می‌توان گفت: جریان‌ات اسلام‌گرا به نیروهای تأثیرگذار در مسائل داخلی و بین‌المللی تبدیل شده‌اند. در ذیل، ویژگی‌ها و شاخصه‌های اصلی اسلام‌گرایان جمهوری آذربایجان را در یک دهه گذشته بررسی و توصیف می‌کنیم:

الف. افزایش گروه‌های سیاسی شیعی و ائتلاف با تشکلهای سیاسی همسو

در حالی که تا چند سال قبل گروه‌های اسلامی موجود در کشور آذربایجان بیشتر در حزب «اسلام» و یکی دو گروه محلی منحصر بود. به دنبال بلوغ سیاسی، تفاوت دیدگاه‌ها، و دور ماندن از برخوردهای حکومت، امروزه شاهد ده‌ها جمعیت و تشکل سیاسی و اجتماعی هستیم که در مقاطع گوناگون، نسبت به جریان‌ات پیش‌آمده واکنش نشان می‌دهند و با کنار گذاشته شدن یکی، بقیه راه آنها را ادامه می‌دهند. امروز وقتی از شیعیان این کشور و یا صاحب‌نظران سیاسی از حضور و نفوذ و تعداد آنها سؤال می‌کنیم، تعداد آنها را رو به رشد می‌دانند. بعضی از تشکلهای مطرح سیاسی شیعیان این کشور عبارتند از:

- «مرکز دفاع از آزادی اعتقادات»، به رهبری الگار ابراهیم اوغلو؛

۱. نشریه آئینه.

۲. شبکه تلویزیونی ANS: ۱۹۹۷/۰۵/۳۱.

- حزب «اتحاد»، به رهبری حاج خودات خودی‌اف؛
 - حزب «اسلام»، به رهبری دکتر محسن صمداف؛
 - حزب «دموکراتیک اسلامی»، به رهبری طاهر عباس‌اف؛
 - حزب «فضیلت»، به رهبری حاج گوندوز حاجی‌اف؛
 - حزب «سبز»، به رهبری مانیس گل علی‌اف؛
 - اتحادیه اجتماعی «دیرلر»، به رهبری آب گل سلیمان‌اف؛
 - اتحادیه اجتماعی «بیرلیک»، به رهبری نامیک باباخان‌اف؛
 - مجمع دینی مسجد جامع شهر باکو (ایچری شهر) و ده‌ها جمعیت و گروه و تشکّل دینی که در واکنش به مسائل داخلی و بین‌المللی به گروه‌های سیاسی تبدیل می‌شوند.
- علاوه بر آن، ائتلاف با سایر تشکّل‌های همسو، از جمله تشکیل ائتلاف «اتحادیه نیروهای آذربایجان‌گرا»، ائتلاف مقطعی با احزاب مخالف، ائتلاف مقطعی در زمان انتخابات و ارائه فهرست مشترک، ائتلاف جمعیت‌ها و گروه‌های مذهبی در حوادثی نظیر حمله رژیم صهیونیستی به غزه و لبنان از آن جمله‌اند.

ب. حضور فعال در جریان‌ات و حوادث سیاسی

حکومت آذربایجان اگرچه در طول دو دهه گذشته تلاش کرده است تا از حضور اسلام‌گرایان در کرسی‌های مجلس جلوگیری کند و هیچ منصب سیاسی و اجتماعی در اختیار آنها قرار ندهد و حتی از آن جلوگیری نماید و محدودیت‌های بسیاری را نیز ایجاد نمود، اما در مقابل، تلاش کرده‌اند در صحنه‌های سیاسی و انتخابات حضور یابند.

حکومت آذربایجان در انتخابات ۱۹۹۵ برای مجلس ملی ضمن ممانعت از حضور گروه‌های شیعی اسلام‌گرا، رهبران آنها را نیز محبوس نمود و در انتخابات ۲۰۰۰ نیز همین سیاست اعمال گردید. پس از مرگ حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور

سابق آذربایجان، و با شروع ایام انتخابات سال ۲۰۰۳، بعضی از تشکلهای اسلامی در قالب احزاب مخالف در این انتخابات شرکت کردند و از نامزدی عیسی قنبراف حمایت نمودند. در حالی که شواهد حاکی از پیروزی وی بود، اما در کمیسیون انتخابات اعلام شد، *الهام علی‌اف*، فرزند *حیدر علی‌اف* در این انتخابات پیروز شده است. طرفداران وی از جمله تعدادی از اسلام‌گرایان تظاهرات‌های اعتراض‌آمیز سراسری برگزار کردند، اما با سرکوب حکومت مواجه شدند و تعدادی زیادی از افراد بازداشت و به زندان محکوم گردیدند که *القار ابراهیمی*، امام جماعت مسجد «جمعه» و رئیس جمعیت «دفاع از آزادی اعتقادات دینی»، از آن جمله بودند.

در انتخابات مجلس ملی سال ۲۰۰۵ نیز تشکلهای اسلامی برای کسب آراء مردمی و ورود به مجلس حضور پیدا کردند، اما در این انتخابات نیز با وجود ارزیابی‌های قبلی ناظران بین‌المللی و داخلی، به هیچ‌یک از آنها اجازه ورود به مجلس داده نشده و با ترفندهای گوناگون کنار گذاشته شده‌اند.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ به دلیل عدم صدور مجوز رسمی برای فعالیت اسلام‌گرایان، امکان شرکت آنها به وجود نیامد و همچنان از حضور شیعیان اسلام‌گرا در دولت و مجلس ممانعت به عمل آمد. در انتخابات شوراها نیز تقریباً همین کار تکرار شد و با وجود اهمیت پایین این انتخابات، حکومت آنجا را نیز قبضه کرد. در مجموع می‌توان گفت: برای شیعیان اسلام‌گرا در جمهوری آذربایجان همچنان موانع بزرگ آهنین وجود دارد، به گونه‌ای که با نام «دموکراسی»، «دیکتاتوری» اعمال می‌شود. اما علی‌رغم این موانع آهنین برای حضور در ترکیب مجلس و دولت، حضور آنها در سایر صحنه‌ها رو به رشد و قابل توجه بوده است و هر روز از مطبوعات و رسانه‌های این کشور اخبار شگفت‌آوری از تحرکات سیاسی و اجتماعی آنها گزارش می‌شود که بعضی از آنها در ذیل ذکر می‌شود:

ج. راهپیمایی‌های روز قدس

از سال ۲۰۰۰ به بعد شاهد اوج‌گیری مجدد تبلیغات ضداسرائیلی از سوی گروه‌های سیاسی و جمعیت‌های اسلام‌گرا در این کشور هستیم. در بعضی از نقاط مذهبی، مثل روستای «نارداران»، حتی تجمعات ضدصهیونیستی نیز برگزار می‌گردد. در بیانیه سال ۲۰۰۰، حزب «اسلام» در محکومیت رژیم غاصب صهیونیستی، خواستار تحریم روابط از سوی همه دولت‌ها شد و اسرائیل به عنوان دشمن جهان اسلام معرفی گردید. اسلام‌گرایان جنایات اسرائیل را در قتل‌عام فلسطینی‌ها محکوم کردند و خواستار برگرداندن اراضی اشغالی مسلمانان شدند.^۱ آنها همچنین در واکنش به اشغال جنوب لبنان توسط رژیم غاصب اسرائیل، آن را محکوم کردند و پس از بازپس‌گیری آن توسط «حزب‌الله»، آزادی آن را تبریک گفتند.^۲

گروه‌های شیعی اسلام‌گرا، که با تشکیل ائتلاف «نیروهای آذربایجان‌گرا» (آ.ق.ب) جرئت ابراز عقاید سیاسی پیدا کرده‌اند، اشغال قره‌باغ را در ادامه اشغال قدس اعلام می‌دارند. آنها خواستار به رسمیت شناخته شدن دولت فلسطین، محکومیت سیاست اعمال زور و عملیات تروریستی اسرائیل و پایان دادن به کشتار فلسطینیان هستند و در اعتراض به حملات و تداوم جنایات اسرائیل و گسترش موج اعتراض‌های مردمی در سراسر جهان، با شعارهای «حسین حسین شعارمیز شهادت افتخارمیز»، «آذربایجان اویاخدی فلسطینه دایاخدی»، در مقابل سفارت اسرائیل تجمع می‌کنند و در پایان، پرچم صهیونیزم بین‌الملل را به آتش می‌کشند.^۳

در طول این سال‌ها، ترس از حکومت در ابراز مخالفت با اسرائیل از بین رفته

۱. روزنامه نی مساوات، ۲۰۰۰/۱۱/۵.

۲. نشریه ۵۲۵، ۱۳/۶/۱۳۸۰.

۳. روزنامه شرق، ۲۴/۱/۱۳۸۱.

است و در حالی که چند سال قبل از آن حتی امکان نگارش یک مقاله ضد صهیونیستی وجود نداشت و هر آن ممکن بود حکومت برخورد کند، اما به تدریج و با الهام از جمهوری اسلامی و به ویژه پس از روی کار آمدن دولت جدید در ایران، که شعارهای تاریخی جعلی همچون «هولوکاست» را زیر سؤال برده و همچنین الگو قرار دادن بیداری سایر ملل، بخصوص مردم ترکیه - که تمایلات اسلام‌گرایانه خود را با انتخاب دولت جدید نشان داده‌اند - شیعیان این کشور نیز با نوشتن مقالات متعدد، به رسانه‌ای کردن این موضوع، شرکت در تجمعات ضد صهیونیستی و صدور بیانیه‌ها و برگزاری مصاحبه‌های گوناگون، وارد عرصه‌های سیاسی مخالفت با اسرائیل و حمایت از فلسطین و لبنان شده‌اند.^۱

د. واکنش به حوادث جهان اسلام

اوج تجمعات و اعتراضات ضد صهیونیستی در سال ۲۰۰۶ و همزمان با حمله اسرائیل به لبنان بود. با اینکه پلیس این کشور از تجمعات جلوگیری می‌کند و اسلام‌گرایان را تحت تعقیب و تحت فشار قرار می‌دهد و مجوزهای قانونی فعالیت آنها را لغو و از صدور مجوز فعالیت ممانعت می‌نماید، اما به دلیل تبدیل شدن اعتراض‌های مردمی علیه رژیم اشغالگر قدس به ارزش اجتماعی، حکومت دیگر نمی‌تواند از آنها جلوگیری کند. در تابستان این سال و همزمان با حمله اسرائیل به لبنان، مطبوعات و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اسلام‌گرایان به شدت جوّی ضد صهیونیستی ایجاد و اقدام به افشاگری کردند. چندین بار در مقابل سفارت اسرائیل تجمع برگزار شده که از سوی پلیس پراکنده گردیده است. دین‌داران مناطق گوناگون بیانیه‌های متعددی صادر کرده‌اند و با قاطعیت از «حزب‌الله» لبنان حمایت نمودند و با پیروزی جنبش مقاومت لبنان، جشن‌های داخلی برگزار

کرده‌اند.^۱ روز «قدس» سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ نیز با تجمّعاتی در مناطق گوناگون کشور برگزار شد، اما حکومت همچون به عنوان حافظ منافع اسرائیل عمل می‌کند.^۲

بیشترین تظاهرات ضداسرائیلی و حمایت از ملت فلسطین در سال ۱۳۸۷ اتفاق افتاد. در این سال، که فشار بر مردم غزه بیشتر شده بود و رژیم صهیونیستی پس از چندین ماه محاصره منطقه غزه، وارد جنگی نابرابر با حماس شد، گروه‌های شیعه اسلام‌گرا نیز هم‌نوا با سایر ملل مسلمان جهان اسلام، به شدت با رژیم اشغالگر قدس به مخالفت برخاستند. در روز «قدس»، در مقابل سفارت اسرائیل تجمع کردند و به دنبال تشدید محاصره غزه، تجمّعی اعتراض‌آمیز در مقابل سفارت مصر نیز برگزار شد و با شروع حملات به غزه و جنگ ۲۲ روزه، ده‌ها تجمع ضد صهیونیستی در مقابل سفارت اسرائیل در باکو و همچنین میادین اصلی شهرهای قبا، جلیل آباد، سومقائیت، گنجه و آستارا برگزار گردید. پلیس این کشور همچنان به دستگیری معترضان ادامه می‌دهد و ده‌ها نفر را بازداشت و به زندان‌های ۱۰-۱۵ روزه و بعضی دیگر را به زندان‌های طویل‌المدت محکوم کرده است. شیعیان تحت فشار و آزار جسمی و روحی قرار گرفته‌اند، ولی تظاهرات ادامه یافته است و پس از این نیز ادامه خواهد یافت.^۳

با توجه به اینکه حملات رژیم صهیونیستی هم‌زمان با ماه محرّم صورت گرفت، مراسم ماه محرّم و صفر این کشور تحت تأثیر این حوادث قرار دارد و مظلومیت مردم غزه بازگو می‌گردد و پس از هر مراسم، شعارهای ضداسرائیلی و ضدآمریکایی سر داده می‌شود. در مراسم اخیر، حوادث غزه در کانون توجه

۱. روزنامه شرق، ج. آذربایجان، ۷ مرداد ۱۳۸۵ / روزنامه نینی مساوات، ۴ مرداد ۱۳۸۵، / روزنامه اکسپرس، ۷ مرداد ۱۳۸۵ و ۱۳ مرداد ۱۳۸۵.

۲. ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران)، ۱۱ مرداد ۱۳۸۶.

3. www. Islam-azeri.az, ۱۳۸۷ دی ۱۵-۲۶.

عزاداران قرار گرفته است. اوج تجمّعات ضداسرائیلی در روستای «نارداران» باکو بود. به دلیل برخوردهای حکومت با تجمّعات مردمی در مقابل سفارت رژیم صهیونیستی و دستگیری ده‌ها نفر از معترضان، تعداد زیادی از مردم سایر شهرها، روستاها و مناطق دیگر در خیابان‌ها، میادین، مساجد و زیارتگاه‌های روستای مزبور حضور یافتند و تلاش کردند تا حضور خود را در حمایت از مردم غزّه از این مکان اعلام نمایند. بیش از بیست هزار نفر از مردم شهرها و قصبات اطراف باکو در این مراسم شرکت کردند و به عزاداری پرداختند. روحانیان و مدّاحان اهل بیت علیهم‌السلام با بیان فلسفه قیام امام حسین علیه‌السلام، اهداف رژیم‌های استکباری در سرکوب ملل اسلامی، قیام مردم فلسطین و حوادث غزّه را یادآور شدند و خواستار مساعدت مردم برای مبارزه با آنها شدند. این مراسم غالباً به تظاهرات سیاسی و ابراز عقیده دینی - سیاسی مردم و سخنرانان تبدیل می‌شود.^۱

هواکنش نسبت به اهانت رسانه‌های دولتی

توهین به مقدّسات دینی در کشورهای غربی و مطبوعات و شخصیت‌های ضددینی داخل کشور با واکنش تند گروه‌های اسلام‌گرا و مردم متدّین این کشور مواجه می‌شود. در سال ۱۳۸۴ به دنبال توهین‌های مکرّر مطبوعات و رسانه‌های کشورهای غربی، بخصوص دانمارک، که واکنش جهان اسلام را در پی داشت، مردم این کشور نیز در مطبوعات و رسانه‌ها و همچنین در تجمّعات و تظاهرات گوناگون، اعتراض‌های خود را اعلام و در میادین شهرها و همچنین مساجد و اماکن دینی مواضع خویش را اعلام نمودند. اگرچه حکومت این کشور از برگزاری تجمّعات قانونی در مقابل سفارت‌خانه‌های خارجی جلوگیری می‌نماید، اما مردم با هدایت جریان‌های اسلامی به صورت خودجوش وارد عمل می‌شوند، و این

۱. ولی جباری، بررسی مردم‌شناختی مراسم عاشورا، ص ۶۱-۶۴.

تحرّکات در ایّام محرّم و رمضان نمود بیشتری دارد. اصلی‌ترین تحرّک سیاسی جریانات شیعی در آبان ماه سال ۱۳۸۵ زمانی اتفاق افتاد که شخصی به نام رافیق تقی‌اف در نشریهٔ صنعت، مقالهٔ توهین‌آمیزی علیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منتشر ساخت^۱ که در پی آن چند نشریهٔ دیگر آن را نقل‌قول کردند و در سطح کشور چاپ نمودند. مردم شیعه و متدین جمهوری آذربایجان ابتدا در قالب بیانیه و مصاحبه خواستار برخورد حکومت با این فرد موهن شدند، اما با عدم توجه حکومت، اعتراض‌های سراسری شروع شد. در شهر باکو و سایر شهرها و روستاها تجمّعات گوناگون برگزار گردید و هنگامی که حکم ارتداد وی از سوی مراجع تقلید از جمله آیه‌الله لنگرانی و آیه‌الله بنی‌فضل صادر شد، مردم بر تحرّکات سیاسی خود افزودند.^۲ به دنبال اعتراض‌های سراسری و دامنه‌دار مردم، برای اولین بار حکومت جمهوری آذربایجان تحت تأثیر جوّ سیاسی جامعه قرار گرفت. ابتدا نشریهٔ مزبور تعطیل و سپس رافیق تقی‌اف و دو تن دیگر از گردانندگان نشریهٔ مزبور بازداشت و پس از محاکمه به دو سال زندان محکوم شدند. حبس وی تا حدی از خشم مردمی کاست، اما حتی تعدادی از زندانیان مؤمن نیز اعلام کردند که در صورت حضور وی در زندان، آنها حکم قتل وی را اجرا خواهند نمود.^۳

اعتراض‌ها و واکنش‌های شدید مردمی موجب شد تا جوّ موهن قبلی قدری آرام شود و جرئت این کار از اصحاب رسانه‌های ضد‌دین گرفته شود، به گونه‌ای که پیش از آن چند بار علیه مراجع تقلید، ائمهٔ اطهار علیهم السلام و رهبران ایران مقالات و تصاویر موهن چاپ شده بود و در پی آن، اعتراضات مردمی صورت گرفته بود. در سال‌های بعد، اگرچه تبلیغات ضد دینی و انحرافی علیه دین مبین اسلام وجود داشته است، اما آنها نمی‌توانند آشکارا به مقدّسات دینی توهین نمایند.

۱. نشریهٔ صنعت، ج آذربایجان، ۱۷/۸/۱۳۸۵.

۲. شبکهٔ تلویزیونی ANS، باکوخبر، اولایار، آبا، ۱۹ آبان ۱۳۸۵.

۳. خبرگزاری توران، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۶.

و. مخالفت با لایحهٔ ممنوعیت حجاب

حکومت لایحهٔ جمهوری آذربایجان، که از رشد روزافزون اسلام‌گرایی در این کشور نگرانی‌های بسیاری دارد، در چند سال گذشته تلاش نموده است تا با تصویب و اجرای لوایح ضد دینی، سیاست‌های خود را عملی سازد که هر بار با واکنش اسلام‌گرایان مواجه شده است. لایحهٔ «ممانعت از حضور زنان محجّبه در مدارس و دانشگاه‌ها» در سال ۱۳۸۶ در حالی مطرح شد که به صورت غیررسمی و توسط مدیران دانشگاه‌ها چند سالی بود که برای زنان محجّبه محدودیت‌های زیادی ایجاد می‌شد و این کار چالش‌هایی را به وجود آورده بود.^۱

اما در پی گسترش روزافزون حجاب در این کشور، که روزبه‌روز بیشتر می‌شود، حکومت تصمیم گرفت تا موضوع جلوگیری از حجاب زنان در دانشگاه‌ها و مدارس را قانونی نماید. با مطرح شدن این امر در رسانه‌ها و اعلام بررسی موضوع در مجلس، گروه‌های شیعی ضمن مخالفت با آن، تحرّکات خود را افزایش دادند و به شدت با آن مخالفت نمودند. مصاحبه‌ها و بیانیه‌های مخالف زیاد شد و نمایندگان مجلس با طرح این موضوع که در کشور اسلامی می‌خواهند لوایح ضد دینی و ضداخلاقی تصویب کنند، به چالش کشیده شدند. ادارهٔ روحانیت قفقاز تحت فشار قرار گرفت و طرح برگزاری تجمّعات اعتراض‌آمیز و مبارزه با این قانون تبلیغ گردید. چندین دعوای فیزیکی بین دانشجویان و مدیران مدارس و دانشگاه‌ها انجام شد. حکومت پس از تنش به وجود آمده و نبود زمینه‌های اجتماعی لازم و مخالفت شدید مردمی، این بار نیز عقب‌نشینی کرد و لایحهٔ مزبور را از دستور کار مجلس خارج نمود. البته محدودیت حضور بانوان محجّبه در مدارس و دانشگاه‌ها همچنان ادامه دارد و همه ساله در آغاز سال تحصیلی، شاهد تنش‌هایی در این زمینه هستیم؛ عده‌ای از دانشجویان اخراج و عده‌ای دیگر به این محدودیت‌ها تن می‌دهند.

ز. مخالفت با توسعه روابط رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان

در اوایل سال ۱۳۸۷ از سوی مقامات حکومت جمهوری آذربایجان و سفارت اسرائیل در این کشور اعلام گشایش «پارک دوستی آذربایجان و اسرائیل» در یکی از مناطق باکو توسط رسانه‌های داخلی و بعضی از رسانه‌های خارجی، موجب شد تا مردم و جریان‌های شیعی و واکنش تندی نشان دهند. در حالی که چند ماه قبل از آن مسئولان اسرائیلی رفت و آمدهای بسیاری را به این کشور آغاز کرده بودند، با تبلیغات گسترده رسانه‌ای گشایش این پارک را نشانه‌ی راحتی صهیونیسم در جمهوری آذربایجان و عدم توجه مردم به مسائل جهان اسلام عنوان کردند. جمعیت‌ها و گروه‌های شیعی و همچنین مردم در مصاحبه‌ها، بیانیه‌ها، دیوار نوشته‌ها و نامه‌های الکترونیکی و پیامک‌های گوناگون، خواستار توقف این کار شدند و اعلام داشتند که در روز برگزاری برنامه، آن را برخواهند چید.^۱ این برنامه، که قرار بود همزمان با سالگرد اشغال و قتل عام مردم شهرهای این کشور توسط ارامنه در منطقه قره‌باغ اجرا شود، بر حساسیت موضوع افزود؛ چراکه مردم اعلام داشتند حکومت می‌خواهد در روز عزای مردمی، جشن برگزار می‌کند. به دنبال این اعتراض‌ها گشایش پارک مزبور پس از چندین بار تأخیر، سرانجام متوقف گردید و مسئولان حکومتی از عدم گشایش این پارک خبر دادند. این موضوع موفقیت بزرگی برای شیعیان این کشور محسوب گشت.^۲

در خرداد ماه سال ۱۳۸۸ خبری مبنی بر دعوت مسئولان حکومتی جمهوری آذربایجان از رئیس رژیم صهیونیستی برای سفر به باکو از رسانه‌ها و مطبوعات این کشور پخش گردید که با مخالفت شدید گروه‌های شیعه اسلام‌گرا مواجه شد. این گروه‌ها در مصاحبه‌ها، بیانیه‌ها و میزگردهای گوناگون، خواستار لغو این سفر

۱. نشریه‌ی اخو، ۱۷ آوریل ۲۰۰۸.

۲. همان، ۱۸ می ۲۰۰۸ / خبرگزاری ترند نیوز، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۷.

شدند، اما حکومت این کشور بر انجام این سفر تأکید کرد و در ۷ تیر ۱۳۸۸ این سفر انجام گردید.

گروه‌های شیعهٔ اسلام‌گرا با برگزاری تجمّعات گوناگون در مقابل سفارت رژیم صهیونیستی و همچنین مقابل ساختمان وزارت خارجه و در شهرهای گوناگون این کشور اعتراض‌های خود را نسبت به این سفر اعلام داشتند که با سرکوب شدید نیروهای امنیتی و انتظامی این کشور مواجه شد و بسیاری از تجمّع‌کنندگان بازداشت گردیدند. این سفر با مخالفت مردم جمهوری اسلامی ایران نیز مواجه شد که چندین تجمّع اعتراض‌آمیز در مقابل سفارت جمهوری آذربایجان در تهران، کنسولگری این کشور در تبریز و در شهرهای اردبیل و آستارا برگزار گردید.^۱

ح. مقابله با حکومت در تخریب مساجد و ممنوعیت بخش اذان

محدودیت‌های حکومت برای ممانعت از ترویج شعائر اسلامی در ابعاد گوناگون اجرا شده، اما به دلیل آنکه مورد توجه مردم است و روزه‌روز هم بر تعداد مأذنه‌ها افزوده می‌شود، حکومت نتوانسته است به طور کامل از آن جلوگیری نماید.

در سال ۱۳۸۷ به دستور حکومت، موضوع ممنوعیت بخش اذان مطرح و به مساجد کشور اعلام گردید و دلیل آن - به اصطلاح - ایجاد آرامش برای مردم محلّات عنوان شد. این اقدام حکومت با مخالفت مردم مواجه گردید. اگرچه بعضی از مساجد به این محدودیت تن دادند، اما بسیاری از مساجد برنامه‌های گذشته خود را اجرا کردند. به دنبال برخوردهای حکومت با مردم و احتمال

۱. ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران)، ۶، ۷ و ۸ تیر ۱۳۸۸ / خبرگزاری آران، ۶، ۷ و ۸ تیر ۱۳۸۸.

تشدید موضوع در بین اسلام‌گرایان، که به شدت فعال شده و موضوع را مطبوعاتی و رسانه‌ای کرده بودند، و اعتراض‌های گسترده به اداره روحانیت کشور و تهدید به برگزاری تجمّعات و تظاهرات، حکومت بار دیگر با طرح اینکه رئیس جمهور نیز مخالف این موضوع بوده و بعضی از مسئولان بدون هماهنگی و با سلیقه شخصی اقدام به این کار نموده‌اند، دستور رفع محدودیت ایجاد شده را صادر کردند و بار دیگر مساجد به راحتی توانستند برنامه‌های خود را اجرا نمایند.

از ابتدای سال ۱۳۸۸ حکومت این کشور سیاست بستن و حتی تخریب تعدادی از مساجد کشور را در پیش گرفت و با این استدلال که مساجد باید تحت کنترل و نظارت حکومت باشند، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های زیادی ایجاد کرد. این موضوع با مخالفت گروه‌های شیعه اسلام‌گرا مواجه شد و آنها اعلام داشتند که حکومت با این اقدامات، خاطرات دوران استبداد کمونیستی را در اذهان مردم تداعی می‌کند. در نهایت، واکنش‌های دین‌داران موجب کند شدن روند مزبور گردید.

ط. برگزاری عزاداری‌های محرم و صفر در خیابان‌ها

ی. رویه وحدت و اعتدال و مقابله با جریانات ضد شیعی

پس از فروپاشی شوروی (سابق) و استقلال جمهوری آذربایجان، زمام‌داران این کشور تلاش کردند برای مبارزه با مذهب تشیع سایر مذاهب الحادی و انحرافی را ترویج و یا زمینه حضور آنها را فراهم کنند. در اندک زمانی، صدها مجمع دینی و گروه‌های میسیونری و وهّابی و بهائی و نورچی و مانند آن به آسانی مجوّز فعالیت دریافت کردند و حکومت نیز امنیت آنها را بر عهده گرفت. پس از چند سال فعالیت و آشکار شدن اهداف و نیّت آنها

در ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی و تهدید حاکمیت کشورهای گوناگون از جمله آذربایجان، حکومت مجبور شد به تدریج، در فعالیت آنها محدودیت ایجاد کند، اما به دلیل اقدامات ریشه‌ای آنها، اکنون با مشکلات عدیده‌ای مواجه است.

از اصلی‌ترین معضلاتی که می‌توانست برای شیعیان ایجاد شود، تفرقه دینی و برخوردها و اختلافات مذهبی در میان طرف‌داران این فرقه‌ها بود. اختلافات از اوایل سال ۱۳۸۵ در حومه شهر باکو از قصبه «مهدی آباد» و «بیله جری» شروع شد و تعدادی از طرف‌داران دو گروه پس از درگیری‌هایی محبوس شدند.^۱ این موضوع ادامه یافت تا اینکه مسجد «ابوبکر» باکو، که وابسته به طرف‌داران وهابی‌هاست و روزهای جمعه چند هزار تن از شهرهای گوناگون در آن حضور پیدا می‌کنند، در ۲۷ مرداد ۱۳۸۷ مورد تهاجم قرار گرفت و بمبی در آن منفجر شد و تعدادی از حاضران کشته و مجروح گردید. این حادثه زمینه ایجاد اختلاف و این اتهام را که این کار توسط شیعیان صورت گرفته است فراهم کرد، تا آنجا که می‌توانست به یک مسئله دامن‌دار سیاسی - اجتماعی تبدیل شود. اما جریانات شیعی با درایت کامل، ضمن محکوم کردن این انفجار و درگیری‌های مذهبی و توصیه مردم به دوری از هرگونه اختلاف و جنگ مذهبی و ضرورت توجه به آموزه‌های دینی و اعلام اینکه دستان بیگانه و استکبار خارجی در این قضیه دخیل است، نقشه‌های طراحی‌شده داخلی و خارجی را بر آب کردند. اکنون مسجد «ابوبکر» بسته است و تلاش‌های وهابیان برای بازگشایی آن به نتیجه‌ای نرسیده است.

۱. ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران)، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۷ / نشریه یینی مساوات،

۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۵ / نشریه باکو‌خبر، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۵.

ک. حمایت از جمهوری اسلامی ایران

در یک دهه گذشته، که حجم توطئه‌ها و تهدیدهای خارجی علیه نظام اسلامی ایران بیشتر شده، گروه‌های شیعه اسلام‌گرای این کشور همواره در حمایت از سیاست‌ها و اهداف اصولی ایران اعلام موضع موافق داشته‌اند. حمایت از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و هشدار به دولت‌های خارجی در عدم تهدید ایران و همراه خواندن خود با دولت و ملت ایران، مرجع و مأمین مسلمانان جهان دانستن ایران، همراهی در حمایت از نهضت‌های اسلامی و آزادی‌بخش، همراهی در حمایت از فلسطین و لبنان، ولی امر مسلمانان دانستن حضرت آیه‌الله خامنه‌ای و واجب‌الاطاعه شمردن ایشان، حمایت از ایران در نظام حقوقی دریای خزر و ضرورت حضور ایران در طرح‌های اقتصادی، ضرورت حضور ایران در کمیسیون‌های حل بحران قره‌باغ، محکومیت تهدیدات بین‌المللی در احتمال حمله به ایران و خود را همراه ایران دانستن، و محکومیت جریانات پان - ترکیسم از جمله این حمایت‌ها بوده است.

ل. مخالفت با حضور ناتو و کشورهای بیگانه

در حالی که تلاش شده است پس از فروپاشی شوروی (سابق) سیاست توسعه «ناتو»، بخصوص در مرزهای ایران و روسیه، طی یک دهه انجام گیرد و این مسئله در یک دهه اخیر تشدید شده، اما تشکّل‌ها و جمعیت‌های اسلام‌گرا، تنها جریاناتی هستند که مخالف حضور «ناتو» و کشورهای بیگانه در جمهوری آذربایجان هستند. آنها در مواضع و مصاحبه‌ها و هشدارهای خود به حکومت، خواستار برجیده شدن این حضور رو به تزاید شده و خواستار توجه به کشورهای اسلامی و دولت‌های بی طرف به جای «ناتو» و آمریکا هستند؛ چراکه این قدرت‌ها را در پی منافع خود می‌دانند که بجز ایجاد تنش در روابط بین ملت‌ها و دولت‌های اسلامی و همسایه، نفعی عاید کشور نخواهند کرد و برخوردهای آمریکا با آذربایجان را دوگانه، فریب‌کارانه و در جهت غارت کشور می‌دانند.

م. حمایت از ملت مظلوم عراق و افغانستان و مخالفت با حضور نظامیان

آذری در سازمان‌های بین‌المللی

حملات مداخله‌گرایانه آمریکا به افغانستان و عراق و کشتار وسیع مردم آنها و حضور تعدادی از نظامیان آذری در ترکیب کشورهای چندملیتی هموار مورد انتقاد دین‌داران و جریانات شیعی این کشور بوده است. جریانات شیعی خواستار عدم دخالت نیروهای بیگانه در سرنوشت ملت‌ها و بیرون رفتن نظامیان خارجی از کشورهای تحت اشغال بوده و حضور نظامیان آذری را به شدت محکوم کرده و خواستار بازگشت آنها به کشور خود هستند. آنها اعلام داشته‌اند: در حالی که بیست درصد اراضی جمهوری آذربایجان در اشغال ارامنه بوده و این کشور خود با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست، حکومت برای خوش خدمتی به غرب، نیروهای آذری را وارد سرزمینی کرده که هر روزه شاهد شهادت تعداد زیادی از شیعیان در آن هستیم.

ن. انتقاد از سیاست‌ها و برنامه‌های ضد دینی حاکمیت

جمع‌آوری کتب دینی توسط حکومت، پخش برنامه‌های ضد اخلاقی، افزایش مظاهر فساد و فحشا در کشور، ترجمه کتاب آیات شیطانی، ایجاد مشکلاتی برای بانوان محجبه، از جمله مواردی است که انتقادات جریانات شیعی را در پی داشته و آنها خواستار حل این موضوعات بوده‌اند. این مواضع در رسانه‌ها و مطبوعات درج و مردم نسبت به وقایع کشور آگاه می‌شوند.

ص. برگزاری همایش‌ها و سخنرانی‌های گوناگون

اسلام‌گرایان به منظور تنویر افکار عمومی، بزرگداشت آیین‌های مذهبی، ترویج احکام و عقاید شیعی، واکنش‌های نرم سیاسی به حوادث بین‌المللی، موضع‌گیری‌های گوناگون سیاسی - اجتماعی نسبت به مسائل داخلی و بین‌المللی

در محافل عمومی، تشریح معضلات سیاسی - اجتماعی جهان اسلام از جمله اشغال فلسطین، تجمّع یافتن تشکّل‌های اسلامی و گروه‌های همسو، و در جهت ده‌ها هدف و نیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دیگر، همایش‌ها، سخنرانی‌ها، میزگردها و کنگره‌های متعدد در سطح کشور، منطقه و شهر برگزار می‌کنند. بیشتر این تجمّعات در مرکز مطبوعات باکو، تالارهای خصوصی و حتی دولتی انجام می‌گیرد. برخی از همایش‌های سال ۱۳۸۷ عبارت بود از:

- همایش یادبود کشتار مسلمانان (۳۱ خرداد ۲۰۰۷)؛
- همایش علمی نماز و ماهیت آن (۱۴ تیر ۲۰۰۷)؛
- همایش مهدویت و مفهوم انتظار (۱۶ تیر ۲۰۰۷)؛
- همایش زن در اسلام (۲۴ تیر ۲۰۰۷)؛
- همایش انفجار در اماکن مقدّسه (۱۵ مرداد ۲۰۰۷)؛
- همایش رحلت آیه‌الله فاضل (۱۷ مرداد ۲۰۰۷)؛
- همایش ولادت حضرت زهرا علیها السلام (۵ مهر ۲۰۰۷)؛
- همایش میلاد حضرت علی علیه السلام (۲۶ مهر ۲۰۰۷).

ع. افزایش پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و مطبوعات

در چند سال اخیر، مطبوعات اسلام‌گرایان رشد و گسترش پیدا کرده‌اند و در برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی حضور می‌یابند و پایگاه اطلاع‌رسانی متعددی توسط آنها راه‌اندازی شده است. با اینکه تعداد پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و مطبوعات آنها در مقایسه با پایگاه‌های ضداخلاقی و وهابیان و معاندان اسلامی بسیار پایین است، اما برای آشنا ساختن مردم با مسائل سیاسی جهان اسلام، تنویر افکار عمومی، پاسخ به شبهات گوناگون، ایجاد جنگ روانی علیه مخالفان، و آگاه‌سازی مردمی از اجحاف‌های صورت گرفته بر ملل مسلمان و شیعیان کشور، حضور آنها بسیار خوب است و در حالی که در گذشته مشکلات بزرگی در این

زمینه وجود داشت، اما امروز شاهد پر شدن گوشه‌هایی از این خلأها هستیم. بیشتر این مطبوعات و روزنامه‌ها به تشکل‌های اسلام‌گرایان وابسته‌اند. به دلیل آنکه این نشریات با مشکلات شدید مالی مواجهند، به صورت دو روزنامه، هفته‌نامه و ماه‌نامه و فقط تعدادی به صورت روزنامه منتشر می‌شوند. در ذیل، تعدادی از مطبوعات و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی گروه‌های شیعی اسلام‌گرا ذکر می‌شود:

۱- مطبوعات: نشریات دیرلر، سلام، نبض، بیرلیک، دعوت، ارث، نینی زمان، اسلام حقیقت لری، صدای اسلام، و هارای از نشریات گروه‌های شیعه اسلام‌گرا هستند.

۲- پایگاه‌های اطلاع‌رسانی: پایگاه‌های اطلاع‌رسانی [www. Birlik-az.org](http://www.Birlik-az.org) و www.Islaminsesi.az پایگاه‌های مرتبط با اسلام‌گرایان را این‌گونه ذکر کرده است:

www. Islamaz.com;

www. Haqqyolu.com;

www. Islaminsesi.az;

www. Deyerler.az;

www. Safligmanavi.com;

www. nebz.az;

www. Islam-azeri.az;

www. Yenisharq.org;

www. Manevisafliq.org;

www. Velfecr.com;

www. Birlik-az.org;

www. Kovser.az;

www. Bizimradio.net;

www. Deyerler.org.

چند ارزیابی

اگر بخواهیم ارزیابی بی‌تعصب نسبت به شیعیان جمهوری آذربایجان داشته باشیم و به عبارت دیگر، آنها را از نگاه کشورهای غربی ببینیم، بررسی تحلیلی مرکز نظرسنجی «آدام» در خصوص مسائل دینی - سیاسی و استفاده ایران از انرژی هسته‌ای از دیدگاه مردم این کشور نشان می‌دهد که ۴۹ درصد مردم خواستار اداره کشور بر اساس اصول دینی هستند و ۶۵ درصد نیز با فعالیت طریقت‌ها و مبلغان دینی انحرافی و غیراسلامی مخالفند و قریب ۳۵ درصد به ضرورت حضور گروه‌های شیعی اسلام‌گرا در انتخابات معتقدند. ۹۰ درصد پاسخ‌گویان از اعتراض مردمی نسبت به درج تصاویر موهن علیه پیامبر ﷺ حمایت کرده‌اند. در این نظرسنجی ۵۱ درصد صداقت غرب در مبارزه علیه تروریسم بین‌الملل را غیرواقعی دانسته‌اند و تنها ۲۰ درصد ادعاهای غرب در خصوص برنامه‌های هسته‌ای ایران را واقعی می‌دانند.

این ارزیابی نشان می‌دهد: علی‌رغم تبلیغات دامنه‌دار غرب و مطبوعات آذری در خصوص انرژی هسته‌ای ایران، مردم این کشور نظرات مثبتی نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ایران دارند و بیشتر مردم به صداقت غرب در مبارزه با تروریسم بین‌الملل شک دارند. مخالفت قاطع مردم با درج تصاویر موهن، نشان‌دهنده تعصبات دینی و اسلامی مردم این کشور است و موافقت آنها با اداره کشور توسط احکام اسلامی با وجود تبلیغات وسیع ضد‌دینی، و حمایت خوب از حضور گروه‌های شیعی اسلام‌گرا در انتخابات و ضرورت فعالیت‌های سیاسی قابل تأمل است.^۱

مرکز مطالعات «ینی شرق» (شرق نو) نیز به دنبال حملات رژیم صهیونیستی به غزه، اوج‌گیری اعتراضات مردمی در جمهوری آذربایجان را منعکس کرد.

علی‌رغم سانسورهای زیاد خبری و تصویری، اسلام‌گرایان نسبت به این موضوع واکنش‌های زیادی نشان دادند. مرکز مطالعات «ینی شرق» در یک تحقیق میدانی برای بررسی این موضوع، آماری منتشر کرد که حاکی از مخالفت جدی و اکثریت قریب به اتفاق مردم با جنایات صهیونیست‌ها و ضرورت مقابله با آن است. این نظرسنجی در بین ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر مرد و ۱۰۰ نفر زن) انجام شد. طبق این نظرسنجی، ۷۶/۵ درصد پاسخ‌دهندگان اسرائیل را مقصّر شمردند و ۱۲ درصد نیز علت هجوم اسرائیل را تحریک حماس دانستند. ۶۴ درصد پاسخ‌دهندگان هجوم به غزه را وحشی‌گری و قتل‌عام و ۱۸ درصد عرصه آزمایش سلاح و ۵ درصد دفاع از خود نامیدند. ۹۳ درصد پرسش‌شوندگان قتل‌عام کودکان، زنان و سال‌خوردگان را محکوم و ۵/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان (۱۱ نفر) این قتل‌عام را نتایج غیرقابل انکار جنگ دانستند و ۸۴ درصد نیز گفتند: هیچ بهانه‌ای نمی‌توان برای آن آورد. ۶۹ درصد پاسخ‌دهندگان هدف اسرائیل را بمباران فلسطین و غزه اعلام کردند. ۷۷ درصد سؤال‌شوندگان اعلام کردند که چون اسرائیل به اهداف خود نرسید، جنگ را تمام کرد. ۶۹ درصد (۱۳۸ نفر) حماس را حرکت مقاومت فلسطینیان برای آزادی و ۱۱/۵ درصد (۲۳ نفر) حرکت گروه مخالف و فقط ۹/۵ درصد (۱۹ نفر) تشکیلات تروریستی نامیدند. ۸۱ درصد دید منفی و ۱۶ درصد دید مثبت به اسرائیل داشتند. ۶۶ درصد مخالف رابطه دولت آذربایجان با اسرائیل و ۲۳ درصد خواستار روابط متعادل بودند. ۶۹/۵ درصد سؤال‌شوندگان اسرائیل را مانند ارمنستان دولت اشغالگر نامیدند و ۸۳/۵ درصد سؤال‌شوندگان اعلام کردند: دولت‌های مسلمان در زمان جنگ واکنش‌های لازم را نشان ندادند و فقط ۱۳/۵ درصد اعلام کردند که دولت‌های مسلمان واکنش‌های لازم داشتند. ۵۶/۵ درصد پاسخ‌دهندگان اقدامات آذربایجان در جنگ غزه را نامناسب، ۳۲ درصد معمولی و متعارف و ۱۱/۵ درصد مناسب اعلام نمودند. ۸۶ نفر خواستار ضرورت اتحاد دولت‌های

مسلمان شدند و ۹۳/۵ درصد از تشکیل دولت فلسطین حمایت کردند و ۷۹ درصد به ممانعت اسرائیل از تشکیل دولت فلسطین معتقد بودند. به طور کلی، بیشتر شرکت‌کنندگان ۸۳/۵ درصد (۱۶۳ نفر) در نظر سنجی مزبور حمایت کامل خود را از ملت فلسطین اعلام نمودند.^۱

ف. اسلام‌گراها در دولت و مجلس

حکومت جمهوری آذربایجان در دو دهه گذشته، هیچ‌گاه تحمل و اجازه حضور شیعیان در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی را نداده و با ابزارهای گوناگون تهدید، تخریب، و تبلیغات سوء، آنها را کنار زده است؛ یعنی اگرچه اسلام‌گرایان تلاش کرده‌اند وارد این صحنه‌ها شوند و در مقاطع گوناگون سیاسی همچون انتخابات شوراها، ریاست جمهوری و مجلس نامزدهای خود را معرفی کرده و حضور یافته‌اند، اما یا از طریق تقلب در انتخابات و یا از طریق فشارهای سیاسی - اجتماعی از حضورشان جلوگیری شده است و در مجموع، می‌توان این‌گونه بیان نمود که در این کشور، عرصه برای مشارکت سیاسی گروه‌های شیعی اسلام‌گرا وجود نداشته است، ضمن اینکه خود شیعیان هم اکنون بلوغ و نبوغ سیاسی لازم را در صورت کسب قدرت ندارند.

گروه‌های شیعه اسلام‌گرا البته تلاش می‌کنند با رایزنی‌ها و تعامل‌های گوناگون با نمایندگان مجلس و عوامل حکومتی بسترهای لازم را برای فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی فراهم نمایند. گروه‌های شیعی اسلام‌گرا از وضعیت سیاسی کشور ناراضی‌اند. آنها شعارهای دموکراتیک داده شده توسط حکومت را زیر سؤال برده و رفتار حکومت در عدم صدور مجوز فعالیت برای گروه‌های سیاسی و مقابله با حضور آنها در کرسی‌های مجلس را نمونه بارزی از استبداد نوین می‌دانند.

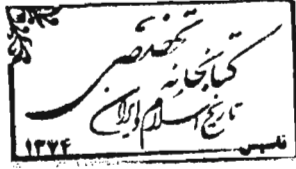
۱. ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران)، ۶ بهمن ۱۳۸۷ و ۲۴ ژانویه ۲۰۰۹.

فصل ششم

آموزش و پرورش
و
آموزش عالی

۱. نرخ باسوادی

طبق آمار سال ۱۹۹۹ بیش از ۹۷ درصد مردم جمهوری آذربایجان باسوادند (مردان ۹۹ درصد و زنان ۹۶ درصد). «باسواد» به افرادی گفته می‌شود که پانزده ساله و بالاتر از آن بوده و قادر به خواندن و نوشتن باشند. طبق آخرین سرشماری ۱۹۹۹، سطح سواد گروه‌های سنی این کشور به شرح جدول ذیل است:^۱



جدول (۱۱): سطح سواد گروه‌های سنی جمعیت براساس سرشماری سال ۱۹۹۹

بی‌سواد	خواندن	ابتدایی	پنجم	دبلم ناقص	دبلم	تحصیلات آکاردشناسی	ارشد	عالی	سال	به بالا	سنی	دوره
۶۲۴۰۰	۶۸۳۶۰۰	-	-	-	-	-	-	-	۷۴۶۰۰۰	-	۹۶	
۲۰۰	۷۱۹۰۰	۷۲۷۲۰۰	-	۱۰۱۹۰۰	-	-	-	-	۹۰۱۲۰۰	-	۱۴-۱۰	
۷۰۰	۶۰۰	۶۱۰۰	۵۴۰۰	۴۰۱۶۰۰	۳۲۷۸۰۰	۱۴۵۰۰	-	-	۷۵۶۷۰۰	-	۱۹-۱۵	
۹۰۰	۸۰۰	۳۳۰۰	۱۶۶۰۰	۴۳۲۰۰	۴۷۲۵۰۰	۶۰۷۰۰	۹۷۰۰	۴۰۳۰۰	۶۴۸۰۰۰	-	۲۴-۲۰	
۱۱۰۰	۸۰۰	۳۴۰۰	۲۷۱۰۰	۳۶۷۰۰	۳۹۸۷۰۰	۸۴۱۰۰	۵۵۰۰	۷۱۷۰۰	۶۲۹۱۰۰	-	۲۹-۲۵	
۱۳۰۰	۱۱۰۰	۴۰۰۰	۳۵۱۰۰	۳۹۸۰۰	۴۱۰۵۰۰	۱۰۳۵۰۰	۵۴۰۰	۸۱۹۰۰	۶۸۲۶۰۰	-	۳۴-۳۰	
۱۳۰۰	۱۳۰۰	۴۷۰۰	۳۷۵۰۰	۴۱۹۰۰	۳۹۰۴۰۰	۱۱۸۵۰۰	۵۸۰۰	۹۷۹۰۰	۶۹۹۳۰۰	-	۳۹-۳۵	
۱۲۰۰	۱۳۰۰	۵۰۰۰	۳۷۵۰۰	۳۶۱۰۰	۲۶۹۸۰۰	۹۸۸۰۰	۵۰۰۰	۸۹۹۰۰	۵۳۳۰۰۰	-	۴۴-۴۰	
۱۱۰۰	۱۴۰۰	۵۶۰۰	۱۴۰۰۰	۲۸۹۰۰	۱۵۵۳۰۰	۶۶۳۰۰	۳۵۰۰	۶۷۲۰۰	۳۴۳۳۰۰	-	۴۹-۴۵	
۱۵۰۰	۱۸۰۰	۷۴۰۰	۶۸۰۰	۲۲۶۰۰	۸۲۷۰۰	۳۵۱۰۰	۲۱۰۰	۴۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	-	۵۴-۵۰	
۳۵۰۰	۴۲۰۰	۱۶۸۰۰	۷۰۰۰	۳۴۲۰۰	۸۴۹۰۰	۳۰۴۰۰	۱۸۰۰	۲۹۰۰۰	۲۱۱۸۰۰	-	۵۹-۵۵	
۱۰۶۰۰	۱۰۴۰۰	۳۷۰۰۰	۸۳۰۰	۵۴۷۰۰	۹۹۳۰۰	۳۲۷۰۰	۲۰۰۰	۲۷۰۰۰	۲۸۲۰۰۰	-	۶۴-۶۰	
۴۲۲۰۰	۳۴۹۰۰	۸۲۷۰۰	۸۵۰۰	۷۹۲۰۰	۱۱۹۸۰۰	۳۶۴۰۰	۳۲۰۰	۲۸۷۰۰	۴۳۵۶۰۰	-	۶۵+	
۱۲۸۰۰۰	۸۱۴۱۰۰	۹۰۳۲۰۰	۱۹۲۲۰۰	۹۲۰۷۰۰	۲۸۱۱۷۰۰	۶۸۱۰۰۰	۴۴۰۰۰	۵۷۳۶۰۰	۷۰۶۸۰۶۰۰	-	جمع	

این آمار در سال ۲۰۰۳ دچار تغییراتی شد. به گونه‌ای که آموزش افراد ۱۵ سال به بالا افزایش یافت و به ۷۶۲ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر با تحصیلات متوسطه و بالاتر رسید، در حالی که در سرشماری سال ۱۹۹۹ این شاخص ۷۵۸ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر بود. تعداد بی‌سوادان ۱۵ سال و بالاتر، که به گروه سنی متوسطه مربوط می‌شد، ۱/۲ درصد بود که باسوادان مرد ۹۹/۵ درصد و زنان باسواد، ۹۸/۲ درصد بودند. در این سال ۱۷۷۷ مؤسسهٔ پیش‌دبستانی در حال فعالیت بودند که در این مؤسسات ۱۱۰۸۰۰ کودک و یا به عبارتی ۱۹/۹ درصد کودکان گروه سنی ذی‌ربط تحصیل می‌کردند.

مدارس آموزش فنی و حرفه‌ای به صورت مؤسسات آموزشی عالی منطقه‌ای و غیردولتی هستند. در ابتدای سال تحصیلی مزبور، تعداد ۱۰۴ هزار دانش‌آموز در دبیرستان‌های دولتی تحصیل می‌کردند. یکی از برنامه‌های جدید در حوزهٔ آموزش، تأسیس شکل جدید مؤسسات آموزشی است. تعداد مؤسسات غیردولتی در حوزهٔ آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح متوسطه، چندان بالا نیست و این امر بر آموزش متخصصان در این سطح تأثیر می‌گذارد.

۲. نظام آموزش رسمی

الف. نظام آموزشی قدیم

نظام آموزشی جمهوری آذربایجان در طول تاریخ دچار تغییر و تحولات زیادی شده است. در فصل «فرهنگ»، تحولات الفبایی این منطقه به تفصیل بررسی و به صورت مجمل تاریخچهٔ آن ذکر گردیده است.

نظام آموزشی جمهوری آذربایجان و نیز بسیاری از نقاط دیگر قفقاز، تا زمان تشکیل حکومت شوروی (سابق) به سبک و سیاق سنتی ایران بود. مکتب‌خانه‌ها معمولاً در جنب مساجد شهرها قرار داشت و کار تدریس را روحانیان عهده‌دار بودند. در مکتب‌خانه‌های سنتی، «تهجی» و «حفظ» دو شیوهٔ اصلی فراگیری

دروس به شمار می‌رفت. در این مدارس، آموزش نخست بر اساس قرآن کریم و بعضی کتب دینی تاریخی همچون جامع عباسی مرسوم بود، اما به تدریج، متون ادبی همچون گلستان، بوستان، بهارستان، و خمسه نظامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شدند. در آن روزگار، در مدارس زبان و ادبیات فارسی آموخته می‌شد. آموزش قرآن کریم نیز علاوه بر اهمیت مذهبی، به دلیل دارا بودن اعراب و حرکات، نقش مهمی داشت و کلیدی‌ترین کتاب در مکتب‌خانه‌ها بود. مکتب‌خانه‌ها تا اواخر سده نوزدهم همچنان تنها مراکز آموزشی بود و به دلیل محدودیت امکانات چاپ و نشر، متون درسی به صورت نسخ خطی تهیه می‌شد. از اواخر قرن نوزدهم در پی جریان‌های - به اصطلاح - روشن‌فکری در قفقاز و نفوذ جلوه‌های تمدن غرب، به تدریج مدرسه‌هایی به سبک فرنگی با نام «مدارس اصول جدید» تأسیس شد، اما تا اوایل قرن بیستم مدارس قدیم به حیات خود ادامه می‌داد. با رسمیت یافتن و گسترش مدارس نوین، مکتب‌خانه‌ها به مدارس علوم دینی تبدیل شد. با آغاز این قرن، شیوه‌های آموزش و پرورش تغییر کرد و آخرین نشانه‌های آموزش سنتی برجیده شد. از سال ۱۹۱۷ آموزش بر اساس القبای لاتین آغاز شد و زبان روسی به عنوان زبان دوم، جای فارسی را گرفت. از سال ۱۹۲۵ کنگرهٔ معلمان در باکو برگزار شد تا شیوه‌های دیگری برای آموزش و پرورش برگزینند. از سال ۱۹۲۸ تا آغاز جنگ جهانی دوم، به هیچ کتابی در زمینهٔ آموزش زبان فارسی در مدارس این کشور بر نمی‌خوریم.^۱

پس از این دوره، به تدریج نظام آموزشی مشابهی در تمام کشورهای اتحاد جماهیر شوروی (سابق) ایجاد شد و آموزش برای تمامی افراد در سنّ تحصیل اجباری گردید. در دورهٔ حکومت هفتاد سالهٔ کمونیستی یک نظام آموزشی بسیار

۱. ر.ک. بهرام امیراحمدیان، روابط ایران و جمهوری آذربایجان، ص ۳۱-۳۲ / آران، س ۲.

گسترده ایجاد شد و سطح سوادآموزی از ۸/۱ درصد در سال ۱۹۲۶ به بیش از ۹۹ درصد در سال ۱۹۷۰ افزایش یافت.

آموزش اجباری، عدم توجه به مسائل دینی و ترویج کفر و الحاد، تحریف حقایق تاریخی بخصوص وابستگی‌های این منطقه به ایران، و خشک و غیرمنعطف بودن از ویژگی‌های این نظام آموزشی بود.

ب. نظام آموزش و پرورش جدید

نظام آموزشی در مدارس جمهوری آذربایجان به رغم برخی اصلاحات، همچنان مبتنی بر نظام قدیمی برجای مانده از زمان شوروی (سابق) است. در این مقطع، در جمهوری آذربایجان همانند ۱۵ جمهوری دیگر، این روش آموزش و تحصیل به مدت هفتاد سال به کار برده شده و اکنون نیز با برخی اصلاحات جزئی این روش قدیمی به دو زبان آذری و روسی در این کشور ادامه دارد. طبق این نظام، مدت تحصیل در مدارس ده سال است که دانش‌آموزان چهار سال در مقطع ابتدایی و شش سال در مقطع راهنمایی تحصیل می‌کنند.

تحصیل در جمهوری آذربایجان نیز مانند سایر جمهوری‌های شوروی (سابق) رایگان و اجباری است و افراد در سن هفت سالگی تحصیل را آغاز می‌کنند و برای کودکان شش ساله نیز دورهٔ مقدّماتی غیراجباری یک ساله در مدارس پیش‌بینی شده است. نظام مدیریت تحصیل در گذشته، بر عهدهٔ وزارت تحصیل شوروی (سابق) بود و وزارت تحصیل برابر دستورهای صادرشده فعالیت می‌کرد. معیار سنجش سطح علمی دانش‌آموزان مدارس در اتحادیه جماهیر شوروی (سابق)، از جمله جمهوری آذربایجان از امتیاز دو تا پنج رتبه‌بندی شده بود که این روند در مدارس این کشور همچنان ادامه دارد. امتیاز دو پایین‌ترین سطح امتیاز محصلان محسوب می‌شود و اگر دانش‌آموزی در درسی این امتیاز را کسب کرده باشد موفق به شرکت در امتحانات سالانه نمی‌شود و باید همان دورهٔ تحصیلی را سال آینده تکرار کند.

پس از فروپاشی شوروی (سابق) همین نظام تحصیلی با برخی اصلاحات جزئی در جمهوری آذربایجان ادامه یافت و پیش‌نویس قانون جدید تحصیل برای این کشور همچنان در مجلس ملی جمهوری آذربایجان در دست بررسی است. طبق برخی اصلاحات صورت گرفته، تحصیل در مدارس جمهوری آذربایجان از ده سال به یازده سال افزایش یافته که چهار سال در مقطع ابتدایی و هفت سال نیز در مقطع راهنمایی است. تعداد دانش‌آموزان هر کلاس در دوره‌های ابتدایی یا راهنمایی ۲۵ تا ۳۰ دانش‌آموز دختر و پسر است. معلمان و دبیران مدارس جمهوری آذربایجان فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز تربیت معلم هستند. فارغ‌التحصیلان مراکز تربیت معلم فقط می‌توانند در کلاس‌های دوره ابتدایی تدریس کنند و اجازه تدریس در دوره‌های راهنمایی را ندارند، ولی فارغ‌التحصیلان دانشگاه تربیت معلم می‌توانند در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی مشغول تدریس شوند.

طبق برنامه معمول، شروع کلاس‌ها از ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه صبح خواهد بود و تا ساعت دو بعد از ظهر ادامه می‌یابد و مدت زمان تشکیل هر کلاس درسی ۴۵ دقیقه است. کتب درسی توسط دولت و به صورت رایگان در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد، ولی تأمین دیگر کتب و وسایل کمک آموزشی به عهده دانش‌آموزان است که از بازار آزاد تهیه می‌شود. زمان آغاز سال تحصیلی از جمله اصلاحاتی است که پس از فروپاشی شوروی (سابق) صورت گرفت و طبق دستور وزارت تحصیل این کشور، سال تحصیلی در قالب دو نیم سال، یکی از ۱۵ سپتامبر (۲۴ شهریور) آغاز و تا ۱۵ ژوئن (۲۵ دی)، و پس از ۱۲ روز استراحت، نیم‌سال دوم تا خردادماه ادامه می‌یابد.

تدریس خصوصی دروس، به ویژه دروس فنی و پایه، در منزل صورت می‌گیرد و فعالیت مدارس غیردولتی در نظام تحصیل پس از استقلال این کشور رایج شده است. معلمان مدارس دلیل رواج این شیوه را حقوق پایین خود می‌دانند

که ناگزیرند به تدریس در غیر ساعت‌کاری روی آورند. حقوق متوسط هر معلم در مدارس ۱۵۰ تا ۲۰۰ منات (قریب ۳۰۰ هزار تومان) است. هزینه تحصیل سالانه برای هر دانش‌آموز در مدارس غیردولتی ۵۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار است. دروس فنی از جمله حرفه و فن از سال چهارم تا یازدهم تحصیلی جزو دروس اصلی است و معلمان اختصاصی این دروس نیز طبق معمول، باید فارغ‌التحصیل دانشگاه تربیت معلم باشند. درس حرفه و فن شامل دروس تربیت بدنی، موسیقی، نقاشی، خیاطی، بافتنی‌های دستی، نساجی و اتومبیل‌رانی همراه با آموزش‌های نظری و عملی ارائه می‌شود که آموزش‌های خیاطی و دست‌بافی بیشتر مربوط به دروس حرفه دختران است. طبق آخرین آمارهای وزارت تحصیل جمهوری آذربایجان، اکنون قریب ۱۷۰۰۰۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر زیر نظر ۲۰۰ هزار معلم در بیش از ۴۵۰۰ مدرسه مشغول تحصیل هستند. پس از استقلال جمهوری آذربایجان، نظام آموزشی این کشور از چند جهت دچار تغییر و تحول شده است:

اول. الفبای آن از کریل روسی به لاتین تغییر یافته است. در حالی که انسان‌های معدود اصلاح‌طلب و شیعیان اسلام‌گرا در پی بازگشت به اصل خویش و ترویج الفبای اسلامی بودند، مقامات آذربایجان بدون توجه به تاریخ، فرهنگ، آداب و رسوم، و مصوّت‌های زبان آذری بار دیگر به تغییر الفبا به لاتین رأی دادند و حکومت بعدی نیز بر تصویب قبلی مهر صحت گذاشت.

دوم. تدوین کتب آموزشی و حتی احداث تعداد زیادی از مدارس توسط کشورهای خارجی، بخصوص ترکیه و عربستان، صورت گرفته است. برای نمونه، وزیر آموزش این کشور در گردهمایی خبری هنگام بازگشایی مدارس در سال تحصیلی ۲۰۰۶ اعلام کرد: از زمان شروع احداث ۲۸۸ مدرسه جدید برای ۱۰۲۰۸۹ دانش‌آموز در سال ۲۰۰۶، قریب ۱۴۲ مدرسه بر اساس برنامه‌های دولت و ۹۲ مدرسه توسط بنیاد «حیدر علی‌اف» و ۵ مدرسه توسط صندوق

توسعهٔ عربستان سعودی و ۴۹ مدرسهٔ دیگر نیز توسط سایر منابع، که نامشان به دلایل نامعلوم اعلام نشده است، احداث می‌شود.^۱

سوم. تحریفات حقایق تاریخی همچنان جزو سیاست‌های آموزشی حکومت این کشور قرار دارد.

در کتاب‌های درسی به ویژه کتاب‌های تاریخ، این اندیشهٔ نادرست تبلیغ می‌شود که آذربایجان - به اصطلاح - شمالی و جنوبی تا قبل از تقسیم آن توسط روس‌ها در جنگ‌های ایران و روس یک ملت و یک سرزمین داشته است و ایران و روسیه با همدستی یکدیگر، سرزمین آذربایجان و ملت آذری را دو تکه کرده‌اند. شخصیت‌هایی چون گنجوی، خاقانی، خواجه نصیر، شهریار، ستار خان، خیابانی به صورت مجزا به عنوان شخصیت‌های آذربایجان، و شهرهایی همچون تبریز، اردبیل و زنجان به عنوان شهرهای آذربایجان مورد توجه قرار گرفته است.^۲

چهارم. آموزش‌های دینی در حاشیه قرار گرفته است و به آنها توجهی نمی‌شود. حکومت با ابزارهای گوناگون درصدد از خود بیگانه نمودن مردم است. تأثیر نیروهای سیاسی - اجتماعی و فرهنگی خارجی در این زمینه مشهود است. پنجم. مهم‌تر اینکه محدودیت‌های بسیاری برای حضور دختران محجبه در کلاس‌های درس ایجاد و یا ممنوعیت‌هایی اعمال شده است. تعدادی از دختران به دلیل این محدودیت‌ها از آموزش محروم شده‌اند. اخراج از مدرسه و برخوردهای سیاسی و اجتماعی از عواقب این محدودیت‌ها بوده است.

1. www.azerbaycannews, Sep. 2006.

۲. ر.ک. بهرام امیراحمدیان، روابط ایران و جمهوری آذربایجان، ص ۳۱-۳۲.

جدول (۱۲): تعداد مدارس کشور در طول سال‌های تحصیلی ۲۰۰۱-۲۰۰۸^۱

سال	۲۰۰۱-۲۰۰۲	۲۰۰۲-۲۰۰۳	۲۰۰۳-۲۰۰۴	۲۰۰۴-۲۰۰۵	۲۰۰۵-۲۰۰۶	۲۰۰۶-۲۰۰۷	۲۰۰۷-۲۰۰۸
کل مدارس	۴۵۶۱	۴۵۵۵	۴۵۴۸	۴۵۴۲	۴۵۳۳	۴۵۲۹	۴۵۲۸
روزانه	۴۵۴۲	۴۵۴۸	۴۵۴۳	۴۵۴۲	۴۵۳۳	۴۵۲۹	۴۵۲۸
دولتی	۴۵۴۸	۴۵۳۳	۴۵۲۹	۴۵۲۸	۴۵۲۹	۴۵۲۹	۴۵۲۸
غیر دولتی	—	۹	۱۱	۱۱	۱۲	۱۳	۱۷
غیابی	۱۳	۱۳	۱۲	۹	۹	۹	۷

۱. www.azstat.org, 2003.

جدول (۱۳): جمعیت دانش آموزان و معلمان کشور در طول سال‌های تحصیلی ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸

سال	۲۰۰۳-۲۰۰۴	۲۰۰۴-۲۰۰۵	۲۰۰۵-۲۰۰۶	۲۰۰۶-۲۰۰۷	۲۰۰۷-۲۰۰۸
کل	۱۶۸۹۶۷۶	۱۶۴۴۳۴۱	۱۵۸۶۲۲۲	۱۵۳۷۲۷۳	۱۴۹۰۱۵۲
دانش آموزان					
روزانه	۱۶۸۰۴۲۴	۱۶۳۱۵۶۷	۱۵۸۲۶۲۸	۱۵۳۴۵۸۰	۱۴۸۷۴۷۷
دولتی	۱۶۷۶۱۹	۱۶۲۷۰۵۷	۱۵۷۸۵۷۹	۱۵۲۸۵۳۳	۱۴۸۰۶۳۶
غیر دولتی	۴۲۲۸	۴۵۱۰	۵۰۴۹	۶۰۴۷	۶۸۴۱
غیابی	۹۲۵۲	۲۷۷۴	۲۵۹۴	۲۶۹۳	۲۶۷۵
تعداد معلمان	۱۷۱۷۶۳	۱۷۳۸۱۹	۱۷۵۱۵۴	۱۷۷۹۷۸	۱۷۳۰۱۲
دولتی	۱۷۱۰۸۱	۱۷۳۰۸۸	۱۷۴۲۹۱	۱۷۶۹۸۱	۱۷۱۸۰۷
غیر دولتی	۶۸۲	۷۳۱	۸۶۳	۹۹۷	۱۲۰۵

ج. آموزش عالی

مراکز آموزش عالی به چهار دسته دانشگاه‌های دولتی، مراکز کارآموزی تخصصی، مراکز دولتی، و مؤسسات آموزش عالی خصوصی تقسیم می‌شوند. مراکز آموزش دولتی شامل دانشگاه‌ها، دانشگاه‌های صنعتی، مؤسسات کشاورزی، مؤسسات حقوقی، مؤسسات و مراکز پزشکی، و تربیت معلم است. پذیرش دانشجو در دانشگاه توسط کمیته دولتی کشور در هر زمینه با توجه به وجود دیپلم دبیرستان و قبولی در امتحان ورودی انجام می‌شود. امتیازهای به دست آمده در امتحان ورودی نیز نقش عمده‌ای در پذیرش دانشجویان دارد. تحصیلات رایگان دانشگاهی فقط شامل افرادی می‌شود که حدّ نصاب لازم را در امتحان ورودی دانشگاه کسب نموده باشند. تصمیم‌گیری برای پذیرش دانشجویان خارجی، به عهده مراکز آموزش عالی است. دانشجوی خارجی باید یک سال دوره پیش‌دانشگاهی را بگذرانند که اصولاً بر فراگیری زبان کشور محل تحصیل و دروس عمومی و علمی پیش نیاز تکیه دارد و ملزم به پرداخت شهریه برای تحصیل است.

نظام آموزشی این کشور با معضلات اجتماعی و مشکلات گوناگونی روبه‌روست. بر اساس آمار رسمی قریب ۱۲۰۰۰۰۰ دانش آموز و دانشجو باید در کلاس‌های درس حاضر شوند. اما واقعیات موجود در عرصه آموزش، از تداوم مسائل لاینحل تحصیلی در این جمهوری خبر می‌دهد. دانش‌آموزان و والدین می‌گویند: از تحصیل و آموزش در جمهوری آذربایجان جز پوسته‌ای مندرس باقی نمانده است. شاید بتوان مدارس نیمه‌مخروبه باقی مانده از زمان شوروی (سابق) را با استفاده از بخش ناچیزی از درآمدهای بادآورده نفتی بازسازی و نوسازی کرد. اما دل‌گرمی چندانی به نوسازی حقیقی و محتوایی نظام آموزشی وجود ندارد. حاکمیت فرهنگ رشوه‌خواری و فساد مالی و تملّق و مدّاحی همانند سایر بخش‌های جامعه جمهوری آذربایجان، نظام آموزشی این جمهوری را نیز به

شدت گرفتار کرده است. در این میان، ترویج فرهنگ سرمایه‌سالار غربی طی سال‌های پس از استقلال این جمهوری نیز به طبقاتی شدن افراطی تحصیل در جمهوری آذربایجان منجر شده است. معدود مدرسه‌های مختص طبقه تازه به دوران رسیده پولدار در باکو، که بیش از نیمی از جمعیت دانش‌آموزی و بخش اعظم امکانات اقتصادی را در خود جای داده، ایجاد شده است. در کنار طبقه کوچک پولدار، بخش اعظم مردم قرار دارند که ناچارند به باقی‌مانده‌های نظام آموزشی زمان شوروی (سابق) و مدارس نیمه مخروبه و قدیمی و تاریک و معلمان و مدیران مدارس رشوه‌گیر قناعت کنند. در نظام آموزشی این جمهوری، که بر اساس آموزه‌های به جای مانده از زمان شوروی، دروغ‌پردازی نقش مهمی دارد، جعل و تحریف کتب درسی از نمود زیادی برخوردار است. به ویژه در زمینه علوم انسانی، تاریخ و ادبیات، جعلیات و شعارهای دروغین و گسیختگی از تاریخ حقیقی مردم جمهوری آذربایجان به وضوح مشاهده می‌شود. استوار شدن پایه‌های فکری کودکان بر این جعلیات در مدارس، مشکلات اجتماعی و سیاسی مهمی در پی داشته که موجب شکل‌گیری بحران هویت در این جمهوری شده است. در آغاز سال تحصیلی در دانشگاه‌های جمهوری آذربایجان، چشم‌انداز چندان روشنی پیش‌روی دانشجویان قرار نمی‌گیرد. چندین مرکز آموزش عالی و دانشگاه به دلیل محروم بودن از حداقل معیارهای لازم برای فعالیت آموزشی تعطیل شده است که با اعتراض دسته‌جمعی دانشجویان این دانشگاه‌ها و اعتصاب غذای طولانی مدت شماری از این دانشجویان که طی سال‌های قبل برای گرفتن مدرک تحصیلی پول‌های هنگفتی پرداخته بودند روبه‌رو شد. در آغاز سال تحصیلی جدید نیز گروهی از دانشجویان در حرکتی تحت عنوان تحصیل بدون رشوه شرکت کردند و در این حرکت اوراق تبلیغاتی خاصی در میان دانشجویان توزیع‌گردید که در آنها پرداخت و اخذ رشوه در مراکز آموزشی جمهوری آذربایجان تقبیح شده بود.^۱

1. WWW.azerbaycannews, Sep, 2006.

اصلی‌ترین معضلات نظام آموزشی دانشگاهی این کشور عبارت است از:

- به روز نبودن نظام آموزشی در رشته‌های فنی، تجربی و علوم انسانی؛
- وجود تضاد در میراث نظام آموزشی سوسیالیستی گذشته و تمایل شدید به نظام آموزشی غرب در میان تحصیل‌کردگان دانشگاهی؛
- شیوع رشوه برای اخذ مدارک تحصیلی و مدارج علمی؛
- مشکلات اقتصادی برای نوسازی تجهیزات و ساختمان‌های آموزشی؛
- محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های اجتماعی و سیاسی برای حضور دانشجویان محجّبه کلاس‌های درس؛
- افزایش سال به سال تعداد محرومان از تحصیل و بی‌سواد.

اگرچه سیاست تحصیل اجباری در طول حکومت کمونیست‌ها موجب شده است تا اکثریت قریب به اتفاق مردم باسواد باشند، اما این آموزش پس از استقلال با فراز و نشیب‌هایی ادامه یافته است.

د. فرهنگستان ملی علوم آذربایجان

فرهنگستان ملی علوم آذربایجان از مراکز قدیمی علمی این کشور است که سال ۱۹۴۵ در شهر باکو تأسیس شد. این فرهنگستان دارای پنج بخش است که عبارتند از:

۱. فیزیک و علوم ریاضی و فنی (دانشکده فیزیک، دانشکده مکانیک و ریاضیات، دانشکده فناوری اطلاعات، دانشکده رصدخانه شامخی، و...);
۲. علوم شیمی (دانشکده نفت، دانشکده شیمی آلی و...);
۳. علوم زمین‌شناسی (دانشکده جغرافیا، دانشکده ژئولوژی، دانشکده تاریخ طبیعت (باستان‌شناسی));
۴. علوم بیولوژی (دانشکده کشاورزی، دانشکده فیزیولوژی، دانشکده ژنتیک، دانشکده میکروبیولوژی، و...);
۵. علوم اجتماعی (دانشکده‌های تاریخ، اقتصاد، فلسفه و تحقیقات حقوق سیاسی، شرق‌شناسی، صنایع دستی و معماری، موزه تاریخ آذربایجان، موزه ادبیات نظامی و...).

در سال ۱۹۷۲ در منطقه نخجوان نیز شعبه فرهنگستان علوم آذربایجان ایجاد گردیده است. این فرهنگستان در دو محور تحقیقاتی و علمی فعالیت می‌نماید و در تخصص‌ها و رشته‌های گوناگون نشریاتی منتشر می‌کند.^۱

در ژوئن ۲۰۰۱ آزمونی برای انتخاب سخنگو و اعضای حقیقی برگزار شد. این آزمون در تاریخ این مرکز اهمیت خاصی دارد. در این آزمون، که ۵۰۰ نفر شرکت کرده بودند، ۲۹ نفر برای اخذ تخصص علمی و ۹۱ نفر برای عضویت انتخاب شدند و اعضای آن از ۷۹ نفر به ۱۷۷ نفر افزایش یافت. و بر تعداد جوانان و افراد مستعد فرهنگستان افزوده شد. اکنون محمود کریم‌اف مسئولیت آن را بر عهده دارد. در حال حاضر، مؤسسات این فرهنگستان دارای ۸۸ بخش است که ۶۵ مؤسسه علمی و بقیه مدارس عالی هستند. برای اخذ درجه علمی باید مقاله نوشت و از آن دفاع کرد. برای اخذ درجه، شرایط ذیل لازم است: ابتدا باید برای اخذ کارشناسی دوره پنج ساله را طی کرد. موضوعات گوناگونی تحصیل و تدریس می‌شود و دانشجوی در پایان دوره، از دیدگاه‌های خود دفاع می‌کند. برای اخذ دکترا نیز باید مراحل مزبور طی شود.^۲

بعد از فروپاشی شوروی (سابق) و با افزایش مشکلات اقتصادی، بسیاری از فعالان علمی این کشور راهی کشورهای خارجی شده‌اند. آنچه از فرهنگستان مشهور علوم باقی مانده بیشتر یک نام است و از نظر رتبه‌های علمی جهانی، در سطح پایینی قرار دارد. دانشجویان معترفند که اخذ نمره از استاد و اخذ مدارک و مدارج مناسب، از طریق پرداخت رشوه امکان‌پذیر است و توجه چندانی به نبوغ علمی و فکری و استعداد و توانمندی‌های دانشجویان نمی‌شود.

۱. ر.ک. بهرام امیراحمدیان، روابط ایران و جمهوری آذربایجان، ص ۴۲۵-۴۲۷.

2. www.yenisharq.org, agu.2008.

۳. آموزش علوم دینی

الف. مدارس علوم دینی رسمی

در سال ۱۹۹۴ طبق تفاهم‌نامه‌ای که میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان منعقد شد، قرار شد در چند شهر این کشور مدارس دینی با نظارت حوزه‌های علمیه ایران ایجاد گردد. ساختمان‌های آنها در شهرهای باکو، جلیل‌آباد، گویچای و گنجه ساخته شد و مقدمات لازم برای جذب طلبه فراهم گردید که حکومت این کشور با تأثیر عوامل خارجی و احساس خطر از رشد اسلام‌گرایی، تمام آنها را راکد گذاشت و از گشایش آنها جلوگیری نمود. در حال حاضر، به استثنای مدرسه قصبه «مشت آقا» که نزدیکی باکو قرار دارد، در دیگر مدرسه‌ها، که از چهره‌های ظاهری زیبایی نیز برخوردارند، بسته مانده و به آنها اجازه فعالیت داده نمی‌شود.

در سپتامبر ۲۰۰۲ رحمان علی‌اف رسماً اعلام نمود که از سی مدرسه موجود در کشور، ۲۲ مدرسه به صورت موقت بسته شده است. این مدارس در روستاهای آبشرون و شهرهای زاکاتالا، بالاکن، آغداش، لنکران، شاماخی و آغسو فعالیت می‌نمودند. وی در مصاحبه خود، دلیل بسته شدن این مدارس و اجازه ندادن به فعالیت آنان را هماهنگ نبودن فعالیت آنها با قانون آذربایجان اعلام داشت.^۱

مدارس نارداران، گویچای، جلیل‌آباد و ماسالی با وجود اینکه مجوز فعالیت داشتند و مدارس روستای علی‌بابای شهر زاکاتالا، و شهرهای آغداش و شکی نیز زیر نظر نهادهای دولتی و نظارتی فعالیت می‌کنند، به استثنای مدرسه باکو که اکنون فعالیت نمی‌کند. مدرسه سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو و مدرسه

1. Aref Yonesov, *Azrbaijada Islam*.

احداث شده از سوی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در شهر جلیل آباد با توجه به عدم اخذ مجوز، متأسفانه تاکنون تعطیل است.

این در حالی است که به مدارس سنی مذهب به راحتی مجوز فعالیت داده شده و در چندین مدرسه مسلمانان سنی مذهب در حال تدریس علوم دینی هستند. ۴ مدرسه «خسرو» (آغداش)، «علی بابا» (زاکاتالا)، «حافظین اسلام» (شکی) و مدرسه اسلامی «شبشم»، که از سال ۲۰۰۴ از طرف اداره روحانیان قفقاز برای تحصیل زنان مسلمان فعالیت خود را شروع کردند همچنان فعالیت دارند. در شهر لنکران، مدرسه «عباسیه اسلام» نیز به صورت غیررسمی فعالیت دارد. مدرسه اسلامی شهر شکی: این مدرسه از سوی مرکز «یاری جوانان» در حیاط مسجد «جمعه» شهر شکی ایجاد شده است. این مرکز محل استراحت یکصد نفر از دانشجویانی است که در این مدرسه مشغول تحصیل هستند، همچنین آموزش دانشجویان مشغول در دانشکده ملی اخلاق و اسلام‌شناسی جمهوری آذربایجان را برعهده دارد. این مدرسه تحت نظر وزارت تحصیل و علوم قرار دارد و هیچ دخالتی از سوی این مرکز در زمینه تعلیم و تربیت دانشجویان آن صورت نمی‌گیرد.

پنجاه تن از دانش‌آموزانی که در مدرسه اختصاصی «حافظان قرآن» شهر شکی تحصیل می‌کنند در این شهر ساکن هستند. در این مدرسه، در مجموع شصت طلبه مشغول تحصیل هستند. تأمین محل خواب و خوراک آنها بر عهده مدرسه است، ولی سایر وسایلشان را والدین آنها تأمین می‌کنند. قریب ۵۰ درصد دانش‌آموزان این مدرسه در مدارس عمومی دولتی نیز درس می‌خوانند. مدرسه اسلامی علی‌آباد (شهر زاکاتالا): در این مدرسه هشتاد نفر طلبه مشغول تحصیل هستند. آنها از شهرهای گوناگون جمهوری آذربایجان در این مدرسه گرد آمده‌اند. تأمین محل استراحت و غذای آنها بر عهده مدرسه است. این طلبه‌ها هفته‌ای یک بار به منازل خود می‌روند.

مدرسه اسلامی خسرو (آغداش): شهر آغداش در نزدیکی راه باکو قرار دارد. این مدرسه دارای ساختمانی چهار طبقه برای کلاس‌ها و دو طبقه برای خوابگاه، ساختمان اداری، مسجد و محل پخت و پز است که با کمک‌های مرکز «یاری جوانان» احداث شده. در این مدرسه، ۲۳۶ طلبه به تحصیل اشتغال دارند. تا امروز این مدرسه ۱۵۴ فارغ‌التحصیل داشته است. در این مدارس، دانش‌آموزانی که مقاطع درسی ۹ و ۱۱ را به اتمام می‌رسانند، درس‌های دینی را فرامی‌گیرند.

مدرسه اسلامی شبیم: این مدرسه بر اساس فرمان شماره ۳۴۷ مورخ ۱۹ مه ۲۰۰۰ اداره مسلمانان قفقاز تأسیس شده و در تاریخ ۳ ژوئن ۲۰۰۳ با فرمان شماره ۱۹۰ کمیته دولتی و کاری گروه‌های دینی، مجوز لازم را کسب کرده است. این مدرسه، که برای تحصیل علوم دینی زنان و دختران مسلمان آذربایجانی تأسیس شده، برای تمامی دختران جمهوری آذربایجان و آذری‌های گرجستان، که مقطع متوسطه عمومی را گذرانده‌اند، آزمون ورودی برگزار می‌کند. دانش‌آموزان با قبولی در این آزمون، در مدرسه ثبت‌نام می‌کنند. در حال حاضر، در این مدرسه قریب ۱۲۰ طلبه در حال تحصیل هستند.^۱

ب. مراکز رسمی تحصیل دینی در دانشگاه‌ها

در حال حاضر، مراکز اصلی و رسمی تحصیل و تدریس علوم دینی در آذربایجان، دانشگاه اسلامی باکو و دانشکده الهیات دانشگاه باکو، و دانشگاه اسلامی سومقائیت است.^۲ امروزه در آذربایجان، یکی از مراکز اصلی تحصیلات دینی و تربیت روحانی، مرکز رسمی BIU (دانشگاه اسلامی باکو) است که در سال ۱۹۸۹ در مجاور اداره مسلمانان قفقاز تأمین شده و در سال ۱۹۹۴ با اخذ مجوز از دانشگاه

1. See. *Azərbaycan İslam Madaniyat Abidələri*, p. 135-138.

۲. پژوهش، «آذربایجان و بایسته‌ها»، ش ۶، س ۲، ۱۳۸۶، ص ۳۸.

DQIDK توانست ۵۳۹ نفر استاد تربیت کند که ۴۵۰ نفر آنان دارای تحصیلات عالی بودند و چهار نفر از آنان نیز تغییر رشته داده بودند.^۱ در این دانشگاه، برای اجرای آیین‌های رسمی اسلام برنامه‌هایی برپا می‌شود. شعبه‌های دیگر این دانشگاه در شهرهای سومقائیت، مینگه چویر و زاکاتالا فعالیت می‌کنند.

دانشگاه اسلامی باکو: دانشکده الهیات دانشگاه دولتی باکو (BDU) در سال ۱۹۹۲ توسط کشور ترکیه ایجاد شد و می‌توان گفت: ایجاد و افتتاح این دانشکده در روابط میان ترکیه و آذربایجان نقش اساسی داشت؛ زیرا افتتاح این دانشگاه از سوی کشور ترکیه، آن هم در اولین سال‌های استقلال آذربایجان موجب رشد اعتقادات دینی مردم آذربایجان و کمک بزرگی برای ایجاد دین در آذربایجان توسط ترکیه به شمار می‌رفت. تا امروز این دانشکده قریب ۲۵۰ نفر دانشجوی عضو داشته است. دانشگاه اسلامی باکو در سال ۱۹۹۱ ایجاد شده بود. در حال حاضر، شعبه‌های این دانشگاه در شهرهای سومقائیت، زاکاتالا و مینگه چویر فعال است و مرکز دینی آن نیز در کنار اداره مسلمانان قفقاز قرار دارد. تاکنون دانشگاه اسلامی باکو ۶۸۰ دانشجوی تربیت کرده است.

دانشگاه اسلامی شعبه زاکاتالا: در این دانشکده ۱۲۸ دانشجو تحصیل می‌کنند. ۲۷ تا ۲۸ درصد آنان از شهر زاکاتالا و روستاهای اطراف آن و مابقی دانشجویان به دلیل اینکه از دیگر شهرهای جمهوری آذربایجان هستند، هفته‌ای یک بار به منازل خود می‌روند. برنامه درسی این شعبه از سوی کمیته دولتی و کارگروه‌های دینی در سال ۲۰۰۳ طرح و تصویب شده است.

دانشگاه اسلامی شعبه مینگه چویر: در تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۹۷ با فرمان شماره ۶۵ اداره مسلمانان قفقاز، این دانشگاه شروع به فعالیت کرد و در مدرسه اسلامی شهر جای گرفت. در تمام دوره‌ها ۸۰ نفر دانشجو درس می‌خوانند.^۲

1. *Azərbaycanda İslam*, p. 205.

2. *Azərbaycan İslam Madaniyyəti Abidələri*, Samad Bayramzadə,

ع. محدودیت حضور بانوان محجّبه در مدارس و دانشگاه‌ها

قریب ده سال است که ممانعت از حجاب اسلامی موجب آزار و اذیت زنان باایمان این کشور شده است. هیچ‌یک از مراجع قانونی کشور، بخصوص وزارت امور داخلی، چنین قانونی را وضع نکرده‌اند که زنان برای دریافت گذرنامه، شناسنامه و یا هر نوع سند معتبر و قانونی باید بدون روسری باشند و بدون حجاب عکس بگیرند. امام حکام این کشور با اقدامات هماهنگ و تحت‌تأثیر نیروهای بیگانه و بدون توجه به قوانین کشور و فقط با این توجیه که جمهوری آذربایجان کشوری لائیک است اقدام به برخورد و ایجاد محدودیت برای بانوان محجبه می‌کنند. حتی در دوران حکومت شوروی (سابق) نیز این قانون وجود نداشت و زنان مسلمان می‌توانستند با روسری و حجاب عکس بگیرند و شناسنامه و گذرنامه بگیرند. اما وجود این محدودیت در ده سال اخیر موجب شده است گروه‌ها و بعضی از تشکّل‌های اسلامی و برخی تشکّل‌های دفاع از حقوق بشر برای اعاده حقوق زنان مسلمان دست به اعتراض‌ها و تظاهرات بزنند و در این راه گام‌های خوبی بردارند. مرکز «دفاع از آزادی اعتقادات» (DEVAMM) اقدامات گسترده‌ای کرده است و این مسئله چنان حسّاس شده بود که حتی در تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۳ نامزدهای انتخاباتی در خصوص حل این مسئله در تلویزیون نیز سخنرانی کردند و *الهام علی‌اف* رئیس‌جمهور، نیز بررسی و حل این مسئله را در زمان تبلیغات ریاست جمهوری وعده داده بود. در کلاس‌های درس دانشگاه‌ها و بعضی از ادارات دولتی زنان مسلمان را مجبور می‌کنند بدون حجاب و روسری حاضر شوند. موانعی بر سر راه حضور در فعالیت‌های اجتماعی ایجاد شده و آنها نمی‌توانند در بعضی از ادارات و مراکز علمی حضور یابند. آنها زنان مسلمان محجّبه را مجبور به برداشتن حجاب از

سرشان می‌کنند. عدم اجازه کار و اشتغال زنان محجبه در این مؤسسات موجب بروز مشکلات و موانع قانونی شده و افزایش زنان محجبه در میان زنان آذربایجانی و عدم پذیرش آنان برای اشتغال و فعالیت در بعضی از مؤسسات و نهادها معضلاتی ایجاد کرده است.

حکومت در ماه می ۲۰۰۷ تلاش کرد تا در قالب لایحه‌ای، داشتن حجاب در مؤسسات علمی و دانشگاه‌ها را ممنوع اعلام کند، اما اعتراض‌های اسلام‌گرایان و جمعیت‌های روشن‌فکر موجب از دستور خارج شدن این لایحه شد. اکنون مشکل حل نشده و هر روز اخباری در محدودیت حضور بانوان محجبه در این کشور منتشر می‌شود.^۱ اگرچه به دلیل مخالفت‌های مؤمنان و روحانیت شیعه حکومت نتوانست در قوانین این کشور ممنوعیت حجاب را به تصویب برساند، اما تبلیغات منفی رسانه‌ای و محدودیت‌های مدیران دانشگاه‌ها و مدارس و ادارات دولتی موجب شده است تا زنان باایمان این کشور نتوانند آزادانه حجاب اختیار کنند.

۵. وضعیت گروه‌های شیعی اسلام‌گرا در مدیریت مدارس و دانشگاه‌ها

در چند سال گذشته، به دلیل خلأهای موجود در منابع دینی، نیروهای متخصص و کارشناس و آگاه به علوم اسلامی شیعه و زمینه‌های مساعد نسبی، اسلام‌گرایان توانسته‌اند در بعضی از مراکز آموزش دینی کرسی‌های علم و معارف را برای تربیت دانشجویان و تدریس در این مراکز به دست بیاورند که تدریس در دانشگاه‌های اسلامی باکو، سومقائیت و مینگه چویر از آن جمله است. در بعضی از دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی نیز شاهد حضور اسلام‌گرایانی هستیم که ضمن تدریس، اقدام به برپایی همایش‌هایی با عناوین اسلامی شیعی می‌کنند که یکی از آنها برگزاری همایش «وحدت اسلامی» در دانشگاه باکو در سالروز ولادت پیامبر

1. Ekspress Gazeti, Baku: 16 sep. 2008.

اکرم سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سال ۲۰۰۹ بود که با استقبال دانشجویان و استادان مواجه شد. اما از نظر مدیریتی همچون سایر مراکز قدرت، حکومت اجازه تصدی مدیریت دانشگاه‌ها را به اسلام‌گرایان نمی‌دهد. یکی از دلایلی که حکومت نتوانسته است به صورت رسمی و الزامی از حضور بانوان محجبه در دانشگاه‌ها ممانعت کند، حضور این افراد است.

حضور شیعیان اسلام‌گرا در مدارس این کشور محسوس است. معلمان با دغدغه‌های دینی اقدام به آموزش دانش‌آموزان می‌کنند. در بعضی از مدارس نمازخانه‌هایی ایجاد شده است و مدیران نیز از آنها استقبال می‌کنند. به دلیل گرایش‌های اسلامی روبه رشد، والدین دانش‌آموزان از این‌گونه اقدامات خرسند هستند. حضور معلمان با حجاب در بعضی از مدارس موجب اعتراض برخی از عناصر لاییک شده است، اما به دلیل گستردگی این امر، امکان ممانعت وجود ندارد. این گستردگی در مناطق جنوب و گنجه و قبا محسوس‌تر است.

به دلیل همین گرایش‌ها حکومت نیز درصدد است تا از ورود معلمان و دانش‌آموزان و دانشجویان با حجاب به مدارس و دانشگاه‌ها جلوگیری کند که این موضوع چالش‌های بسیاری را با گروه‌های شیعه اسلام‌گرا به وجود آورده است. از سوی دیگر، مصیر مردان‌اف، وزیر آموزش و پرورش، تدریس علوم و معارف دینی را به عنوان موضوع درسی جداگانه در مدارس این کشور منتفی دانست و اعلام کرد: علوم دینی در قالب موضوعات درسی عمومی و علمی گنجانده و تدریس خواهد شد.^۱

گروه‌های اسلامی شیعه تلاش می‌کنند با برگزاری همایش‌های گوناگون ضرورت تدریس مبانی دین اسلام در مدارس جمهوری آذربایجان را تبیین کنند

۱. ایستا (خبرگزاری دانشجویان)، ۲۵ شهریور ۱۳۸۶ / خبرگزاری آران، ۲۵ شهریور ۱۳۸۶ / خبرگزاری ترند، ۲۵ شهریور ۱۳۸۶.

که نمونه آن همایش «ضرورت تدریس مبانی دینی در مدارس» بود. شرکت‌کنندگان این همایش بر ضرورت تدریس گسترده مبانی دین اسلام در مدارس این کشور تأکید کردند. الشن مصطفی‌اف، رئیس جمعیت «دعوت به صفای معنوی»، تدریس نشدن مبانی دین اسلام در مدارس این کشور را نقص اصلی وزارت آموزش و پرورش دانست که تأثیرهای منفی بر درک و هویت اصلی مردم می‌گذارد و موجب سوءاستفاده برخی از مبلغان دینی از خلأ موجود می‌شود. پرویز آقلاراف، رئیس تشکل «توسعه معاصر»، توجه دولت را به این مسئله ضروری اعلام کرد. عارف مراداف، مسئول امور مدارس وزارت تحصیل جمهوری آذربایجان، ضمن تبیین ضرورت این کار افزود: دانش‌آموزان بدون کسب اطلاعات درباره دین اسلام، قادر به شناخت ارزش‌های معنوی خود نیستند و آشنا نبودن دانش‌آموزان با دین، موجب ناشناخته ماندن شخصیت‌های فرهنگی و ادبی، از جمله شاعران مشهوری مانند نظامی گنجوی و فضولی می‌شود. گوندوز اسماعیل‌اف، نماینده شعبه دولتی امور تشکل‌های دینی نیز خلأ بزرگ تدریس دین اسلام در مدارس این کشور را یادآور شد.^۱

۱. ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران)، ۲۷ شهریور ۱۳۸۶ / خبرگزاری آران، ۲۷

فصل هفتم

فرهنگ

۱. ادبیات و زبان

الف. زبان

زبان رسمی مردم جمهوری آذربایجان آذری است. گویش بیشتر مردم آذری است، اگرچه نمی‌توان از منسوخ شدن سایر گویش‌ها در این کشور سخن به میان آورد. گویش‌های تالشی، تات، یهودی، و روسی نیز متداول است.

زبان مردم این منطقه به دلایل تاریخی، دینی و فرهنگی قرابت نزدیکی با زبان مردم استان‌های ایرانی همجوار این کشور، یعنی اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی دارد که انباشته از لغات عربی و فارسی است و در طول دو سده گذشته، لغات پرشماری نیز از زبان روسی وارد آن شده است. زبان مردم این منطقه در گذشته یکی از لهجه‌های کهن ایرانی، یعنی آرانی بود.

پس از ورود اسلام و پذیرش الفبای اسلامی، الفبای عربی با برخی تغییرات، کتابت اصلی مردم شد و به صورت رسمی این الفبا در ادارات، مدارس، مکتب‌خانه‌ها و مقاله‌نامه‌ها رواج پیدا کرد و شاعران سرآمدی همچون نظامی گنجوی، خاقانی و شروانی ظهور پیدا کردند و آموزش قرآن، متون تاریخی، گلستان، بوستان، بهارستان و خمسه نظامی از کتاب‌های درسی بود. در پی جریان‌های روشن‌فکری قرن نوزدهم و سپس حکومت کمونیست‌ها، شیوه‌های آموزش و پرورش تغییر کرد و نشانه‌های آموزش سنتی برچیده شد و از سال ۱۹۱۷ آموزش بر اساس الفبای لاتین و سپس الفبای «کریل» بوده است.^۱

۱. ر.ک. علی‌اصغر شعر دوست، گسترش شعر فارسی در جمهوری آذربایجان، ص ۴.

ب. تحولات زبان نوشتاری

با وجود تغییرات گوناگون در ادبیات نوشتاری و نظام آموزشی این منطقه، تا زمان حاکمیت کمونیست‌ها تحولات اساسی قابل توجهی رخ نداد و با وجود جدایی از ایران، الفبا تغییر نکرده بود. زمزمه‌های تغییر الفبا از سال ۱۹۱۸ و در زمان حکومت مساوات‌طلب‌ها در آذربایجان و حکومت دو ساله آنها در این منطقه از سوی غرب‌گرایان و - به اصطلاح - روشن‌فکرانی همچون آخوندزاده و میرزاملکم خان ارمنی مطرح شد، اما تحقق نیافت. میزا ملکم خان در نامه‌ای به آخوندزاده نوشت: الفبای کنونی را باید با شیوه‌ای زیرکانه و به تدریج تغییر دهیم. بی‌ثباتی سیاسی اصلی‌ترین دلیل در عدم اقدام عملی مساوات‌طلب‌ها در تغییر الفبا بود.^۱ از سال ۱۹۲۰ به بعد، مجدداً زمزمه‌های تغییر الفبا پدیدار گشت. تغییر الفبا از عربی به روسی، به دنبال سیاست دولت مرکزی روس در روسی کردن تمامی ملل اتحاد جماهیر شوروی (سابق) صورت گرفت. با سقوط مساوات‌طلب‌ها و حاکمیت کمونیست‌ها، به تدریج تبلیغ الفبای لاتین رایج شد. از سال ۱۹۹۲ الفبای لاتین رسمیت یافت. با تصویب طرح تغییر الفبا، نین گفته بود: این حادثه (تغییر الفبا) از انقلاب اکتبر (انقلاب روسیه) مهم‌تر بود. اگرچه گزینش الفبای «کریل» نیت اساسی آنها بود، ولی با این تغییر، آنها یک گام بزرگ به اهداف خود نزدیک‌تر شدند. اجرای این طرح با تدابیر شدید امنیتی انجام شد و بسیاری از ترس دم فرو بستند و آنها هم که گنجینه‌هایی از کتب خطی و چاپی با الفبای اسلامی داشتند، آنها را به موزه‌های مسکو، تاشکند و لنینگراد انتقال دادند.^۲ به دلیل مشکلات صوتی زبان ترکی آذربایجانی، در سال ۱۹۲۸ تغییراتی در الفبای لاتین به وجود آمد. در سال ۱۹۳۹ دستور جای‌گزینی الفبای کریل به جای

۱. اصغر فردی، فتنه الفبا، ص ۶۰.

۲. همان، ص ۶۱.

القبای لاتین صادر و بی‌هیچ مقاومتی الفبای کریل جایگزین شد. این در حالی است که فشارها و تضییقات در سایر جمهوری‌های مسلمان‌نشین سنی‌مذهب به اندازهٔ آذربایجان شیعه‌نشین نبود.^۱

کمسیون ویژهٔ خط کریل تشکیل یافت و جمع‌آوری و سوزاندن کتاب‌هایی که به خط اسلامی نوشته شده بود و مجازات مخالفان در دستور قرار گرفت. کمیتهٔ ویژهٔ آذربایجان با الفبای اسلامی، حتی به یک کلمه اجازهٔ چاپ نمی‌دادند. الفبای اسلامی الفبای «کهنه» نامیده شد. خط اسلامی را، که از راست به چپ نوشته می‌شد، خط «برعکس» نامیدند.^۲

پس از استقلال جمهوری آذربایجان از ترکیب شوروی (سابق)، بار دیگر زمزمهٔ تغییر الفبا قوت گرفت و در حالی که انسان‌های معدود اصلاح‌طلب و شیعیان اسلام‌گرا در پی بازگشت به اصل خویش و برپایی الفبای اسلامی بودند، ولی ندای این منادیان ره به جایی نبرد و مقامات آذربایجان بدون توجه به تاریخ، فرهنگ، آداب و رسوم، مصوّت‌های زبان آذری و ... بار دیگر به تغییر الفبا به لاتین رأی دادند و حکومت بعدی نیز بر تصویب قبلی مهر صحت گذاشت. اسلام‌گرایان این منطقه معتقدند: مردم جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۲۲ دچار بی‌سوادی و در سال ۱۹۲۸ سردرگمی شدند. در سال ۱۹۳۹ بار دیگر بی‌سوادی عمومی گریبانگیر اهالی آذربایجان گردید و در سال ۱۹۵۸ دوباره سردرگمی و بلا تکلیفی دیگری بر مردم تحمیل شد. پس از استقلال نیز این گرفتاری‌ها و سردرگمی‌ها و بی‌سوادی‌ها تکرار شده است.

۱. اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ص ۱۵۰.

۲. فتنهٔ الفبا، ص ۶۳-۶۴.

جدول (۱۰): تغییرات مستمر الفبا

الفبای عربی	تا سال ۱۹۲۲
خط لاتین - اولین الفبا	۱۹۲۶-۱۹۲۲
خط لاتین - دومین الفبا	۱۹۲۸-۱۹۲۶
خط لاتین - سومین الفبا	۱۹۳۹-۱۹۲۸
خط کریل - اولین الفبا	ماه می ۱۹۳۹
خط کریل - دومین الفبا	ماه اوت ۱۹۳۹
خط کریل - سومین الفبا	۱۹۵۸-۱۹۴۰
خط لاتین - چهارمین الفبا	۱۹۵۸-۱۹۵۱
خط کریل - پنجمین الفبا	۱۹۵۸

زیان‌های تغییر الفبا: تغییر الفبا نسل‌های حاضر و آینده را از دریای بیکران معنوی و مادی گذشته اصیل اسلامی خود جدا می‌کند و مردم را از خود بیگانه می‌سازد. در ذیل، به چند زیان و عاقبت سوئی که تغییر الفبا می‌تواند به همراه داشته باشد، اشاره می‌کنیم:

۱- بریدگی و جدایی از فرهنگ اصیل اسلامی و آثار دینی، تاریخی و ادبی: مردم آذربایجان مسلمان هستند و وابستگی عمیقی با گذشته تاریخی خود دارند و بدون مراجعه به آثار تاریخی، امکان حیات معنوی نخواهند داشت. کدام مسلمان می‌تواند ادعا کند که از تعالیم قرآن کریم، احادیث حضرت رسول و ائمه اطهار علیهم‌السلام و سنت آنان بی‌نیاز است؟ مگر جز این است که اجتهاد رمز پاسخ‌گویی به سؤالات گوناگون نسل‌های گذشته، حال و آینده بشری است؟ فقه و اصول شیعه دریای بیکران اصول زندگی، حکومت و اقتصاد مسلمانان و تمامی مردمان است و آیا با تغییر الفبا، از این همه آثار عمیق و اقیانوس علوم دینی و تعلیمات اسلامی بریده نخواهیم شد و از فرهنگ و تاریخ خود بیگانه نخواهیم گردید؟ ادبیات اسلامی با الفبای عربی تنها ادبیاتی است که ویژگی‌های خاص خود را

دارد. به عنوان نمونه، «تذهیب» صرفاً مخصوص الفبای عربی است و در سایر الفباها معنا پیدا نمی‌کند. خوش‌نویسی ادبیات اسلامی اعجاب همه انسان‌ها را برمی‌انگیزد. همین افراد هم که الفبای لاتین را به عنوان پیشرفته‌ترین الفبا مطرح می‌کنند، گاهی برای خرید یک نسخه خطی الفبای عربی میلیون‌ها دلار خرج می‌کنند! فقط در زمینه خوش‌نویسی پنجاه مکتب در ادبیات اسلامی وجود دارد که صرف نگاه به این آثار خوش‌نویسی آرامش درونی برای بیننده ایجاد می‌کند. آیا با از دست دادن این همه ذوق هنری از گذشته افتخارآمیز خود، که سالیانی دنیا را با علوم و ادبیات خود تسخیر کرده بود، بیگانه نخواهیم شد و آن همه افتخارات را از دست خواهیم داد؟

۴. **بیگانگی از زبان عربی؛ زبان وحدت اسلامی:** الفبای اسلامی با وجود زبان‌های گوناگون، در میان کشورهای مسلمان یکی از ابزارهای مهم وحدت مسلمانان به شمار می‌رود. با این الفبا، مسلمانان همدیگر را خوب درک می‌کنند، ضمن اینکه لغات مشترک اسلامی بسیاری میان مسلمانان وجود دارد که مکرر در مکالمات روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرد. بیشتر مسلمانان آیات پرشماری را حفظ کرده‌اند و قریب به اتفاق آنها کلمات نماز را مشترکاً ادا می‌کنند. در این زمینه، الفبای اسلامی به عنوان رمز وحدت، مسلمانان را به همدیگر پیوند می‌دهد. با تغییر الفبا، از جمعیت بیش از یک میلیارد نفری مسلمانان که بیشترشان الفبای عربی را پذیرفته‌اند، بیگانه خواهیم شد و از آنها جدا خواهیم افتاد.

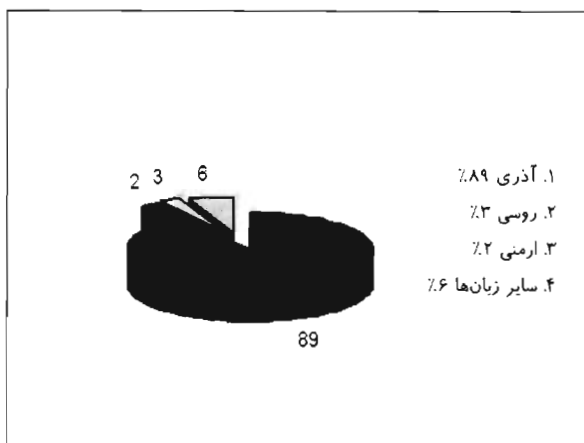
ج. محفوظ ماندن الفبای عربی در آثار تاریخی

با وجود اینکه پس از حاکمیت کمونیست‌ها تلاش‌های فراوانی برای تخریب و به فراموشی گذاشتن الفبای عربی صورت گرفته، ولی تمامی آنها از بین نرفته است و آثار اسلامی بسیاری در مساجد، زیارتگاه‌ها، قبور گذشتگان، بناها و سنگ‌نوشته‌ها وجود دارد که حاکمیت کتابت با الفبای عربی را در این خطه مسلمان‌پرور به اثبات می‌رساند.

در ده‌ها زیارتگاه و مقبره، از جمله زیارتگاه «سید جمال‌الدین»، مقبره «حضرت جرجیس»، قبر «بابا کوهی»، مسجد «جمعه»، قبور «میر اشرف»، «پیر حسین»، «بابا ثابت»، «میر باقر» در ماسالی، اشعار و نوشته‌های نقش بسته بر روی سنگ‌ها در قوبستان، کتابت‌های بسیار در قلعه‌های مقابل جزیره آبشرون و مکالمه زبان فارسی توسط پیرمردان و پیرزنان این شهر، زیارتگاه‌های مشهور «بی‌بی هیبت» و قدمگاه حضرت علی علیه السلام در باکو و قصبات اطراف این شهر، مساجد شهرهای شیروان، شاماخی، اسماعیلی، عبادت‌خانه‌های اطراف شهر قبله، که مقبره افرادی چون شیخ منصور، مولانا ابوبکر، شیخ بارک، شیخ بدرالدین، شیخ شمس‌الدین و... در آنها جای گرفته‌اند، مساجد و مزار علمایی چون شیخ یونس در زاکاتالا، زیارتگاه شاهزاده ابراهیم پسر امام محمدباقر علیه السلام و مساجد شاه عباس و مساجد هفت محله شهر تاریخی و مهم گنجه و مزار نظامی گنجوی، مقبره شیخ جنید فرزند شیخ حیدر در قُصار، قبر میر فتحعلی در قبا، مزار ۶۶ مؤمن با شهرت «۶۶ اولیا»، مزار پیر واحد و شیخ مزید خاکاماز، مساجد شهر تاریخی شوشا، آثار تاریخی و مساجد در نخجوان آمیخته با فرهنگ ایرانی و کتابت‌های بسیار و نامحدود با الفبای عربی و اسلامی می‌باشد.^۱

این کتابت‌ها و نقوش حکاکی شده بر روی سنگ‌ها و گچ‌کاری‌ها با وجود تلاش کمونیست‌ها هنوز پابرجا هستند و در انتظار مرمت و بازسازی‌اند.

نمودار (۲): درصد گرایش‌های زبانی در آذربایجان



د. نام‌گذاری‌ها

نام‌گذاری مردم و تازه متولدگان جمهوری آذربایجان بر اساس فرهنگ ملی و اسلامی صورت می‌گیرد. طبق آخرین آمار منتشر شده توسط کمیته آمار دولتی جمهوری آذربایجان اسامی مقدّس «محمّد»، «علی» و «فاطمه» جزو محبوب‌ترین نام‌هایی هستند که والدین آذری‌ها برای فرزندان خود برمی‌گزینند. در این گزارش آمده است: در سال میلادی ۲۰۰۷ قریب ۱۵۲ هزار کودک در مناطق گوناگون این کشور به دنیا آمده‌اند که ۵۴ درصد آنها پسر و ۴۶ درصد دختر بوده‌اند. در میان نام‌هایی که برای پسران انتخاب شده، اسامی محمّد، علی، مراد، و فرید و اسامی فاطمه، فدان، نسرین و آیتاج برای دختران محبوب‌ترین نام‌هایی بوده‌اند که ثبت شده‌اند.^۱ تعدادی از مادران آذربایجانی استفاده از اسامی بزرگان دین را برای فرزندان خود افتخاری بزرگ دانسته و گفته‌اند: ما با این نام‌گذاری‌ها یاد بزرگان دین و مذهبمان را در میان خانواده‌ها زنده نگه می‌داریم.^۲

۱. مرکز آمار جمهوری آذربایجان، ۶ بهمن ۱۳۸۶.

۲. خبرگزاری آران، ۶ بهمن ۱۳۸۶.

هـ شعر و شاعری

جمهوری آذربایجان از گذشته‌های دور تاکنون سرزمین هنر، شعر و موسیقی بوده و در این زمینه، شاعران بزرگی را تقدیم تاریخ نموده است و اگرچه با نیرنگ و زورگویی سران تزار در قرن هجدهم میلادی از سرزمین اصلی خود، یعنی ایران جدا گشته، اما در گذشته علما و شاعران بسیاری در این خطه وجود داشته که روزگاری تحت حاکمیت ایران بوده و بسیاری از آنان اشعار فارسی و حتی عربی سروده‌اند.

بررسی‌های علمی و تاریخی نشان می‌دهد که دانشمندان و شعرای آذربایجان، قبل از الحاق به روسیه اکثراً شعر فارسی نیز می‌سروده‌اند؛ چراکه ایرانی و مسلمان بوده‌اند. پارسی‌سرایان شمال رود ارس در قلمرو کنونی جمهوری آذربایجان ۱۷۱ نفر بودند که ۱۶ نفر در اردوباد، ۶ نفر در باکو، ۱ نفر در برده، ۶ نفر در بیلقان، ۴۷ نفر در شروان، ۵۹ نفر در قره باغ، ۳۶ نفر در گنجه و ۴ نفر در نخجوان می‌زیستند. شعرای همچون نسیمی و فضولی به سه زبان فارسی، ترکی و عربی تسلط کامل داشتند و به هر سه زبان شعر سروده‌اند.^۱

نظامی گنجوی، خورشید بانو و دیگر پارسی‌سرایان شیروان و گنجه و نخجوان و ده‌ها شاعر متفکر شمال رود ارس برای ایرانیان میراث گران‌بهایی هستند که در قلمرو حوزه تمدن ایرانی بر جای مانده‌اند. اینها ستارگان درخشان علم و ادب این منطقه‌اند که به تمام بشریت تعلّق دارند. در ذیل، نام تعدادی از مشهورترین آنها ذکر می‌شود:^۲

۱. محمدعلی تربیت، دانشمندان آذربایجان، ص ۵۴۸-۵۵۱.

۲. آران، س ۵، ش ۱۳ و ۱۴، «شعرای آذربایجان».

۱- **نظامی گنجوی:** ابو محمد الیاس بن یوسف گنجه‌ای (حکیم یوسف بن مؤید نظامی گنجوی) از حکما و بزرگان علوم عقلی و معارف فلسفی بود که افکارش در قالب شعر در پنج گنج مخزن الاسرار، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، هفت پیکر، و اسکندرنامه و دیوان اشعار شامل غزلیات، قصاید، قطعات و رباعیات انعکاس یافته است. نظامی از معروف‌ترین و فصیح‌ترین شعرای فارسی زبان بود که از اصول حکمت و عرفان مطلع بود و عملاً طریق زهد و عرفان می‌پیمود. وی در بخش دوم اسکندرنامه، افکار افلاطون، ارسطو، سقراط و ارشمیدس را به صورت منظم مطرح نموده است که ژرفای فکری وی را نشان می‌دهد. وصف حضرت رسول ﷺ و حکمت و فلسفه از دیگر ویژگی‌های شعر وی است. در اواسط زندگی، نظم مثنوی را آغاز کرد و بیش از ۴۵ سال مشغول نظم پنج مثنوی معروف خود بود که پس از مرگ وی، آن را در چند مجلد به نام **خمسه** و یا **پنج گنج** منتشر کردند. اشعار او را قریب ۳۱۶۰۰ بیت دانسته‌اند.

۲- **شعرای شروانی:** منطقه شروان از مناطق کوهستانی و سرسبز جمهوری آذربایجان است که مردمان ادیب، نجیب و مهمان‌دوستی دارد و شعرای فراوانی پرورش داده است. سید حسین واعظ شروانی، شیخ عارف بالله سید یحیی بن سید بهاء الدین شروانی، نشاط شروانی، آقا مسیح شروانی، کمال‌الدین مسعود شروانی، فلکی شروانی، شمس الشعراء، عبدی شروانی، عتیقی شروانی، حاجی سید عظیم شروانی، حاج زین‌العابدین شروانی، میرالهی شروانی، ابوطاهر شروانی، آتشی شروانی، میرزا محمد بن حسن شروانی، فتحی شروانی، عزالدین شروانی، بهار شروانی (میرزا نصرالله خان)، ذوالفقار، شاکر شروانی، صالح شروانی، مهجور شروانی، مهوشی شروانی، شاه شروانی، حلیمی شروانی، ثنائی شروانی، میرزا حسین زلالی شروانی، حزین، جمال‌الدین خلیل شروانی، و کمال‌الدین مسعود فرحی شروانی از آن جمله‌اند.

۳- **شعرای نخجوان:** نخجوان نیز مهد علم و هنر و شعر بوده است. هندو شاه بن

سنجر بن عبدالله صاحبی کیرانی نخجوانی، ناجی اردوبادی، میرزا زین العابدین منشی اردوبادی، میرزا محمد منشی اردوبادی، فکری اردوبادی، میرزا صادق اردوبادی، سالک اردوبادی، شاه حسین اردوبادی، رامی اردوبادی، بابا نعمة الله نخجوانی، و فقیر اردوبادی از مشهورترین آنهایند.

برخی از شعرای گنجه مانند مهستی گنجوی، مصاحب گنجوی، شیخ ابراهیم قدسی گنجوی، ابوالعلاء، پرتو، میرزا شفیع واضح، کفایی گنجوی، اشتیاق گنجوی، میرزا شفیع واضح، هدایت خاکی، میرزا حسین سالار، و ملّا عباس شعله دارای آثاری به فارسی و ترکی هستند.

ملّاپناه واقف، شمس قره باغی، صفی قلی قره باغ، کاظم سالک، کاشف قراباغی، عبدالله طوطی قراباغی، صفی قلی قره باغی، شمس قره باغی، میرزا حمزه نگاری، محمدعلی نجفی، میرزا علی اصغر نورس، فاطمه کمینه، اسکندر رستم بیگ اف، آقا بابا، قاسم بیگ ذاکر، محمدعلی مخفی، میرزا ابوالحسن شهید، و حسن قره هادی از دیگر شعرای این منطقه هستند.

از شعرای جنوب و مغان می توان ابوالمکارم مجیرالدین بیلقانی، آشوب (میرزا محمد دیلمقانی) ابوالحسن واقف، میرزا عیسی خیالی، و حسین قلی شوری را نام برد.

عهدی باکویی، محمد صالح باکویی، رفیع (از شعرای قرن ۱۳ و صاحب کتاب حدیقة الشعراء)، عباسقلی آقادسی (صاحب کتاب گلستان ارم در قرن ۱۸)، میرزا محمدعلی بینوا (قرن ۱۹)، میرزا عبدالخالق یوسف (غزل سرای مشهور قرن ۱۹)، عبدالحمید مینا (قرن ۱۹)، آقابابا هجری (قرن ۲۰ و معروف به مشدآقای باکو)، آذر امام علی زاده (قرن ۱۹ و ۲۰) و محمدعلی شفایی (قرن ۱۹ و ۲۰، معروف به مشدآقای باکو) هم از شعرای باکو هستند.

۴. شاعران و مدیحه سرایان اهل بیت علیهم السلام: بیشتر شاعران این منطقه شیعه اند، به گونه ای که ارزش های مذهبی شیعه دوازده امامی با شعر و آثار نظمی این شاعران

و نویسندگان آذری درهم آمیخته است. آثار نظمی شاعران جمهوری آذربایجان را تا قرن نوزدهم نمی‌توان بدون تأثیر مذهب شیعه در آن تصور کرد. فقط در نیمه دوم قرن بیستم بود که به دلیل ترس و وحشت رژیم کمونیستی و تأثیر عقاید نوین ماتریالیستی در این کشور، آثار و نشانه‌های مذهبی از شعر آذری رخت بر بست. نام تعدادی از این شاعران در ذیل خواهد آمد.^۱

۵- خاقانی شروانی (افضل‌الدین ابراهیم بن بدیل بن علی): وی یکی دیگر از شعرای معروف و نامدار ایرانی است که او را «حسان زمان» و «سلطان الشعراء» نیز لقب داده‌اند. مدفن وی در «مقبرة الشعراء» شهر تبریز (مدفن صدها شاعر ایرانی و آذری) قرار دارد. وفات وی در سال ۵۹۵ ق اتفاق افتاده است.

۶- فضولی (۱۴۹۴-۱۵۵۶م): ملا محمد فضولی، از دیگر شعرای مشهور آذربایجان، فیلسوف و حکیم بزرگی بود که آثار خود را به سه زبان عربی، فارسی و آذری نگاشته است. وی آثار متعددی در مدح ائمه اطهار علیهم‌السلام داشت و آرامگاه وی در کنار بارگاه ملکوتی امام حسین علیه‌السلام قرار دارد.

۷- نسیمی (۱۳۶۹-۱۴۱۷م): از شاعران برجسته و مشهور منطقه شاماخی جمهوری آذربایجان، سید عمادالدین نسیمی، از شاعرانی بود که به سه زبان فارسی و عربی و ترکی آذری شعر گفته است. او از افکار صوفی‌گری فضل‌الله نعیمی تبریزی متأثر بود. با این حال، عاشق اهل بیت علیهم‌السلام و شیعه دوازده امامی به شمار می‌آمد و اشعار و نوشته‌هایش شاهد بر این مدعا است. آثار و مدحیه وی در خصوص اهل بیت علیهم‌السلام دارای محتوای عالی عرفانی است. به دستور بعضی از روحانی‌نماها، او را در شهر حلب زنده زنده پوست کنند.

۸- عباس قلی باکی خان اف (۱۷۹۴-۱۸۴۷م): وی یکی از شخصیت‌های برجسته و از افتخارات این منطقه است. آثار او در همه کتب درسی دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها با

۱. بایسته‌های پژوهش دینی، س ۳، ش ۶، ص ۳۶.

احترام ویژه‌ای تدریس می‌شود. او یکی از فرماندهان سپاه روسیه بود و در راه زیارت خانه خدا بین مکه و مدینه و در وادی فاطمیه از دنیا رفت و در آنجا نیز دفن شد. آثار او عبارت است از: ۱. ریاض القدس درباره وقایع اهل بیت علیهم السلام؛ ۲. مشکات الانوار؛ ۳. تهذیب الاخلاق؛ ۴. اسرار ملکوت. لازم به ذکر است که وی دختری به نام صغرا داشت که شاعره و عاشق اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌آمد.

۹- قاسم بی‌ذاکر (۱۷۸۴-۱۸۵۷م): این شاعر، که همچون شاعر سابق یکی از مفاخر ادبی کشور به شمار می‌آید، درباره اهل بیت علیهم السلام اشعار فراوانی سروده است.

۱۰- سید عظیم شروانی (۱۸۳۵-۱۸۸۸م): وی عالم، ادیب، شاعر و متفکر بزرگ آذری بود و می‌توان گفت: شعرهای عرفانی او در نظم آذری کم‌نظیر است. وی در نجف تحصیل کرد و دارای مذهب شیعه علوی بود و شعرهای فلسفی، عرفانی و عقیدتی که برای اهل بیت علیهم السلام سروده، شاهد این گفته است.

۱۱- خورشید بانو ناتوان (۱۸۳۰-۱۸۹۷م): این عالمه و شاعره، خان منطقه قره‌باغ بود. از وی علاوه بر شعرهای دینی، قطعه شعری در ماتم امام حسین علیه السلام بر جای مانده که کم‌نظیر است.

۱۲- محمدتقی قمری دربندی (۱۸۱۹-۱۸۹۶م): این شاعر اشعار بسیاری در مرثیه اهل بیت علیهم السلام سروده که کلیات آثار قمری نام گرفته است.

شعر و شاعری در دوران حکومت کمونیست‌ها دچار رکود شد و حکومت تلاش کرد صبغه دینی از اشعار شاعران حذف شود و صبغه ملی جایگزین آن گردد و به ویژه در حسرت جدایی دو آذربایجان! و - به اصطلاح - سرزمین مادری شعر سروده شود. افرادی همچون صمد ورغون و بختیار وهاب‌زاده در این زمینه عمل کردند، اما پس از فروپاشی شوروی (سابق) بار دیگر صبغه‌های دینی وارد اشعار شاعران هنرمند این سرزمین گردید و صبغه ملی در اشعارشان کم‌رنگ شد. از مشهورترین شاعران دینی و ملی این سرزمین حاج مایل علی‌اف از منطقه نارداران بود که در سال ۱۳۷۹ به رحمت ایزدی پیوست.

د. مؤسسات فرهنگی و هنری

مهم‌ترین مؤسسات فرهنگی این کشور در سال ۲۰۰۷ عبارت است از:^۱
۱- نمایش: تالارهای نمایش این کشور را می‌توان این‌گونه برشمرد:

- ۱) تئاتر ووتی جوانان آذربایجان (۴۰۰ صندلی)؛
- ۲) تئاتر دولتی نمایش ملی آذربایجان (۵۹۱ صندلی)؛
- ۳) تئاتر دولتی نمایشی روسی آذربایجان (۶۷۱ صندلی)؛
- ۴) تئاتر دولتی مقام (۷۰ صندلی)؛
- ۵) تئاتر دولتی نمایش عروسکی، به نام «عبدالله شایق» (۱۸۸ صندلی)؛
- ۶) تئاتر دولتی ایوک (۶۰ صندلی)؛
- ۷- تئاتر دولتی کمدی موزیکال (۳۴۴ صندلی)؛
- ۸- تئاتر دولتی اپرآباله (۱۰۶۸ صندلی)؛
- ۹- تئاتر دولتی ترانه آذربایجان به نام رشید بهبوداف (۲۳۸ صندلی)؛
- ۱۰) تئاتر دولتی نمایش جوانان (۴۱۱ صندلی)؛
- ۱۱) سیدک دولتی باکو (۱۸۵۱ صندلی)؛
- ۱۲) تئاتر عروسکی باکو (۵۰ صندلی)؛
- ۱۳) تئاتر تبلیغ و تنفیذ (۱۵۰ صندلی).

۲- شورای هنرهای تجسمی: این شورا دارای بخش‌های ذیل است:

۱. شورای معماری آذربایجان؛ ۲. شورای طراحی؛ ۳. شورای روزنامه‌نگاران؛
 ۴. شورای سینماگران؛ ۵. شورای رجال موسیقی‌دان؛ ۶. شورای نویسندگان؛ ۷.
 - شورای مبلغان؛ ۸. شورای رجال تئاتر؛ ۹. شورای نقاشان.
- ۳- موزه‌ها: برخی از موزه‌های این کشور عبارتند از: ۱. موزه‌های دولتی تاریخ ادیان؛ ۲. موزه‌های دولتی فرش و هنرهای تجربی مردم؛ ۳. موزه‌های

دولتی نمایش به نام «جعفر جبارلی»؛ ۴. موزه استقلال آذربایجان؛ ۵. موزه دولتی تاریخ معماری (مجمع شیروان شاهان)؛ ۶. موزه‌های دولتی فرهنگ و موسیقی؛ ۷. موزه‌های دولتی تاریخی و معماری (مجمع ایچری شهری)؛ ۸. موزه‌های طبیعی آذربایجان به نام «حسن بیک زردابی»؛ ۹. موزه ادبیات آذربایجان به نام «نظامی گنجوی»؛ ۱۰. موزه هنر به نام رستم مصطفی‌اف؛ ۱۱. موزه تاریخ؛ ۱۲. موزه تاریخ پزشکی و بهداشت؛ ۱۳. موزه لباس‌های ملی؛ ۱۴. موزه آموزش مردم.

۲. پوشش زنان و مردان و حجاب اسلامی

الف. پوشش‌های ظاهری

به دلیل تفاوت‌های آب و هوایی، پوشش‌های متفاوتی در این کشور وجود دارد. البته مشکلات شدید انرژی، اقتصادی و درمانی موجب شده است تا مردم این مناطق توجه ویژه‌ای به لباس گرم، بخصوص در فصل‌های سرما، داشته باشند. پوشش کافی کودکان برای آنها بسیار مهم است، به گونه‌ای که وقتی با ایرانیانی که اهمیت کمی به این موضوع می‌دهند مواجه می‌شوند، متعجب شده، اعتراض می‌کنند. در مناطق کوهستانی و سردسیر از لباس‌های گرم و پشمی استفاده می‌شود. پوشش سنتی زنان و مردان در این مناطق و همچنین مناطق روستایی تا حدّی حفظ شده، اما در مناطق دشتی، بخصوص سواحل دریای خزر، از پوشش‌های متفاوت و - به اصطلاح - غربی‌تر هم استفاده می‌شود.

پوشش مردان شباهت زیادی به ایرانی‌ها دارد. کت و شلوار و یا کاپشن‌های وارداتی از کشورهای خارجی، به ویژه، لباس‌های چینی، لباس‌های سنتی را از رده خارج کرده است، ولی آنچه در بین مردم بیشتر رایج است توجه ویژه به کلاه و پالتو است. همچون سایر کشورهای جهان سوم، نفوذ فرهنگ غربی در شکل لباس

پوشیدن و درج تصاویر زنان، هنرپیشه‌ها و علایم تبلیغاتی بر روی لباس‌های جوانان و نوجوانان بیشتر نمود دارد. در مناطق کوهستانی و عشایری، لباس‌هایی شبیه عشایر ایران دیده می‌شود و شال‌های بزرگ و رنگارنگ قرمز و زرد و آبی چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کند.

در طول حکومت کمونیستی، تلاش‌های تبلیغی و اجباری بسیاری برای برداشتن حجاب زنان مسلمان آذری انجام گرفت که در این مسیر موفق هم بودند. البته به ادعای دین‌داران این کشور، زنانی که نمی‌خواستند حجاب خود را بردارند، مجبور بودند در کنج خانه‌های خود بنشینند و زنان با عفافِ باایمان بسیاری بودند که سال‌های متمادی رنج دوری از محیط خارج از خانه را به خاطر حفظ حجاب تحمل کردند. البته در بعضی از نقاط مذهبی همچون روستای «نارداران» زنان توانسته بودند حجاب خود را حفظ کنند و حتی چادر را نیز برداشته بودند که اکنون نیز آثار آن موجود است.

تا چند سال پیش، اکثریت قریب به اتفاق زنان آذری حجاب و پوشش اسلامی نداشتند، ولی در سال‌های اخیر شاهد رشد قابل توجه پوشش اسلامی زنان در این کشور هستیم، به گونه‌ای که وقتی با یک دهه قبل مقایسه کنیم، رشد قابل توجه شعائر اسلامی، به ویژه حجاب، را مشاهده می‌کنیم.^۱

۱. نگارنده در طول ۱۵ سال اخیر، که رفت و آمدهای مستمری به این کشور داشته، شاهد این موضوع بوده است. در حالی که در آذر ماه سال ۱۳۷۳ در طول ۲۰ روز اقامت بجز چند خانم محجبه مشاهده نکردم، در سال ۱۳۸۷ این تعداد آن قدر زیاد شده بود که می‌توان ادعا نمود دست کم ۲۰ درصد بانوان این کشور با حجاب شده‌اند و حتی چادر به سر کردن در میان زنان شهرهای گوناگون و پایتخت این کشور نیز مشاهده می‌شود.

ب. فرهنگ عفاف و حجاب مسلمانان

علی‌رغم حکومت هفتاد ساله کمونیستی در جمهوری آذربایجان و مبارزه شدید با مظاهر و مبانی دینی و تلاش غرب و صهیونیسم در ترویج فرهنگ غربی و لیبرالیستی در سال‌های پس از استقلال باید اذعان نمود که برخلاف ظاهر پوشش زنان، بیشتر آنان هنوز هم حجب و حیای اسلامی و زن شرقی را در وجود خود دارند و همانند زنان غربی و غیرمسلمان بی‌عفت نیستند. تعداد زنان محجبه در این جمهوری روزبه‌روز در حال افزایش است و امروزه می‌توان زنان محجبه را در میان همه قشرهای این کشور مشاهده کرد.

موضوع مهم دیگر توجه ویژه مردم این کشور به باکره بودن دختران هنگام ازدواج است. در حالی که در کشورهای غربی این فرهنگ از بین رفته است و تلاش می‌شود در کشورهایی همچون جمهوری آذربایجان نیز با ترویج بی‌بند و باری‌های اخلاقی، تقیدات دینی و عرفی از بین برود، اما خوشبختانه پس از گذشت ده‌ها سال، این فرهنگ در بین اکثریت مردم حفظ شده است.

ظاهر و پوشش زنان آذری در شهرهای منطقه تالش همچون آستارا، لنکران و ماسالی نسبت به باکو مناسب‌تر و بهتر است و پوشش سنتی در این شهرها در حال حاضر هم تا حدی قابل رؤیت و در نتیجه، میزان برهنگی زنان در این مناطق در مقایسه با باکو کمتر است.

حجاب، به ویژه در بین دختران کم سن و سال، بیشتر به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که روزنامه غرب‌گرای اولایار در مقاله‌ای با عنوان «افراطی‌گری» خود، بغض و کینه‌اش را از گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در این کشور شیعی بروز داد و نوشت:

مشاهده افزایش زنان محجبه در پایتخت و دیگر شهرها مشکل نیست. چند سال قبل تنها در بین گروه‌های خاصی می‌شد زنان محجبه را مشاهده کرد که خود را ملزم به رعایت حجاب

می‌دانستند؛ اما هم‌اکنون در دبیرستان‌ها، دانشگاه‌ها و محل‌های کار با زنان محجّبه روبه‌رو می‌شویم و به ویژه در بین دختران کم‌سن و سال این‌گونه موارد بیشتر به چشم می‌خورد و لذا، حجاب به سر کردن دختر دو ساله را تنها می‌توان به عنوان «افراطی‌گری» نام نهاد.^۱

نگرانی‌های عوامل وابسته به رژیم صهیونیستی و حکومت نیز کاملاً مشهود است؛ چنان‌که گوهر بخشعلی‌اوا، نمایندهٔ مجلس ملی آذربایجان و مدیر پژوهشکدهٔ «شرق‌شناسی» فرهنگستان علوم این کشور، از افزایش حجاب در آذربایجان ابراز نگرانی کرده است. وی از خانواده‌ها و بانوان دیندار، که فرزندان دختر خود را به رعایت حجاب تشویق می‌کنند، انتقاد کرده و گفته است: قرآن حجاب را فقط به زنان حضرت پیامبر ﷺ منحصر کرده است! آنان با احساس خطر و ترس از گسترش و شیوع فرهنگ ناب اسلامی و شیعی در این کشور و در مقابله با فرهنگ اسلامی و شیعی و زدودن معنویت از جامعهٔ آذربایجان و دور کردن مردم مسلمان این کشور، بخصوص جوانان، از فرهنگ غنی و انسان‌ساز و متعالی شیعه، به کمک شبکه‌های تلویزیونی (ANS, Lider Space, و AZ-TV) و با پخش برنامه‌ها، فیلم‌ها و تبلیغات عمدتاً مستهجن و به سبک و سیاق فرهنگ غربی و فرهنگ حاکم بر جامعهٔ جهانی و تحمیلی دستگاه فرهنگی سرمایه‌داری و لیبرالیستی و ضددینی، روزه‌روز در این مسیر گوی سبقت را از همدیگر می‌ربایند و مردم مسلمان این کشور را به تدریج، از فرهنگ اسلامی و فرهنگ اصیل خویش دور می‌کنند و فرهنگ و فکر و ذهن و باورهای آنها را خط‌دهی می‌کنند؛ چنان‌که این شبکه‌ها با حمایت و پشتیبانی مالی و فکری و خط‌دهی بازوهای اقتصادی فرهنگ لیبرالیستی همانند شرکت مخابراتی اسرائیلی «باکسل»،

شرکت‌های الکترونیکی «سونی» و «سامسونگ» و با برگزار کردن جشنواره‌ها و مسابقه‌های آواز و ترانه‌خوانی و موسیقی با عناوینی همچون «آذر استار» در بین جوانان آذری - اعم از دختر و پسر - به ذبح مسائل اخلاقی و برهنگی دختران مسلمان آذری می‌پردازند و به جرئت می‌توان گفت: حتی از خود غرب هم جلو می‌زنند.^۱

ج. پوشش اسلامی

در آذربایجان نسلی جدید پا به عرصه می‌گذارد که به پوشش ظاهری و فرایض دینی پایبند است. این نسل آموزه‌های دینی را از شبکه‌های تلویزیونی ترکیه می‌آموزد. این را در نوع پوشش اسلامی جوانان این کشور می‌توان به وضوح مشاهده کرد. نهادهای اوقاف دینی ترکیه در جلب جوانان به دین تا حد زیادی موفق عمل کرده است. در باکو تعداد جوانانی که از پوشش خاص اسلام‌گرایان ترکیه استفاده می‌کنند به سرعت در حال گسترش است، در حالی که نسل محجبه پیشین از روسری و روستاییان نیز از پوششی شبیه روستاییان آذربایجان خودمان استفاده می‌کنند.

صورت غربی، سیرت شرقی: کشور جمهوری آذربایجان نه تنها از نظر جغرافیایی، بلکه از دیدگاه ظاهری نیز کشوری اروپایی است. تمامی مظاهر غربی را از «کوکاکولا» تا نوع معماری، از اتومبیل‌های «مرسدس بنز»، که در خیابان‌های عریض باکو جولان می‌دهند، تا نوع پوشش مردمان می‌توان دید. اما این همه ماجرا نیست. در پس این صورت غربی، سیرت شرقی مردم آذربایجان کاملاً هویدا است. سنت‌ها و رسوم، آداب و باورهای کهن همچنان پا برجاست.

۱. خبرگزاری آران، س ۵، ش ۱۱ و ۱۲، «بررسی اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی در جمهوری آذربایجان»، ص ۱۷۱.

نهاد خانواده همچنان اساسی‌ترین و مقدّس‌ترین نهاد اجتماعی است. سلسله مراتب خانوادگی کاملاً رعایت می‌شود. اگر سوار اتوبوس یا مترو شوید، خواهید دید که جوانان صندلی‌های خود را بی‌هیچ رنجشی، داوطلبانه به افراد مسن‌تر و خانم‌ها وامی‌گذارند. حرف مرد و سنت مردانگی هنوز هم معتبر و پابرجاست. قول و سخن و در یک کلام، سنت‌ها بیش از هر نوشته و کاغذ رسمی سند است. مردم آذربایجان مردمی دین‌باور و خداشناس هستند. اسلام در آذربایجان علاوه بر جنبه اعتقادی، جنبه هویتی دارد. از اصطلاح «مسلمان» به عنوان نماد هویت زیاد استفاده می‌شود و مردم خود را بخشی جدایی‌ناپذیر از دنیای اسلام می‌دانند. حضور دین و دین‌باوری، حتی اگر فرایض دینی را به جا نیاورند، در نوع زندگی و منش مردم کاملاً مشهود است. علاوه بر قسم خدا، قسم حضرت ابوالفضل عباس علیه السلام رایج‌ترین قسم این مردم ترک‌زبان است. در خیابان‌های باکو می‌توان سقاخانه‌هایی را که با جمله احسان حضرت ابوالفضل زینت یافته است، مشاهده کرد. اعتقاد به زیارتگاه‌ها و سادات، به ویژه در شهر باکو، بسیار فراگیر است. در بسیاری از خانه‌ها و وسایل نقلیه عمومی، تصویر سادات مشهور و مورد احترام شهر را می‌توان دید.

زن آذربایجانی نقشی متفاوت با همتای ایرانی یا ترک (ترکیه‌ای) خود دارد. در آذربایجان زنان همپای مردان کار می‌کنند. تعداد استادان زن در دانشگاه سه برابر مردان است! زنان حتی در شغل‌هایی که ما مردانه به حساب می‌آوریم، حضور دارند. نظافت خیابان‌ها به عهده رفتگرهای زن است. اما امنیت اجتماعی زن در آذربایجان کم است. کتک زدن زن در بین مردان آذری تقریباً عادی است. مشکلات اقتصادی و عدم ثبات شغلی در زندگی‌های مشترک اثر بدی گذاشته است.

د. محدودیت‌های حکومت نسبت به بانوان محجّبه

حکومت و عناصر تأثیرگذار بر سیاست و فرهنگ و اقتصاد جمهوری آذربایجان علاوه بر ترویج مظاهر فساد، از حجاب در دواير دولتی و مراکز تحصیلی ممانعت می‌کنند؛ چنان‌که صدای اعتراض روزنامه‌های غیرمذهبی را نیز بلند کرده‌اند. روزنامهٔ *ینی مساوات* در این باره می‌نویسد: از مسائلی که میان کارکنان دولت و هموطنان در جمهوری آذربایجان مشکل ایجاد کرده، رعایت حجاب از سوی زنان محجّبه است. زنان محجّبه در تهیهٔ کارت شناسایی و صدور گذرنامه دچار مشکلات جدی شده‌اند. *حاج ایلقار ابراهیم اوغلو*، رئیس مرکز دفاع از آزادی اعتقادات دینی، اعلام کرده است: با وجود اینکه در بسیاری از کشورها رعایت حجاب و داشتن عکس با حجاب در گذرنامه مانعی محسوب نمی‌شود، در کشور ما این مشکل کماکان به صورت لاینحل باقی مانده و جمهوری آذربایجان تنها کشوری است که برای دریافت شناسنامه، برای بانوان محجّبه، محدودیت اعمال می‌کند. این در حالی است که در قانون اساسی ماده‌ای مبنی بر اینکه زنان نباید با حجاب باشند، وجود ندارد.^۱

از حضور زنان باحجاب و معلمان محجّبه به مدارس نیز جلوگیری می‌گردد. *آقای الشن مصطفی اوغلو*، مسئول مؤسسهٔ «دعوت به صفای معنوی»، نیز با بیان اعتراض شدید دین‌داران و دانشجویان و نهادها می‌گوید: «برخی افراد می‌خواهند با طرح این مسئله در افکار عمومی به منافع خودشان دست یابند و در روابط میان دولت‌مردان و دین‌داران سردی ایجاد کنند و آنها را رو در روی همدیگر قرار دهند.»^۲

۱. روزنامهٔ *ینی مساوات*، ۲۹ تیر ۱۳۸۷.

۲. روزنامهٔ *جبههٔ خلق*، ۲۶ شهریور ۱۳۸۷.

در مصاحبه‌ای که در دی ماه ۱۳۸۴ با یکی از بانوان باحجاب باکو داشتم، ایشان علاقه زیادی به زیارت عتبات عالیات و مشهد مقدّس داشت. وقتی از او تعداد زیارت‌های خود به اماکن مقدّسه را جویا شدم، گفت: من تا به حال به زیارت نرفته‌ام. البته توان مالی و علاقه و شوق بسیاری دارم؛ اما به دلیل اینکه نمی‌خواهم با تصویر بدون حجاب گذرنامه بگیرم، هنوز گذرنامه تهیه نکرده‌ام. من عفت و حجاب را بر شوق زیارت ترجیح می‌دهم.

۳. ازدواج

مراسم ازدواج در جمهوری آذربایجان، همچون ایران، بخصوص مشابه مناطق آذری‌نشین است. پس از آشنایی اولیه، شیرینی‌خوران و بعد از مدتی مراسم جشن با حضور آشنایان و خویشاوندان برگزار می‌شود. مراسم حنابندان معمولاً یک روز قبل از عروسی برگزار می‌شود و مراسم با شکوه روز عروسی، از اصلی‌ترین مراسم است.

در دوران حکومت کمونیستی تلاش بسیاری شد تا آیین‌های اسلامی و آداب دینی از مراسم ازدواج حذف گردد. سنت ازدواج به سبک کشورهای غیرمسلمان و در حدّ ثبت آن در دواير دولتی باقی ماند و قرائت صیغه عقد شرعی حذف و با آن مقابله گردید. البته دین‌داران این کشور به صورت مخفیانه و با ارتباطات خاص، فرزندان خود را به عقد شرعی درمی‌آوردند؛ اما این موضوع بسیار کم شده بود. «از تجلیات وابستگی اهالی این کشور، عدم ازدواج با غیرمسلمانان را می‌توان یاد کرد که در شکل پاس‌داری از حیثیت ملی بروز می‌نمود. طبق آمار موجود، بیش از ۸۵ درصد ازدواج‌ها یا درون قومی یا در میان اقوام مسلمان صورت می‌گرفت.»^۱

۱. منیژه تراب‌زاده و دیگران، ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز، ص ۳۵۶.

مطابق قانون اساسی این کشور در بند ۲ و ۳ اصل ۳۴ «عقد نکاح بر اساس رضایت قلبی بسته می‌شود و با زور نمی‌توان کسی را زن یا شوهر داد و خانواده در حمایت دولت است. نسبت‌های پدری، مادری و فرزندی بر اساس قانون حمایت می‌شود و دولت وظیفه کمک به خانواده‌های پراولاد را بر عهده دارد.» طبق بند ۴ این اصل، «حقوق زن و شوهر با هم برابر است و اهتمام به امور فرزندان و تربیت آنها، هم از حقوق والدین است و هم دین آنها محسوب می‌شود.»

بیشتر بندهای مورد اشاره اصل ۳۴ درباره نکاح و خانواده کلیاتی است که معمولاً در قوانین کشورهای گوناگون ذکر می‌شود و برای همه قابل قبول است. جمله اول بند ۴ نشان‌دهنده آن است که واضعان قانون اساسی علی‌رغم مسلمان و شیعه بودن، صرفاً به آموزه‌های حقوقی غرب توجه داشته و قوانین و مقررات اسلامی را در این باره مد نظر قرار داده‌اند. روشن است که زن و مرد از این نظر که هر دو انسان و مخلوق خدایند، هیچ تفاوتی با هم ندارند، ولی در زندگی زناشویی دارای حقوق و وظایفی تفکیک شده‌اند که در قانون اساسی جمهوری آذربایجان بدان توجه نشده است و همین موضوع یکی از دلایل عمده مشکلات خانوادگی در جمهوری آذربایجان محسوب می‌گردد. طبق اصلاحیه جدید قانون عقد و ازدواج، که در حال تدوین است، در حین شکل‌گیری خانواده، جاری شدن عقد نکاح میان طرفین ضروری است و عقد نکاح باید در حضور شاهدان جاری شود و در دفترچه ثبتی اسناد به ثبت رسیده باشد. همچنین در زمان جاری شدن عقد نکاح، باید مسئله نحوه خرجی و تربیت بچه‌ها، نحوه تقسیم اموال در زمان طلاق و قیومیت پدر یا مادر برای بچه در زمان طلاق مشخص و ثبت گردد و بدین صورت، این سند وظایف والدین و تکلیف اموال آنها و حقوق کودکان را، هم در زمان عقد و ازدواج و هم در زمان طلاق معین می‌سازد. متأسفانه در زمان طلاق، بیشتر زنان بدون درآمد و خرجی می‌مانند و به دلیل بی‌خانمان شدن بچه‌ها و تربیت ناصحیحشان تبعات سنگینی به جامعه تحمیل می‌شود. بیشتر

مردم آذربایجان از قوانین موجود ازدواج اطلاعی ندارند، و افرادی هم که از این قوانین اطلاع دارند برای آن اهمیتی قابل نیستند و متأسفانه باور ندارند که وجود این قوانین برای هر دو طرف موجب اعاده حقوق و آزادی‌های خاصی می‌شود. بنا به اعتقاد نماینده ملت، قانونی که اکنون در خصوص ازدواج در آذربایجان وجود دارد با برخی کمبودها مواجه است. قانونی که اکنون وجود دارد جوابگوی سؤالات و مشکلات کنونی اهالی آذربایجان نیست. در حال حاضر، برای آماده‌سازی اصلاحیه‌ای در خصوص قانون جدید ازدواج و طلاق، کارهایی در حال انجام است.^۱

پس از استقلال، اگرچه شکل گذشته ازدواج تا حدی حفظ شده، اما رویکردهای مردم برای شرعی نمودن ازدواج بسیار شده است. عقدنامه‌هایی به صورت خودجوش و بیشتر از طریق طلبه‌ها و دین‌داران تهیه شده است و مردم پس از عقد شرعی، برای ثبت رسمی به دوایر دولتی مراجعه می‌کنند. اقدامات غیرشرعی در برخورد با فرهنگ ازدواج، واکنش‌های روشن‌فکران اجتماعی این کشور را در پی داشته است. به نظر روشن‌نوروز اوغلو، محقق مسائل اجتماعی و امنیتی جمهوری آذربایجان، بنیاد صهیونیستی «سوروس» برنامه‌های محرمانه‌ای را در خصوص گسترش مواد مخدر در این جمهوری در دست اجرا دارد. بنیاد مذکور برنامه‌های ویژه‌ای را نیز تحت عنوان «کمک به گسترش فرهنگ ازدواج بدون عقد نکاح» و آماده‌سازی افکار عمومی مردم برای انجام همه‌پرسی در قره‌باغ در حال اجرا دارد. وی با خطرناک خواندن این‌گونه فعالیت‌ها در جمهوری مسلمان آذربایجان تأکید کرد: هدف اصلی این گروه‌ها رواج بی‌بند و باری و کشیدن جامعه آذری به منجلاب فساد است.^۲

۱. شبکه تلویزیونی آینس، «اخبار شبانگاهی»، ۱۸ می ۲۰۰۹.

۲. ایستا (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران)، ۱۸ مرداد ۱۳۸۵.

طبق آمار منتشر شده از سوی کمیته آمار این کشور، در سال ۲۰۰۷، تعداد ۸۱۷۵۸ ازدواج و ۸۳۴۰ طلاق ثبت شده که تعداد ازدواج‌ها ۹/۷ نفر در ۱۰۰۰ و تعداد طلاق‌ها ۱ نفر در ۱۰۰۰ نفر است.

۴. رسانه‌ها، نشریات و کتب دینی

الف. مطبوعات

تکثر مطبوعات در جمهوری آذربایجان مشهود است و به دلیل تکثر احزاب و گروه‌های سیاسی و اجتماعی و همچنین تأثیرات و حمایت‌های خارجی، تقریباً هر حزب و گروهی برای خود نشریه‌ای دارد که در قالب روزنامه، هفته‌نامه و ماه‌نامه فعالیت می‌کنند، اما شمارگان بالایی ندارند. نام روزنامه‌های مطرح غالباً با نام احزاب مطرح همخوانی دارد؛ مثل روزنامه آذربایجان وابسته به حزب «آذربایجان نوین» و یا روزنامه مساوات وابسته به حزب «ینی مساوات» و یا روزنامه بیرلیک وابسته به «جمعیت بیرلیک».

طبق آخرین آمار منتشر شده از سوی اجلاس روزنامه‌نگاران، در جمهوری آذربایجان قریب به ۷۰۰ نشریه مجوز فعالیت گرفته‌اند، ولی در واقع، تعداد مطبوعات فعال کمتر از ۱۰۰ نشریه است. اصلی‌ترین نشریات جمهوری آذربایجان عبارتند از: باکو خیر، وطنداش نامینه، خلق‌گازتی، آذربایجان رسپوبلیکا، ینی آذربایجان، ۵۲۵، ایکی ساحل، ینی زمان، نوویه ورمیا، عدالت، زرکالو اخو، ینی مساوات آزادلیق، شرق، خلق جبهه سی، اوچ نقطه، مرکز، هفته ایچی، مساوات، نبض، بیزیم عصر، اکسپرس، آینه ایمپولس، آزاد آذربایجان، جمهوریت، خورال، الچی، ریتینگ، تضادلار، موقع، مخالفت، ملت، اعتماد، وطنداش، ملت، گمرک، اروپا، وحدت، اولایلار، مدیا خبر، پالیترا، توران، پاریتت، آلترناتیو، بوز قورد آوراسیا، اسلام پرس، صنعت،

بیرلیک، و دیرلر که بیشتر آنها از سوی نیروهای خارجی و یا حکومت حمایت می‌شوند.

نقش مطبوعات و رسانه‌ها در تبلیغات دینی، مواضع سیاسی، تبیین مسائل اجتماعی و توسعه فرهنگی حایز اهمیت است. با وجود اینکه در این کشور کمتر از نه میلیون نفر زندگی می‌کنند، اما کثرت مطبوعات و رسانه‌های جمعی کاملاً مشهود است. بسیاری از گروه‌ها و جمعیت‌ها و احزاب این کشور دارای نشریه‌اند و در کنار آن پایگاه اطلاع‌رسانی نیز دایر کرده‌اند. بیشتر رسانه‌ها در مالکیت حکومت قرار دارند. علاوه بر این، شبکه‌های تلویزیونی بعضی از کشورها همچون ترکیه و روسیه در این کشور پخش می‌گردد. عدم توجه این مطبوعات و رسانه‌ها به مسائل دینی مشهود است و بعضاً در روزهای بخصوصی مانند اعیاد قربان و فطر، آغاز ماه رمضان، میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عاشورا به صورت مختصر به آن پرداخته می‌شود و حتی در این روزها نیز اطلاعات غلط و یا بی‌ارزش و شبهه‌داری به خواننده ارائه می‌دهند.

اگرچه مطبوعات و نشریات اسلامی از نظر کمی و کیفی در سال‌های اخیر رشد خوبی داشته‌اند، اما در جمهوری آذربایجان چند نشریه اختصاصی دینی و اسلامی در اختیار خوانندگان قرار گرفته است. اسامی این نشریات عبارت است از: روزنامه‌های دیرلر، اسلام حقیقت لری، سلام، بیرلیک، نبض و مجله‌های فطرت، معنوی صافلیقا دعوت، و هارای.

متأسفانه برای تبلیغ مسائل بنیادی اعتقادی نزد مردم از طریق رسانه‌های جمعی مشکلات عدیده‌ای وجود دارد که مشکلات مالی و تبلیغات سوء از ناحیه حکومت و مخالفان و محدودیت‌های رسانه‌ای و غیررسانه‌ای از جمله آنهاست.

ب. مؤسسات انتشاراتی

- برخی از مؤسسات انتشاراتی جمهوری آذربایجان عبارت است از:^۱
۱. مؤسسه دائرةالمعارف آذربایجان که در سال ۱۹۶۵ در باکو تأسیس شد.
 ۲. مؤسسه آذر نشر، مؤسسه مطبوعات دولتی جمهوری آذربایجان که در سال ۱۹۲۴ تأسیس گردید.
 ۳. مؤسسه علم، وابسته به فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان در باکو؛
 ۴. مؤسسه جوانان در باکو؛
 ۵. مؤسسه نور؛
 ۶. مؤسسه مطبوعاتی؛
 ۷. مؤسسه یازیچی؛
 ۸. مؤسسه فرهنگ و آموزش؛
 ۹. مؤسسه مدنیت در باکو؛
 ۱۰. مؤسسه شور در باکو؛
 ۱۱. مؤسسه انتشارات قلم.

ج. کتابخانه‌های عمومی آذربایجان

۱. کتابخانه دولتی آذربایجان به نام «میرزا فتحعلی آخونداف» (۵۱۴۴۴۰۰ جلد کتاب)؛
۲. کتابخانه دولتی کودکان آذربایجان به نام «کوچرلی» (۲۰۷۶۷۰ جلد کتاب)؛
۳. کتابخانه علمی - پزشکی جمهوری آذربایجان (۵۰۰۰۰۰ جلد کتاب)؛
۴. کتابخانه علمی - آموزشی جمهوری آذربایجان (۴۰۹۰۰۰ جلد کتاب)؛

۵. کتاب‌خانه علمی - کشاورزی جمهوری آذربایجان (۵۰۰۰۰۰ جلد کتاب)؛
۶. کتاب‌خانه علمی - فنی جمهوری آذربایجان (۷۱۰۰۰۰۰ جلد کتاب)؛
۷. کتاب‌خانهٔ جوانان جمهوری آذربایجان (۳۶۰۰۰۰۰ جلد کتاب)؛
۸. کتاب‌خانهٔ مرکزی شهری و بنیاد کتاب‌خانهٔ مرکزی حمل و نقل؛
۹. کتاب‌خانهٔ مرکزی کودکان شهر به نام «سعیدزاده» (۹۰۰۰۰۰۰ جلد کتاب)؛
۱۰. کتاب‌خانهٔ علمی فرهنگستان علوم آذربایجان (۱۳۰۰۰۰۰۰ جلد کتاب).

د. پایگاه‌های اطلاع‌رسانی

هرج و مرج بسیاری بر اینترنت این کشور حاکم شده است. اگر تاکنون دولت توانسته است روزنامه‌ها، مجلّات و شبکه‌های تلویزیونی را تصاحب کند و اجازهٔ نشر و پخش برنامه‌ها و مطالب دینی را ندهد، اما بر این عرصه نظارت پایینی دارد. در حالی که وهابیان و فرقه‌های منحرف و الحادی تمامی عرصه‌ها را اشغال کرده‌اند، اما فعالان عرصهٔ دینی شیعه فقط چند پایگاه اینترنتی دینی فعال دارند. تعدادی از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اسلامی فعال شیعیان در این کشور عبارت است از:^۱

[www. Islamaz.com](http://www.Islamaz.com);

www. Haqqyolu.com;

www. Islaminsesi.az;

www. Deyerler.az;

www. Safligmanavi.com;

www. nebz.az;

www. Islam-azeri.az;

1. www.Islaminsesi.az: 2009.

[www. Yenisharq.org](http://www.Yenisharq.org);

www. Manevisafliq.org;

www. Velfecr.com;

www. Birlik-az.org;

www. Kovser.az;

www. Bizimradio.net.

ه کتب دینی

در دوران حکومت کمونیست‌ها انتشار هرگونه کتب دینی ممنوع بود و اگرچه دین‌داران به طور مخفیانه و محدود برخی کتب و نشریات دینی را به این کشور انتقال می‌دادند، اما در صورت آشکار شدن موضوع، نیروهای امنیتی به شدت برخورد می‌کردند.

در سال‌های ابتدایی پس از فروپاشی شوروی، آزادی‌های نسبی برای ورود ادبیات دینی شیعه از ایران وجود داشت و به صورت پراکنده و بدون توجه به نیازمندی‌های واقعی، اقداماتی در جهت انتقال این نوع کتب انجام پذیرفت، اما با تثبیت حکومت این کشور و ترس از اسلام‌گرایی، انتقال هر نوع کتاب دینی ممنوع شد. گمرک‌های این کشور با حساسیت بالا از ورود کتاب‌های دینی شیعی جلوگیری می‌کنند. انتشار کتاب‌های دینی نیز تحت نظارت شدید دستگاه‌های حکومتی است. البته فرقه‌های سلفی و بهایی و میسیونرهای مسیحی در چند سال گذشته با مجوز حکومت توانسته‌اند انبوه کتب دینی خود و حتی کتاب‌های ضدشیعه را با قیمت‌های بسیار پایین و حتی رایگان در اختیار مردم قرار دهند، در حالی که شیعیان برای انتشار کتاب‌های دینی‌شان با مشکلات زیادی مواجهند.

انتشارات «الهدی» وابسته به رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران تنها مرکزی است که در چند سال گذشته اقدام به توزیع و انتشار کتب دینی کرده که البته با بهانه‌گیری‌ها، اتهامات و محدودیت‌های حکومت این کشور مجبور به

توقف فعالیت‌های خود شده است.

یکی از اصلی‌ترین فعالیت‌های گروه‌های شیعهٔ اسلام‌گرا و دین‌داران در چند سال گذشته ترجمه و چاپ و انتشار منابع اصیل دینی در این کشور بوده است که با موافقت نهادهای حکومتی توانسته‌اند آنها را ترجمه کنند و در اختیار جویندگان مبانی دینی قرار دهند. ترجمهٔ قرآن کریم، نهج البلاغه، اصول کافی، تفسیر المیزان، زندگی‌نامه و پیام امام خمینی علیه السلام به گورباچف و صدها کتاب از آثار شهید مطهری، آیه‌الله مصباح، امام خمینی علیه السلام، آیه‌الله سبحانی و دکتر شریعتی از جملهٔ این آثار است که روز به روز بر جویندگان این کتاب‌ها افزوده می‌شود. یکی از مطبوعات نه چندان موافق با مبانی دینی می‌نویسد:

در بازدید از چند کتاب‌فروشی سیّار و ثابت شهر، فروشندگان بیان داشتند: علاقه به کتب دینی در میان جوانان افزایش یافته است. این در حالی است که در ۱۵ سال اخیر شمار افرادی که کتاب می‌خوانند بسیار کاهش یافته است. این را نیز با جالب توجه نبودن کتاب‌ها، مشکلات مادی خریداران کتاب و یا نداشتن وقت برای کتاب‌خوانی در ارتباط می‌دانند. اما امکان فروش کتاب‌های دینی همیشه وجود دارد و قریب ۶۰-۷۰ درصد کتاب‌هایی که فروخته می‌شود کتب دینی است. در این میان، قرآن و ادعیه سرآمد است. توجه قشر میان‌سال به کتب دینی کم است؛ زیرا جوانی آنها در دورهٔ شوروی (سابق) سپری شده است. اکثریت بانوان محجّبه را نیز قشر جوان تشکیل می‌دهد. علاقه‌مندی قشر جوان به کتب دینی نسبت به قشر میان‌سال بسیار متفاوت است. کتاب‌های دینی موجود در فروشگاه‌ها دارای موضوعات و عناوین گوناگون است. مؤلفان بیشتر آنها خارجی‌اند و این کتاب‌ها به زبان آذربایجانی ترجمه شده‌اند. در میان آنها، کتب دینی با موضوعات تاریخ اسلام، مراسم دینی و عبادتگاه‌های دینی بیش از دیگر کتاب‌ها دیده می‌شود. کتاب‌های مربوط به سایر ادیان نیز در میان کتاب‌های دینی وجود دارد که غالباً دارای چاپ‌های نفیس است. فروش کتب دینی، که با

حروف «کریل» چاپ شده است، هنوز هم ادامه دارد. بیشتر این قبیل کتاب‌ها در سال‌های دهه ۹۰ ترجمه شده است. به گفته فروشدگان، علاقه‌مندی به کتب دینی در ایام رمضان و محرم بیش از سایر مواقع است. به سبب افزایش تعداد کسانی که در این ماه‌ها روزه می‌گیرند و نماز می‌خوانند، فروش کتب دینی نیز افزایش می‌یابد. از میان کتبی که بیشتر مورد توجه جوانان قرار دارد، می‌توان توصیه‌های پیامبر برای ازدواج، احادیث امام علی علیه السلام و تفاسیر قرآن را نام برد.^۱ خلأ زیادی برای عرضه کتاب‌های دینی و در مقابل، ممانعت‌های شدید حکومت برای انتشار، ورود و عرضه این نوع کتاب‌ها وجود دارد که این برای مردم اصلی‌ترین معضل به شمار می‌آید.

و. شبکه‌های تلویزیونی و برنامه‌های مذهبی

در حال حاضر، در جمهوری آذربایجان هفت شبکه تلویزیونی (ITV, ATV, SPACE, ANS, AZTV, Lider و XAZAR) فعالیت می‌کنند. علاوه بر این شبکه‌های داخلی، چند شبکه از کشورهای ترکیه و روسیه نیز در این کشور مجوز فعالیت گرفته‌اند که در دو سال اخیر، محدود شده‌اند. شبکه تلویزیونی و رادیویی «سحر»، که توسط ایران رله می‌شود و طرفداران بسیاری پیدا کرده است و همچنین بعضی از شبکه‌های منطقه‌ای نیز در این کشور فعالیت محدودی دارند. به جرئت می‌توان گفت که در این شبکه‌ها مسائل دینی مطرح و یا تبلیغ نمی‌شود و اگر هم در خصوص مسائل دینی بحثی شود بیشتر انحرافی و یا ضد دینی است و در مقابل، برنامه‌های فاسد و غیراخلاقی بیداد می‌کند که این موضوع با اعتراضات گسترده اسلام‌گرایان نیز مواجه شده است.

برنامه‌های مذهبی: با هدف گسترش برنامه‌های دینی، بعضی از مؤمنان این کشور

تلاش کرده‌اند با رایزنی‌های مختلف با مسئولان شبکه‌های تلویزیونی، برنامه‌های مذهبی هرچند کوتاه و موقتی در بعضی از شبکه‌ها پخش کنند و یا فیلم‌های تاریخی ساخته شده در ایران را ترجمه و پخش نمایند. مرکز مطالعات «ینی شرق» (شرق نو) طی گزارشی که در پایگاه اطلاع‌رسانی خود منتشر نموده، به بررسی برنامه‌های مذهبی در شبکه‌های تلویزیونی در طول دو دهه اشاره کرده است:

شبکه AZTV در سال ۱۹۵۶ تأسیس شده است. از زمان تأسیس تا زمان استقلال جمهوری آذربایجان، این شبکه هیچ فعالیتی در جهت معرفی دین اسلام انجام نداده و بعکس تلاش‌های زیادی برای تضعیف دین اسلام نموده است. پس از استقلال، یعنی از سال ۱۹۹۰ تاکنون برای سرپوش گذاشتن بر اشتباهات گذشته خود، در خصوص دین اسلام، به تدریج، شروع به طرح مسائل دینی نموده است که اولین برنامه آن «حقین درگاهی» بود. در حال حاضر نیز این برنامه در روزهای پنجشنبه به مدت ۱۵ دقیقه روی آنتن می‌رود. مجری برنامه کوتاه «حقین درگاهی» (درگاه حق) پروفیسور واسیم ممد علی‌اف است. این برنامه بر مردم تأثیرگذار نیست؛ چراکه طراح صحنه و مجری آن ضعیف است و هر هفته این برنامه درباره یک موضوع خاص بحث می‌کند که برای بیننده خسته‌کننده است.

در سال ۱۹۹۷ نیز برنامه دیگری از شبکه تلویزیونی AZTV با عنوان «اسلام اولدوغی کیمی» (اسلام آن‌گونه که هست) پخش شد. به دلیل آنکه این برنامه هفته‌ای یک ساعت پخش می‌شد، توانست مخاطبان زیادی به دست آورد. با اینکه این برنامه می‌توانست خواسته‌های دینی مخاطبان خود را به راحتی و به صورت جزئی تأمین کند ولی پس از چهار سال فعالیت، به دلیل تلاش‌های بدخواهان تعطیل گردید و مجری برنامه، خانم سولماز امیرلی، به دلیل داشتن حجاب اسلامی، از فعالیت در تلویزیون برکنار شد.

ANS پس از AZTV قدیمی‌ترین شبکه تلویزیونی است. این شبکه اولین شبکه تلویزیونی خصوصی است. برنامه تلویزیونی «رنگارنگ» اولین برنامه دینی را با نام «الهی ویتامین» اجرا نمود؛ ولی این برنامه نیز نتوانست طرفداران قابل توجهی کسب کند. بنا به اظهارات بعضی از دین‌داران، موضوعات دینی که در این برنامه مطرح می‌شد، نتوانست جایگاه اصلی خود را در میان مردم پیدا کند و برنامه‌ها و موضوعات مطرح شده در این برنامه مطابقتی با برنامه‌های دینی موجود در آذربایجان نداشت. پخش این برنامه نیز پس از مدت کوتاهی متوقف شد.

از اوایل سال ۲۰۰۷ برنامه «اللّه حقی» از این شبکه پخش شد. این برنامه نیز دوام زیادی نیاورد و با موانع زیادی برخورد کرد و با مخالفت شدید رهبران «رسانه‌های دیداری» تعطیل شد. با توجه به اینکه در آن مقطع زمانی برنامه‌های دینی دیگری اجرا نمی‌شد، اما شبکه ANS در برنامه‌های خود از اسلام‌شناسان استفاده کرد و با فاصله کمتری در خصوص معرفی اسلام و ریشه‌های آن تلاش‌هایی انجام داد و در همین زمینه، فیلم‌های دینی نیز از این کانال پخش گردید که نمایش فیلم «محاصره امام حسین (علیه السلام)» در ماه محرم، که در سال ۲۰۰۸ پخش گردید، از آن جمله بود.

از شبکه Space، که از سال ۱۹۹۸ تأسیس شده، تنها یک برنامه دینی پخش شده و آن هم برنامه «گنج هم صحبتی» بوده است. در مدت کوتاهی، این برنامه نتوانست در میان مخاطبان جای پای باز کند و قریب دو سال ادامه یافت؛ اما مخالفان دین نتوانستند آن را تحمل کنند و این برنامه دینی نیز همانند دیگر برنامه‌های دینی نتوانست به فعالیت خود ادامه دهد.

در سال ۲۰۰۵ به درخواست شورای اروپا، «تلویزیون اجتماعی» (I.T.V) شروع به فعالیت نمود و به پخش برنامه‌های دینی «جمعه صحبتی» پرداخت. این شبکه نقشی اساسی در پیشبرد مسائل دینی و تبلیغ آنها ایفا نموده و از زمانی که

I.T.V شروع به فعالیت نموده است، هر روز جمعه این برنامه پخش می‌شود. این برنامه با سیاست خاص دینی، توانسته است در کمترین زمان، طرفداران زیادی را به خود جلب نماید. مجریان این برنامه ناطق رحیم‌اف و الشن مصطفی اغلو بودند که الشن مصطفی اغلو پس از مدتی در شبکهٔ ANS مجری برنامهٔ «اللّه حقی» شد. متأسفانه چون این برنامه با سیاست‌ها و خواست‌های مسئولان شبکهٔ سنخیت نداشت، در اکتبر سال ۲۰۰۷ تعطیل شد، اما پس از تعطیلی آن، برنامهٔ دیگری با نام «دین و جمعیت» با همان دیدگاه و همان مجری و طراح صحنه روی آنتن رفت. برنامهٔ مذکور با اینکه به نام دین افتتاح شده بود، ولی برنامه‌ها و سخنرانی‌هایش را در مقایسه با برنامهٔ «جمعه صحبتی» نمی‌توان به حساب معرفی دین اسلام گذاشت و این موضوع با ماهیت اصلی برنامه همخوانی ندارد؛ چراکه هنوز سال اول این برنامه سپری نشده است و نمی‌توان به طور دقیق در خصوص محتوای آن اظهار نظر نمود. اکنون این برنامه با پشتیبانی «فوند اوراسیا»، که یک تشکیلات آمریکایی است، پخش می‌شود.

از پخش برنامه‌های دینی در دو شبکهٔ تلویزیونی Lider و AZTV خبری نیست. در شبکهٔ تلویزیونی جدید Xazar.tv هم هیچ برنامهٔ دینی تاکنون مشاهده نشده است.

در اواخر سال ۲۰۰۶ از سوی معاونت اجرایی ریاست جمهوری، پخش برنامه‌های دینی از تلویزیون ممنوع اعلام شد. در سپتامبر سال ۲۰۰۷ نیز فرمان دیگری به مسئولان شبکه‌های تلویزیونی ارسال و در آن مخالفت شدیدی با اجرای برنامه‌های دینی و همچنین تعطیلی و عدم فعالیت این نوع برنامه‌ها اعلام شد و شبکه‌های تلویزیونی نیز از ترس بسته شدن، تمامی برنامه‌های دینی تلویزیونی را به یکباره تعطیل کردند.^۱

1. See. www.yenisharq.Org , August2008.

یکی از اقداماتی که در طی یک دهه گذشته توسط دین‌داران صورت گرفته، ترجمه و پخش مجموعه‌های دینی، تاریخ اسلام و همچنین فیلم‌ها و مجموعه‌هایی بوده که از شبکه‌های تلویزیونی جمهوری اسلامی ایران پخش شده است. مجموعه‌های «امام علی علیه السلام»، «تنهاترین سردار»، «معصومیت از دست رفته»، «حضرت عبدالعظیم علیه السلام»، «ولایت عشق» و همچنین مجموعه‌های اجتماعی «شهریار»، «اغما»، «آخرین گناه» و «شب دهم» از آن جمله است که پس از سفر مسئولان بعضی از شبکه‌ها به ایران و تفاهم‌نامه همکاری تحقق یافته است.

ز. شبکه‌های رادیویی

ساختار رادیو در آذربایجان شباهت زیادی به شبکه‌های تلویزیونی دارد. در میان رادیوها نیز رادیویی که مخالف سیاست‌های دولت باشد، وجود ندارد. از دیدگاه سیاسی، هر رادیو وظیفه دارد از خط و خطوط سیاسی ادارات دولتی حمایت کند. اکنون در جمهوری آذربایجان دوازده ایستگاه رادیویی مشغول فعالیت است. اولین رادیوی آذربایجان سال ۱۹۹۲ در زمان اتحاد جماهیر شوروی (سابق) آغاز به فعالیت کرد که «رادیوی دولتی آذربایجان» نام داشت. رادیو آذربایجان، که با فرکانس ۸۸ بر روی موج FM برنامه پخش می‌کرد، قالب برنامه‌هایش علمی، فرهنگی و اجتماعی بود.

رادیو «آینس» اولین رادیوی خصوصی - نه تنها در آذربایجان - بلکه، در کل قفقاز جنوبی و آسیای میانه، با تفاوت‌هایی از رادیوی دولتی، برنامه‌های متنوع پخش می‌کند. «آینس» فعالیت خود را در ۲۸ ماه می سال ۱۹۹۴ همزمان با روز اعلام استقلال جمهوری آذربایجان آغاز کرده است.

دومین رادیو با نام «Space FM» سال ۱۹۹۷ در آذربایجان فعالیت خود را آغاز کرد. این رادیو با فرکانس ۱۰۴ بر موج FM با هدف پخش ترانه‌های ملی در میان مردم جایگاه خاصی پیدا کرد، ولی اکنون با گذشت بیش از یازده سال،

طرفداران چندانی ندارد. «بورچ اف ام» سومین رادیوی خصوصی با فرکانس ۱۰۰/۵ بر روی موج FM فعالیت خود را در ۲۵ آوریل سال ۱۹۹۸ آغاز کرده است و از سوی جمعیت «نورچی‌های ترکیه (فتح الله چی لار) تأمین مالی و اداره می‌شود.

رادیو «آنتن» یکی از رادیوهای خصوصی بیش از هشت سال است که با فرکانس ۱۰۱ بر روی موج FM مشغول فعالیت است. به عبارت دقیق‌تر، رادیو «آنتن» از آوریل سال ۲۰۰۰ فعالیت خود را رسماً آغاز کرده است.

رادیو «لیدر» نیز در ۱۵ نوامبر سال ۱۹۹۹ فعالیت خود را آغاز کرد. این رادیو غالباً به موسیقی و هرچه در این زمینه باشد می‌پردازد.

رادیو «اجتماعی» نیز در ۱۰ ژانویه سال ۲۰۰۶ همزمان با روز عید قربان فعالیت خود را آغاز کرد.

رادیو «اف ام ۱۰۶» متعلق به شرکت تلویزیونی آذربایجان آزاد از سال ۲۰۰۰ فعالیت خود را آغاز کرد. این رادیو، که به بخش ترانه‌های خارجی می‌پردازد، مدتی به دوست داشتنی‌ترین رادیوی جوانان تبدیل شد. این رادیو با فرکانس ۱۰۶/۳ بر روی موج FM پخش می‌شود و با داشتن سیاستی خاص، متفاوت با دیگر رادیوها عمل می‌کند.

رادیو «یورو پاپلاس» که فعالیت خود را از نوامبر سال ۱۹۹۸ آغاز کرده، با فرکانس ۱۰۷/۷ بر روی موج FM پخش می‌شود.

رادیو «آزادلیق» نیز هم‌اینک با فرکانس ۱۰۱/۷ بر روی موج FM به پخش برنامه می‌پردازد. این رادیو از اوایل دهه ۹۰ تاکنون با موج AM از شهر پراگ پخش می‌شده است. اخیراً مدیریت این رادیو در باکو به مراتب تقویت شده و با فرکانس ۱۰۷/۷ بر روی موج FM با مخاطبان خود ارتباط برقرار می‌کند. این شبکه رادیویی از سوی نهاد ریاست جمهوری آذربایجان تأمین مالی می‌شود.

یکی از شبکه‌های رادیویی، که در ساختمان رادیوی آذربایجان به زبان آذری

برنامه پخش می‌کند، رادیو «بی بی سی» است. این شبکه رادیویی بیش از ۱۳ سال است که برنامه پخش می‌کند. اما از زمان شروع فعالیت این رادیو با فرکانس ۱۰۳/۳ بر روی موج FM تنها حدود پنج سال می‌گذرد؛ چراکه این رادیو در اوایل، کار خود با فرکانس رادیوهای گوناگون با مخاطبان خود ارتباط برقرار می‌کرد.^۱

۵. مساجد و اماکن مقدّس مذهبی

الف. مساجد

ساخت و توسعهٔ مسجد در جمهوری آذربایجان قدمتی دیرینه دارد. هنگام ورود اسلام به این منطقه، مسلمانان در اولین اقدام، مساجد جمعه را ایجاد کردند. اولین مسجد در سال ۷۳۳م در شهر «دربند» (که اکنون جزو روسیه است) و دومین مسجد در سال ۷۴۳م در شهر «شاماخی» احداث شد.^۲ پس از آن، در طول تاریخ و به دنبال افزایش جمعیت، مساجد بیشتری احداث شده است، به گونه‌ای که پیش از استقرار نظام کمونیسم در جمهوری آذربایجان قریب دو هزار مسجد در این کشور فعال بوده، اما پس از سال ۱۹۳۰ بیشتر مساجد یا تعطیل شده‌اند یا کاربری آنها را تغییر داده‌اند و با قطع ارتباط مناطق مسلمان‌نشین از سایر ملت‌های مسلمان و ایجاد نفاق و اختلاف بین شیعه و سنی، به پیشبرد اندیشهٔ «دین افیون ملت‌هاست»، به ترویج آن پرداخته‌اند.

پس از استقلال جمهوری آذربایجان، بسیاری از مساجد بازگشایی شدند. دین‌داران در شهرها و روستاهای کشور به تعمیر، بازسازی و احداث مساجد و زیارتگاه‌ها پرداختند و تلاش کردند تا مساجد و زیارتگاه‌ها کارکردهای گذشتهٔ خود را احیا کنند.

1. Davat Zornali, Baku, June, 2008.

2. www.azarbayjan.az, fatollahov, Baku. 2007.

به گفتهٔ هدایت اروج‌اف، رئیس کمیتهٔ امور دینی دولت، اکنون ۱۷۵۰ مسجد، زیارتگاه و مکان مذهبی در جمهوری آذربایجان فعال است که از این تعداد ۸۰۰ مسجد به طور دائم فعالیت دارد که ۳۰۰ مسجد آن از سوی دولت مجوز فعالیت دریافت کرده است و قریب ۱۰۰۰ مسجد نیز بدون مجوز فعالیت می‌کند.^۱ بیشتر این مساجد متعلق به شیعیان بوده و تعداد کمی از آنها متعلق به اهل سنت است. اما در مناطقی که شیعیان و سنی‌ها به طور مشترک وجود دارند، مساجد آن مناطق نیز میان اهل سنت و شیعیان مشترکاً استفاده می‌شود. در این مساجد، نمازهای جماعت جداگانه و در دو نوبت برگزار می‌شود. در برخی از مناطق هم - البته به ندرت - اهل سنت و شیعیان نمازهای جماعت را به صورت مشترک برپا می‌کنند.

در سال ۲۰۰۱ مرکز رایزنی فرهنگی ایران از طریق انتشارات «الهدی» در جمهوری آذربایجان اقدام به تدوین کتابی با نام

Azerbaycan Respublikasi Masicidlarinin Ensiklopediyasi

کرد که در آن تمام مساجد، زیارتگاه‌ها و اماکن مذهبی به تفکیک شهرها و روستاهای این کشور جمع‌آوری و توصیف تاریخی شده است.^۲ ۱- مساجد شهر باکو: این شهر بیش از دو میلیون نفر (قریب ۲۵ درصد) از جمعیت کشور را در خود جای داده است. تعداد مساجد این شهر نسبت به جمعیت آن بسیار پایین است و یکی از اصلی‌ترین دلایل آن محدودیت‌ها و ممانعت‌های حکومت است.

در توصیف مساجد شهر باکو نمی‌توان از وجود دو شیعهٔ معتقد، یعنی، حاج ایلقار ابراهیم اوغلی، رئیس «مرکز دفاع از آزادی اعتقادات دینی» (DEVVAM)

۱. خبرگزاری آران، ۷ اردیبهشت ۱۳۸۷.

۲. کتاب مزبور توسط رایزنی فرهنگی ج. ا. ا. در باکو تهیه و توسط انتشارات «الهدی» در سال ۲۰۰۱ به چاپ رسیده است.

و امام جماعت سابق مسجد جمعه، و حاج شاهین حسن لی، امام جماعت مسجد «مشهدی»، که مردم گرد آنها جمع می‌شوند، غافل شد. قامت سلیمان‌اف، سنتی مذهب را نیز می‌توان به عنوان رهبر سلفی‌های وهابی در مسجد «ابوبکر» معرفی کرد. مهم‌ترین مساجد باکو عبارتند از:

الف. مسجد تازه پیر: مسجد بزرگ و مرکزی شهر باکو است که حتی در زمان حکومت کمونیست‌ها نیز باز بود؛ یعنی یکی از دو مسجد فعال این دوران بود. این مسجد دولتی است و متولی آن الله شکرپاشازاده، رئیس اداره روحانیان قفقاز، است. همه روزه در آن نماز جماعت برپاست، اما استقبال جوانان و نوجوانان از آن بسیار کم است و بیشتر محل حضور افراد سال‌خورده و کسانی است که با فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی ارتباطی ندارند. گنبد آبی و قرار گرفتن در بخش مرکزی شهر در میان بافت سنتی از ویژگی‌های آن است. اداره روحانیان قفقاز تلاش‌های زیادی کرده است تا این مسجد محور سایر مساجد قرار گیرد و چند گردهمایی و همایش دینی را نیز در آن برگزار کرده است.

ب. مسجد جامع ایچری شهر: این مسجد در میان شیعیان اهمیت زیادی دارد و تا سال ۲۰۰۳ محل تجمع جوانان «تشکل اجتماعی اتحاد اسلام» بود که تحت نظارت مجمع دینی مسجد «جمعه» اداره می‌شد. اداره‌کنندگان این مسجد به دلیل عدم تبعیت از اداره روحانیان قفقاز و همچنین با توجه به موضع مخالفی که این گروه نسبت به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۳ از خودشان نشان داد، با ترفندها و برنامه‌ریزی از پیش تعیین‌شده و پس از تنش‌ها و درگیری‌های مختلف، آنان از این مسجد اخراج شدند و مسجد به اداره روحانیان قفقاز تحویل گردید. چندین ماه چالش سیاسی میان حکومت و طرفداران مجمع دینی مسجد «جمعه» نتیجه‌ای نداشت و مسجدی که محل تجمع جوانان شیعه بود، به دلیل

مسائل سیاسی و ترس از تبدیل شدن موضوع این مسجد به جریان دینی - سیاسی، این مسجد در نهایت، در اختیار جمعیت «توبه» قرار گرفت و سپس به بهانه تعمیر، اکنون ده‌ها ماه است که تعطیل شده.

ج. مساجد کربلایی عبدالله، مشهدی داداش، حاج جواد، و سلطان علی: این مساجد محل تجمع مسلمانان شیعه با ازدحامی قابل توجه است که به برگزاری نمازهای جماعت می‌پردازند و محلی برای ارتباط و گردهمایی جوانان شیعه است. در این مساجد، دوره‌های آموزش دینی رایگان برای یادگیری مسائل دینی و همچنین قرآن از جمله قرائت و تجوید برگزار می‌شود. همچنین در برخی مواقع در آنها سخنرانی و نیز خطبه‌های روز جمعه و مراسم دینی و سفره‌های احسان برگزار می‌شود. مسجد «مشهدی داداش» بارزترین و اصلی‌ترین مسجدی است که صدها نفر از جوانان و نوجوانان را گردهم می‌آورد. در روزهای جمعه، در مراسم عزاداری، شب‌های احیا و شب‌های جمعه به دلیل پر شدن ظرفیت مسجد، مردم در کوچه‌های اطراف تجمع می‌کنند و به آیین‌های مذهبی می‌پردازند. امام جماعت مسجد حاج شاهین حسنی است. سخنرانی‌های ایشان جذاب است. می‌گویند: ایشان به سبک آقای اجاق نژاد، رایزن فرهنگی ایران، سخنرانی می‌کند. اگرچه کمتر سیاسی صحبت می‌کند، اما در قالب دعا، مطالب خود را بیان می‌نماید. در عین حال، در مقاطع خاصی همچون حوادث غزه موضع‌گیری تندی علیه رژیم صهیونیستی دارد که با تکبیر نمازگزاران همراه می‌شود. این مسجد ظرفیت بالایی برای بیان مسائل اجتماعی و فرهنگی دارد. تقریباً بیشتر ساعات شبانه روز باز است و کلاس‌های عقاید، احکام و قرآن در آن دایر است. اگرچه مساجد دیگر همچون این مسجد رونق ندارند، اما اصلی‌ترین وجه تمایز این مساجد حضور پر رونق جوانان و نوجوانان با شور و شوق بسیار در آنهاست.

د. مسجد اژدربیگ: یکی دیگر از مساجد معروف شهر باکو، مسجد «اژدربیگ» بوده که در میان مردم به نام «گوی مسجد» معروف است. در دوران شوروی (سابق)، مسجد «تازه پیر» مخصوص شیعیان بود، ولی این مسجد هم به سنی‌ها و هم شیعیان اختصاص داشت که بر این اساس، دو امام جماعت در آن مسجد فعالیت می‌کردند. هنگام اذان، ابتدا نماز جماعت توسط امام جماعت سنی‌ها و پس از آن نماز جماعت شیعیان برگزار می‌شود. این روند همچنان ادامه دارد. وقتی داخل مسجد می‌شوی با نمازگزارانی مواجه می‌گرددی که عده‌ای به سبک شیعیان و عده‌ای دیگر همچون سنی‌ها نماز می‌خوانند، اما کمتر زمانی اتفاق می‌افتد که اختلافات مذهبی ایجاد گردد.

ه. مسجد ترک‌های منطقه قره چوخور: این مسجد با نام مسجد «ترک‌ها» میان ساکنان این محل شناخته می‌شود و اصل بنای آن را شخصی به نام حاج صالح در سال ۱۹۹۶ بنا نهاده است. در این مسجد، ابتدا سنی‌ها نماز به جای می‌آوردند و تعدادشان قریب ۶۰ نفر است و پس از آنها شیعیان به تعداد ۷۰ نفر به امامت حاج ایلقار نماز می‌گزارند.

و. سایر مساجد مهم شهر باکو: مسجد حضرت امام خمینی علیه السلام منطقه بلبله باکو، مسجد «حضرت زهرا علیها السلام» منطقه ینی گونشلی، مسجد «حضرت زهرا علیها السلام» میدان فضولی، مسجد «جمعه» و مسجد «امام زمان (عج)» روستای مشت آقا، مسجد «امام رضا علیه السلام» محله باکی خان‌اف، حسینیه «حضرت زهرا علیها السلام» منطقه بادام‌دار، مسجد «کربلای عبداللّه» منطقه بش مرتبه، مسجد «مرتضی مختار» روستای امیرجان، مسجد «امام جعفر صادق علیه السلام» محله باکی خانوف، مسجد «کشله»، مسجد «امام جعفر صادق علیه السلام» بازار فرودگاه، مسجد «گللی» ایجری شهر، مسجد «حضرت علی علیه السلام»، مسجد «حضرت رسول» ایجری شهر، مسجد «سپان‌اف»، مسجد «امام حسین علیه السلام»، و مسجد «احمدلی» از دیگر مساجد شیعیان این شهر هستند.

مساجد وابسته به اهل تسنن و وهابی‌ها: مسجد «لزگی‌ها»، مسجد «شهید لر» و مسجد «یاسامال» از جمله این مساجد هستند. پیش از فروپاشی شوروی در شهر باکو، مسجد اختصاصی برای سنی‌ها وجود نداشت، اما پس از فروپاشی شوروی با تلاش سران مسجد «ایچری شهر»، مسجد «لزگی‌ها» برای سنی‌ها در نظر گرفته شد. بعدها نیز در مناطق مهم دیگر شهر دو مسجد به اهل سنت اختصاص یافت که یکی از این مساجد مسجد «شهید لر» است که توسط متولیان دینی ترکیه احداث شده. این مسجد بر اساس مطالعات صورت گرفته در یک محل بسیار مناسب ساخته شده و یکی از پایگاه‌های مهم وهابی‌ها پس از مسجد «ابوبکر» است. به گونه‌ای که پس از واقعه مسجد «ابوبکر» وهابی‌ها در این مسجد نماز جمعه دایر می‌کردند. در منطقه یاسامال شهر باکو نیز مسجد بزرگی به نام مسجد «الهیات» با مشارکت دولت ترکیه ساخته شده و در جوار آن مدرسه دینی این کشور نیز فعالیت دارد. اگرچه سبک ساخت آن همچون سنی‌ها بوده و برای استفاده نوری‌های اهل سنت طراحی شده است. اما در آن هیچ محدودیتی برای شیعیان وجود ندارد. این مسجد نیز مانند مسجد «اژدر بیگ» محل حضور شیعیان و سنی‌هاست.

ز. مسجد ابوبکر: این مسجد در سال ۲۰۰۳ توسط تشکیلات «احیاء التراث الاسلامیه» و با حمایت مالی وهابی‌های کویت و عربستان احداث شده است. پس از باز شدن درهای کشور به سوی تمامی فرق اسلامی و غیراسلامی، وهابی‌ان عربستان و کویت نیز از فرصت استفاده کردند و این مسجد را برپا ساختند. تبلیغات بسیاری شد و منابع مالی صرف گردید و به وهابی‌ها مبلغ کلانی اعطا گردید تا در مسجد حضور یابند. به تدریج، این مسجد به یکی از پرازدحام‌ترین مساجد کشور تبدیل شد، به گونه‌ای که در روزهای جمعه از نقاط گوناگون کشور و با ماشین‌های شیک قریب یکهزار نفر از وهابی‌ها در این مسجد جمع می‌شوند. قامت سلیمان‌اف امامت جماعت این مسجد را در اختیار داشت.

به تدریج، اعتراض‌های مردمی زیاد گردید و خانواده‌ها از رویکرد فرزندانشان نگران شدند. به دلیل فعالیت‌های مخرب وهابیان در کشورهای گوناگون، در این کشور نیز علایم آن مشاهده گردید. حکومت این کشور از سال ۱۳۸۶ به تدریج از حضور این فرقه احساس خطر نمود. در نتیجه، چندین گروه به اتهام فعالیت‌های تخریبی بازداشت شدند و احکام قضایی سنگینی بر آنها وضع شد و در رسانه‌ها نیز تبلیغات شدیدی علیه آنها انجام گرفت.

در ۱۷ ماه آگوست سال ۲۰۰۸ خبر انفجار بمب و کشته و مجروح شدن چندین نفر در مسجد «ابوبکر» و در حالی که نماز جماعت برگزار می‌شد، در رسانه‌ها و مطبوعات کشور به شدت پیچید و در حالی که انتظار می‌رفت اختلافات شدید مذهبی ایجاد شود و تعدادی از رسانه‌ها نیز موضوع را به شیعیان نسبت می‌دادند، اما با موضع‌گیری به هنگام تشکّل‌های اسلامی شیعه و محکومیت این انفجارها^۱ و دعوت آنها به آرامش و اعلام اینکه نیروهای بیگانه خارجی در این حادثه دخالت دارند^۲ و هدفشان ایجاد اختلافات مذهبی بین برادران سنی و شیعه است^۳ و همچنین دخالت مؤثر حکومت، از دامنه بحران کاسته شد. حکومت از فرصت موجود استفاده کرد و با این ادعا که احتمال انفجارات بعدی نیز محتمل است و همچنین جلوگیری از تشدید بحران، اقدام به تعطیلی مسجد نمود که تاکنون بسته مانده است. پس از این انفجارها، بسیاری از مسائل پشت پرده افشا شد و در گزارش ۲۷ آبان ۱۳۸۷ روزنامه نی مساوات اعلام شد که مقامات اداره روحانیان قفقاز برای صدور مجوز ساخت مسجد «ابوبکر» در باکو، در سال ۲۰۰۳ بیش از سه میلیون دلار از وهابی‌های کویت و چند کشور دیگر عربی رشوه دریافت کرده‌اند. همچنین بابطین بن عبدالعزیز، از

۱. خبرگزاری ترند نیوز، ۱۷ اوت ۲۰۰۸.

۲. روزنامه باکو‌خبر، ۳۱ شهریور ۱۳۸۷.

۳. روزنامه بیزیم یول، ۳۰ مرداد ۱۳۸۷.

سرمایه‌داران کویته، مبلغ ۸۰۰ هزار دلار برای کمک به ساخت بنای دانشگاه اسلامی باکو به مقامات دینی این کشور پرداخت کرده است. اما این مبلغ نیز به طور مرموزی ناپدید شده و وی با انجام مکاتباتی، در حال پی‌گیری چگونگی گم شدن کمک مالی خودش است.

ح. مسجد عاشور: این مسجد سومین پایگاه فرقه وهابیت است که در ایچری شهر واقع شده. پیش از واقعه مسجد «ابوبکر»، فعالیت تبلیغاتی این مسجد نیز بالا بود. این مسجد یکی از مساجد کوچک ایچری شهر محسوب می‌شود. به همین دلیل، وهابیان برای برپایی نماز جماعت، کوچه مقابل این مسجد را نیز می‌بندند و در بیرون مسجد نماز بر پا می‌کنند.

۲- مساجد اراضی اشغالی: مساجد، زیارتگاه‌ها و اماکن مذهبی بسیاری در ۲۰ درصد از اراضی این کشور، که توسط ارمنستان اشغال شده است، وجود داشت که متأسفانه - آن‌گونه که اخبار اعلام کردند - از بین رفته است. قبرستان‌هایی هم که قدمتشان به قرون وسطا و یا پیش از آن برمی‌گردد، با خاک یکسان شده و در تلاشند تا عدم تعلق این منطقه به جمهوری آذربایجان را به اثبات برسانند. در اواخر قرن نوزدهم در شهر «شوشا» قریب هفده مسجد به نام‌های «یوخری جامع»، «آشاعی جامع»، «مال بیلی»، «حاج یوسف علی»، «حیدری»، «دمیرچی»، «حاج میر جانلی»، «چوخور»، و مساجد روستای «قاپان» فعالیت می‌کردند. علاوه بر اینها، در خود شهر دو مسجد، که توسط کربلایی شفی خان قره‌باغی فعالیت می‌کردند، و مسجد دومناره‌ای «گوهر آقا» از مشهورترین این مساجد هستند. در شهر آغدام نیز مسجد «شهر» و مسجد روستای مرزلی و مسجد روستای گولابلی متعلق به قرن هجدهم وجود داشت. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در شهر جبارلی پانزده مسجد وجود داشت. در سال ۱۶۰۰ مسجد موجود در روستاها به عنوان مدرسه نیز استفاده می‌شد. بعدها در همین مدارس، شاعر سرشناس آذربایجانی ملّا ولی و دادی نیز به تدریس پرداخت. مساجد موجود در

روستاهاى داشکسن، پاپى، سلیمانلى، قویجاق و در دیگر روستاها، «گنبد سر بریده» (باش کسیه گونبز) نیز از مساجد معروف بودند. در روستاهاى داغستان، گنبدهاى موجود در روستاهاى شیخلر مربوط به قرن چهاردهم و مسجد روستای خوبارلی مربوط به قرن هفدهم، مسجد «مازان ننه»، «آغ اوغلان» و دیگر زیارتگاهها موجود بود. در شهر فضولی، مسجد «حاج علی اکبر»، مسجد مجاور کاروانسرای شاه عباس به نام «قیاس الدین» - که اهالی محلی آن را به نام مسجد «شاه عباس» می‌شناسند - مساجد قرن هفدهم روستای قوچ احمدلی در قاراغابازار، زیارتگاه «شیخ بابی یعقوب» در روستای بابی، از قرن سیزدهم و قبرستان‌های قدیمی زیادی نیز وجود داشت. در شهر لاپین مسجدی متعلق به قرن هجدهم در روستای جیجیم، مسجد بناشده متعلق به قرن یازدهم در روستای قره قشلاق، مسجد روستای قره گول، زیارتگاه «شیخ احمد» در روستای زیوه، و معابد و قبرستان‌های قدیمی زیادی نیز وجود داشت. در شهر کلبر، اماکن مذهبی قدیمی خداکند، لاپین قالا، لئو، اولخان، قالا بویون، جو مرد و همچنین کلیساهای متعدد آلبانی‌ها و قبرستان‌های قدیمی زیادی وجود داشت. در زمان اشغال، در روستای دمیرچی شهر قبادلی مساجد و تعدادی زیارتگاه و قبرستان‌هایی مربوط به قرن نوزدهم متعلق به مسلمانان وجود داشت. زیارتگاه «سگیزتلی» (هشت تلی) در روستای ممدبیلی شهر زنگلان، حاجلی قولسی، زیارتگاه شهری شریفان و تعدادی زیارتگاه و قبرستان‌های قدیمی زیادی نیز وجود داشت.^۱

۳- مساجد احداث شده توسط کشورهای خارجی: تعداد ۲۰۰ مسجد نیز از سوی نهادهای - به اصطلاح - خیریه و یا عناوین دیگر توسط کشورهای خارجی ایجاد شده است. برای نمونه، ۶۳ مسجد توسط «اداره جمعیت اسلامی کویت»، ۲۸

مسجد از سوی تشکیلات غیر حکومتی ترکیه به نام «بنیاد حمایت از جوانان»، و ۸ مسجد توسط کمیتهٔ امور دینی ترکیه، چند مسجد توسط ایرانی‌ها، امارت متحدهٔ عربی، کشور قطر و سایر کشورها احداث شده است. از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ در جمهوری آذربایجان، مسجد روستای یاستی یول شهر زرداب و مسجد جمعه در شهر گویچای به همت «مرکز کمک به جوانان» به صورت رسمی احداث شده است. اما ساخت ۱۳ مسجد غیر رسمی در روستاهای کیجبه و کول آتان شهر آستارا، مولالان و روده کنار شهر ماسالی، حامار مشه شهر لریک، چند مسجد در شهر سالیان و همچنین مساجد در دست احداث شهر جلیل‌آباد متوقف شده است، ولی تعداد ۱۲ مسجد با اجازه و مساعدت کمیتهٔ امور دینی به گونه‌ای اساسی تعمیر شده که مساجد روستای سیغ داش شهر ماسالی، روستای قارا مائی شهر گویچای، گیلعلی ایچری شهر باکو و مسجد «جمعه» کوچه چین قیز از آن جمله‌اند.

ب. زیارتگاه‌ها

اگر موضوع دین‌داری (رعایت و انجام مسائل شرعی) و یا غیردین‌داری مردم این کشور را کنار بگذاریم و به رفتار آنان در زیارتگاه‌ها توجه کنیم خواهیم دید که مردم برای این اماکن احترام خاصی قایلند و زیارت این اماکن متبرک را برای خود نوعی وظیفه می‌دانند.

از ۵۵۰ زیارتگاه موجود در آذربایجان، که ۳۵ زیارتگاه در جمهوری خودمختار نخجوان قرار دارد، فقط چهارده زیارتگاه توانسته است مجوز لازم را از دولت کسب نماید و به استثنای بعضی از زیارتگاه‌ها، بقیه زیر نظر ادارهٔ روحانیان قفقاز فعالیت می‌کنند. در این زیارتگاه‌ها، از سوی اداره روحانیان قفقاز صندوقچه‌های نذر، که مهر ادارهٔ روحانیان قفقاز روی آن قرار دارد، نصب شده است و نمایندهٔ این اداره بر این صندوقچه‌ها نظارت می‌کند. با این همه، بعضی از

مسئولان این زیارتگاه‌ها از این همه پولی که در این صندوقچه‌ها جمع‌آوری می‌شود، خبری ندارند. متأسفانه در برخی موارد، با دست به یکی کردن نماینده‌های اداره روحانیان قفقاز و مسئولان زیارتگاه‌ها، علاوه بر صندوقچه‌های نذر پول‌هایی به صورت غیرقانونی و غیررسمی از زائران گرامی اخذ می‌شود.^۱

در چند سال اخیر، افزایش سلفی‌گری در کشور تأثیر خود را بر این عرصه گذاشته است. بیروان محمد بن عبدالوهاب، زیارت را نوعی بدعت و شرک در دین می‌دانند و علیه اعتقادات چند صد ساله مردم تبلیغ می‌کنند؛ اما آنچه مشهود است اینکه همه روزه بر تعداد زائران و شرکت‌کنندگان در اماکن مذهبی (چه سنی و چه شیعه) افزوده می‌شود.

زیارتگاه‌های موجود در آذربایجان را باید دو دسته دانست:

۱. زیارتگاه‌هایی که مورد توجه ویژه مردم قرار دارند و عبارتند از: زیارتگاه «میر محسن آقا» در قصبه شوولان شهر عزیز بیگ‌اف، قدمگاه «علی آباغی» در قصبه بوزونا شهر عزیز بیگ‌اف، زیارتگاه «سید احمد و سید جمال» در شهر آستارا، زیارتگاه «حاجی بابا» و «ویس بابا» در اراضی شهر آغداش، زیارتگاه‌های «امام‌زاده» و «آسف‌اف» در اراضی شهر بابک، زیارتگاه «ابراهیم افندی» در شهر اردوباد، زیارتگاه‌های «آغ بیل بابا» و «سلطان خالاج» در شهر قوبا، زیارتگاه «شیخ زاهد» در شهر لنکران، زیارتگاه «باباگیل» در شهر لریک، زیارتگاه «علی ده‌ده» در شهر تووز، زیارتگاه «قزل آغاج» و یا «سید قبری» در شهر ماسالی، مقبره «خانقاه» در شهر سالیان، مقبره «صوفی حمید» در شهر قاراداغ، زیارتگاه «پیر ساعات» در شهر شامخی، زیارتگاه «باباراتما» در شهر شکی، زیارتگاه «امام‌زاده» در گنجه، زیارتگاه «بش بارماق» در شهر سیه‌زن؛
۲. زیارتگاه‌های پراکنده در نقاط گوناگون کشور که یا آثاری از آنها بر جای

مانده و یا بیشتر به صورت محلی مورد توجه است.

در ذیل، تعدادی از زیارتگاه‌های مشهور این کشور توصیف و بررسی می‌گردد:

۱- زیارتگاه نارداران (رحیمه خاتون علیها السلام): یکی از مقدس‌ترین مکان‌ها و زیارتگاه‌های موجود جمهوری آذربایجان زیارتگاه «رحیمه خاتون» منتسب به دختر امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام در روستای «نارداران» منطقه آبشرون باکو است. بزرگان و مردم روستا معتقدند: امام‌زاده رحیمه خاتون خواهر امام رضا علیه السلام است و مردم به عظمت معنوی و کرامات و معجزات این امام‌زاده باور دارند. البته هیچ شکی در امام‌زاده بودن این مرقد وجود ندارد؛ اما در خصوص خواهر امام رضا علیه السلام بودن ایشان، تشکیک شده و عده‌ای از علما معتقدند: ایشان از نوادگان امام موسی کاظم علیه السلام و البته صاحب کرامت است.

یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلایلی که موجب رونق مناسک دینی، رعایت شئون اسلامی، وحدت مؤمنان و شیعیان، برگزاری مراسم شیعیان، بخصوص عزاداری ایام محرم و صفر و اعیاد نیمه شعبان و غدیر شده، وجود این زیارتگاه در قصبه نارداران است که نقش مهمی در زنده نگه داشتن احساسات مذهبی مردم منطقه در طول تاریخ داشته است.

هر ساله مردم زیادی از تمامی نقاط آذربایجان برای زیارت این مکان مقدس می‌آیند. زیارتگاه نارداران در قرن هشتم احداث شده است. بنا بر اسناد موجود، رحیمه خاتون ۱۲۰۰ سال پیش، از عربستان به روستای نارداران پناه آورد. پس از وفات وی، مکان دفن این امام‌زاده به مکان زیارت مؤمنان تبدیل شد. قبلاً این مکان در زیر خاک مخفی بود و ساکنان نارداران از وجود چنین مکانی بی‌خبر بودند. شیخ یونس یکی از اهالی روستای نارداران این مکان مقدس را در خواب دیده و ساکنان روستا با استفاده از دستگاه‌های خاک‌برداری توانسته‌اند این زیارتگاه را از زیر خاک بیرون آورند و دوباره آن را برپا کنند. زیارتگاه کنونی نارداران تفاوت زیادی با زیارتگاه قبلی دارد. کارهای تعمیری و نوسازی آن از

سال ۱۹۹۴ شروع شده است. حاج عدالت، متولّی این زیارتگاه، می‌گوید: این زیارتگاه با حضور اهالی روستا و زائرانی که برای زیارت به اینجا می‌آیند، رونق بیشتری گرفته است. از نذورات جمع‌آوری شده آب لوله‌کشی قابل شرب به این روستا کشیده شده و همچنین یک خانه سالمندان نیز احداث گردیده است.^۱

روستای نارداران جمهوری آذربایجان به میمنت حضور امام‌زاده معروف روستا، «خانم رحیمه خاتون علیها السلام» در طول تاریخ دو بیست ساله پس از جدایی از ایران، هویت دینی خود را حفظ کرده و عزاداری و سایر مراسم دینی در این روستا به فرهنگ تبدیل شده است. عزاداری با حضور مردم دیندار، بخصوص جوانان و نوجوانان و زنان باایمان، رونق خاصی دارد و بیش از بیست هزار نفر در غم شهادت سالار شهیدان بر سر و سینه می‌زنند. آداب و رسوم عزاداری این روستا همچون مناطق شیعه‌نشین دیگر دنیا، ضمن شباهت‌ها، دارای تفاوت‌هایی نیز هست، ولی آنچه بیشتر نمود دارد عشق وافر به امام حسین علیه السلام است. این روستا در ایّام محرم، بخصوص در روز عاشورا، محلّ رجوع و حضور ده‌ها هزار زائر و عزادار است و با تشکیل دسته‌ها و برگزاری باشکوه عزاداری به بزرگ‌ترین مرکز تجمع مردمی در داخل کشور تبدیل می‌شود و اقشار گوناگون مردمی که از شهرها و مناطق دیگر کشور در آن گرد می‌آیند با موضوعات سیاسی - اجتماعی و فرهنگی آگاه می‌شوند.

عزاداری عاشورای سال ۱۳۸۷، که همزمان با تجاوز رژیم صهیونیستی به غزه برگزار شد، به دلیل برخوردهای متعدد حکومت جمهوری آذربایجان با تجمع‌کنندگان در مقابل سفارت رژیم صهیونیستی و دست‌گیری ده‌ها تن از آنان همراه بود. بدین روی، عزاداران معترض با حضور در این روستا، ضمن برگزاری مراسم عزاداری، آن را به تظاهرات سیاسی - اجتماعی بزرگی تبدیل کردند و

مردم عزادار تنفر خود را از اقدامات جنایت‌کارانه رژیم اشغالگر قدس اعلام داشتند.

موقعیت دینی نارداران: روستای نارداران به دین‌داری و رعایت شعائر دینی در کشور شهرت دارد و به قول برخی از مؤمنان، همچون شهر قم در ایران است. در این منطقه، مدارس دینی فعال است، اگرچه حکومت در سال ۱۹۹۵ از گشایش مدرسه دینی به صورت رسمی ممانعت به عمل آورده و طالبان علوم دینی به صورت خودجوش مدارس دینی تشکیل داده و به تعلیم و تهذیب اشتغال دارند. مساجد در اوقات شرعی از نمازگزاران لبریز می‌شود و حجاب اسلامی در آنجا رعایت می‌گردد.

در این روستا، عزاداری ائمه اطهار علیهم‌السلام، بخصوص حضرت امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا، با وجود فشارها و سخت‌گیری‌های فراوان حکومتی، حتی در دوران اختناق کمونیسم نیز به صورت مخفیانه انجام می‌شد. در دوره حاکمیت کمونیست‌ها، مردم این روستا از برگزاری مجالس عزاداری منع می‌شدند. به همین دلیل، مراسم بیشتر شبانه و مخفیانه برگزار می‌شد؛ اما در اواخر حکومت شوروی (سابق)، به ویژه در داخل امام‌زاده و مساجد، مزاحمتی ایجاد نمی‌کردند و پس از فروپاشی شوروی، این عزاداری‌ها آشکارا و در کوچه‌ها و خیابان‌ها برگزار می‌شود. شعائر مذهبی و سوگواری در قالب زنجیرزنی، سینه‌زنی، روضه‌خوانی، شبیه‌گردانی، شاخسی - واخسی، احسان و اطعام، نصب پرچم‌های عزا و مانند آن اجرا می‌شود؛ اما قمه‌زنی از قدیم هم مرسوم نبوده و اکنون نیز متداول نیست. دهه اول محرم، عزاداری‌ها در مساجد به صورت عمومی و مشترک است و زن و مرد در آن با هم شرکت می‌کنند؛ اما بعد از عاشورا در منازل و مساجد و حسینیه‌ها و امام‌زاده‌ها به صورت مجزا برگزار می‌شود.^۱

۱. عبدالحسین شهیدی ارسباران، خاطرات حاج علی اکرام علی‌اف، ص ۳۶.

قصبه نارداران از گذشته محل تدریس و تحصیل طلاب علوم دینی بود، اگرچه در سال ۱۹۳۷، مصادف با اوج مبارزه با مذهب و دین‌ستیزی، علما، مؤمنان و روحانیان دینی را با شدیدترین شکنجه‌ها به شهادت می‌رساندند و قرآن‌ها را سوزاندند و مساجد را تخریب و اماکن مذهبی را به موزه‌های باستان‌شناسی و یا انبار تبدیل کردند. مساجد نارداران در زمان کمونیست‌ها به موزه اسکلت‌های تاریخی و انبار تجهیزات کشاورزی تبدیل شده بود. اثرات برجای مانده از شلیک ناجوان‌مردانه توپ‌های جنگی بر روی گل‌دسته‌ها و مناره مسجد جامع نمایان است. کتیبه‌های موجود در مسجد از زمان شیخ بهائی و شاه عباس برجای مانده که با الفبای عربی و فارسی نگاشته شده است. انسان‌های بزرگی همچون ستار بهلول‌زاده در این شهر می‌زیسته است. مسن‌ترها می‌گویند: او هنگام مرگ، الفبای «کریل» را به کار نبرد و معتقد بود: با نگاه به آن، صدای پای ارتش روسیه در خاطرش تداعی می‌شود. این روستا در زمینه تربیت علمای دینی شهرت داشته و همین ویژگی موجب شده است تا قربانیان زیادی تقدیم حریم دیانت کند.

۲- زیارتگاه بی‌بی هیبت (حکیمه خانم علیها السلام): در ورودی شهر باکو، به زیارتگاهی برخورد می‌کنیم که کارهای ساختمانی آن تازه به پایان رسیده است و زائران در آن مشاهده می‌شوند. زیارتگاه «بی‌بی هیبت» در قصبه شیخ، در نزدیکی باکو قرار گرفته است. این امام‌زاده منسوب به فرزند امام هفتم، موسی بن جعفر علیه السلام و خواهر امام رضا علیه السلام به نام حکیمه خانم است. نزد مردم این‌گونه مشهور است که خواهر امام رضا علیه السلام در سده نهم زندگی می‌کرد و برای دیدار با برادر خود، به آذربایجان سفر کرد. در اینجا نیز برای اینکه شناخته نشود با نام «بی‌بی هیبت» خود را معرفی کرد. دانشمند سرشناس و معروف اسلام، علامه محمدباقر مجلسی در کتاب بحارالانوار، حکیمه خانم را دختر امام موسی کاظم علیه السلام معرفی کرده و محل دفن او را در نزدیکی شهر باکو اعلام نموده است.

این مکان مقدس در سال ۱۹۳۷ ویران شد، ولی پس از استقلال آذربایجان با

معماری عالی بازسازی شد. فاز اول ساخت زیارتگاه در ۱۲ ژوئن سال ۱۹۹۸ در سالروز ولادت پیامبر بزرگ و گرامی حضرت محمد مصطفی ﷺ و امام جعفر صادق ﷺ با برپایی مراسمی باشکوه افتتاح گردید. در سخنرانی روز افتتاح اعلام شد:

این مکان محلّ دفن و مزار حکیمه خانم، دختر امام موسی کاظم ﷺ و خواهر امام رضا ﷺ، است. این مکان از آن زمان تاکنون، محلّی مقدّس برای مسلمانان محسوب می‌شود. در این مکان، مسلمان برای گسترش اسلام و دین دعا می‌کنند و آن را از خدا و پیغمبر اسلام و امامان درخواست می‌کنند و از این طریق، صداقت و اعتقاد خود را به دین اسلام به نمایش می‌گذارند. ما افتخار می‌کنیم که از نمونه‌های اسلام نیز در آذربایجان وجود دارد. هفتصد سال پیش انسان‌هایی که به خدا و اسلام اعتقاد داشتند، در اینجا مسجدی بنا کرده‌اند که به تدریج بر وسعت آن افزوده شده و از آن زمان تاکنون مسلمانان زیادی در اینجا به عبادت خداوند پرداخته‌اند. معماری موجود در این مسجد قدمت وجود اسلام را در کشور آذربایجان به نمایش می‌گذارد.^۱

۳- «زیارتگاه بش بارماق (پنج انگشت / خضر زنده)»: در مسیر باکو به قبا در کوه «بش بارماق» زیارتگاه خضر زنده را می‌توان مشاهده کرد. تاریخ این مکان به دوران پیش از اسلام برمی‌گردد. هیچ کس از تاریخ دقیق این مکان مقدّس اطلاعی در دست ندارد. هر وقت کسی به تنگی و سختی در زندگی دچار می‌شده به این زیارتگاه پناه می‌آورده و از او طلب یاری می‌کرده است. در یکی از افسانه‌ها آمده است که پنج برادر از طرف حضرت نوح ﷺ در این کوه ساکن شدند. برادر بزرگ ایشان، که همان خضر است، دو تن از برادران کوچک خود به نام‌های خضر نبی و خضر الیاس را به دنبال آب شیرین به دریا فرستاد. پس از گذشت سه روز

۱. روزنامه آذربایجان، ۱۴ ژوئن ۱۹۹۸.

و نیامدن برادرانش در حق آنان نفرین کرد که «ببینم به سنگ تبدیل می‌شوید.» (طبق روایات، در میان دریایی که مقابل این کوه قرار دارد، دو سنگ دیده می‌شود که همین دو برادرند. حتی در ترانه‌های اعیاد نوروز نیز اسامی خضر زنده، خضر نبی، و خضر الیاس نزد مردم حفظ شده است. طبق روایات مردمی، این مکان دو نام دارد: یکی «قلعهٔ چراغ» و دیگری «قلعهٔ بش بارماق».^۱ طبق روایات، پیمودن راه صعب‌العبور این کوه برای زیارت، بر ثواب آن می‌افزاید.

۴. **زیارتگاه اصحاب کهف:** یکی از مکان‌های مقدّسی که در نخجوان وجود دارد، غار «اصحاب کهف» است. هر ساله ده‌ها هزار نفر برای زیارت به آنجا می‌روند. دیدگاه‌های تاریخی به زندگانی اصحاب کهف اعتبار و محبوبیت دو چندان می‌بخشد. غار «اصحاب کهف» در شرق شهر نخجوان و در نزدیکی روستای حاجا پارق قرار دارد. از شمال کوه، ورودی غار شروع می‌شود و به سمت جنوب کشیده شده است. کوه‌های اطراف غاز از جمله کوه‌های مقدّس به شمار می‌روند. کوه مقدّس «حاجا داغ» یا «ایلان داغی» به طوفان نوح منسوب است. زائران سنگ‌های کوچک کنار راه را روی هم‌دیگر جمع می‌کنند و همچنین سنگ‌های کوچک و ریز موجود در کنار زیارتگاه‌ها را در جای مشخصی روی هم گرد می‌آورند. در «جنت باغی» و «جنت بایی» نیز این کار صورت می‌گیرد. زائرانی که برای زیارت اصحاب کهف به این مکان مقدّس می‌آیند آرزو دارند که این مکان و زیارت آن آنها را از پیری و دشمن در امان نگه دارد.

۵. **زیارتگاه علی آباغی (قدمگاه حضرت علی علیه السلام):** زیارتگاه «علی آباغی» در شهر آبشرون قرار دارد. این زیارتگاه از نظر تاریخی با زیارتگاه‌های دیگر متفاوت است. در اسناد تاریخی جمهوری آذربایجان آمده است که تاریخ این زیارتگاه به ۱۴۰۰ سال پیش، یعنی حدود قرن هفتم میلادی برمی‌گردد. بنا به

بعضی از اسناد تاریخی، بنای این زمان مصادف با سفر حضرت علی علیه السلام به ایران، از جمله آذربایجان و سواحل دریای خزر است که در این سفر، پس از عبور از شهرهای ساحلی دریای خزر، در این مکان توقف کردند. مقدّس بودن این زیارتگاه نیز به دلیل حضور حضرت علی علیه السلام و ردّپای اسب آن حضرت در اینجاست. بعدها توسط انسان‌های معتقد و علاقه‌مند این مکان به صورت زیارتگاه درآمده است.

قابل ذکر است که این زیارتگاه در اواخر قرن هفدهم بنا نهاده شده است. پس از حمله بلژیکی‌ها به آذربایجان محدودیت‌های خاصی برای برپایی زیارتگاه و عبادت در آن اعمال می‌شد. حتی در سال ۱۹۲۰ این زیارتگاه تخریب گردید؛ اما دوباره در سال ۱۹۲۰ بازسازی شد و برای استفاده مردم گشایش یافت. پس از سال ۱۹۹۱ با بودجه‌ای که از سوی دولت برای بازسازی و بهسازی زیارتگاه‌ها در آذربایجان اختصاص داده شد، این زیارتگاه به صورت اساسی مرمت گردید.

۶. زیارتگاه امام‌زاده گنجه (گوی امام): این زیارتگاه در بخش شمالی گنجه قرار دارد که اکنون در هفت کیلومتری شهر گنجه واقع شده است و تاریخ احداثش به قرون وسطا برمی‌گردد. طبق اسناد موجود، این امام‌زاده منسوب به ابراهیم پسر امام محمدباقر علیه السلام است که توسط سرگرد اسرافیل بیگ یادگارزاده در سال‌های ۱۸۷۸-۱۸۷۹ تجدید بنا شده است. در اطراف این زیارتگاه، که با آجر ساخته شده، مساجد کوچک، تکایا، کاروان‌سراها، منازل شیک و بناهای دینی احداث شده و اطراف آن مجموعه‌ای از سنگ و آجر حصار شده است. تاریخ دقیق احداث این مکان مشخص نیست. با توجه به معماری‌های موجود در این مجموعه، تقریباً زمان احداث این زیارتگاه به اواخر قرن چهاردهم و اوایل قرن پانزدهم برمی‌گردد. زمان احداث مجموعه‌های اطراف آن نیز به قرن هفدهم برمی‌گردد. ارتفاع سقف زیارتگاه ۱۲ متر، ارتفاع گنبد آن ۲/۷ متر و قطرش ۴/۴ متر است. این گنبد با کاشی‌های آبی رنگ کاشی‌کاری شده است.

۷. زیارتگاه میر محسن آقا: یکی از زیارتگاه‌های اطراف باکو، که شاید بیش از همه زیارتگاه‌ها زائر داشته باشد، زیارتگاه «میر محسن آقا» در شولن است. اشخاص منسوب به این زیارتگاه از نسل پیامبر اکرم، حضرت محمد ﷺ هستند. نسل دوم این زیارتگاه به امام حسین علیه السلام فرزند علی بن ابی طالب علیه السلام منسوب است. بعدها نیز نسل آقا سید علی میر محسن زاده به آذربایجان مهاجرت کردند. نسل آقا سید علی میر محسن زاده به امام حسین علیه السلام منسوب است. این سید سال‌های متمادی در ایچری شهر - کوچه فردوسی - منزل شماره ۳ زندگی کرده است. در زمان حیات وی، این مکان مقدّس برایش جان پناهی به شمار می‌آمد. آقا سید علی میر محسن زاده در سن ۶۷ سالگی درگذشت. در حال حاضر، محل دفن وی به زیارتگاه تبدیل شده است. در اوایل، نامش بر روی سنگ قبرش حک شده بود. ولی در حال حاضر، یک مجموعه بزرگ در این مکان در حال احداث است. بر روی دیوارها و گنبد، نام‌های مبارک «اللّه»، «محمد»، «علی» و «اللّه اکبر» حک شده است. در وسط گنبد نیز کلمه «اللّه اکبر» مانند مدال طلا آویزان است. مسجدی برای اقامه نماز آقایان بنا شده است. همچنین حوض آبی با دیوارهای هشت ضلعی احداث گردیده است. یک محل به نام «قربانگاه» در زیارتگاه موجود است. در طول ماه رمضان، هر شب سفره افطاری در این مکان پهن می‌شود.

در زیارتگاه «میر محسن آقا» آثار فرهنگی ایرانی شیعی مشهود است. اصفهانی‌ها و یزدی‌ها در سال ۱۳۸۲ شاه‌کار معماری اسلامی - ایرانی را در این زیارتگاه خلق نمودند و امروزه هرچند با هجوم‌های تبلیغاتی در دور نمودن مردم از دین کوشش می‌شود، اما شاهدیم که مردم این منطقه نیز به ندای درونی خود لبیک گفته و روحشان را با تمسک به ائمه اطهار علیهم السلام و فرزندان آنها جلا می‌دهند و با حضور خود و فرزندان‌شان در این منطقه با فرهنگ غنی اسلامی - ایرانی آشنا می‌شوند.

ج. زیارت‌های مذهبی خارجی

تا پیش از حکومت کمونیست‌ها، هر ساله هزاران نفر از جمهوری آذربایجان برای حج و زیارت دیگر اماکن مقدّس می‌رفتند، اما پس از حاکمیت شوروی (سابق) مشکلات جدّی در این مسیر به وجود آمد، به گونه‌ای که طی سال‌های ۱۹۲۵-۱۹۵۸ هر ساله قریب ۵۰۰-۶۰۰ نفر برای زیارت اماکن مقدّس، از جمله مکه، کربلا و مشهد اعزام می‌شدند. در سال ۱۹۳۰ تعداد آذربایجانی‌هایی که برای زیارت اماکن مقدّس به این اماکن اعزام شدند کاهش چشمگیری یافت، به گونه‌ای که پس از آن سالانه تعداد آنها به ۱۰-۱۵ نفر می‌رسید. در اواخر دوران حکومت شوروی (سابق) شرایط تغییر کرد و امکان عزیمت به این اماکن سهل‌تر گردید. در سال ۱۹۹۰ تعداد اعزام‌شوندگان به حج از تمام شوروی (سابق) ۱۵۰۰ نفر بود که از آن تعداد ۱۵۱ نفر زائران آذربایجانی بودند. اعزام دین‌داران آذربایجان در دوران حکومت شوروی بر عهده شعبه بین‌المللی اداره روحانیان قفقاز بود.

پس از استقلال، همواره شاهد رشد تعداد زائران آذری به کربلا، مکه و مشهد مقدّس بوده‌ایم که تعداد زائران مشهد را بیش از پنجاه هزار نفر اعلام می‌کنند. تا سال ۲۰۰۹ اگرچه به جمهوری آذربایجان سهمیه شش هزار نفری برای زیارت مکه داده بودند، اما در هیچ سالی این تعداد اعزام نمی‌شوند. در سال گذشته پنج هزار نفر برای زیارت اعزام شدند. هزینه زیارت حج از آذربایجان به مکه با هوایما ۲۱۰۰ دلار و با اتوبوس مبلغ ۱۳۲۰ دلار است. دین‌دارانی که به قصد زیارت حج به مکه می‌روند، مسیر خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند تا از سوریه نیز عبور کنند و از زیارتگاه‌های این کشور نیز فیض ببرند.^۱

پیش از سال ۱۳۸۶ زائران خانه خدا از ایران به ترکیه و سوریه و سپس عربستان می‌رفتند، اما به دلیل مشکلات ایجادشده در گمرک‌های ایران و نیز

۱. نشریه اکسپرس، به نقل از: کمیته امور دینی کشور باکو، ۲ آذر ۱۳۸۷.

بعضی اغراض سیاسی، از سال ۱۳۸۷ مسیر گرجستان را جایگزین ایران نمودند.^۱ سالانه بیش از ده‌ها هزار تن از مردم مسلمان جمهوری آذربایجان برای زیارت مشهد مقدّس وارد جمهوری اسلامی ایران می‌شوند. زیارت مشهد از یک‌سو، به دلیل نزدیکی به ایران و از سوی دیگر، پایین بودن هزینه‌های رفت و آمد و همچنین قرابت تاریخی و فرهنگی مورد توجه بیشتر مردم این کشور است. دین‌داران این کشور اگرچه با دیدگاه‌های ضدایرانی القا شده در کشور خود وارد ایران می‌شوند، اما با چشمان گریان به کشور خود بازمی‌گردند.

۶. آیین‌های مذهبی

الف. مقدّمه

دین‌داران جمهوری آذربایجان پیش از فروپاشی شوروی (سابق) با تأسی از انقلاب اسلامی ایران، تبلیغ و تعلیم احکام و مبانی دینی را در قالب سفره‌های احسان، مجالس ترحیم، سفره‌های منتسب به ائمه اطهار علیهم‌السلام، مولودیه‌ها و مانند آن انجام می‌دادند.

پس از فروپاشی شوروی (سابق) و استقلال جمهوری آذربایجان، مؤمنان تجربه سال‌های خفقان را در محیطی آزادتر و با ایجاد مجامع، تشکّل‌ها و گروه‌های سیاسی - اجتماعی تداوم داده‌اند و با برگزاری این مراسم و برنامه‌های متعدّد، احکام و اصول دینی را به مردم بازگو و تلاش کرده‌اند تا با برگزاری این مراسم یاد و خاطره شعائر اسلامی در اذهان مردم حفظ گردد.

این مراسم، بخصوص عزاداری حضرت امام حسین علیه‌السلام و تعظیم شعائر اسلامی، در این کشور به یک فرهنگ تبدیل شده است و مؤمنان بسیاری با برگزاری این مراسم، یاد و خاطره امامان معصوم علیهم‌السلام و اعیاد اسلامی را زنده نگه داشته و به تعبیر جامع، در صدد احیای دین اسلام هستند.

1. www.yenisharq.org, 2007.

فضای سیاسی - اجتماعی سال‌های اولیه پس از استقلال جمهوری آذربایجان موجب شده بود تا دین‌داران و اسلام‌گرایان در مقاطع گوناگون آیین‌های دینی، بخصوص عزاداری ماه‌های محرم و صفر و عزاداری سایر ائمه اطهار علیهم‌السلام، برنامه‌های مذهبی در ماه رمضان، به ویژه شب‌های احیا، جشن‌های مذهبی از جمله نیمه شعبان و عید غدیر و ولادت‌های سایر اهل بیت علیهم‌السلام را برگزار کنند.

پس از فروپاشی شوروی محور فعالیت‌های اسلام‌گرایان شیعه مسائل اعتقادی - فرهنگی بوده، و ایجاد کلاس‌های علوم و احکام دینی و تدریس در آنها و برگزاری مراسم عزاداری ائمه اطهار علیهم‌السلام، بخصوص عزاداری سالار شهیدان امام حسین علیه‌السلام و نیز برگزاری مولودیه‌های اهل بیت علیهم‌السلام از آن جمله بوده است.

موانع و مشکلات گوناگون برای تبلیغات و تعلیمات دینی، فضای سکولاریستی، و توهین‌های گوناگون علیه مقدّسات و دین‌داران، اگرچه معضلات بسیاری به وجود آورده، اما تحقیقات گوناگون گویای تعلّقات دینی بالای مردمی و در عین حال، مشکلات نگرشی به دین است. تحقیقی که در سال ۱۹۹۴ توسط دین‌داران شهر گنجه صورت گرفته است، این نظریه را تأیید می‌کند. در این تحقیق، ۷۷ درصد مردم از میزان معلومات اسلامی در آذربایجان رضایت ندارند. میزان نارضایتی از موقعیت اسلام در این کشور، ۷۶ درصد است. ۷۹/۷ درصد علت عدم برپایی دین اسلام در این کشور را ممانعت قبلی، ۷۴/۲ درصد بی‌سوادی ملأها، ۶۳ درصد نادانی مردمی، ۸۷ درصد خواستار تشکیل اسلام حقیقی در آذربایجان، ۸۶ درصد خواستار مؤمن بودن و مسلمان واقعی شدن، ۸۸/۸ درصد خواستار تربیت اسلامی فرزندان، ۹۱/۴ درصد خواستار یادگیری مسائل اسلامی، ۸۸/۴ درصد خواستار ادبیات اسلامی و علاقه‌مند به آن، ۸۸/۴ درصد دارای تعصّب مسلمانی، ۸۸/۴ درصد علاقه‌مند به قرآن و ۸۰/۹ درصد خواستار احترام به روحانیان بودند.^۱

۱. آران، س ۴، ش ۸ و ۹، «علمای دینی جمهوری آذربایجان بعد از جدایی از ایران»، ص ۹۴.

ب. وفیات و مراسم عزاداری

اگر بخواهیم عوامل به هم پیوستگی شیعیان را در جهان امروز بررسی کنیم، یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین عوامل وحدت و به هم پیوستگی شیعیان، آیین‌های مذهبی، بخصوص عزاداری امام حسین علیه السلام در ایّام محرم و مراسم شب‌های احیای قدر است.

به دلیل آنکه تشیع عاطفی‌ترین جریان مذهبی در دنیاست. آیین‌های این مکتب با شور و شکوه و رنگ و بوی قابل ملاحظه‌ای برگزار می‌شود. عزاداری ائمه هدی علیهم السلام، بخصوص حضرت امام حسین علیه السلام با وجود فشارها و تزییقات فراوان حکومت، حتی در دوران اختناق کمونیسم نیز به صورت مخفیانه برگزار می‌شد. با استقلال جمهوری آذربایجان و آزادی‌هایی که به وجود آمد، مردمان مؤمن از این فرصت استفاده کردند و تجمّعات مردمی را برای برگزاری باشکوه عزاداری‌ها، به ویژه در ایّام محرم و صفر تدارک دیدند.

اکنون عزاداری حسینی در جمهوری آذربایجان به یک فرهنگ تبدیل شده است و دیگر ربطی به حضور یا عدم حضور اشخاص برجسته ندارد. در حرکت‌های خودجوش مردمی، بیشتر حاضران را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهد.

حاج علی اکرام علی‌اف، رهبر اسلام‌گرایان جمهوری آذربایجان، نقل می‌کند: در زمان برگزاری مراسم عزاداری، که مقامات آذربایجان و «ک.گ.ب» نیز حضور داشتند، زنی را بدون روسری در حالی که فرزند شیرخوارش را در دست گرفته بود و به شدت گریه می‌کرد، مشاهده کردم. به مسئولان «ک.گ.ب» گفتم: شما که برگزاری مراسم عزاداری را به ایران نسبت می‌دهید، آیا این خانم نیز به ایران وابسته است؟ این گرایش‌ها موجب توجه تحلیل‌گران خارجی نیز شده است:

شیعیان هر ساله روز ۱۰ محرم، روز یادبود امام حسین علیه السلام را برگزار می‌کنند. منابع تاریخی در برگیرنده شواهد برگزاری این مراسم از قرون وسطای اولیه هستند. حتی تعقیب دین در دوران حکومت

شوروی نتوانست این مراسم را ریشه کن کند. در حال حاضر، همانند دوران کمونیستی، هیچ کس در روز عاشورا عروسی برگزار نمی‌کند و هیچ جشن خانوادگی صورت نمی‌گیرد. ویژگی آذربایجان این است که اقلیت سنی هم در مراسم عاشورا شرکت می‌کنند. مقامات رسمی به منظور دوری جستن از میراث دوران شوروی، از سال ۱۹۹۱ اجازهٔ برگزاری گستردهٔ مراسم عاشورا را صادر کردند. در ماه مارس سال ۲۰۰۴ و فوریه ۲۰۰۵ این مراسم را در نارداران، یکی از مراکز شیعهٔ مخالف مقامات رسمی، مشاهده کردم. از صبح زود، هزاران نفر زائر به سوی مقبرهٔ «رحیمه» شتافتند. عده‌ای تمام شب را در این مکان مقدس گذرانده بودند. مردم بعد از زیارت در خیابان عریض بین مقبره و مسجد نوساز تمام نشدهٔ این منطقه قرار گرفتند. در همان حال، آیاتی از قرآن و روضه‌خوانی‌ها از طریق بلندگو پخش می‌شد. ملایی دربارهٔ امام حسین علیه السلام خطبه قرائت کرد. در سخنان این شخص روحانی، که از لهجه‌اش مشخص بود اهل آذربایجان ایران است، هیچ کلمات تندی دربارهٔ دولت وجود نداشت. مردم در میدان، ردیف به ردیف ایستاده و دو گروه تشکیل دادند که صحنه‌های اساسی عاشورا در میان آنها شروع شدند. مردان خود را با زنجیر می‌زدند و گاهی احساساتی می‌شدند و از اینکه نمی‌توانند به امام حسین علیه السلام کمک کنند و قاتلان او را مجازات نمایند، اظهار یأس و تأسف می‌کردند. آنها به یزید، فرزند معاویه و قاتل امام حسین علیه السلام، لعنت می‌فرستادند. زنان گروه گروه ایستاده و روضه‌خوانی می‌کردند. عده‌ای از مردم با آنها می‌خواندند و دیگران با ندای «شاه حسین»، «یا حسین» سینه‌زنی می‌کردند.^۱

۱. اخبار شیعیان، ش ۲۱، «سرنوشت مذهب در آذربایجان بعد از فروپاشی شوروی»

در این کشور، مراسم عزاداری به محل تعلیم آموزه‌های شیعی نیز تبدیل شده است. روحانیان و مدّاحان اهل بیت علیهم‌السلام در مراسم عزاداری با بیان فلسفه قیام امام حسین علیه‌السلام، معضلات موجود در زمینه رواج بداخلاقی‌ها در جامعه، فعالیت میسیونرها و فرقه‌های انحرافی، و قیام مردم فلسطین را یادآور و خواستار اهتمام مردم برای مبارزه با این معضلات می‌گردند. این مراسم به تظاهرات سیاسی و ابراز عقیده دینی - سیاسی مردم و سخنرانان تبدیل می‌شود و حوادث جهان، معضلات اجتماعی و سیاست داخلی نیز در آنها مطرح می‌شود. آنچه پر واضح است اینکه هر ساله بر تعداد شرکت‌کنندگان در عزاداری‌های ماه محرم افزوده می‌شود و وقتی از کوچه‌های باکو عبور می‌کنیم، شاهد برافراشته شدن پرچم‌های سیاه بر درهای منازل مردم هستیم.

ج. عزاداری ماه محرم

مراسم عزاداری حضرت سالار شهیدان علیه‌السلام در جمهوری آذربایجان از گذشته تا به حال با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. حتی در دوران خفقان حاکمیت دیکتاتوری کمونیستی هم مردم آشکارا و پنهانی خود را ملزم به شرکت در مجالس عزای امام حسین علیه‌السلام می‌دانستند. تبلیغات ضد دینی اگرچه در زمان حاکمیت کمونیست‌ها شکل الحادی داشت، اما پس از استقلال این کشور، ضمن افزایش تبلیغات ضد دینی، از شکل قبلی مبارزه با دین کاسته شد و موضوع بیشتر جنبه انحرافی به خود گرفت. فعالیت‌های میسیونری، وهّابی‌گری، بهائیت، و نورچی‌ها با شدت و حدّث تمام انجام می‌شود و در این مسیر، به دلیل آنکه اکثریت مسلمانان این کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند، این عده بیشتر در تیررس قرار گرفته‌اند.

در شهرهای کوچک، بخصوص شهرهای هم‌مرز با جمهوری اسلامی ایران، عزاداری‌ها خوب انجام می‌شود؛ اما در شهر باکو با اینکه مساجد انگشت‌شماری در نقاط خاصی از شهر وجود دارد و بسیاری از محلّات و مناطق مانند مسجد

است، اما در این مساجد شور عزاداری و اشتیاق مردم در برگزاری همه‌جانبه مراسم به حدی است که در تصوّر نمی‌گنجد. حضور گسترده جوانان و نوجوانان، عشق به ائمه اطهار علیهم‌السلام و حالت‌های تقلیدی عزاداری و سینه‌زنی و زنجیرزنی به سبک اردبیلی‌ها چشمگیر است. ناگفته نماند که مردم علاقه خاصی به آقای سلیم مؤذن‌زاده دارند و مداحان نیز تلاش می‌کنند تا از سبک ایشان تقلید کنند. ایشان در چند سال گذشته، روزهایی را مهمان این دیار بوده و به عزاداری آنها شور و حال بیشتری بخشیده است.

مساجد «تازه پیر»، «گوی مسجدی»، «مشهدی داداش»، «جواد»، «حسینیه اهل‌بیت علیهم‌السلام»، نارداران و چند زیارتگاه موجود در شهر از تراکم جمعیت بالایی برخوردارند، ضمن اینکه حسینیه‌های کوچک و بزرگ شهر نیز سرشار از حضور مردم است، به گونه‌ای که در حسینیه منطقه ینی یاسامال قریب یکهزار نفر حضور پیدا می‌کنند. در توصیف عزاداری‌ها نباید از هیأت‌های عزاداری بسیاری که در سطح شهرها و محلات گوناگون برگزار می‌شود، غافل شد. وقتی در کوچه‌ها رفت و آمد می‌کنیم و یا از خیابان‌ها عبور می‌کنیم، با پرچم‌هایی مواجه می‌شویم که به علامت برگزاری مراسم عزاداری بر سر در خانه‌ها برافراشته شده‌اند. بیشتر هیأت‌ها به مدت ۵ یا ۱۰ روز تداوم پیدا می‌کند و در روز آخر، سفره احسان بر عزاداران گسترده می‌شود. برنامه عزاداری با نماز جماعت شروع می‌شود و با سخنرانی خطیب مسجد یا حسینیه ادامه می‌یابد و با مراسم سینه‌زنی پایان می‌پذیرد. سفره‌های احسان بیشتر توسط مردم به صورت نذری گسترده می‌شود. نکته جالب توجه در برنامه‌های عزاداری، گریز زدن سخنران به مسائل روز است. امسال (۱۳۸۷) موضوع حمله اسرائیل به غزه همه چیز را تحت تأثیر قرار داد. در تظاهراتی که بیش از یکهزار نفر از مردم به طرف سفارت این رژیم در حال حرکت بودند و شعارهای دینی سر می‌دادند، پلیس جلویشان را گرفت. نکته جالب توجه دیگر الصاق تصاویر مرقد حضرت سالار شهیدان با جملات گوناگون در سطح شهر مانند داخل واگن‌های مترو با جملاتی همچون عبارت ذیل است:

- «هر یر کربلا و هر گون عاشورا» (کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا)؛
 - «حسین نجات کشتی سی و هدایت چراغی» (انّ الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة)؛

- کربلاگونونین شهیدی کربلا (حسین شهید کربلا).

آنچه در این سفر پیش از همه موجب تعجب گردید، علاقه و عشق سرشار مرد و زن، کودک و سالخورده، و جوان و نوجوان این دیار به حضرت امام حسین علیه السلام بود.

زیارتگاه‌ها و مساجد و اماکن مذهبی اصلی‌ترین محل‌های حضور مردم برای عزاداری است. با وجود اینکه حکومت از کشیده شدن عزاداری‌ها به خیابان‌ها جلوگیری می‌کند، اما مردم شهرهای گوناگون در خیابان‌ها نیز عزاداری می‌کنند.

زیارتگاه حضرت رحیمه علیها السلام، که نزد مردم به «بی‌بی رحیمه» و خواهر حضرت امام رضا علیه السلام منتسب است و در روستای نارداران باکو قرار دارد، یکی از اماکنی است که مردم از نقاط گوناگون این کشور برای زیارت و شرکت در مراسم عزاداری در آن شرکت می‌کنند. این روستا به میمنت حضور این امام زاده در طول تاریخ دو بیست ساله پس از جدایی از ایران، هویت دینی خود را حفظ کرده و عزاداری و سایر مراسم دینی در این روستا به فرهنگ تبدیل شده است. عزاداری با حضور مردم دیندار، بخصوص جوانان و نوجوانان و زنان باایمان رونق خاصی دارد و بیش از بیست هزار نفر در غم شهادت سالار شهیدان بر سر و سینه می‌زنند. آداب و رسوم عزاداری این روستا همچون مناطق شیعه‌نشین دیگر دنیا، ضمن شباهت‌ها، دارای تفاوت‌هایی نیز هست. ولی آنچه بیشتر نمود دارد، عشق وافر به امام حسین علیه السلام است. این روستا در ایام محرم، بخصوص در روز عاشورا، که محل رجوع و حضور ده‌ها هزار زائر و عزادار است، با تشکیل دسته‌ها و برگزاری باشکوه عزاداری، به بزرگ‌ترین تجمع مردمی در داخل کشور تبدیل می‌شود و اقشار گوناگون مردم از شهرها و مناطق دیگر کشور در آن حاضر و با مسائل سیاسی - اجتماعی و فرهنگی آشنا می‌شوند.

د. هیأت‌های عزاداری

حکومت این کشور هرگونه فعالیت دینی را در قالب ایجاد اجتماع دینی - که به «اجماع» مشهور است - ممنوع کرده است. بنابراین دین‌داران برای برپایی بدون مانع، هیأت‌های خود را در قالب مجمع دینی راه‌اندازی می‌کنند. این هیأت‌ها در جهت اهداف ذیل تشکیل می‌شوند:

۱. احیا و ترویج مبانی تشیع، شعائر اسلامی و ضرورت آشنایی هر چه بیشتر مردم مسلمان آذربایجان با فرهنگ شیعه؛

۲. ایجاد نهادهای مردمی که صبغه مذهبی داشته و به صورت خودجوش موفق نبوده‌اند.

۳. علاقه مردم آذربایجان به شعر، موسیقی، مدّاحی و نوحه‌خوانی که خلأ ناشی از نبود هیأت‌های عزاداری در آن احساس می‌شد.

هیأت‌های هفتگی عزاداران حسینی معمولاً با نام چهارده معصوم علیهم‌السلام و یا فرزندان منتسب به آنها تشکیل می‌شود. برنامه‌های این هیأت‌ها در اعیاد اسلامی، ایام محرم و صفر، شهادت امامان معصوم علیهم‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام، پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها و در قالب نذر افراد عضو اجرا می‌گردد. در هر برنامه، آموزش و قرائت قرآن کریم، آموزش احکام و عقاید اسلامی و عزاداری (سینه‌زنی، زنجیرزنی، مدّاحی و مرثیه‌سرایی) انجام می‌گیرد. می‌توان گفت: در همه شهرهای جمهوری آذربایجان، هیأت‌های مذهبی وجود دارد و به صورت مرتب، برنامه‌های گوناگونی را اجرا می‌کنند. این هیأت‌ها کارکردهای متعددی دارند. برای مثال، در شهر سومقائیت، هیأت «المهدی» که برنامه عزاداری ترتیب داده است، هر هفته روزهای شنبه در مسجد «جمعه» شهر سومقائیت برنامه قرائت زیارت عاشورا، سخنرانی، و مدّاحی در خصوص مصیبت‌های دشت کربلا، روضه‌خوانی و مرثیه‌سرایی برگزار می‌کند. علاوه بر این برنامه‌ها، در روزهای عزای ائمه اطهار علیهم‌السلام در سراسر شهر سومقائیت مراسم عزاداری برپا می‌شود. البته برنامه‌هایی برای زیارت امام‌زادگان وجود دارد. از دو سال پیش، این هیأت

فعالیت خود را آغاز کرده است. در اوایل، این هیأت به صورت سیّار فعالیت می‌کرد، ولی بعدها دعوت‌های انجام شده از سوی مردم را پذیرفت. ولی مسجد «جمعه» شهر سومقائیت را برای خود به عنوان پایگاه ثابت انتخاب نمود. البته در آنجا نیز از رهنمودهای روحانی مسجد، حاج رئوف، در جهت پیشبرد اهداف هیأت استفاده می‌شود.^۱

هـ. مراسم مذهبی

مردمان باایمان با برگزاری مراسم اعیاد اسلامی و راه‌اندازی سفره‌های منتسب به حضرت رسول ﷺ، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و امامان معصوم علیهم السلام، احکام و اصول دینی را به مردم بازگو و تلاش می‌کنند تا از این راه، یاد شعائر اسلامی نزد مردم حفظ گردد. حکومت نیز نمی‌تواند به دلیل اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی بودن نفس این مراسم، و تعصبات و تعلقات خاص مردمی به این شعائر، از برگزاری آنها ممانعت کند. ایّام ولادت امامان معصوم علیهم السلام فرصت خوبی برای اجرای مراسم دینی به شمار می‌آید. علاوه بر این، از اعیاد اسلامی فطر و قربان به گونه‌ای خاص تکریم می‌شود.

- ۱- مراسم میلاد حضرت امام مهدی (عج) در نیمه شعبان: مراسم میلاد امام زمان (عج) نسبت به سایر اعیاد از گستردگی، کیفیت و کمیت بالاتری برخوردار است. بُعد سیاسی بخشیدن به موضوع و تبیین فلسفه «انتظار» و برپایی حکومت اسلامی توسط آن حضرت در آینده، از دلایل توجه بیشتر به برگزاری باشکوه‌تر جشن نیمه شعبان است. نمود این مراسم در شهرهای باکو و به ویژه در مناطق شمال، جنوب و گنجه بیش از سایر مناطق است. نیمه شعبان ۱۳۷۹ شهر گنجه شاهد بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین حضور جوانان و نوجوانان در این مراسم بود.
- ۲- مراسم جشن میلاد سایر امامان معصوم علیهم السلام: برگزاری جشن میلاد سایر

امامان علیهم‌السلام بخصوص امام علی، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام نیز با توجه خاص علاقه‌مندان و اسلام‌گرایان رو به گسترش است. گستردن سفره‌های احسان و نذر، پخش شیرینی و برگزاری سخنرانی‌های گوناگون در شناساندن ائمه اطهار علیهم‌السلام به افکار عمومی و مجالس شعر و سرود زیبایی خاصی به مراسم شیعیان می‌دهد.

۳- مراسم میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام: به دلیل احترام خاص بی‌بی دو عالم، حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام، ولادت ایشان هر ساله، با شکوه فراوان و با رویکرد خوب مردمی برگزار می‌شود. یکی از گروه‌هایی که این مراسم را تکریم می‌کند، «اتحادیه اجتماعی دعوت به صفای معنوی» است که به مناسبت روز میلاد حضرت فاطمه علیها‌السلام میزگردی تحت عنوان «جامعه معاصر آذربایجان و زن مسلمان» برگزار کرد. الشن مصطفی اغلو، رئیس اتحادیه، معتقد است: روز تولد حضرت فاطمه علیها‌السلام در کشورهای اسلامی به عنوان «روز زن» برگزار می‌شود. به گفته وی، در حالی که در بیشتر جوامع، قهرمانان و الگوهای مصنوعی مطرح می‌شوند، ما به عنوان امت مسلمان، الگویی مثل حضرت فاطمه علیها‌السلام داریم. جامعه‌ای را که زنان آن در مکتب حضرت زهرا علیها‌السلام آموزش دیده باشند، بداخلاقی و رشوه‌خواری نمی‌تواند تهدید کنند.^۱

۴- مراسم جشن اعیاد اسلامی: در بین اعیاد اسلامی، برگزاری مراسم «عید غدیر» نمود بیشتری دارد و این امر از بُعد سیاسی - اجتماعی غدیر خم و همچنین مظلومیت حضرت علی علیه‌السلام در جهت تبیین حکومت اسلامی آن حضرت ناشی می‌شود. عید قربان نیز در بین مردم شیعه این کشور اهمیت فراوانی دارد. توزیع قربانی در بین اقوام و آشنایان مورد توجه مردم است. عید فطر نیز همچون عید قربان در این کشور تعطیل رسمی است و مردم در آیین‌های اسلامی و نماز عید فطر شرکت می‌کنند.

۵- مراسم ماه رمضان: بسیاری از مردم جمهوری آذربایجان به دلیل اینکه فریضه

روزه را سینه به سینه از نیاکان خود به ارث برده‌اند، با اشتیاق تمام، نسبت به انجام آن مبادرت می‌ورزند؛ اما دربارهٔ شناخت دیگر احکام اسلامی، همچون حجاب، نماز و حج، با مشکلات زیادی مواجهند. اهتمام مردم مسلمان جمهوری آذربایجان در بزرگداشت ماه رمضان، علاقهٔ قلبی و فطری آنان به دین اسلام را نشان می‌دهد. وضعیت این جمهوری در ماه رمضان با ماه‌های دیگر سال فرق می‌کند. در این ماه، بیشتر غذاخوری‌ها به حالت تعطیل درمی‌آید و افرادی که به عنوان خواننده در این اماکن برنامهٔ موسیقی اجرا می‌کنند، به احترام ماه مبارک رمضان، برنامه‌های خود را تعطیل می‌نمایند و حتی برخی از آنان، اعم از زن و مرد، خودشان هم روزه می‌گیرند. در این ماه، در بیشتر مساجد، سفرهٔ افطار بر پا می‌شود و به طور کل، مساجد از ازدحام بیشتری نسبت به ماه‌های دیگر سال برخوردار است، به ویژه مساجد بزرگ که مسلمانان جمهوری آذربایجان نماز جماعت را در آنها باشکوه به جای می‌آورند. در این ماه، علاوه بر مساجد، مقبرهٔ برخی امام‌زادگان نسبت به ماه‌های دیگر، زائران بیشتری دارد و در این محل‌ها نیز افراد ثروتمند با دادن قربانی، به نیازمندان کمک می‌کنند. ولی در برخی رسانه‌های این کشور فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی مبتذل پخش می‌شود که گوی سبقت را از شبکه‌های غربی ربوده‌اند. این وضعیت به طور طبیعی، پیامدهای منفی اخلاقی و فرهنگی برای جوانان مسلمان این کشور ایجاد می‌کند و به نوشتهٔ روزنامهٔ غرب‌بگرای ینی مساوات در بیشتر شبکه‌های تلویزیونی جمهوری آذربایجان، نه تنها خبری از برنامه‌های ویژهٔ ماه مبارک نیست، بلکه برخی شبکه‌ها مانند شبکه «آی. تی. وی» برای لجاجت با مسلمانان در مواقع افطار و سحر، صحنه‌های زشت و مسمئزکننده‌ای به نمایش می‌گذارند.

از جمله موارد قابل تأمل در این ماه آن است که برخی زنان جمهوری آذربایجان که حجاب اسلامی ندارند نیز نسبت به گرفتن روزه اهتمام می‌ورزند، یا حتی افرادی هستند که روزه می‌گیرند اما نماز نمی‌خوانند. این مسائل و موارد شبیه آن به نوبهٔ خود، حاکی از علاقهٔ مردم آذربایجان به دین اسلام است که

متأسفانه به دلایل پیش گفته، نتوانسته‌اند احکام اسلامی را به طور دقیق آموزش ببینند.

خلاصه اینکه بیشتر دین‌داران روزه‌دار آذربایجانی، با توجه به اینکه شیعه دوازده امامی هستند، به انجام فرایض دینی می‌پردازند و به دستورالعمل‌های شرعی توجه دارند و در تلاشند به آنچه شارع مقدّس گفته و احکام و آموزه‌های دینی بر جای مانده از سیره اهل بیت علیهم‌السلام مؤید آن است، عمل کنند.

از مهم‌ترین مناسبت‌هایی که در این ماه قرار دارد، لیالی قدر و نیز روز جهانی «قدس» است. مردم جمهوری آذربایجان در شب‌های قدر با اشتیاق فراوانی در مساجد و تکایا به احیا و راز و نیاز با معبود خویش می‌پردازند. حسینیه ایرانیان باکو در این شب‌ها، سرشار از مشتاقان آذری است که برای بهره‌گیری از سخنرانی و مراسم عزاداری در این محل جمع می‌شوند و در مواقع بسیار به دلیل محدودیت جا، در محوطه بیرونی حسینیه از مراسم احیا استفاده می‌کنند. مردم این کشور بیش از هر زمان دیگری در این ماه‌ها، خود را نیازمند معارف قرآنی می‌بینند و از اینکه نمی‌توانند متن اصلی قرآن را بخوانند ابراز تأسف می‌کنند.

مساجد در این ماه از ازدحام بیشتری نسبت به ماه‌های دیگر برخوردار است، به ویژه مساجد بزرگ که مسلمانان جمهوری آذربایجان نماز را در این مساجد باشکوه، به جماعت به جای می‌آورند. قرائت و بعضاً تفسیر قرآن در این ماه در مساجد این کشور بسیار رواج دارد. در این ماه برخی از شبکه‌های تلویزیونی این کشور نیز با پخش برنامه‌های خاص، به استقبال این ماه عزیز می‌روند و برنامه‌های احکام و قبل از افطار و هنگام سحر مجموعه‌های تلویزیونی نمایش می‌دهند.

در چند سال اخیر، روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان اهمیت زیادی پیدا کرده است. یکی از مسلمانان در سال ۱۳۸۵ می‌گفت: امسال بیش از ۵۰ درصد مردم روزه گرفته‌اند و این تعداد روز به روز بیشتر می‌شود. مردم شاید حجاب خود را حفظ نکنند؛ اما به روزه اهمیت می‌دهند. در ماه رمضان، چهره شهرها نیز تغییر

پیدا می‌کند. در سال ۱۳۸۷ برای نخستین بار، تابلوهای بزرگ تبلیغی ویژه ماه مبارک رمضان در شهر باکو نصب شد. در این تابلوها، فضیلت و اهمیت روزه برای تن‌درستی و سلامتی منعکس شد. تعداد قابل توجهی از این تابلوها در معابر عمومی، میادین و تقاطع‌های شهر سه میلیون نفری باکو نصب گردید که این اقدام برای اولین بار، بخصوص پس از استقلال این کشور، انجام شده است.

شب‌های احیا: در این شب‌ها، شبستان اصلی، طبقه زیرین، دو صحن شمالی و جنوبی و همچنین پیاده‌رو و خیابان‌های مُشرف به مساجد و حسینیه‌ها مملو از جمعیت مشتاق قرآن به سر، به ویژه جوانان پرشور، می‌شود. مردم با حضور در مساجد و حسینیه‌ها، لیالی مبارک قدر و شب شهادت امام علی علیه السلام را گرامی می‌دارند. حسینیه اهل بیت علیهم السلام ایرانیان شهر باکو نیز شاهد حضور کم‌نظیر مشتاقانی می‌شود که از مناطق دور و نزدیک این شهر برای برگزاری مراسم شب قدر به آنجا می‌آیند. در این مراسم، که تا نیمه‌های شب ادامه می‌یابد، اهمیت شب قدر و فضایل حضرت علی علیه السلام تشریح می‌شود و در ادامه، مراسم عزاداری مولای متقیان و آیین ویژه دعا و نیایش شب قدر، با شکوه هرچه بیشتر برگزار می‌گردد.

در این بین، دین‌داران و عالمان دینی از عدم اهتمام شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌ها به مسائل اسلامی گلایه‌مندند. حسن‌اف، کارشناس الاهیات، در مصاحبه با روزنامه نبض اظهار داشته است: مردم درباره ماه رمضان و فضیلت آن و فواید معنوی و اجتماعی روزه‌داری اطلاع کافی ندارند. رسانه‌ها می‌توانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند. آنها می‌توانند با تولید برنامه‌های متناسب این ایام و مصاحبه‌ها با مردم، نظرات علما و متخصصان مسائل دینی را درباره ماهیت روزه‌داری به اطلاع مردم برسانند. اما افسوس که در هیچ شبکه تلویزیونی و نیز هیچ نشریه‌ای چنین فرصتی به این اشخاص داده نمی‌شود! سوء استفاده از فرصت در کشوری که ۹۵ درصد ساکنان آن مسلمان هستند، برای مردم این کشور موجب سرافکندگی است؛ زیرا از یک سو، خاک و از سوی دیگر، معنویات

مردم تحت اشغال قرار گرفته است. به همین دلیل، برای قبولی طاعات و عبادات در این ماه مبارک، توفیق روزه‌داری، آزادی اراضی اشغالی و خروج از محدودیت‌های معنوی باید بهتر عمل کرد.^۱

۷. جشن‌های ملی

آیین‌های عید نوروز یکی از اصلی‌ترین و کهن‌ترین اعیاد و جشن‌های ملی در جمهوری آذربایجان است که از تاریخ، سنت، آداب و فرهنگ مشترک دیرینه با ایران حکایت می‌کند و همه ساله با شکوه خاصی برگزار می‌شود. عید نوروز، هم از نظر اهمیت و هم از نظر تعداد روزهای تعطیل، جایگاه اول را دارد. هرچند در این کشور عید «کریسمس» مبنای سال میلادی است و جشن‌هایی نیز در این ایام برگزار می‌شود، ولی در عید نوروز، به دلیل آنکه رسم آبا و اجدادی مردم است، از چند روز مانده به عید، مردم با تهیه پوشاک نو و شیرینی، خانه‌تکانی، کاشت سبزه، رنگین کردن تخم مرغ برای بازی، و تزیین شهر و معابر عمومی، به استقبال بهار و عید ملی می‌روند. عید نوروز در زمان شوروی (سابق) به صورت رسمی از فرهنگ و سنن مردم جمهوری آذربایجان برچیده شده بود و رژیم کمونیستی برگزاری این عید را به طور رسمی ممنوع کرده بود، ولی پس از استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱، عید نوروز بار دیگر به طور رسمی جشن گرفته می‌شود و دولت پس از استقلال این کشور، عید نوروز را از اعیاد مهم تاریخی و معنوی و فرهنگی دیرینه مردم این کشور، که در ادبیات شفاهی و آثار شعرا و نویسندگان دوران‌های گوناگون به طور گسترده منعکس شده، اعلام کرده است.

روز چهارشنبه آخر سال شمسی با عنوان «چهارشنبه سوری» (چهارشنبه آتش، چهارشنبه آب، چهارشنبه خاک و چهارشنبه باد) جشن گرفته می‌شود و

۱. روزنامه نبض، ۲۸ شهریور ۱۳۸۷.

آیین‌های ویژه‌ای نیز در این روزها برگزار می‌شود که از جمله می‌توان به دستمال و شال‌اندازی، روشن کردن آتش، آراستن سفره و ترقه‌بازی، دادن میهمانی، سفره غذای ماهی، پخت شیرینی‌های عید نوروز، دیدار بزرگان و خویشان، برنامه‌های خیریه و کمک به هموعان و نظیر آنچه در شب عید «خیدیر» انجام می‌شود اشاره کرد. سبز کردن گندم و یا عدس، برنامه‌های جشن و پایکوبی، تخم مرغ بازی، سفره هفت سین، دید و بازدیدها، دادن عیدی از طرف بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها، و دید و بازدیدهای نوروزی نیز از جمله سنت‌های عید نوروز است. در ۲۱ ماه مارس سال ۲۰۰۸ دولت آذربایجان روزهای تعطیل و اعیاد رسمی سال را هشت روز اعلام کرد. پیش از این دولت آذربایجان اول فروردین (۲۱ مارس) را تعطیل رسمی اعلام کرده بود اما اخیراً مجلس ملی این کشور تعطیلی نوروز را به ۵ روز افزایش داده است.^۱

از دیگر اعیاد ملی و سنتی این کشور، شب دهم فوریه برابر با بیستم بهمن ماه با نام عید «خیدیر» است. در این شب، رسم شال‌اندازی معمول است و بچه‌ها با رفتن به در خانه همسایه‌ها و فامیل به انداختن شال مبادرت می‌ورزند و تخم مرغ، تنقلات و یا پول دریافت می‌کنند. قبلاً به پشت بام خانه‌ها می‌رفتند و این کار را می‌کردند. علاوه بر این، مادرها در این شب تنقلات گوناگونی مانند مغز بادام، کنجد و گندم را در آتش تفت می‌دهند و در یک شب‌نشینی خاطره‌انگیز و با دور هم جمع شدن تمامی اعضای خانواده و بازگویی خاطرات شیرین گذشته، به پذیرایی می‌پردازند.

واژه «خیدیر» معرب کلمه خضر پیامبر علیه السلام است و مردم بر اساس یک روایت تاریخی عامیانه، معتقدند: عید «خیدیر» از ماجرای دیدار حضرت خضر علیه السلام با حضرت الیاس علیه السلام در یک شب چهارشنبه، بر جای مانده و ملاقات مزبور

۱. www.iras.ir/fa/pages/?cid=9510.

سرآغاز این عادت سنتی شده است. در این کشور، هشت روز دیگر نیز به مناسبت‌های غیر دینی همچون روز بین‌المللی زنان اختصاص دارد.^۱ در فرهنگ آذربایجان، همانند فرهنگ سنتی ایران، زمستان دو چله دارد: چله بزرگ و چله کوچک! پس از چله کوچک، جنگ میان زمستان و بهار آغاز می‌شود! ممکن است یک روز سرد و روز دیگر بهاری باشد تا روز نوروز که بهار پیروز می‌شود و عمو نوروز می‌آید!

هشتم مارس یا به قول آذری‌ها، «سکیز مارت»، روز جهانی زن است. طبق رسمی دیرینه، در جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته، این روز تعطیلی عمومی است.

۸. ترویج غرب‌گرایی توسط حکومت

حاکمیت جمهوری آذربایجان متأثر از کشورهای غربی و با هدف جلوگیری از اسلام‌گرایی و مقابله با جریانات شیعی، غرب‌گرایی و ترویج ایده‌ها و مصادیق اباحی‌گری، ضداخلاقی‌ها و سکولاریزم را در سیاست‌های کاری خود قرار داده است. برای نمونه - همان‌گونه که ذکر شد - جلوگیری از الصاق تصاویر باحجاب زنان برای اخذ گذرنامه موجب شده است تا بسیاری از زنان باایمان این کشور، که حاضر نیستند از حجاب خود دست بردارند، از حق داشتن گذرنامه و مسافرت به کشورهای خارجی، به ویژه زیارت عتبات عالیات و مکه معظمه محروم شوند. گروه‌های شیعه اسلام‌گرا تلاش می‌کنند تا با مراجعه به مراکز حقوقی، برگزاری تجمعات اعتراض‌آمیز، و برگزاری نشست‌های سیاسی - اجتماعی این ممانعت‌ها را برطرف کنند، اگرچه در این مسیر با مشکلات فراوانی مواجه بوده‌اند.

آزادی‌های لجام‌گسیخته رسانه‌ای و توهین به مقدّسات دینی از دیگر سیاست‌های حکومت است. حکومت جمهوری آذربایجان خود را کشوری لائیک

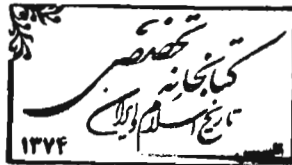
اعلام داشته است و بدون توجه به مقدّسات دینی، که بیش از ۹۰ درصد مردم را مسلمانان تشکیل می‌دهند، به شکل‌های گوناگون به مقدّسات دینی، مراجع تقلید و باورهای اسلامی توهین می‌کند. یکی از موفقیتهای روحانیت شیعه در جمهوری آذربایجان در سال‌های اخیر، مقابله با اقدام توهین‌آمیز نشریهٔ صنعت بود که پس از توهین آشکار به مبانی دینی در سال ۱۳۸۵، با اعتراض گستردهٔ مردم با رهبری اسلام‌گرایان و روحانیان شیعه مواجه شد، به گونه‌ای که پس از فتوای ارتداد نویسندهٔ موهن این نشریه از سوی مراجع تقلید، از جمله مرحوم آیه‌الله العظمی فاضل لنکرانی و مرحوم آیه‌الله بنی فضل، مردم این کشور در روستاها و شهرهای گوناگون، به تظاهرات، تجمّعات، برگزاری مصاحبه‌ها و صدور بیانیه‌ها و ایجاد فشار به مراکز حکومتی و قضایی پرداختند که در نهایت، مدیرمسئول و نویسندهٔ مقالهٔ موهن دستگیر و به زندان محکوم گردید و اگرچه این‌گونه اقدامات توهین‌آمیز در رسانه‌ها تعطیل نشده است، اما موضوع مزبور موجب گردید تا معاندان اسلام و مسلمانان متوجهٔ تأثیر مراجع تقلید و روحانیت شیعه بشوند.

ترویج خلاف اخلاق و اباحی‌گری در رسانه‌ها از دیگر اقداماتی است که نشریات، شبکه‌های تلویزیونی و سایر ابزارهای رسانه‌ای جمهوری آذربایجان، همچون کشورهای اروپایی، در ترویج فحشا و منکرات بدان مبادرت می‌ورزند و به گفتهٔ مؤمنان، در این کشور، بدتر از کشورهای غربی عمل می‌شود.

مسائل مذکور موجب شده است تا دین‌داران این کشور چالش‌های متعددی با حکومت داشته باشند. انتقاد در رسانه‌ها، صدور بیانیه‌ها و تبلیغات دینی در جهت مبارزه با بی‌اخلاقی‌ها از جمله ابزارهای مبارزاتی مردمان بایمان بوده است.

فصل هشتم

سازمان روحانیت شیعه



۱. پیشینه تاریخی

الف. مقدمه

روحانیت شیعه در جمهوری آذربایجان مسیر پر فراز و نشیبی را، به ویژه در دویست سال اخیر، تجربه کرده است و اگرچه پیش از جدایی از سرزمین مادری خود، تاریخ مشابهی همچون ایران داشته، اما پس از جدایی، تحولات بنیادینی را پشت سر گذاشته است.

حکومت‌های تزار، کمونیست و حُکام مدّعی دموکراسی کنونی این منطقه هیچ‌گاه نتوانسته‌اند تأثیرات معنوی و اجتماعی علما و روحانیان شیعه را نادیده بگیرند و برای جلوگیری از این تأثیرات، دست به اقدامات گوناگونی زده‌اند؛ همچون ممانعت از ارتباطات مردمی، تبلیغات ضد دینی، انحرافات اعتقادی، تخریب وجهه روحانیان، و ایجاد سازمان‌های موازی برای جلب و جذب مردم در دوره تزار. در دوره حکومت کمونیست‌ها، برخوردهای فیزیکی تشدید و هرگونه تبلیغات و تعلیمات دینی به شدت سرکوب و انحرافات اعتقادی بیشتر و سنگین‌تر شد. در وضعیت کنونی، اگرچه ادعای برخوردهای دموکراتیک مطرح است، اما روحانیان و مؤمنان برای تبلیغات و تعلیمات دینی و اجرای موازین شرعی و برگزاری مراسم دینی با مشکلات زیادی مواجهند. با وجود مشکلات متعدد، روحانیت شیعه هیچ وقت از وظایف اصلی اعتقادی خود دست برنداشته و در مقاطع گوناگون تاریخ، تلاش نموده است تا در عرصه‌های خدماتی خود قدم بردارد.

ب. روحانیت شیعه در دوره حکومت تزار

این منطقه پیش از جدایی از سرزمین مادری خود، ایران، همان سرنوشت تاریخ ایران را تجربه کرده است و برای مطالعه آن باید به تاریخ ایران مراجعه کرد. اما برای تقریب ذهن، در ذیل، به ذکر اسامی تعدادی از علما و روحانیان مشهور پیش از جدایی از ایران بسنده می‌کنیم:

۱- علما و دانشمندان مشهور آذربایجان پیش از جدایی از ایران: آیه‌الله فاضل ایروانی، بابا نعمة الله نخجوانی، ملا میرزا محمد شیروانی، ابوعقوب یوسف قره‌باغی، ملا شریف شیروانی، عزالدین شروانی، حاج میرزا عبدالکریم ایروانی، احمد بابایی دربندی، ترابی خاکی قره‌باغی، میرزا نصیر قره‌باغی، کمال‌الدین مسعود شیروانی، میرزا علی لنکرانی، میرزا احمد شیروانی، عبدالرحیم علی قره‌باغی، ملا علی خلیفه قره‌باغی، حاج میرزا عبدالعلی قره‌باغی، حاج میرزا علیقلی قره‌باغی، آخوند ملا اسماعیل قره‌باغی، آیه‌الله آخوند محمدعلی نخجوانی، حاج محمد علی شیروانی، آیه‌الله العظمی میرزا علی ایروانی، آخوند میرزا فیض‌الله مجتهد دربندی، میرزا نصیر قره‌باغی، ابن صدرالدین شیروانی.

۲- علما و دانشمندان مشهور آذربایجان پس از جدایی از ایران: آیه‌الله سیدحسین بادکوبه‌ای، آیه‌الله غلامحسین محامی بادکوبه‌ای، میرزا ابوتراب آخوندزاده باکوبی، آخوند ملافاضل دربندی، آیه‌الله میرزا ابوالقاسم اردوبادی، آیه‌الله محمدعلی غروی اردوبادی، آیه‌الله شیخ عبدالغفار قفقازی، آیه‌الله شیخ عبدالحسین لنکرانی، آیه‌الله حاج میرزا جعفر لنکرانی، آیه‌الله شیخ صدرالدین لنکرانی، حاج شیخ جعفر لنکرانی، آیه‌الله شیخ حسین لنکرانی، آیه‌الله فاضل موحدی لنکرانی، آیه‌الله شیخ آقا لنکرانی، آیه‌الله شیخ سیدرضا لنکرانی، آیه‌الله شیخ عبدالعزیز لنکرانی، آیه‌الله محمد لنکرانی، آیه‌الله شیخ ابراهیم لنکرانی.^۱

عالم‌پروری و جان‌فشانی‌های اعتقادی مردمان و علمای دینی این سرزمین در طول سالیان متمادی پس از ورود اسلام به ایران، بخصوص بعد از قرن دهم هجری، زبانزد عموم مراجع و علمای حوزه‌های علمیه دینی شیعه، از جمله نجف، کربلا، مشهد و اصفهان بوده، به گونه‌ای که این خطهٔ مسلمان‌نشین عالمان دینی بسیاری به جهان اسلام، به ویژه عالم تشیع، معرفی کرده است. بعضی از علمای معاصر معتقدند: در گذشته، علوم فلسفه و کلام همیشه در انحصار قفقازی‌ها، بخصوص آذربایجانی‌ها بوده و استادان بزرگ و شاگردان بسیاری تربیت کرده‌اند. پس از جدایی منطقهٔ قفقاز از ایران، که در حال حاضر کشورهای جمهوری آذربایجان، جمهوری ارمنستان، جمهوری گرجستان و ایالت‌های خودمختار جنوب روسیه همچون داغستان را شامل می‌شود و به «هفده شهر قفقاز» مشهور است، تاریخ جداگانه و متمایزی را تجربه کرده و در این میان، تاریخ روحانیت شیعه، خون‌بار، مظلومانه و همراه با شجاعت، شهامت، تقیه و فعالیت پنهانی در تعلیم علوم دینی، و موجب جاودان ماندن دین اسلام، تزکیهٔ نفوس و ترویج شعائر و معالم شرع بوده است.

ج. روحانیت شیعه در دورهٔ حکومت کمونیست‌ها

در این دوره، سیاست‌های نظری - تبلیغی، ممنوعیت‌ها، فعالیت‌های ضددینی و خفقان به شدت علیه مسلمانان اعمال می‌شد و جلوی هرگونه فعالیت دینی گرفته می‌شود. پس از استقرار بلشویک‌ها و کمونیست‌ها در سال ۱۹۱۸ و تثبیت اوضاع سیاسی، مبارزه علیه مذهب و عالمان دین آغاز شد. از اوایل دههٔ سی میلادی به بعد، مدارس، مساجد، حسینیه‌ها و تکایا بسته شد و روحانیان بسیاری در اثر اعدام، تبعید به سبیری و حبس در زندان‌ها از بین رفتند. مطابق اسناد فاش شده از سوی سازمان امنیت شوروی (سابق)، که پس از فروپاشی شوروی اعلام گردید، بیش از هشتصد نفر از عالمان و فضلاء دینی، که از حوزه‌های نجف اشرف، کربلا،

تهران، مشهد و اردبیل فارغ‌التحصیل شده و در شهرهای جمهوری آذربایجان کنونی به تبلیغ و ارشاد دینی مشغول بودند. در اندک زمانی دستگیر شدند و از بین رفتند. از این تعداد، هفده روحانی مجتهد بودند که آیه‌الله سید غنی بادکوبه‌ای و آیه‌الله شیخ قدرت‌الله ابراهیمی، نماینده مرجع تقلید آن زمان یعنی آیه‌الله اصفهانی، و ده‌ها عالم دینی با پسوند نام‌های *ایروانی*، *لنکرانی*، *نخجوانی* از آن جمله بودند. بر اساس اظهارات یکی از ناخدایان لنج‌های دریای خزر، که پس از استقلال آذربایجان اعلام گردید، وی شاهد بوده است که چگونه سیصد تن از روحانیان که دست‌ها و پاهایشان بسته بوده، توسط مأموران امنیتی در دریای خزر غرق گردیدند.^۱

از دیگر روحانیان مشهور شهید این دوره، شهیدان سید محمد و شیخ حنیفه بادکوبه‌ای، شهید شیخ کامیاب و شهید شیخ حسن رمانائی، شهید آخوند حاج روح‌الله محمدزاده، شهید شیخ قدرت‌الله ابراهیمی، شهید آخوند حبیب‌الله علیزاده (باکو)، شهید شیخ عبدالغفار اردوبادی، شهید میرفاضل (گویچای)، میراشرف، میرباقر، محمد آقا، ملاعبده‌الله (شهر سالیان) بودند. از اواخر سال‌های ۱۹۲۸ و با روی کار آمدن استالین، که از قدرت مسلمانان به عنوان اسلام انقلابی واهمه و با افسار روحانی و علمای دینی عناد ویژه‌ای داشت، شکل مبارزه با دین همه‌جانبه، افراطی و به صورت قتل‌عام‌های وسیع دین‌داران و روحانیان و تخریب مساجد درآمد.^۲

همزمان با این اقدامات، دولت شوروی (سابق) برای تحت کنترل درآوردن امور دینی، احیای اداره روحانیان قفقاز را جزو برنامه‌های خود قرار داد.

۱. آران، س ۴، ش ۸ و ۹، «علمای دینی جمهوری آذربایجان بعد از جدایی از ایران»، ص ۱۱۷-۱۲۳، به نقل از: طلاب و زائران آذری.
 ۲. ر.ک. فصل چهارم همین کتاب.

۲. سازمان‌های دینی رسمی و غیررسمی

قشر اول همان روحانیانی هستند که از طرف اداره روحانیان قفقاز انتخاب و برای فعالیت در این منطقه اعزام شده‌اند. قشر دوم طلبه‌ها و فارغ‌التحصیلان حوزه‌های علمیه و مدارس دینی هستند که به صورت ابتکاری پس از فروپاشی شوروی یا به مراکز حوزوی اعزام شده‌اند و یا به صورت خودجوش به فراگیری علوم دینی از طریق روحانیان بازگشته اقدام کرده‌اند.

الف. سازمان روحانی رسمی و دولتی (اداره روحانیان مسلمانان قفقاز)

به علت تعلقات مذهبی جمهوری آذربایجان کنونی، که اغلب مردم آن شیعه مذهب بوده‌اند و همچنین تابعیت مسلمانان از مراجع در زمینه تقلید و پرداخت وجوهات شرعی (مانند خمس و زکات) حکومت تزار با هدف تحت کنترل درآوردن امور دینی (اعم از عواید مالی و مسائل اعتقادی)، قطع ارتباط مسلمانان با حوزه‌های دینی و مراجع تقلید خارج از مرزها و همچنین تربیت طلبان و ملامهای معتقد به عقاید خود، اداره روحانیان قفقاز را تأسیس کرد. این اداره با هدف مبارزه با مرجعیت و قطع ارتباطات دین‌داران با علمای نجف، قم و خراسان ایجاد شده بود. آنها می‌خواستند مردم به تقلید صرف کفایت کنند و از اجتهاد و مراجع جدا باشند. در این دوره، اداره روحانیان قفقاز همیشه زیر نظر حکومت بوده و نیات آنها را عملی می‌ساخت.^۱

آنها تلاش کردند تا مردم قفقاز، بخصوص مردم شیعه جمهوری آذربایجان، را از دنیای اسلام، به ویژه از نفوذ و تبعیت علما و مراکز دینی ایران و همچنین از تأثیر معنوی آنها خارج کنند و آنها را از حرکات آزادی بخشی که در شمال قفقاز در حال گسترش بود، دور سازند. به همین منظور، مریدپرستی و صوفی مسلکی

۱. منبزه تراب‌زاده و دیگران، ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز، ص ۳۶۵-۳۵۰.

تبلیغ گردید تا توده‌های مسلمان توسط خادمان دینی خاص خودشان (اداره روحانیان قفقاز) تربیت شوند و روحانیت واقعی اسلامی و دینی از چشم مردم بیفتند تا بدین وسیله، از تأثیرگذاری آنها بر مردم مسلمان بکاهند و زمینه‌های حقیقی دینی را کم‌رنگ سازند. آنها خادمان و ملأهای دینی منطقه قفقاز را به یک عنصر در خدمت گرفته شده حکومت و حتی مأمور سازمان امنیت و اطلاعات حکومتی و به عبارت دیگر، به مزدبگیران حکومتی تبدیل نمودند.

به دلیل پدید آمدن خلأ دینی شدید در جامعه آذربایجان، حکومت بر آن شد تا این خلأ را پر کند. یکی از این اقدامات تأسیس دو مدرسه علمی - دینی بود که از میان جوانان، افرادی را که دارای روحیه ضعیف دینی و لابلالی‌گری بودند، انتخاب و به آن مدارس اعزام می‌کردند و پس از طی مراحل روخوانی قرآن، فراگیری احکام اولیه شرعی و برخی مفاهیم اخلاقی با اعطای یک درجه نظامی، عضو کمیته روحانیان اداره امنیت می‌کردند و سپس به شهرهای آذربایجان می‌فرستادند تا رهبری امور دینی مردم را عهده‌دار شوند. حاکمان کمونیستی وقتی دیدند که مردم با وجود فشارهای فراوان، از دین دست برنمی‌دارند و دین‌داری خود را به هر شکل ممکن تداوم می‌بخشند، به این نتیجه رسیدند تا سیاستی را اتخاذ کنند که خودشان ملأها و روحانیان دینی برای مردم انتخاب کنند. ملأهای درباری، ارتجاعی و طرفدار کمونیست بودند و حرف‌های ارتجاعی، خرافی و تحریفات دینی به مردم یاد می‌دادند. آنها حتی پس از بیرون آمدن از مسجد، حتی اقدام به شراب‌خواری نیز می‌کردند و درصدد القای این نگرش به دین بودند که می‌توان نماز خواند، مسجد رفت و در عین حال، شراب‌خواری، قماربازی و صدها کار خلاف شرع دیگر نیز انجام داد.

در حکومت شوروی (سابق)، بزرگ‌ترین مانع دین‌داری و دین‌داران، روحانیان بی‌سوادی بودند که حکومت به اسم «ملأ» برای مقابله با دین و تضعیف دین‌داران

و تمسخر معنویت دینی تربیت کرده و در مساجد و اماکن مقدّس گماشته بود.^۱ روحانیان حکومتی از مشهورترین سرمایه‌داران آذربایجان هستند، اگر در حال حاضر، ترویج دین در فشار انجام می‌گیرد و شیعیان در مشکل هستند، براساس سیاست‌هایی است که از سال‌ها قبل تاکنون، توسط این اداره عملی شده است. سیاست‌هایی که برای حال حاضر و آینده اسلام تدارک و تدوین شده است. روحانیان این اداره کسانی هستند که تحت حمایت و القای حکومت، به «ملاهای درباری» مشهورند و با خط‌دهی دولت و نیروهای امنیتی با مردم حرف می‌زنند. آنها بیشتر دنبال اهداف دولتی هستند و ایمان و عقیده دینی ندارند و بنا بر ضرورت حکومتی به وجود آمده‌اند.

اگرچه در ماهیت سیاست کنترل دینی و اهداف سکولاریستی حاکمان کمونیستی در ایجاد اداره روحانیان قفقاز، هیچ شکی وجود ندارد، اما در این میان افرادی بودند که با هدف یادگیری و ترویج اهداف دینی وارد این اداره شده بودند. آنان برای زنده ماندن دین اسلام، تقیه می‌کردند و در مقابل حکومت، از خود مقاومت نشان نمی‌دادند و سعی می‌کردند به نوعی، اسلام را تبلیغ کنند؛ روحانیانی که در نقاط گوناگون آذربایجان پراکنده بودند، ولی کاملاً تابع حکومت و اداره روحانیان نشده بودند و عقاید دینی را به مردم آموزش می‌دادند. آخوندعلی بنده، که در شهر باکو تعلیمات دینی می‌داد؛ آخوند مصیب در شهر صابر آباد؛ میرزا خلیل در نفت چالا که ده سال نیز در زندان‌های شوروی (سابق) بود؛ ملا احمد در علی بایراملی؛ آخوند مظاهر؛ آخوند بلبل؛ ملا علی و شیخ محسن از شیخ‌الاسلام‌های اداره روحانیان قفقاز بودند که غیر از کارهای ظاهری این اداره، به صورت مخفیانه و تا حدی آشکارا پس از سال‌های ۱۹۵۳ و ۱۹۷۵ به تبلیغ و

تعلیمات دینی می‌پرداختند.^۱ پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، به دلیل اعتقادات غیردینی، سکولار و لائیک بودن حاکمان این کشور، ماهیت اداره روحانیان قفقاز حفظ شد و با اهداف قبلی، ولی در شکل - به اصطلاح - دموکراتیک‌تر به فعالیت ادامه داد. علاوه بر آن، حکومت اکنون با ایجاد کمیته امور دینی در داخل دولت، تلاش می‌کند با سیاست‌های گوناگون وارد اجتماع شود و این اداره را نیز از حالت تک‌روی دور نگه دارد.

۲- اداره روحانیان قفقاز در دوران حکومت کمونیست‌ها: تبدیل اداره روحانیان قفقاز پس از اشغال آذربایجان به یک اداره دینی کاملاً موافق با معیارهای نظارتی حکومت توسط شوروی (سابق) امری اجتناب‌ناپذیر بود. همان‌گونه که اشاره شد، حکومت تزاری روس در سال ۱۸۲۳ به مسلمانان فرامنطقه قفقاز وظیفه و مقام شیخ‌الاسلامی و در سال ۱۸۳۲ نیز مقام مفتی بودن را داد و در سال ۱۸۷۲ نزد این‌ها به صورت مستقل دو اداره دینی سنی و شیعی دایر کرد. در دوران حاکمیت جمهوری خلق نیز اداره‌های سنی و شیعی به صورت تشکلهای مستقل و جداگانه فعالیت داشتند.

پس از اشغال آذربایجان توسط شوروی، با لغو اداره‌های دینی محلی، این اداره تحت تابعیت اداره روحانیت مرکزی درآمد که در شهر «اوپا» روسیه مستقر بود. اما این اداره برای نظارت و رهبری نهادهای فعال دینی و فعالیت‌های روحانیت که در تمامی اراضی شوروی قرار داشت، قدرت و اقتدار لازم را نداشت. در سال ۱۹۴۳-۱۹۴۴ با پیشنهاد رئیس این اداره و با رأی موافق هیأت رئیسه عالی شوروی، به صورت مستقل، اداره‌های دینی مسلمانان به شرح ذیل ایجاد گردید:

۱. اداره دینی مسلمانان سبیری و قسمت اروپایی در شهر اوفا؛
۲. اداره روحانیان مسلمانان قزاقستان و آسیای میانه در شهر تاشکند؛

۱. ولی جباری، علمای دینی جمهوری آذربایجان بعد از جدایی از ایران، ص ۸۴

۳. اداره روحانیان مسلمانان قفقاز در شهر باکو؛

۴. اداره روحانیان مسلمانان قفقاز شمالی و داغستان در شهر مهاج قلعه؛

با فرمان شماره ۱۷ هیأت رئیسه عالی شوروی در ۱۴ آوریل ۱۹۴۴ اداره روحانیت مسلمانان قفقاز تشکیل و در ۲۸-۲۵ ماه می ۱۹۴۴، اولین همایش رسمی مسلمانان منطقه قفقاز برگزار شد که آخوند آقا علی زاده به عنوان رهبر و رئیس اداره روحانیان قفقاز انتخاب و به وی مقام «شیخ الاسلامی» داده شد. این اداره برای رهبری مساجد و مسلمانانی که در جمهوری‌های آذربایجان، گرجستان و ارمنستان زندگی می‌کردند، ایجاد شده بود.^۱

در چارچوب صلاحیت‌های این اداره، در کل منطقه قفقاز، فقط ۲۲ مسجد و ۱ زیارتگاه و قریب ۷۰ خادم دینی به ثبت رسمی رسیده بودند. مسلمانان زیادی که در جنوب منطقه قفقاز زندگی می‌کردند باتوجه به اینکه به مسجد و روحانیت نیاز مبرم داشتند و از روی اجبار، احساسات دینی خود را مخفی نگه داشته و علاقه‌مند برگزاری آیین‌های دینی خود بودند، با رهبری روحانیان غیررسمی مجبور می‌شدند مراسم دینی خود را در منازل افراد متدین و در ساختمان‌های فرسوده مساجد و زیارتگاه‌ها و امام‌زاده‌ها برگزار کنند.^۲

رئیس اداره روحانیان قفقاز (شیخ الاسلام) تا سال ۱۹۵۴ شیخ الاسلام آقا علی زاده و پس از او، آقای حکیم زاده و سپس ملا علی سلیمان زاده، میر غضنفر ابراهیم‌اف و در نهایت، از سال ۱۹۸۰ تا امروز شیخ الاسلام الله شکر پاشا زاده بوده است. وی در زمان شوروی (سابق) نماینده مجلس بود.^۳

۳- اداره روحانیت قفقاز پس از استقلال: تأسیس اداره روحانیان به سال‌ها پیش از حکومت کمونیست‌ها برمی‌گردد و این سیاست ابتدا در تاتارستان و آسیای

۱. اهداف آموزش دینی، ص ۷۶.

۲. همان، ۷۸.

مرکزی و سپس در قفقاز به اجرا درآمد. حکومت تزار برای رسیدن به این هدف در منطقه، مقام عالی دینی، یعنی شیخ الاسلامی را، که وظیفه مفتی‌گری داشت، ایجاد کرد و در نهایت، در سال ۱۸۲۳، اداره «شیخ‌الاسلام‌های قفقاز» تأسیس و سپس در سال ۱۸۳۲ وظایف مفتی‌های قفقاز مشخص گردید. شیخ‌الاسلام و مفتی به طور مستقل، مشغول فعالیت شدند و وظیفه اصلی‌شان تأیید نام روحانی بود. اما مشخص شدن وظایف آنها به معنای ایجاد سازمان روحانیت نبود. مقام شیخ‌الاسلامی قفقاز به طور یکنواخت به آخوند مسجد شیعه و مسلمانان واقع در شهر تفلیس حواله می‌شد. مرکزیت مفتی‌گری مدت کمی در شهر قازان و سپس در شهر تفلیس بود و هر یک از رهبران دینی مسلمانان مناطق قفقاز، یعنی شیخ‌الاسلام‌ها و مفتی‌ها از خزانه تزارها هر ساله پنج هزار مانات پول نقره دریافت می‌کرد.^۱ کارهای مربوط به تشکیل اداره روحانیان قفقاز در زمان الکساندر دوم و جانشینی برادر کوچکش میخائیل نیکلایویچ، در سال ۱۸۶۲-۱۸۸۲ سرعت پیدا کرد.^۲

پس از انقلاب روسیه و حاکمیت کمونیست‌ها، تمامی برنامه‌ها و اعمال دینی تعطیل شد و حتی فعالیت اداره روحانیان قفقاز هم، که با اهداف روس‌ها تشکیل شده بود، متوقف گردید و به طور کلی، همه چیز در عرصه دین قطع شد. این سیاست تا اوایل ۱۹۴۰ تداوم داشت، اما پس از جنگ جهانی دوم و گسترش آزادی‌ها و انتقاد از سیاست‌مداران کمونیستی در تحت فشار قرار دادن مسلمانان، لزوم تظاهر به آزادی دینی نزد ملل جهان، بخصوص کشورهای اسلامی، و همچنین در اختیار گرفتن امور دینی و جلوگیری از فعالیت‌های مخفیانه مسلمانان و اسلام‌گرایان - به ویژه از سال ۱۹۴۲ به بعد - و ضرورت گشایش و گسترش اداره روحانیان قفقاز از سوی حاکمان کمونیستی احساس گردید. هدف آنان به عبارتی گویاتر، تربیت روحانیان دولتی بود.

۱. اهداف آموزش دینی، ص ۵۴.

درجات خادمان دینی: خادمان دینی، که در اداره‌های روحانی ایفای نقش می‌کردند، به درجات متعدد تقسیم می‌شدند. مقام‌ها و درجات پایین مخصوص کسانی بود که وظایفشان اجرای مراسم و تدریس موضوعات دینی در مدارس و مساجد بود که به «ملاهای مسجد» معروف بودند. اداره روحانیت مسجد، که به قضات محلی سپرده شده بود، از لحاظ رتبه و مقام در درجه دوم قرار می‌گرفت. رتبه و درجه سوم شامل قضات منطقه بود. در کنار آنها، مدرّسان خصوصی مساجد و مدارس وظیفه نظارت را برای جلوگیری از تبلیغات خودسرانه و دشمن برانگیز بر عهده داشتند (تبلیغات واعظان فعال و امام جماعت مسجد جامع) با این ترکیب، مساجد متعدد ایجاد می‌گردید. به درجه و رتبه عالی دینی در سنی‌ها «مفتی» و در شیعیان «شیخ الاسلام» اطلاق می‌شد. آنها بر اداره‌های روحانیت ریاست داشتند. هیأت ویژه‌ای برای نظارت و بازرسی فعالیت و عملکرد اداره‌های روحانیت تأسیس شده بود. مفتی‌ها و شیخ‌الاسلام‌ها صلاحیت داشتند به مسائلی که از مساجد منطقه فرستاده می‌شد، مستقیماً رسیدگی کنند و هر دو رهبر دینی حق صدور فتوا داشتند.^۱

۲- اداره روحانیان قفقاز پس از استقلال: پس از استقلال کشورهای منطقه قفقاز، هر یک از کشورهای این منطقه به عنوان یک دولت مستقل با تهیه قانون اساسی برای امور دینی خود، اقداماتی انجام داد. در جمهوری آذربایجان، علاوه بر ادامه فعالیت اداره روحانیان قفقاز، کمیته امور دینی توسط دولت تأسیس گردید. این شکل از اداره بیشتر از نظام حکومتی ترکیه تقلید شده بود. هدف این کمیته رسیدگی، نظارت و کنترل بیشتر بر امور تشکّل‌های دینی کشور، ثبت رسمی تشکّل‌های دینی و تحت تابعیت دولت درآوردن امور مالی، فعالیت‌ها و سیاست‌های کاری تشکّل‌های دینی بود. حکومت آذربایجان به دلیل ترس از

1. Ibid.

شکل‌گیری جریان‌های اسلامی اصول‌گرا، که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران رو به رشد بود، و زمینه‌های لازم و کافی نزد مردم دیندار آذربایجان داشت، با سیاست‌های گوناگون تلاش می‌کند ضمن ممانعت از گسترش تحرکات اسلام‌گرایانه، آنها را تحت نفوذ و کنترل خود درآورد و در صورت عدم تابعیت این جریان‌ها، به برخوردهای فیزیکی و تخریبی متوسل می‌شود که نمونه‌هایی از این برخوردها را در دو دهه گذشته، در مواجهه مردم دیندار و احزاب و تشکلهای و جمعیت‌های اسلام‌گرا، همچون «جمعیت مسجد جمعه» و «مرکز دفاع از آزادی‌های معنوی»، حزب «اسلام»، و مردم روستای نارداران می‌توان سراغ گرفت.

دانشگاه اسلامی باکو، که توسط اداره روحانیان قفقاز اداره می‌شود، با برنامه‌ریزی دولتی و نفوذ سازمان امنیت برای تربیت آخوندهای حکومتی راه‌اندازی شده و در حال حاضر، سیصد دختر و پسر مشغول فراگیری تحصیلات در این دانشگاه هستند. دانشگاه اسلامی شهر سومقائیت نیز، که زیر نظر اداره روحانیان قفقاز بوده و اخیراً تعطیل شده، از دیگر مراکز رسمی تربیت طلاب دینی است. در این دانشگاه از استادان شیعه استفاده می‌شود.

ب. سازمان روحانی غیر رسمی

۱- گذشته و حال: در منطقه آران (جمهوری آذربایجان) از قرن ششم میلادی مدارس دینی شکل گرفته و در کنار مساجد جامع، فعالیت می‌کنند. در دوران قرون وسطا، در شهرهای باکو، گنجه، شاماخی، شوشا و سایر شهرها، برخی مدارس با کلاس فعال شده بود و در آن دروس دینی از جمله آموزش زبان‌های عربی و فارسی، شریعت، ادبیات، فلسفه، و منطق تدریس می‌شد. ساکنان آذربایجانی که می‌خواستند علوم عالی را یاد بگیرند مجبور بودند برای یادگیری علوم دینی به شهرهای تبریز، تهران، نجف و دیگر شهرها سفر کنند. این مدارس افراد بالای شانزده سال را پذیرش می‌کردند. در اوایل قرن بیستم در کشور آذربایجان

مدارس دینی، مدرسه روحانیت و مدرسه «سعادت» و برخی از این‌گونه مدارس فعالیت می‌کردند.^۱

حاکمیت شوروی (سابق) ضربه محکمی بر دین و تحصیلات دینی در مناطق آذربایجان وارد نمود. اما پس از استقلال جمهوری آذربایجان وضعیت تغییر کرده است.

در دوران حکومت شوروی هفده مسجد و مدرسه وجود داشت، ولی ده سال بعد از استقلال، ۱۳۰۰ مسجد و اجتماع دینی، دانشکده الهیات دانشگاه دولتی باکو، دانشگاه اسلامی باکو، و شعبه‌های آن در شهرهای سومقائیت، مینگه چویر، و زاکاتالا و در کل، ۲۲ مدرسه و صدها دوره و کلاس قرآنی در کنار مساجد فعالیت می‌کرد و همزمان با اینها، ۱۶۸ ساعت زمان برای تحصیلات دینی با روش مختلف در مدارس عمومی در نظر گرفته شد.^۲

اما با وجود آنکه قریب بیست سال است که حکومت شوروی فروپاشیده، اما مسلمانان از آموزش علوم دینی خود محرومند و اگرچه ظاهر امور این را نشان نمی‌دهد، ولی نظرسنجی مرکز تفکیک دین نشان می‌دهد که بیشتر اهالی آذربایجان خواستار تدریس تحصیلات دینی در مدارس هستند.^۳

در ده سال گذشته، گروه‌های دینی متفاوتی در جمهوری آذربایجان ایجاد شده است. گروه‌ها و مجامع دینی در حال گسترش دامنه فعالیت خود و ایجاد شبکه‌های تحصیلی دینی، شناساندن آن، و محکم کردن پایه‌های این شبکه‌ها در کشور هستند. چون عبور از مجاری دولتی و اخذ مجوز برای تشکیل یک مجمع و گروه دینی توسط دین‌داران و ارائه تعلیمات دینی کار ساده‌ای نیست، این امر موجب تشکیل کلاس‌های غیررسمی شده است و در مناطق گوناگون، بخصوص

1. *Azərbaycan İslam Madaniyyət Abidələri*, Samad Bayramzadə, P.130.

۲. همان.

۳. روزنامه *ینی مساوات*، ۳ فوریه ۲۰۰۲.

باکو، شکی، شیروان، و مناطق و شهرهای شمال و جنوب آذربایجان دوره‌های زبان عربی و قرآن کریم کلاس‌های آموزشی تشکیل می‌شود و در بعضی مواقع، علاوه بر این مدارس و دوره‌ها، در منازل بعضی از اعضا نیز کلاس‌هایی برگزار می‌گردد.

۲- آموزش‌های غیررسمی دینی در مساجد: بیشتر اهالی با آموزش دینی فرزندان خود در مقاطع متوسطه تحصیلی مخالفتی ندارند، ولی به دلیل نبود این آموزش‌ها مجبور می‌شوند به مراکز غیررسمی، بخصوص مساجد، مراجعه کنند. نتایج نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که روز به روز گرایش‌های دینی مردم افزایش می‌یابد. بیشتر مردمی که خواستار تحصیل و یادگیری دروس دینی هستند، از کلاس‌های غیر رسمی، که در مساجد تشکیل می‌شود، دروس دینی را فرامی‌گیرند. البته در این مساجد، فقط احکام ابتدایی دین آموزش داده می‌شود؛ مانند قرائت و تفسیر قرآن کریم، احکام و عقاید. این دروس، هم به شکل گروهی و هم انفرادی تدریس می‌شود. امروزه در جمهوری آذربایجان، به ویژه در باکو و شهرهای اطراف آن، بیش از صدها دوره آموزشی قرآن کریم و اصول اعتقادی و احکام به صورت غیر رسمی در منازل افراد تشکیل می‌شود.

برخی از تشکلهای اجتماعی و گروه‌های دینی نیز به تدریس علوم دینی مشغولند. آنها در کلاس‌ها و یا اتاق‌هایی که به اجاره می‌گیرند، دوره‌های دینی، گردهمایی‌ها و مباحثه‌های خود را برگزار می‌کنند. بعضی از این دوره‌ها در حسینیه‌ها نیز برپا می‌شود. مجامع و تشکلهای آموزشی و تدریس دینی از جمله «اتحادیه جوانان اکمال»، «تشکیلات اسلام و شناخت»، «تشکیلات اسلام و اتحاد»، «مجمع دینی عرفان»، «مرکز علمی و مدنی اسلام»، «اتحادیه اجتماعی دعوت به صفای معنوی»، «مرکز جداسازی دین»، و بسیاری دیگر از این تشکلهای به همین صورت فعالیت می‌کنند. این فعالیت‌ها بیشتر در باکو صورت می‌گیرد. در بیشتر مواقع، برای تدریس علوم دینی در مساجد شهرهای کوچک و یا روستاها و قصبه‌ها، اجازه داده نمی‌شود؛ اما مردم کشور، بخصوص جوانان و نوجوانان،

مشتاقانه به دنبال فراگیری علوم دینی هستند.^۱ در شهر باکو دوره‌های آموزشی دینی توسط افراد و مؤسسات گوناگون به صورت شخصی تشکیل می‌شود. برای نمونه، «جمعیت بیرلیک» تحت عناوین ادبیات و شعرهای نظامی گنجوی به فعالیت دینی مشغول است که صدها نوع دیگر نیز همانند این جمعیت وجود دارد. به دلیل اینکه این کشور در سال‌های متمادی از آموزه‌های دینی دور بوده، نیاز به آموزش دینی کاملاً محسوس است.

۳- **عزیمت انفرادی به سایر کشورها برای تحصیلات دینی:** فاصله زیادی برای نیل به تحصیلات عالی دینی در جمهوری آذربایجان وجود دارد و به همین دلیل است که جوانان مؤمن آذربایجانی، که در پی کسب علوم عالی دینی و اسلامی هستند، به کشورهای خارجی همچون ایران، ترکیه، مصر، عربستان، سوریه و لبنان روی می‌آورند. نمایندگان آذربایجانی، که در پی کسب علوم دینی هستند، به ایران، ترکیه، مصر، لبنان، سوریه، عراق، عربستان، پاکستان و حتی مالزی، دولت‌های غربی حتی آمریکا نیز فرستاده می‌شوند. این طلبه‌ها از سوی وزارت علوم آذربایجان، اداره روحانیان قفقاز، دانشگاه اسلامی باکو، جمعیت‌های خیریه، مجامع دینی تازه تأسیس و حتی به صورت شخصی، برای تحصیل علوم دینی فرستاده می‌شوند. اگر چه می‌گویند اعزام طلبان به کشورهای خارجی برای کسب علوم دینی از سال ۹۰ یعنی در اوایل استقلال آذربایجان صورت گرفته، ولی روشن است که این کار از چند سال پس از استقلال کامل آذربایجان، رونق گرفته است.^۲ در همین کشورها، برخی طلبان آذری به صورت رسمی و تعدادی از آنان نیز به صورت غیر رسمی تحصیل می‌کنند. برخی از طلبه‌ها از سوی آذربایجان به رسمیت شناخته می‌شوند، ولی افرادی که رسمیت ندارند تحصیلات و مدارکشان از سوی وزارت علوم عالی آذربایجان اعتبار ندارد. به همین دلیل، طلبه‌ها و

1. Aref Yonesov, *Azrbaijada Islam*.

2. Ibid, p. 206.

افرادی که خواهان تحصیل علوم دینی هستند با توجه به فرا رسیدن سن قانونی خدمت سربازی‌شان، یا مشکل خروج از کشور را دارند و یا مجبور به ترک تحصیل و به خدمت سربازی اعزام می‌شوند.

روحانیت شیعه و مردم جمهوری آذربایجان پس از استقلال همیشه از سازمان روحانیت شیعه ایران متأثر بوده‌اند. بیش از ۸۰ درصد مسلمانان جمهوری آذربایجان خود را پیرو مذهب شیعه دوازده امامی می‌دانند. برتری مکتب شیعه و نزدیکی به ایران، تحولات در زندگی مسلمانان جمهوری آذربایجان از سال‌های ۱۹۹۰ تاکنون را تعیین کرده است. راه‌ها و اشکال جدید نفوذ شیعیان ایران در آذربایجان پس از فرو ریختن پرده آهنین و واکنش دولت و ملت آذربایجان به این تحولات مورد توجه است. به همین دلیل، بسیاری از طلب علم دینی این کشور با اشتیاق وارد ایران می‌شوند و در حوزه‌های علمیه قم، مشهد، اردبیل و سایر شهرها تحصیل می‌کنند. مردم این کشور تحت تأثیر فتاوا، بیانیه‌ها و اظهارات مراجع عظام تقلید، دست به برپایی مراسم و تجمعات می‌زنند.

با باز شدن مرزها در سال ۱۹۹۱، صدها جوان آذربایجانی با استفاده از امتیازاتی که انقلاب اسلامی ایران برای دانشجویان خارجی تعیین کرده بود، در مدارس اسلامی قم و مشهد به تحصیل پرداختند. بخش عمده آنها طلب حوزه علمیه قم شدند. دو مدرسه این حوزه علمیه، یعنی «حجتیه» و «امام خمینی»، هر کدام ۲۰۰ الی ۲۵۰ نفر طلبة آذربایجانی داشتند که عمدتاً اهل شهرهای جنوبی جمهوری آذربایجان و نیز آذربایجانی‌هایی از گرجستان و ترکیه بودند. از سال ۱۹۹۲-۱۹۹۳، از طریق آنها ادبیات شیعه منتشر شده در ایران، پخش می‌شد. این دانشجویان با استفاده از تسلط خود به زبان‌های عربی و فارسی، به ترجمه ده‌ها جزوه چاپ ایران پرداختند. این جزوه‌ها برای توزیع از طریق کتاب‌فروشی‌های

آذربایجان منتشر می‌شدند. اکثریت این دانشجویان، که در زمینه توسعه مذهب شیعه در میهن خود نقش ایفا کردند، عمدتاً در ایران ساکن شدند.^۱

ج. سایر مؤسسات آموزشی دینی غیر رسمی

۱- مدارس پنج‌گانه آموزش دینی: این مدارس در سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۶ در شهرهای نارداران، جلیل آباد، ماسالی، گویچای و باکو توسط جمهوری اسلامی ایران تأسیس گردید. مقدمات امر انجام و ساختمان‌های لازم ساخته شد، اما با فشار عناصر ضد دین داخلی و نیروهای معاند جمهوری اسلامی ایران و مخالفان تشیع در خارج از کشور این مدارس تعطیل گردید. طبق توافق انجام شده با دولت جمهوری آذربایجان، قرار بود در این مدارس با سبک حوزه‌های علوم دینی ایران تدریس گردد.

۲- هسته‌های آموزشی کوچک: این هسته‌ها در مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و هیأت‌های مذهبی مستقر است و در آنها، جوانان متدین و برخی فارغ‌التحصیلان جامعه المصطفی العالمیه، قرائت قرآن، احکام شرعی و برخی معارف دینی را به دوست‌داران معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌آموزند.

۳- جمعیت‌های مذهبی بانفوذ: برخی هیأت‌ها و تشکّل‌ها همچون «هیأت جعفری»، «گروه اکمال»، انتشارات «قلم»، جمعیت «صاحب الزمان»، جمعیت «اتحاد اسلامی» و برخی مجلات دینی شیعی مانند دعوت به صفای معنوی، فطرت، قلم، حکمت، بیرلیک، دیرلر و نبض از این نمونه‌ها هستند که روز به روز بر تعدادشان افزوده می‌شود و تعلیمات و تبلیغات بسیاری صورت می‌دهند.^۲

۱. اخبار شیعیان، ش ۲۱، «سرنوشت مذهب شیعه در آذربایجان بعد از فروپاشی شوروی»، ص ۴۵-۴۷.

۲. پژوهش، س ۳، ش ۶، «آذربایجان؛ بایسته‌های پژوهش دینی»، ص ۴.

۳. عرصه‌های خدمات

بیشتر عرصه‌های خدمات سازمان روحانیت شیعه با تاریخ گذشته و وضعیت حاضر جامعه شیعی منطقه قفقاز مطابقت دارد. البته آنها بیشتر در عرصه‌های تعلیمات دینی و تزکیه نفس و همچنین جمع‌آوری وجوهات شرعی فعال‌تر بوده‌اند و اجرای حدود و فصل خصومات به دلایل اوضاع سیاسی - اجتماعی کمتر نمود داشته است.

الف. تعلیم علوم دینی

در دوره حاکمیت شوروی (سابق) در آذربایجان، داشتن کتب دینی و خرید و فروش و ترویج آن به صورت آشکار ممنوع و حتی جرم بود. با این حال، مردم مسلمان همواره نسبت به مسائل دینی و مذهبی دغدغه روحی داشتند و در حد امکان، برای حفظ دین می‌کوشیدند. قرآن، کتاب‌های تاریخ اسلام، کتب حدیث، دیوان شعرای نوحه سرا، رساله‌های عملیه فقها و مراجع دینی و کتاب‌های احکام معمولاً در منازل مؤمنان به صورت مخفیانه نگهداری می‌شد یا از طریق قاچاق وارد می‌شد و یا به سختی از طریق رسانه‌ها به دست می‌آمد. «ما بعد از انقلاب اسلامی ایران، معارف و احکام اسلامی را توسط روحانیون ایرانی و از طریق رادیوهای در اختیار، از مناطق آذری نشین ایران دریافت و به آنها عمل می‌کردیم.»^۱ روحانیان شیعه برای تعلیمات دینی از هر دری وارد می‌شوند. آنها گاهی خود را معلم معرفی می‌کنند. شیخ حسین یکی از آنها بود.

شیخ آقا حسین بعد از عزیمت از حوزه‌های علمیه نجف اشرف و تهران در سال ۱۹۱۷ به باکو بر می‌گردد. در سال ۱۹۳۰، که کار تبلیغات دینی با سختی مواجه می‌شود، او مصلحت را در این می‌بیند تا خود را به عنوان معلم تاریخ معرفی کرده و کتاب‌هایش را مخفی کند. بعد از مدتی

۱. عبدالحسین شهیدی ارسباران، خاطرات حاج علی اکرام علی‌اف، ص ۹۳.

تقیّه تا سال ۱۹۴۰ و بعد از یک سری آزادی‌های دینی در شهر باکو، در بعضی از مساجدش به موعظه، تدریس و تعلیمات دینی در روستای فاطمیه پرداخته و شاگردانی را پرورش می‌دهد.

حتی در جهت تدریس و تعلیم، گاهی مجبور می‌شدند تا وارد اداره روحانیان قفقاز هم بشوند. برای نمونه، حاج میرزا عبدالکریم در سال ۱۹۰۵ پس از بازگشت به وطن، در مسجد «تازه پیر» و «شیخ علی» به موعظه پرداخت. وی طلباب زیادی را پرورش داد که میر عبدالخالق باکوبی، شیخ علی طوطی ناردارانی، ملا خلیفه ناردارانی، مشهدی مظاهر، میر محمد کریم از آن جمله بودند. سید میری از جمله طلبه‌های او بود. وی در نجف اشرف به درجه اجتهاد نایل شد. کتاب‌های ارشاد المتحیرین، صراط المستقیم، حلّال مشکلات، منازل السالکین و برخی دیگر از آثار گران بها از وی به یادگار مانده است. وی در سال ۱۹۶۱ از دنیا رفت و در قبرستان «سیدهای مشهد آقا» به خاک سپرده شد.

مهاجرت، زندگی مخفیانه، تقیه و سفر به شهرهای گوناگون از دیگر ابزارهای تعلیمات دینی بود. آخوند محمد شیروانی پس از بازگشت از حوزه‌های علمیه نجف اشرف و مشهد، در دوران خفقان شوروی (سابق)، مدتی را به صورت پنهانی زندگی و سپس به شهرهای احمدآباد و صابر آباد مهاجرت کرد. وی به صورت پنهانی اقدام به تربیت شاگرد و طلبه دینی می‌کرد.

اکنون وظیفه تعلیم و تربیت علوم دینی از طریق طلبایی صورت می‌گیرد که آموزش‌های دینی را در حوزه‌های علوم دینی خارج از کشور، بخصوص ایران، فرا گرفته‌اند و طلبه‌هایی که از طریق ده‌ها مؤسسه آموزشی غیررسمی که در مساجد و اماکن مذهبی تشکیل می‌گردد. وقتی وارد مساجد و حسینیه‌ها و اماکن مذهبی این جمهوری می‌شوی با جوانان و نوجوانانی مواجه می‌شوی که به صورت انفرادی و یا گروه‌های چند نفری به آموزش علوم دینی مشغولند.^۱

ب. ترویج معالم و شعائر دینی

این وظیفه را روحانیان با جان و دل انجام داده و به حفاظت از مرزهای اعتقادی و دینی اسلام پرداخته‌اند. بسیاری از عالمان بزرگ پس از حاکمیت کمونیست‌ها، بر خود وظیفه دانستند تا در باکو و دیگر شهرها بمانند و به حراست از مرزهای اعتقادی مردم مسلمان بپردازند و ضمن تبلیغ و ترویج فرهنگ و حفظ معتقدات مذهبی و معنوی مردم، به کانون گرم مبارزه و نارضایتی بر ضد کمونیست‌ها تبدیل شدند و در برابر ترویج اندیشه‌های مادی، جبهه‌ای فرهنگی و دینی برای حفظ اسلام و تشیع باز کردند و البته مردم هم از آنها پیروی می‌کردند. آنها لحظه‌ای از جهاد علمی، فکری و سیاسی خود علیه کمونیسم و حاکمیت ظالمانه استالین و دست‌نشانندگان او دست برنداشتند.^۱

در دوران حکومت کمونیست‌ها، بسیار بودند روحانیان مخلص، متعهد و پایبند به مذهب که با وجود شدت برخورد مأموران حکومتی و فضای رعب و فشار، از جان خود مایه می‌گذاشتند و پنهانی به تصحیح عقاید و اعمال دینی مردم می‌پرداختند.^۲ امروزه ترویج شعائر اسلامی از طریق کلاس‌های آموزش علوم دینی، شرکت در مراسم و فیات و اعیاد، اماکن مذهبی، ایام الله رمضان و ماه‌های محرم و صفر و نیز از طریق رسانه‌ها و کتب دینی انجام می‌گیرد.

ج. فصل خصومات و حل اختلافات (حکم و حکومت)

اگرچه این بعد از عرصه خدمت‌دهی روحانیت شیعه نمود کمی داشته، اما روحانیان شیعه در طول تاریخ، در صورت لزوم خود را محق می‌دانسته‌اند. به دنبال بی‌اعتنایی شهید آیه‌الله شیخ عبدالغنی بادکوبه‌ای به حکام کمونیست و تهدید جعفر باقراف، حاکم وقت آذربایجان، شیخ عبدالغنی به وی گفته بود: «آیا

۱. عبدالحسین شهیدی ارسباران، خاطرات حاج علی اکرام علی‌اف، ص ۴۴.

۲. پژوهش، س ۳، ش ۶، «آذربایجان؛ بایسته‌های پژوهش دینی»، ص ۳۳-۳۵.

تو می‌دانی من کیستم؟ شیخ عبدالغنی، بنده خدا رهبر دینی مردم و جانشین امام زمان (عج)، هستم.^۱

نقش روحانیان شیعه در سال‌های پس از استقلال، در ممانعت از ایجاد اختلافات مذهبی با اهمیت بوده است. در حالی که برخی نیروها با ایجاد فرق انحرافی و الحادی در صدد تضعیف دین و ایجاد زمینه‌های جنگ مذهبی بوده‌اند، اما روحانیت شیعه با سفارش به وحدت و دوری گزیدن از اختلافات مذهبی، مانع بزرگی بر سر آنها در نیل به اهدافشان بوده است. علاوه بر این، مردم برای حل مشکلات داخل خانواده و خویشاوندان خود، به روحانیان شیعه مراجعه می‌کنند. به دلیل تأثیر معنوی روحانیان، تمایلات و رویکردهای مردمی به این قشر روز به روز بیشتر می‌گردد. طلب علم دینی می‌گویند: وقتی وارد روستا می‌شویم مردم فوج فوج به ما روی می‌آورند و از مشکلات کشاورزی گرفته تا اختلافات خانوادگی را با ما در میان می‌گذارند.

د. جمع و تقسیم وجوه شرعی (خمس، زکات و نذورات)

مردم این منطقه از دیرباز توجه خاصی به پرداخت وجوهات شرعی داشته‌اند و حتی با وجود بسته بودن مرزها، با تدابیر خاصی در این زمینه عمل می‌کرده‌اند. حاج علی اکرام در خاطرات خود نوشته است:

اکثر مردمان ما که به نوعی درآمد داشتند، خمس درآمدهایشان را جدا می‌کردند و چون مرزها بسته بود و به مراجع دست‌رسی نداشتند، خودشان سهم سادات را به سیدهای محلی می‌رساندند و سهم امام علیه السلام را در مصارف معین خود و امور خیریه صرف می‌کردند؛ مثل کمک به روحانیان غیر وابسته به حاکمیت، طلبه‌های دینی، آموزگاران قرآن و احکام، آبادانی مساجد و ... پس از انقلاب

۱. عبدالحسین شهیدی ارسباران، خاطرات حاج علی اکرام علی‌اف، فصل دوم.

اسلامی ایران، که ارتباط ما از طریق کنسولگری ایران برقرار و بیشتر شده بود، وجوه شرعی (خمس) را، که چند سالی نگه داشته بودیم، از طریق آن به ایران و دفتر امام خمینی علیه السلام فرستادیم و مدتی بعد قبض آن را دریافت کردیم. وقتی ما از آذربایجان به مسکو و از آنجا به عتبات عالیات عازم می‌شدیم، بسیاری از اهالی، که طی ده‌ها سال نذرهای خود به کربلا را، مثل طلاجات، انگشتری، النگو، زیورآلات نگه داشته بودند، به من سپردند تا به کربلا ببرم.^۱

وضعیت اقتصادی مردم، بخصوص شیعیان، بسیار پایین است؛ اما این امر مانع توجه مردم به وجوهات شرعی نمی‌شود. طلبه‌های علوم دینی واسطه انتقال وجوه شرعی به مراجع تقلید ایران هستند و عده‌ای نیز به نمایندگی از مراجع، این وجوه را در راه‌های مشخص شده شرعی مصرف می‌کنند. بسیاری از تجار و کسبه این کشور نیز هر ساله نزد مراجع تقلید عظام می‌روند و به وضعیت شرعی وجوه خود رسیدگی می‌کنند.

۴. ارتباط با مرجعیت

نهاد مرجعیت اهمیت زیادی در جوامع شیعی دارد.

در اهمیت نهاد مرجعیت تقلید، باید گفت: طبق مکتب شیعیان امامی، این روحانیون رئیس همه مؤمنان شناخته شده و از آگاهی به حقیقت و مشیت الهی برخوردارند. دوازده امام مطهر از بیت علی علیه السلام بالاتر از آنها قرار دارند. فتوایی که مراجع تقلید صادر می‌کنند، برای تمام امت شیعه لازم‌الاجرا بوده و قابل بحث نیست. همه شیعیان و از جمله نخبگان روحانی، باید از این روحانیان عالی

اطاعت و تقلید کنند. ضمن اینکه نباید در نفوذ مراجع تقلید ایرانی در اذهان و رفتار مسلمانان این کشور مبالغه کرد.^۱

در خاطرات یکی از اسلام‌گرایان این منطقه آمده است:

در بخش نارداران (باکو)، اکثر اهالی اعمال و کردارشان و کار و شغل و درآمدشان را بر اساس رساله‌ عملیه مرجع تقلید خود تنظیم می‌کردند. اما گرایش قوی به مذهب شیعه و تأثیرگذاری ایران بر جمهوری آذربایجان برای تفکر حاکم بر امپریالیزم جهانی مسئله‌ای غیرقابل قبول بود. از این روی، با برنامه‌های پرهزینه و مستمر فضای لازم را برای تهاجم ادیان و مذاهب مختلف علیه مذهب شیعه مهیا ساختند.^۲

نهادهای دینی حکومتی و عوامل خارجی تلاش می‌کنند تا رویکرد مردم به مراجع تقلید ایران منعطف نشود و به جای آن، به سایر فرق و مذاهب، همچون نورچی‌ها جذب شوند. در غیر این صورت، به مراجع تقلید خارج از ایران تمایل پیدا کنند که این سیاست بی‌تأثیر نبوده است.

به نظر می‌رسد مردم جمهوری آذربایجان به مراجع تقلید و بیش از همه مراجع تقلید ایران توجه دارند. این موضوع را از مراجعات طلبان، مسافران و زائران این کشور می‌توان به خوبی دریافت. اما بعضی از تحقیقات منصفانه‌ای که توسط افرادی همچون ابراهیم بالجی ترکیه‌ای صورت گرفته است، غیر این را نشان می‌دهد. وی در تحلیلی جامعه‌شناختی معتقد است: جایگاه نهاد مرجعیت تقلید در جمهوری آذربایجان متفاوت از مناطق دیگر بوده و توسعه چندانی نیافته و علت عدم آشنایی مردم با این نهاد در دوران شوروی (سابق) و همچنین فاصله

۱. اخبار شیعیان، س ۳، ش ۲۱، «سرنوشت مذهب در آذربایجان پس از فروپاشی شوروی»، ص ۴۵-۴۷.

۲. عبدالحسین شهیدی ارسباران، خاطرات حاج علی اکرام علی‌اف، ص ۶۲.

داشتن از برادران ایمانی و قطع ارتباط با مجتهدان قم و نجف از سال ۱۹۲۰ به بعد بوده است. تحولات ایران، که در سال ۱۹۷۸ تبلور یافت، و رهبری امام خمینی علیه السلام که اختیارات مرجع تقلید را در جامعه شیعه و دولت توسعه داد، موجب شد تا قدرت مراجع تقلید ایرانی به برادران ایمانی آنها در آذربایجان شوروی گسترش یابد و این نفوذ در دوران استقلال این کشور به وسیله پیوندهای آذربایجانی - ایرانی، از طریق زوآر و دانشجویانی که از قم و مشهد برمی‌گشتند و نیز به برکت فعالیت‌های تبلیغاتی سفارت ایران در باکو گسترش یافت. طبق نظر سنجی‌ها، بیشترین نفوذ مجتهدان شیعه در این کشور به ترتیب مربوط به آیه‌الله فاضل لنکرانی علیه السلام، آیه‌الله سیستانی، آیه‌الله خامنه‌ای، و آیه‌الله میرزا جواد تبریزی علیه السلام است. معاشرت مردم با دانشجویان آذربایجانی در حوزه قم و اصل و نسب آذربایجانی خود، موجب محبوبیت آیات عظام لنکرانی و میرزا جواد تبریزی و فتاوی معتدل آیه‌الله سیستانی و همچنین پشتیبانی مراکز دینی ایران در این کشور موجب نفوذ آیه‌الله خامنه‌ای شده است. اما در مجموع، نفوذ مراجع تقلید ایرانی در اذهان و رفتار مسلمانان آذربایجان زیاد نبوده و تعداد کمی از مسلمانان از رهنمودهای مجتهد مشخص شیعه پیروی می‌کنند و در حالی که همه مراجع تقلید مذکور در بسیاری از مناطق خارجی شیعه نشین دفتر دارند، حکومت این کشور اجازه گشایش آن را نمی‌دهد. به عبارت دیگر، اگرچه به دلیل شیعه بودن اکثریت مردم این کشور تلاش شده است تا این خلأ از طریق جمهوری اسلامی ایران پر شود و در اوایل نیز این موضوع به خوبی پیش می‌رفت، اما با احساس خطر حکومت، برنامه‌ها و سیاست‌های گوناگونی برای مقابله با این گرایش‌ها و جای‌گزینی عوامل و کشورهای دیگر انجام گرفت و در این مسیر، زمینه برای فعالیت میسیونرهای مسیحی غرب، وهابیان کشورهای عربی، صوفی‌گری پنهان، نورچی‌های ترکیه و حتی فرقه‌های ضالّه، همچون بهائی و شیطان‌پرستی، فراهم گردید. تسهیلات بسیاری ایجاد شد و مجوّزهای فعالیت آنها صادر گردید.

علی‌رغم فراز و نشیب‌های بسیار در امور دینی مردم، مرجعیت جایگاه خود را همیشه حفظ کرده است. اگرچه شناخت و الزامات مردم نسبت به سایر کشورهای شیعه متفاوت بوده، اما قدرت روحانیان و مراجع تقلید قابل توجه است. به عبارت دیگر، تحولات جدی در اسلام جمهوری آذربایجان بیش از همه شامل مراسم عاشورا و نیز قدرت روحانی مراجع تقلید می‌شود و هر دو پدیده مذکور مشخصه بارز اسلام شیعه اثناعشری هستند. این تحولات نتیجه احیای روابط سنتی آذربایجان با ایران، مرکز جهانی مذهب شیعه، بوده است و با اینکه افکار انحرافی، اقدامات الحادی، تبلیغات وسیع ضد دینی، و اجرای تفکرات سکولاریستی در رأس سیاست‌های حکام این منطقه قرار دارد، اما فطرت پاک دینی و سابقه شیعه‌گری مردم مسلمان در سایه رهبری و هدایت روحانیان واقعی و علمای دینی این خطه، موجب شده است تا آنچه اتفاق می‌افتد خلاف خواسته‌های استکبار، صهیونیسم بین‌الملل، و منحرفان مذهبی را نشان دهد و دلیل آن اخبار و آمارهای جالبی است که علی‌رغم سانسور رسانه‌ای و خبری ارائه می‌شود.

حکومت اجازه تأسیس دفاتر مراجع تقلید را در این کشور نمی‌دهد و تلاش می‌کند تا مردم را به اداره روحانیان رسمی داخل و در غیر این صورت، متوجه حوزه‌های علمی خارج از ایران نماید.

۵. دیانت و سیاست (چالش‌های روحانیت با حکومت)

روحانیت شیعه در جمهوری آذربایجان چالش‌های زیادی با حکومت و همچنین جریان‌های گوناگون الحادی و انحرافی در این کشور داشته است که در ذیل، به اختصار، برخی از آنها ذکر می‌شود. (در فصل «بررسی وضعیت سیاسی» این موضوع به تفصیل بررسی شد.)

الف. ممانعت از ایجاد مراکز دینی و حوزه‌های علمیهٔ دینی مستقل

حکومت تلاش زیادی می‌کند تا امور دینی این کشور را تحت نفوذ خود درآورد و ضمن تقویت ادارهٔ روحانیان قفقاز، اقدام به ایجاد «ادارهٔ امور دینی» نموده است. «ادارهٔ امور دینی» با هدف تحت نفوذ قرار دادن امور دینی، اشراف بر تشکلهای اسلامی، و جلوگیری از فعالیت‌های دینی اصول‌گرایانه ایجاد شده است. این اداره در حالی که به میسیونرهای مسیحی، فرق ابداعی و انحرافی همچون وهابیت و بهائیت و تشکلهای دینی کشورهای بیگانه اجازهٔ فعالیت می‌دهد، اما از فعالیت رسمی طلبان دینی و روحانیان شیعه به شدت ممانعت می‌کند.

بیش از پانصد مجمع و گروه دینی مجوز فعالیت گرفته‌اند، اما بیشتر تشکلهای رسمیت یافته غیر شیعی (اهل سنت) هستند؛ یعنی در حالی که بیش از ۸۰ درصد جمعیت این کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند، اما تعداد تشکلهای اسلامی شیعی کمتر از ۳۰ درصد است. به عبارت دیگر، در حالی که منطقهٔ باکو و اطراف آن قریب ۵۰ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده، فقط ۴۵ تشکل و گروه و هیأت اسلامی در آن رسماً به ثبت رسیده است؛ مثلاً، در زاکاتالا، که اکثریت اهالی را اهل سنت تشکیل می‌دهند و کمتر از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارد، به ۲۲ تشکیلات دینی مجوز فعالیت رسمی داده شده؛ اما مجامع رسمی شیعیان شهر باکو به تعداد انگشتان یک دست است. وهابیان به راحتی اقدام به تحریف تاریخ، عقاید و باورهای مردم مسلمان و شیعه این کشور می‌کنند و حتی در سال‌های اخیر، اختلافات قومی و مذهبی بسیاری را ایجاد کرده‌اند، اما تشکلهای دینی شیعی حتی امکان ثبت رسمی فعالیت‌های خود را نیز ندارند. در حال حاضر، مسیحیان بیش از ده مرکز دینی و عبادی تأسیس کرده‌اند و تبلیغات وسیعی در قالب چاپ انجیل و برگه‌های تبلیغاتی جذاب و رایگان صورت می‌دهند.

«فعالان مسجد جمعه» شهر باکو یکی از تشکلهای فعال، پرطرفدار و با نفوذ در میان جوانان مؤمن شهر باکو هستند که در سال ۲۰۰۵ ضمن اینکه آنها را از

محل فعالیت خود، یعنی مسجد جمعه، بیرون کردند، به شکل‌های گوناگون مانع فعالیت آنها شدند. حاج القار ابراهیملی، امام جماعت و رهبر این گروه، به همراه تعداد زیادی از طرفداران و فعالان مسجد به بهانه‌های گوناگون دستگیر شدند و چندین ماه به زندان افتادند و اکنون نیز امکان خروج از کشور را ندارند.

ب. ممانعت از برگزاری مراسم دینی در اماکن عمومی

اگرچه برگزاری مراسم مذهبی به یک فرهنگ تبدیل شده است، اما حکومت به ایجاد محدودیت در برگزاری مراسم در خیابان‌ها و ممانعت از ساخت مسجد و حضور در ایام‌الله می‌پردازد.

ج. ممانعت از گشایش دفتر مراجع دینی

سیاست مبارزه با ادبیات شیعه متصل به ایران و همچنین ممانعت از برپایی دفاتر مراجع تقلید دینی از گذشته تا به امروز ادامه داشته و با ابزارهای گوناگون تلاش شده است تا از حضور و نفوذ روحانیت و مرجعیت شیعه ممانعت کنند. اما این محدودیت‌ها موجب قطع ارتباط کامل مردم با مرجعیت نشده است و هنگامی که از ائمه اطهار علیهم‌السلام و علمای شیعه و اهمیت مرجعیت در آذربایجان سؤال می‌شود، همه با اطمینان پاسخ می‌دهند که این اعتقاد و ارتباط همیشه، به ویژه از سال ۱۹۷۰، در این جمهوری وجود داشته و بخصوص در سال ۱۹۸۰ توسعه یافته است؛ هنگامی که مسلمانان این کشور به آثار علمی - اسلامی امام خمینی رحمته‌الله دسترسی پیدا کردند. در حالی که همه مراجع تقلید در بسیاری از مناطق خارجی شیعه‌نشین دفتر دارند، در جمهوری آذربایجان چنین چیزی مشهود نیست. وکلای آنها به دلیل مخالفت قوانین آذربایجان نمی‌توانند دفتر تأسیس کنند و اندیشه‌های سرپرستان خود را تبلیغ کنند. مرحوم آیه‌الله فاضل لنکرانی به منظور رفع این موانع، در مسکو نمایندگی افتتاح کرد تا جمعیت قابل توجه آذربایجانی روسیه را تحت پوشش خود قرار دهد.

د. ممانعت از انتشار ادبیات شیعی ایران

فروش کتب و ادبیات اسلامی - ایرانی در جمهوری آذربایجان ممنوع است. گمرک‌های این کشور به شدت از ورود کتب دینی و اقلام فرهنگی ممانعت می‌کنند. طلب‌های دینی به عنوان جاسوس تحت فشار قرار می‌گیرند و نیروهای امنیتی با یورش به خانه‌های دین‌داران، با تحت تعقیب قرار دادن آنها، منابع دینی و کتب اسلامی را جمع‌آوری می‌کنند. ولی مسلمانان این کشور از این سانسور بیمی ندارند؛ زیرا بخش عمدهٔ رساله‌های ممنوع مجتهدان ایرانی به طور آزاد در باکو فروخته می‌شود. آثار آنها دربارهٔ حقوق اسلامی و مجموعه فتاوی‌ای ایشان اکنون در کتاب‌فروشی‌های باکو و شهرستان‌ها عرضه می‌شود.^۱

ه. تلاش حکومت برای کنترل فعالیت‌های دینی

حکومت در صدد است تا با روش‌ها و عناوین گوناگون، کنترل امور دینی را در دست بگیرد. به دلیل موفقیت حیدر علی‌اف در ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی در کشور، وی از محبوبیت بالایی برخوردار شده است و با وجود سرکوب شدید اسلام‌گرایان و جمعیت‌های اسلامی، قوانین غیر دینی و سکولار در همهٔ عرصه‌ها تصویب گردیده و کوچک‌ترین توجهی به گذشتهٔ تاریخی، ریشه‌های شیعی، گرایش‌های مردمی و دین مردم نشده و دین‌داران معترض نیز جاسوس ایران، سنتی‌های عقب‌مانده و مخالف مدرنیسم! معرفی می‌شوند. این کشور به پیروی از ترکیه در سال ۲۰۰۱ به ایجاد اداره‌ای با نام «کمیتهٔ رسیدگی به امورات دینی» اقدام نمود که علت واقعی تشکیل آن، ناتوانی ادارهٔ روحانیان قفقاز در مقابله با هجوم اسلام شیعی ایرانی بود. این اداره از آغاز تأسیس، به مبارزه با میسیونرهای خارجی پرداخته و آنها را مقصر فساد اخلاقی مردم

کشور می‌داند. همین شعار، محور اصلی فعالیت‌های سازمان مذکور است. این کمیته دولتی، که به صورت یک وزارت‌خانه کوچک تحت پوشش دفتر ریاست جمهوری کار می‌کند، به جای وزارت دادگستری، خودش سازمان‌های دینی را به ثبت می‌رساند. هدف غیر علنی این اداره، مقابله با ایران و رهبران شیعه ایران است.^۱

اگرچه رویکرد اصلی قوانین دینی جمهوری آذربایجان به سمت لائیک است، اما قوانینی هم تصویب شده که برای مردم آزادی‌های دینی قایل است، اگرچه در این زمینه گوش شنوایی وجود ندارد. برای مثال، در ماده ۱۸ و ۴۸ «روابط دین و حکومت» آمده است:

تمامی ادیان الهی در مقابل قانون از حقوق یکسانی برخوردارند. تبلیغ و ایجاد ادیانی که ارزش‌های انسانی را کم‌رنگ و آنها را از انسانیت دور کند، ممنوع است. تحصیلات دینی جنبه جهانی دارد. تمامی افراد از آزادی دینی برخوردارند. تمامی افراد حق دفاع و حمایت از دینی را دارند که انتخاب می‌کنند و به آن اعتقاد دارند. کسی هم که هیچ دینی را قبول و بدان اعتقاد نداشته باشد، می‌تواند از باور خود دفاع کند. اگر انجام مراسم ویژه دینی با برنامه‌های اجتماعی و یا قانون منافات نداشته باشد، منعی در اجرای آنها وجود ندارد. هر دینی حق جلوگیری از پایمال شدن اعتقادات و عقاید حقوقی خود را دارد.

اما در عمل، شاهد اقداماتی هستیم که مخالف این قوانین است. برای مثال، می‌توان به مشکلی که در میان دین‌داران و حکومت آذربایجان در ماه می سال ۲۰۰۷ به دلیل ممنوعیت پخش اذان به وجود آمده بود، اشاره کرد. به بهانه اینکه

پخش اذان از بلندگوهای مساجد برای انجام فریضة نماز، بزرگان و کودکان را اذیت می‌کند، پخش اذان ممنوع شد، ولی مورد پذیرش دین‌داران قرار نگرفت. به دنبال اعتراض‌های مردمی، حکومت سناریویی تنظیم کرد با این مضمون که رئیس جمهور آذربایجان پس از دیداری که با الله شکور پاشازاده، رئیس اداره مسلمانان قفقاز، داشتند، دوباره فرمان پخش اذان از بلندگوهای مساجد را صادر کردند.

۹. محدودیت‌ها و مشکلات شیعیان در برگزاری مراسم دینی

موضوع مهم دیگر برگزاری مراسم عزاداری ماه محرم و صفر، بخصوص روز عاشورا، در این کشور است که مشکلاتی را برای مردم به وجود آورده. علی‌رغم درخواست‌های بسیار مردم و حضور در مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام، حکومت این کشور این روز را تعطیل نکرده است. همه ساله این روز با حضور پر رونق مردم در مساجد و حسینیه‌ها برپا می‌گردد، اما از سوی حکومت برنامه‌ای وجود ندارد و حتی رادیو و تلویزیون نیز به برنامه‌های عادی خود ادامه می‌دهد و حتی محدودیت‌های بسیاری برای عزاداران ایجاد می‌شود؛ از حضور مردم در خیابان‌ها جلوگیری می‌گردد و حتی عده‌ای از عزاداران تحت فشار قرار می‌گیرند.

معضل دیگر مشکلاتی است که برای جوانان دیندار در خدمت سربازی به وجود می‌آید. آنها در به جا آوردن واجبات دینی محدودیت‌هایی دارند. همچنین به خوردن غذاهایی که از نظر اسلام حرام است، مجبور می‌شوند. آنها در تطهیر و پاک نگه داشتن خودشان نیز مشکلات متعددی دارند و شرایط غیراسلامی و عدم توجه در اجرای مراسم شرعی و مذهبی در پادگان‌ها و ممنوعیت اجرای آنها توسط نظامیان، مشکلات بسیاری برایشان به وجود می‌آورد.

ز. سایر چالش‌ها

حکومت از ساخت مساجد و اماکن دینی جلوگیری می‌کند. مدارس دینی به اجبار تعطیل می‌گردند و به گروه‌های اسلامی اجازه فعالیت داده نمی‌شود. در مطبوعات و رسانه‌ها، محافل حکومتی و رسانه‌های گوناگون، به مقدّسات دینی آشکارا توهین می‌شود و از پوشش لباس توسط روحانیان و طلبّاب ممانعت به عمل می‌آید. برنامه‌های مبتذل با وجود مخالفت‌های دین‌داران، از شبکه‌های تلویزیونی پخش می‌شود و فساد و فحشا از سوی حکومت ترویج می‌گردد. وجود کارخانه‌ها، مراکز تولیدی و اقتصادی غیرشرعی، همچون تولید مشروبات الکلی و یا پرورش خوک از دیگر چالش‌های مردمان دین‌دار با حکومت است.

۶. تأثیر عوامل خارجی بر محیط دینی جمهوری آذربایجان

با توجه به اینکه در فصلی جداگانه تأثیرهای جمهوری اسلامی ایران بررسی شده است، در این قسمت، به تأثیر سایر کشورها بسنده می‌شود:

الف. ترکیه

حکومت تلاش کرده است تا در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، دینی و فرهنگی، خود را شبیه ترکیه تلقی کند و با توجه به احساس خطر نفوذ اسلام‌گرایی از جانب ایران، ضمن تبلیغات سوء علیه این کشور، ترکیه را حامی و هم‌شان اعتقادی و فرهنگی و هم‌بیمان سیاسی و امنیتی خود معرفی می‌نماید. به همین دلیل، از ابتدای استقلال، زمینه فعالیت‌های ترکیه بدون هیچ مانعی فراهم بوده و حتی عوامل مادی و معنوی لازم نیز برای این کشور فراهم شده است. در اوایل سال ۱۹۹۰ از سوی کشور ترکیه، طریقت‌های «سلیمانیه» و «مولانا» به کشور وارد شدند. عامل گستردگی این طریقت‌ها آخوندهای ترکی بودند که در مرکز کشور، یعنی شهر باکو، قرار داشتند. پس از فروپاشی شوروی، در مدت زمان

کوتاهی آنها توانستند در کشورهای مسلمان‌نشین، از جمله آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و همچنین در مناطق ترک‌نشین نفوذ خود را بگسترانند. فعالیت نورچی‌ها در مدارس محسوس است. آنها برای جوانان برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری می‌کنند و علاوه بر مدارس معمولی، مدارس عالی تأسیس می‌کنند. فعالیت آشکار نورچی‌ها در آذربایجان، با هیچ مانع سیاسی مواجه نیست و پناهندگان سیاسی نورچی‌ها از کشورهای ترکیه و روسیه به راحتی به کشور آذربایجان وارد می‌شوند.^۱

پذیرش روش‌های اسلام ترکیه‌ای از سوی بیشتر دوایر حکومتی، شرایط مناسبی را برای فعالیت‌های گسترده گروه‌های دینی ترکیه مهیا ساخته است. پس از سال ۱۹۹۲ صدها جوان آذربایجانی برای ادامه تحصیلات در رشته الهیات به دانشگاه‌های ترکیه فرستاده شده‌اند و صدها مدرّس ترک نیز به آذربایجان آمده و اکنون در زمینه‌های گوناگون فعالیت می‌کنند. فعالیت ترک‌های ترکیه در آذربایجان را می‌توان به چهار بخش عمده تقسیم نمود:

۱. فعالیت‌های رسمی دینی مؤسسات وابسته به دولت ترکیه؛
۲. فعالیت‌های جماعت نورچی وابسته به فتح‌الله‌گولنه؛
۳. فعالیت‌های تشکیلات «مرکز حمایت جوانان» (گنجلیه یاردم فوندو) و نقش‌بندان؛
۴. فعالیت‌های افراد دیگر، شامل نقش بندهای محمودچی، قادری‌ها، مولوی‌ها، روفاعی‌ها و مانند آنها.

شرایط مساعدی برای فعالیت نورچی‌ها فراهم گشته که برای هیچ‌یک از گروه‌های دینی فعال موجود نیست. با اینکه از ایجاد شبکه تلویزیونی خارجی در کشور جلوگیری می‌شود، اما شبکه‌های تلویزیونی ترکیه به راحتی فعالیت می‌کنند. نام شبکه تلویزیونی STV تعویض و «خزر» نامیده شده است. نورچی‌ها موج

1. Aref Yonesov, *Azrbaijada Islam*.

رادیویی مخصوصی به نام «بورج اف ام» (Burc.FM) دارند که ۲۴ ساعته برنامه پخش می‌کند. در حال حاضر، در مدارس شهرهای باکو، لنکران، سومقائیت و آغداش، افرادی که علاوه بر مدارس جدید، به تحصیلات دینی نیز علاقه‌مند باشند، می‌توانند به راحتی در محله‌های مخصوص نورچی‌ها آموزش دینی ببینند. لازم به ذکر است که از اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ حکومت آذربایجان محدودیت‌های گوناگونی برای فعالان دینی ترکیه ایجاد کرده. بستن چند مسجد از جمله مساجد «الهیات» و «شهیدلر»، اخراج رهبران روحانی نورچی‌های ترکیه، و طرح اتهامات گوناگون در رسانه‌ها علیه دوایر دینی فعال ترکیه در جمهوری آذربایجان از آن جمله است. تحلیل‌گران برخورد تند حکومت این کشور را با وجود روابط صمیمی گذشته با ترکیه در عوامل متعددی، همچون از سرگیری روابط سیاسی ترکیه و ارمنستان، تلاش حکومت آذربایجان برای کنترل امور دینی، مقابله با گسترش مصادیق اسلامی همچون حجاب و نماز، و احساس خطر از نفوذ نورچی‌ها در مراکز حساس این کشور می‌دانند. علاوه بر آن، ترکیه همچنین تلاش می‌کند سیاست متوازنی با آذربایجان و ارمنستان برقرار کند و عداوت گذشته را با ارمنستان فراموش نماید.

ب. کشورهای عربی

هنگامی که از تأثیر عوامل خارجی بر محیط دینی جمهوری آذربایجان سخن به میان می‌آید، دیگر نمی‌توان به تأثیر کشور عربستان بر اوضاع دینی اشاره نکرد. گسترش سلفی‌ها در مدت زمانی کوتاه، قابل تأمل و بررسی است. این گسترش از سوی دولت نیز حس شده است و دولت با برنامه‌هایی جوانان را از افتادن در این مسیر باز می‌دارد و سعی در جمع‌آوری آنان دارد. مسجد «ابوبکر» یکی از مهم‌ترین مراکز فعالیت سلفی‌هاست که به عنوان مدرسه نیز از آن استفاده می‌شود. قابل ذکر است که به دلیل خلأ دینی موجود، افراط‌گرایی دینی از خارج بر این کشور تحمیل می‌شود.

ج. نفوذ میسیونرهای مسیحی

اقتصاد آشفته و وضعیت نابهنجار مردم برای به دست آوردن نان شب، بخصوص در سال‌های اولیه استقلال، موجب سرازیر شدن میسیونرهای مسیحی به جمهوری آذربایجان گردید. آنها با توجه به شرایط ایجاد شده توسط حکومت، شروع به ایجاد انجمن‌های خیریه و کلاس‌های آموزشی کردند. اگرچه در این زمینه توفیق زیادی نیافته‌اند، اما تعدادی از جوانان و مردم را به خود جلب نموده‌اند. به دلیل آنکه در این زمینه به تفصیل بحث شده است، در اینجا از اطالۀ کلام خودداری می‌شود.

فصل نهم

روابط با جمهوری اسلامی ایران

و

حوزه علمی قم

مقدمه

روابط جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران پس از جدایی، دچار فراز و نشیب‌های زیادی بوده است. در دوره تزار، مبادلات تجاری و ارتباطات فرهنگی و دینی خوبی وجود داشت. در دوره کمونیست‌ها، مناسبات ایران و این منطقه در چارچوب اتحاد جماهیر شوروی (سابق) از سوی مسکو و تهران تنظیم می‌شد و ایران دارای سرکنسولی در شهر باکو بود و پرده آهنین و دیوان‌سالاری پر پیچ و خمی در روابط، نوارهای مرزی، مکالمات و مبادلات حاکم بود.

پس از استقلال این جمهوری، تحولات وسیعی در همه ابعاد روابط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و دینی دو کشور ایجاد شده است. گشایش گذرگاه‌های مرزی ایران و آذربایجان در جلفا، آستارا، انزلی و بیله سوار دنیای جدیدی را بر روی آذربایجان گشوده است. تأمین انرژی برق مصرفی مردم نخجوان و تأمین مواد غذایی و دارویی، کمک به آوارگان جنگی و احداث اردوگاه‌های پناهندگان، تشکیل نمایندگی «بنیاد مستضعفان و جانبازان»، «بنیاد شهید» و «کمیته امداد امام خمینی» برای کمک به محرومان آذری و موارد بسیار دیگر از جمله حمایت‌های ایران است.^۱ در مجموع، می‌توان گفت: مطابق با قانون اساسی، کشورمان، همواره حمایت از شیعیان جمهوری آذربایجان را در اولویت سیاست‌های خارجی خود قرار داده است.

۱. بهرام امیراحمدیان، روابط ایران و جمهوری آذربایجان، ص ۱۱۲.

با توجه به گستردگی موضوع، به اختصار، روابط دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان در زمینه‌های گوناگون و دل‌بستگی مردم این دو کشور به یکدیگر و همچنین با توجه به اهمیت موضوع، حمایت‌ها و کمک‌های معنوی حوزه‌های علمیه ایران از این کشور را در این فصل بررسی می‌کنیم.

۱. روابط سیاسی

جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری است که استقلال جمهوری آذربایجان را در دی ماه ۱۳۷۰ به رسمیت شناخت و روابط سیاسی خود را از سطح کنسولگری به سفارت‌خانه ارتقا داد.

پس از بحران قره‌باغ، ایران تمامیت ارضی این کشور را به رسمیت شناخت و خواستار عقب‌نشینی ارامنه از مناطق تحت اشغال شد. ایران بارها به عنوان میانجی در میز مذاکره دو کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان حضور داشته و نقش زیادی در کاهش تنش‌ها ایفا کرده است؛ اما متأسفانه به دلیل دخالت قدرت‌های منطقه‌ای که سعی داشتند از درگیری‌های موجود در جهت سیاست‌های استکباری خود استفاده نمایند، نتیجه‌ای حاصل نشده است. جمهوری اسلامی ایران در طول قریب پانزده سال گذشته و ایام جنگ قره‌باغ از هیچ‌گونه کمک مادی، معنوی، نظامی و دیپلماتیک به جمهوری آذربایجان دریغ نکرده و مقامات سابق و کنونی این کشور بیش از همه بر این امر واقفند.

روابط سیاسی دو کشور اگرچه در دو دهه اخیر دچار فراز و نشیب‌هایی بوده و حکام آذری در مقاطعی تلاش کرده‌اند به مشکلات امنیتی و سیاسی خود برچسب «دخالت ایران در امور داخلی» بزنند و در این زمینه، اقدام به سرکوب گروه‌های اسلامی شیعه نموده‌اند، اما ایران با احساس وظیفه نسبت به ملل مسلمان، بخصوص شیعیان این کشور، برخورد مسالمت‌آمیز و بدون تنش را در پیش گرفته و همواره تابع اصل «حسن همجواری» بوده و مردم این کشور را تحت

حمایت‌های مادی و معنوی خود قرار داده است. صدها سند در زمینه‌های گوناگون با این کشور به امضا رسیده که اصلی‌ترین آن در سال ۱۹۹۴ بین رؤسای جمهور دو کشور بوده و در سال‌های بعد نیز با سفر رؤسای جمهور دو کشور بر توافقاتی گذشته تأکید و اسناد همکاری جدیدی امضا شده است.

در وضعیت کنونی، که از یک سو، آمریکا و ناتو درصدد نفوذ در کشورهای قفقاز، به ویژه آذربایجان و گرجستان هستند و از سوی دیگر، روسیه حساسیت‌های قابل توجهی نسبت به این موضوع دارد، جمهوری آذربایجان نیز تلاش می‌کند سیاست متوازنی در پیش بگیرد و ایران را نیز در سیاست‌های راهبردی خود قرار دهد؛ اما همیشه تحت تأثیر قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده و هر از گاهی تنش‌های گوناگونی بین دو کشور ایجاد می‌شود.

موانع توسعه مناسبات ایران و آذربایجان

الف - از نگاه ایران:

- فشار ایالات متحده آمریکا بر آذربایجان برای توسعه نیافتن مناسبات؛
- نقش اسرائیل برای توسعه حوزه نفوذ در قفقاز، به ویژه در آذربایجان؛
- تبلیغات منفی رسانه‌ها و مطبوعات جمهوری آذربایجان علیه ایران؛
- تبلیغات پان ترکستی آذربایجان با شعار «وحدت آذربایجانی‌های جهان»؛
- همکاری‌های آینده ناتو و جمهوری آذربایجان؛
- پایگاه «قبله» و موضع‌گیری آذربایجان در این زمینه.

ب - از نگاه جمهوری آذربایجان:

- تبلیغات دینی ایران برای جذب بیشتر شیعیان و طلب علم دینی؛
- مناسبات نزدیک ایران با ارمنستان به عنوان کشور اشغالگر ۲۰ درصد خاک آذربایجان؛
- تبلیغات منفی شبکه تلویزیونی «سحر» و «صدای آذری» در تهران و تبریز؛

● اختلاف نظر بر سر تقسیم قلمرو سرزمینی در خزر.

با وجود همه مشکلاتی که بر سر راه توسعه مناسبات بین تهران و باکو وجود دارد، اما زمینه‌های مناسبی همچون مشترکات دینی، تاریخی و فرهنگی، امکانات بسیار خوبی فراهم کرده است که در صورت بهره‌برداری صحیح از آنها، می‌توان موانع موجود را به راحتی از سر راه برداشت و در نتیجه، امکان مانور دشمن را در مرزهای شمالی ایران به حداقل کاهش داد. در هر حال، مهم‌ترین زمینه‌های مساعد در روابط دو کشور عبارتند از:

الف. منافع مشترک اقتصادی بین دو کشور؛

ب. میراث فرهنگی که مهم‌ترین وجه مشترک جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان است.

۲. روابط اقتصادی

الف. موافقت‌نامه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

ده‌ها موافقت‌نامه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در پی سفر مقامات دو کشور منعقد شده است که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. تفاهم‌نامه متقابل برای جلوگیری از خروج غیرقانونی ثروت‌های فرهنگی و برقراری تسهیلات متقابل به منظور تحقق طرح‌های مشترک اقتصادی، از جمله ایجاد مناطق آزاد تجاری، بازارچه‌های مرزی، و حمل و نقل مسافر و کالا با استفاده از شبکه راه‌های هوایی، زمینی و دریایی؛

۲. توافق‌نامه‌های منعقدشده در زمینه تشکیل کمیسیون مرزی، صادرات گاز ایران به جمهوری نخجوان، همکاری‌های دوجانبه در زمینه آب و برق، همکاری‌های علمی و فرهنگی، بهداری و علوم پزشکی، رادیو، تلویزیون، و سرمایه‌گذاری‌های مشترک اقتصادی؛

۳. تأسیس اتاق‌های بازرگانی مشترک و مبادله اطلاعات تجاری متقابل و نیز احداث خط آهن و تبادل کارشناس فنی بین ایران و آذربایجان؛

۴. موافقت‌نامه اجرای طرح اتصال خط آهن دو کشور که موجب رفع حصر اقتصادی نخجوان و دستیابی آذربایجان به دریای مدیترانه از طریق خاک ایران و ترکیه می‌شود.

۵. موافقت‌نامه ممنوعیت فروش و یا واگذاری کالاهای ترانزیتی ایران و آذربایجان در خاک یکدیگر و جلوگیری از اخذ هرگونه حقوق گمرکی و سود بازرگانی از این دسته کالاها.

۶. ایجاد شعب بانک‌های دو کشور در پایتخت‌های یکدیگر؛

۷. تأمین کالاهای کشاورزی مورد نیاز نخجوان از استان آذربایجان غربی؛

۸. حقّاری مشترک ایران و آذربایجان در حوزه نفتی دریای خزر؛

۹. فروش برق ایران به نخجوان؛

۱۰. فروش سهام کنسرسیوم نفتی آذربایجان به ایران؛

۱۱. صدور برق از سال ۱۹۹۴ به نخجوان با قدرت ۵۰ مگاوات.^۱

مبادلات کلان تجاری دو کشور در طول چند سال گذشته رو به رشد بوده، اما نسبت به سایر کشورها مطلوب نیست. به گفته سفیر وقت ایران در باکو، ارزش مبادلات تجاری ایران و جمهوری آذربایجان به مرز یک میلیارد دلار در سال افزایش یافته است و این رقم در مقایسه با دو سال قبل، دو برابر افزایش نشان می‌دهد که ۷۰۰ میلیون دلار معاملات کلی و ۳۰۰ میلیون دلار تجارت نواحی مرزنشین و سرمایه‌گذاران خرد دوسوی مرز است. نفت، گاز، آب، برق، خودرو، چوب، مصالح ساختمانی، لوازم خانگی، مواد غذایی و شوینده‌ها، همچنین خدمات فنی و مهندسی از جمله زمینه‌های همکاری اقتصادی ایران و جمهوری آذربایجان محسوب می‌شود و امکان افزایش مبادلات اقتصادی ایران و جمهوری آذربایجان تا ۱/۵ میلیارد دلار وجود دارد.^۲

۱. www.hamshahrionline.ir، آذر ۱۳۸۸.

۲. ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی)، ۲۵ فروردین ۱۳۸۸.

ب. بازارچه‌های مرزی

جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران اقدام به ایجاد بازارچه‌هایی در مرزهای دو کشور نموده‌اند که بازارچه مشترک مرزی منطقه جلفای استان آذربایجان شرقی اولین آنهاست. در این بازارچه‌ها، پبله‌وران با تهیه کارت پبله‌وری و غرفه مخصوص، به فعالیت می‌پردازند. بازارچه مشترک مرزی «جلفا» در کناره رودخانه ارس، مرز بین آذربایجان شرقی و جمهوری خودمختار نخجوان واقع شده است. در این بازارچه، ۴۹ غرفه و در بازارچه مشترک «نوردوز» ۳۰ غرفه تأسیس شده است. در سال ۱۳۸۲ مقدار ۱۳۹۲ تن کالا به ارزش تقریبی ۲۷۳۲ میلیون ریال از طریق بازارچه مشترک جلفا وارد و ۴۲۹۷ تن کالا به ارزش ۳۷۹۹ میلیون ریال از این طریق صادر شده است.^۱

بازارچه مشترک دیگر در پبله سوار قرار دارد. شهرستان پبله سوار با ۵۵ هزار نفر جمعیت در شمال اردبیل و در منطقه مرزی با جمهوری آذربایجان واقع شده است با هدف فعالیت مرزنشینان، بازارچه مشترک مرزی در شهرهای پبله سوار، پارس آباد و گرمی نیز اجرا خواهد شد. روان‌سازی، تسهیل در امور گمرکی و توسعه و رونق اقتصادی شهرها و مناطق مرزی استان از دلایل این امر است. بازارچه مشترک آستارا نیز به صورت مقطعی چند بار گشایش یافته و سپس تعطیل شده است.

ج. حمایت‌های کمیته امداد امام خمینی علیه السلام

کمیته امداد امام خمینی علیه السلام قریب دو دهه است که فعالیت‌های فرهنگی، دینی و مساعدت‌های مالی و پشتیبانی‌های فرهنگی (از جمله حمایت از دانش‌آموزان و دانشجویان) را در دستور کار قرار داده است. این نهاد از سال ۱۳۷۲ کمک‌هایی

۱. سایت سازمان بازرگانی استان آذربایجان شرقی، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۷؛

به نیازمندان این کشور آغاز کرده است که در قالب کمک‌های پرداختی، خدمات درمانی، خدمات فرهنگی، اطعام و افسارینه محرومان، حمایت از ایتم، کمک به خودکفایی، تهیه جهیزیه و کمک به متأهلان بی‌بضاعت، خدمات عمرانی، احداث، تعمیر و تکمیل مسکن مددجویان انجام می‌گیرد و بیش از پانزده سال است که در این کشور اجرا می‌شود و تمرکز آن بیشتر بر مناطق شیعه‌نشین این کشور است. تعداد واحدهای کمیته امداد امام خمینی علیه السلام در جمهوری آذربایجان ۴۴ واحد شامل ۱ اداره کل مستقر در شهر باکو، ۴ شاخه اصلی (در شهرهای باکو، لنکران، گویچای، و گنجه)، ۱۴ شاخه فرعی، ۱۸ شعبه توزیع، ۱ واحد فرهنگی، ۱ واحد درمانی و ۵ واحد دیگر است. کمیته امداد در حال حاضر، در این کشور تعداد ۴۶۴ شهر و روستا را تحت پوشش دارد. در پایان سال ۱۳۸۶ تعداد ۹۵۹۳ خانوار با جمعیتی معادل ۲۷۸۷۵ نفر شامل سالمندان، معلولان، زنان بی‌سرپرست، مطلقه، عقب‌مانده، نابینا و بیمار به صورت دائمی تحت حمایت کمیته‌های امداد جمهوری آذربایجان قرار داشته‌اند. همچنین در این سال کمیته امداد تعداد ۵۱۴۸ خانوار با جمعیت ۱۵۲۷۲ نفر دیگر را به صورت موردی تحت حمایت و مساعدت خود قرار داده است. میزان کمک‌های کالایی به مددجویان تحت حمایت طی سال ۱۳۸۶ شامل ۷/۹۱ تن روغن، ۷/۷۸ تن ماکارونی، ۲/۲۹ تن برنج، ۵/۱۴ تن قند و شکر و جای، ۸/۱۴ تن گوشت، ۵۰ هزار قوطی پودر رخت‌شویی، ۶۳ تخته موکت، ۲۳۶ تخته فرش، ۶۱۳ تخته پتو، ۲۱۰ دستگاه یخچال، ۱۰۹۵ عدد میز و صندلی، ۲۱۲ دستگاه اجاق گاز و بیش از ۲۳/۶ هزار قلم لوازم‌التحریر، ۴۲ جفت کفش و ۵۰۰۰ عدد کیسه بسته‌بندی بوده است. در پایان سال ۱۳۸۶ تعداد ۸۷۲۳ دانش‌آموز و دانشجو شامل ۱۷۸۹ دانش‌آموز مقطع ابتدایی، ۶۰۱۰ دانش‌آموز مقطع متوسطه و ۹۲۴ دانشجو تحت حمایت کمیته‌های امداد جمهوری آذربایجان قرار داشته‌اند و از کمک‌های فرهنگی این نهاد برخوردار شده‌اند. تأمین لوازم‌التحریر و کتب درسی، برگزاری جلسات و کلاس‌های آموزشی و برگزاری اردوهای آموزشی و تربیتی

محورهای عمده فعالیت‌های فرهنگی را تشکیل می‌دهد. در سال ۱۳۸۶ تعداد ۱۰۱۱ نفر از مددجویان و دانش‌آموزان در اردوهای داخلی شرکت کردند. علاوه بر این، تعداد ۴۸ نفر دیگر شامل ۱۶ نفر مددجو و ۳۲ نفر از شخصیت‌های علمی و دانشگاهی، سرپرستان و مسئولان مؤسسات خیریه غیردولتی این کشور در سه گروه مجزا در اردوهایی که توسط کمیته امداد در ایران برگزار گردید، شرکت نمودند. در مجموع، از سال ۱۳۸۵ کمک‌های ایران به جمهوری آذربایجان به یکباره به طرز بی‌سابقه‌ای دو برابر شد و طی دو سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ مبلغ کمک‌ها برای اولین بار از سال ۱۳۷۲ تاکنون به بالاتر از یک میلیارد تومان رسید. اطعام و افطاریه محرومان، ایتم تحت حمایت، فعالیت‌های خودکفایی، تهیه تجهیزات و کمک به زوج‌ها، خدمات عمرانی، و احداث، تعمیر و تکمیل مسکن مددجو از دیگر فعالیت‌ها بوده است.^۱

۳. بررسی میزان علاقه‌مندی شیعیان جمهوری آذربایجان به جمهوری

اسلامی ایران

پیش از فروپاشی شوروی، مسائل و مشکلات دینی بسیاری در جمهوری آذربایجان وجود داشت که در فصل‌های قبل به تفصیل بحث و بررسی شد. در این بخش، تأثیرهای دینی پس از استقلال این کشور بررسی می‌شود.

آنچه مشهود است افزایش علاقه به تحصیلات دینی است که مسئولان این کشور نیز بدان اذعان دارند. به گفته حاجی فؤاد نورالله‌اف، رئیس دانشکده «اسلام‌شناسی» دانشگاه اسلامی باکو، در سال‌های اخیر، گرایش مردم آذربایجان به دین اسلام افزایش یافته و افزایش تعداد کسانی که می‌خواهند تحصیلات دینی بیاموزند نشان‌دهنده آن است. سال گذشته قریب ۱۰۰ نفر در آزمون ورودی

1. www.forum.persian.be

به نقل از: کمیته امداد امام خمینی، فروردین ۱۳۸۷.

دانشگاه اسلامی باکو شرکت کردند. ولی امسال تعداد آنها بیش از ۱۵۰ نفر بوده است. متأسفانه دانشگاه ما فاقد امکانات و شرایط لازم برای ارائه آموزش‌های دینی به این تعداد افراد است. به همین دلیل، شماری از این افراد از تحصیل در دانشگاه ما محروم شده‌اند. به گفته نورالله‌اف، اگر شرایط لازم فراهم شود، افزایش تعداد دانشجویان این دانشگاه امکان‌پذیر است.^۱ به دلیل این محدودیت‌ها و عدم جواب‌گویی منابع و استادان دینی در این کشور، علاقه‌مندان ایران را به دلیل قرابت دینی و تاریخی و جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی مورد توجه قرار می‌دهند. در ذیل، حمایت‌های حوزه علمیه قم را در زمینه تعلیمات و تبلیغات دینی و ارتقای آموزه‌های شیعیان جمهوری آذربایجان مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم:

الف. آموزش طلاب علوم دینی

مشترکات تاریخی، فرهنگی، سیاسی، مرزی و دینی موجب افزایش روزافزون علائق مردم این کشور به جمهوری اسلامی ایران شده است. از ابتدای گشایش مرزها، افراد زیادی، بخصوص جوانان و نوجوانان این کشور، برای فراگیری علوم دینی به جمهوری اسلامی ایران رهسپار شده‌اند و یا تحت تأثیر آموزش‌های دینی این کشور قرار گرفته و با سبک آموزش دینی حوزه علمیه قم، اقدام به ایجاد مدارس کوچک و هسته‌های علمی - دینی محدود نموده‌اند.

بعد از فروپاشی شوروی (سابق)، که در میان ملت آذربایجان نوعی خلأ احساس نیاز به دین به وجود آمد، تلاش شد تا این خلأ با تکیه بر کمک کشورهای همسایه پر شود. بعد از سال ۱۹۹۰، افراد زیادی از جمهوری آذربایجان جهت تحصیل علوم حوزوی به ایران رفتند. همه آنها دارای یک هدف واحد بودند که عبارت بود از:

کمک به برپایی دین در کشور آذربایجان. آنها در راستای هدفشان، شروع به برپایی دوبارهٔ مساجد قدیمی نموده و حتی مساجد جدیدی را احداث و مدارس مختلفی را ایجاد نمودند و همزمان با آن، افرادی نیز جهت تحصیل علوم حوزوی به ایران فرستاده شدند، به طوری که آخوندها و نمایندگان ایرانی از وجود شرایط دینی در میان مردم و آخوندهای زمان شوروی، که در سطح خیلی پایین علمی و دینی بودند، در حیرت مانده بودند. آنها مخصوصاً بر روی جوانان دین‌دار آذربایجان نفوذ پیدا کرده و سطح آگاهی دینی آنان را بررسی نمودند.^۱

طبق اعلام «سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیهٔ خارج از کشور» تاکنون قریب ششصد طلبهٔ آذری وارد جمهوری اسلامی ایران شده و آموزش‌های لازم را کسب کرده‌اند. بیشتر این طلبه‌ها پس از بازگشت، اقدام به انتقال تعلیمات اسلامی و ترویج معالم و شعائر دینی نموده‌اند. تعداد زیاد دیگری در حوزه‌های علمیهٔ ایران ادامهٔ تحصیل می‌دهند.

آنها با استفاده از امتیازاتی که انقلاب اسلامی ایران برای دانشجویان خارجی تعیین کرد، در مدارس اسلامی قم و مشهد به تحصیل پرداختند. بخش عمدهٔ آنها طلبان حوزهٔ علمیهٔ قم شدند. دو مدرسهٔ این حوزه علمیه، یعنی «حجتیه» و «امام خمینی علیه السلام»، هر کدام ۲۰۰ الی ۲۵۰ نفر طلبهٔ آذربایجانی داشتند که عمدتاً اهل شهرهای جنوبی جمهوری آذربایجان و نیز آذربایجانی‌هایی از گرجستان و ترکیه بودند. از سال ۱۹۹۲-۱۹۹۳، از طریق آنها، ادبیات شیعهٔ منتشر شده در ایران، پخش می‌شد. این دانشجویان با استفاده از

1. Aref Yonesov, Azarbijada Islam, p. 175.

تسلط خود به زبان‌های عربی و فارسی، که در طول سال‌های تحصیل کسب کرده بودند، به ترجمه ده‌ها جزوه چاپ ایران پرداختند. این جزوه‌ها بخصوص برای توزیع، از طریق کتاب‌فروشی‌های آذربایجان منتشر می‌شدند. اکثریت این دانشجویان، که در زمینه توسعه مذهب شیعه در میهن خود نقش بسزایی ایفا کردند، عمدتاً در ایران ساکن شدند. با توجه به اینکه دوره تحصیلی حوزه علمیه می‌تواند به بیش از ۱۰ سال برسد، زمان تحصیل آنها هنوز به پایان نرسیده است. طلاب آذربایجانی ضمن تحصیل در حوزه‌های علمیه، در عین حال، مشغول تبلیغ گسترده معارف دین اسلام در جمهوری آذربایجان هستند.^۱

ب. ترجمه و توزیع ادبیات شیعی

به دلیل خلأ موجود در اعتقادات دینی و منابع لازم برای پر کردن این خلأ، از ابتدای بازگشایی مرزهای این کشور، ترجمه و ارسال کتب دینی به این کشور در دستور کار حوزه‌های علمیه کشور، نهادهای فرهنگی همچون «رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، «سازمان فرهنگ و ارتباطات»، و «مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)» قرار گرفته است. یکی از مؤسسات تحت حمایت حوزه‌های علمیه، «مؤسسه فرهنگی نور» است. زمینه‌های فعالیت این مؤسسه ترجمه و تحقیق متون قابل اعتماد، چاپ و نشر، فعالیت‌های صوتی - تصویری، پایگاه اطلاع‌رسانی، و اعزام مبلغان دینی است که با توجه به خلأ فکری - اعتقادی عمیق در جامعه آذربایجان و بی‌خبری مردم آن دیار از معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) بیشترین تلاش برای شناسایی کتاب‌های ارزشمند موجود، ترجمه آنها توسط فضلاء توانا و

۱. اخبار شیعیان، س ۳، ش ۲۱، «سرنوشت مذهب شیعه در آذربایجان بعد از فروپاشی شوروی»، ص ۴۵-۴۷.

خوش ذوق و نشر و توزیع آنها صورت گرفته که تا سال ۱۳۸۴ قریب ۲۵۰ عنوان کتاب در موضوعات متنوع، ترجمه و بیش از ۲۰۰ عنوان از آنها به چاپ رسیده بود. برخی از این کتاب‌ها نیز به عنوان کتاب درسی در برخی از دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. در زمینه‌های اخلاق و عرفان ۴۰ عنوان، احکام و شریعت ۱۰ عنوان، تاریخ و سیره ۱۵ عنوان، علوم قرآنی ۲۰ عنوان، تعلیم و تربیت ۲۰ عنوان، علوم حدیث ۲۰ عنوان، کلام و دین ۳۰ عنوان، فلسفه ۳ عنوان، و موضوعات متفرقه ۳۰ عنوان کتاب چاپ و منتشر شده است.^۱ علاوه بر این، در چند سال اخیر، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز اقدام به چاپ و نشر کتب دینی منبع از جمله، قرآن کریم، تفسیر المیزان، میزان الحکمه، و نهج البلاغه نموده و انتشارات «الهدی» - که اخیراً از سوی حکومت آذربایجان بسته شده - در دو دهه گذشته، وظیفه توزیع و عرضه محصولات فرهنگی و کتب دینی را بر عهده داشته است.

البته نباید فراموش کرد که حساسیت‌های بسیار و محدودیت‌های زیادی در انتشار و توزیع ادبیات شیعی از ناحیه ایران به وجود آمده است. به گفته صمد بایرام‌زاده، دومین عضو برجسته کمیته دولتی امور تشکیل‌های دینی، مقامات رسمی درباره نفوذ مذهبی ترکیه حساسیت چندانی از خود نشان نمی‌دهند، ولی تقریباً فروش تمام ادبیات اسلامی - ایرانی در آذربایجان ممنوع است. با وجود این، مسلمانان جمهوری آذربایجان از این سانسور رنج نمی‌برند؛ زیرا غالب رساله‌های ممنوع مجتهدان ایرانی به طور آزاد در باکو فروخته می‌شود.

علاقه‌مندی به منابع اصیل دینی، بخصوص قرآن کریم، نهج البلاغه، اصول کافی، تفسیر المیزان، زندگی‌نامه و پیام امام خمینی علیه السلام به گورباچف و صدها کتاب از آثار شهید مطهری، آیه‌الله مصباح، امام خمینی علیه السلام، آیه‌الله سبحانی، و دکتر شریعتی از جمله آثاری است که روزبه روز بر طالبان آنها افزوده می‌شود و توجه دینی و

۱. پژوهش، س ۳، ش ۶، «آذربایجان؛ بایسته‌های پژوهش دینی»، ص ۵۶ و ۶۳.

تلاش مردم برای بالا بردن دانسته‌های دینی همواره افزایش می‌یابد. یکی از مطبوعات نه چندان موافق با مبانی دین می‌نویسد:

ضمن بازدید از چند کتاب‌فروشی سیّار و ثابت در شهر، فروشندگان بیان داشتند: توجه به کتب دینی در میان جوانان افزایش یافته است. این در حالی است که تعداد کسانی که کتاب می‌خوانند در پانزده سال اخیر بسیار کاهش یافته است. این را نیز با جالب توجه نبودن کتاب‌ها، مشکلات مادی خریداران کتاب و یا نداشتن وقت برای کتاب‌خوانی، مرتبط می‌دانند. اما امکان فروش کتاب‌های دینی همیشه وجود دارد و قریب ۶۰-۷۰ درصد کتاب‌هایی که فروخته می‌شوند، دینی هستند. در این میان، قرآن و ادعیه سرآمد هستند. توجه قشر میان‌سال به کتب دینی کم است؛ زیرا جوانی آنها در دوره شوروی (سابق) سپری شده است. بیشتر بانوان محجّبه را نیز قشر جوان تشکیل می‌دهد. علاقه‌مندی قشر جوان به کتب دینی نسبت به قشر میان‌سال بسیار متفاوت است. کتاب‌های دینی موجود در فروشگاه‌ها دارای موضوعات و عناوین گوناگون است. مؤلفان بیشتر این کتاب‌ها خارجی بوده و به زبان آذربایجانی ترجمه شده‌اند. در میان آنها، کتب دینی با موضوعات تاریخ اسلام، مراسم دینی و عبادتگاه‌های دینی بیش از دیگر کتاب‌ها دیده می‌شود. کتب مربوط به سایر ادیان نیز در میان کتاب‌های دینی وجود دارد که اغلب دارای چاپ‌های نفیس است. فروش کتب دینی، که با حروف کریل چاپ شده است، هنوز هم ادامه دارد. بیشتر این قبیل کتاب‌ها در سال‌های ۹۰ ترجمه شده‌اند. به گفته فروشندگان، علاقه‌مندی به کتب دینی در ایّام رمضان و محرم بیش از سایر اوقات است. به سبب افزایش تعداد کسانی که در این ماه‌ها روزه می‌گیرند و نماز می‌خوانند، فروش کتب دینی نیز افزایش می‌یابد. کتبی که بیشتر مورد توجه جوانان قرار دارد نصایح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ازدواج‌کنندگان، احادیث امام علی علیه السلام و تفاسیر قرآن است.^۱

ج. اعزام مبلغ

اعزام مبلغان دینی ایرانی و آذری در دو دوره، در هر سال در ماه‌های رمضان، محرم و صفر و حتی مبلغانی که به صورت چندساله در این کشور ساکن شده و به فعالیت دینی می‌پردازند، از اقدامات حوزه علمی قم بوده است. در این زمینه، دفاتر مراجع عظام نقش اصلی را دارند. بیشترین اعزام قبلاً از طریق دفتر مرحوم آیه‌الله العظمی فاضل لنکرانی انجام می‌گرفت؛ ولی در چند سال اخیر، دفاتر سایر مراجع عظام، از جمله دفتر آیه‌الله مکارم شیرازی، آیه‌الله وحید خراسانی، آیه‌الله جعفر سبحانی و به ویژه از «جامعه المصطفی» اعزام‌های مستمری انجام می‌گیرد. طلب علم دینی و روحانیان در شهرها و روستاهای این کشور مردم را با مبانی دینی و اعتقادی و احکام اسلامی آشنا می‌سازند.

د. صدور فتاویٰ مقابله با توهین به مقدّسات

مراجع عظام تقلید نسبت به مسائل داخلی جمهوری آذربایجان بی‌تفاوت نبوده و در مقاطع گوناگون، نسبت به مسائل این کشور واکنش نشان می‌دهند. فتاویٰ ارتداد مسئولان نشریه صنعت در سال ۱۳۸۵، که منجر به دست‌گیری و حبس آنها توسط حکومت گردید، از آن جمله است.

ه. ایجاد مدارس علوم دینی در شهرهای گوناگون

رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با همکاری حوزه علمی قم در سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۶، اقدام به راه‌اندازی مدارس نه‌گانه آموزش دینی در شهرهای نارداران، جلیل آباد، ماسالی، گوئیچای و باکو نمود. مقدمات امر انجام شد و ساختمان‌های لازم ساخته شد؛ اما با فشار عناصر ضد دین داخلی و نیروهای معاند جمهوری اسلامی ایران و مخالفان تشیع در خارج از کشور تعطیل گردید. طبق توافق با دولت جمهوری آذربایجان، قرار بود در این مدارس به سبک

حوزه‌های علوم دینی ایران تدریس شود. در حال حاضر، اگرچه به صورت رسمی این مدارس بسته شده، اما طلبان بازگشته از حوزه علمیه قم با تشکیل کلاس‌های غیررسمی و خودجوش در منازل، مساجد، و اماکن مذهبی به وظیفه خود عمل می‌کنند.

و. احداث مساجد و زیارتگاه‌های مذهبی

بجز چند مسجد و مکان مذهبی، در دوران حکومت کمونیست‌ها، زیارتگاه‌ها و مساجد جمهوری آذربایجان بسته شد و یا تبدیل به انبار و یا تخریب گردید. پس از استقلال این کشور و آزادی‌های نسبی، دین‌داران این کشور اقدام به احیای این مساجد کردند. نهادهای مذهبی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نقش بسزایی در ترمیم، احداث و بازسازی این اماکن داشتند. مساعدت در بازسازی این اماکن در شهرهای باکو، گنجه، جلیل آباد، گویچای، و اردوباد، احداث مسجد بزرگ حضرت زهرا علیها السلام در نخجوان و کمک به بازسازی زیارتگاه‌های مذهبی از آن جمله بوده است.

ز. ارسال محصولات فرهنگی

ارسال و توزیع محصولات فرهنگی دینی همانند امکانات برای برگزاری آیین‌های مذهبی، روسری و سایر محصولات پوشش‌های اسلامی، لوح‌های فشرده حاوی سخنرانی‌های مذهبی روحانیان برجسته و برنامه‌های رایانه‌ای تعلیمات مذهبی از آن جمله است.

فیلم‌های دینی، اجتماعی و تاریخی ساخته شده در جمهوری اسلامی ایران جزو پربیننده‌ترین فیلم‌هایی است که پس از ترجمه در معرض دید صدها هزار نفر از مردم شیعه این کشور قرار می‌گیرد.

اعزام سخنرانان مذهبی ایرانی در مراسم ویژه در ایام گوناگون سال، اعزام

قاریان قرآن و مداحان اهل بیت علیهم السلام، و تلاش برای ایجاد دفتر مراجع تقلید که تاکنون با ممانعت دستگاه‌های امنیتی و حکومتی این کشور مواجه شده اما به صورت غیررسمی فعالیت‌های خود را انجام می‌دهد، از دیگر اقدامات حوزه علمیة قم بوده است.

نمایندة مقام معظم رهبری، آقای اجاق‌نژاد، در طول دو دهة گذشته، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی بسیاری را در زمینه برگزاری مراسم دینی، پاسخ به سؤالات شرعی، چاپ و نشر کتب دینی، جمع‌آوری وجوه شرعی، اعزام مبلغان دینی، حمایت از طلبه‌هایی که به صورت رسمی و غیررسمی در مراکز آموزشی دینی تحصیل می‌کنند و جذب و اعزام طلبایی که در صدد تحصیل در ایران هستند، و ایجاد کتاب‌خانه‌های دینی در مساجد و اماکن مذهبی انجام داده است.

فصل دهم

نتیجہ گیری
و ارائۃ پیشنہادات

۱. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی وضعیت جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جمهوری آذربایجان نشان داد:

۱. در حالی که این کشور در یکی از مناطق حاصلخیز کشاورزی و در یکی از مهم‌ترین مناطق نفت‌خیز و دارای سایر منابع زیرزمینی قرار دارد و توان بالقوه اقتصادی خوبی از حیث منابع انسانی و طبیعی دارد، اما استفاده بهینه از این توانمندی‌ها صورت نمی‌گیرد. بیشتر مردم با شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی روزگار می‌گذرانند و در فقر و تنگ‌دستی به سر می‌برند. نظام سنتی کشاورزی و دام‌داری متحول نشده است و صدها رود و دریاچه این کشور در حالت طبیعی و بدون بهره‌برداری‌های صنعتی جریان دارد.

۲. جمهوری آذربایجان از نظر درصد جمعیتی، دومین کشور شیعه‌نشین جهان اسلام است؛ اما بسیاری از محافل داخلی و خارجی با اغراض سیاسی و امنیتی، تلاش دارند درصد شیعیان این کشور را پایین‌تر از واقع اعلام نمایند. آنچه از معتبرترین اسناد به دست آمده، حاکی از آن است که بیش از ۸۰ درصد مسلمانان این کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند. این را هم باید اعتراف کرد که شیعه‌گری نمود زیادی در این کشور ندارد، اگرچه شاهد روزافزون آن هستیم.

۳. این کشور دارای تنوع قومیتی بوده و از نظر ترکیب جمعیتی، یکی از معدود کشورهایی است که با وجود جمعیت زیر ده میلیون نفر، اقوام متفاوتی را در خود جای داده است.

۴. فرقه‌های دینی، بخصوص در سال‌های پس از استقلال این کشور، فعال‌تر و

بیشتر شده است. زمینه برای فعالیت و هابیت و میسیونری بیش از شیعه‌گری است و این امر موجب شده تهدیداتی نیز برای حکومت این کشور پدید آید. اما تفاهم اقوام و مذاهب این کشور بیش از تنازع آنهاست و اگر تنازعی به وجود می‌آید ناشی از دخالت عوامل خارجی است.

۵. آمارهای حیاتی جمعیتی که از سوی دوایر آماری این کشور منتشر می‌شود، نشانگر وضعیت مطلوب در تحلیل‌های جمعیتی است. اما آنچه از مشاهدات به دست می‌آید و آنچه در ارزیابی‌ها و شاخص‌های بین‌المللی بررسی شده، حاکی از نزدیک بودن این آمار به وضعیت کشورهای جهان سوم است. به دلیل وضعیت نامطلوب اقتصادی صدها هزار نفر از مردم برای کسب درآمد، راهی کشورهای همسایه، بخصوص روسیه و ترکیه، شده‌اند.

۶. انقلاب اسلامی ایران موجب ارتقای سطح آگاهی‌های اجتماعی و گسترش فعالیت گروه‌های شیعه اسلام‌گرا شده است. با وقوع انقلاب اسلامی و تحقق عینی حاکمیت تشیع در ایران، افق تازه‌ای به روی شیعیان جمهوری آذربایجان گشوده شده که هم‌الگوی عینی برای تحرکات و تحولات سیاسی-اجتماعی بوده است و هم نقطه عطفی در سازمان یافتن شیعیان اسلام‌گرا. انقلاب اسلامی ایران موجب شده است تا گروه‌های شیعی اسلام‌گرا خواستار مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی خود باشند و اگرچه این ابراز هویت با ساختار استبدادی حکومت این کشور سنخیتی ندارد، اما موجب شده است تا در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی حضور یابند؛ نسبت به حوادث جهان اسلام واکنش نشان بدهند و خود را به عنوان جریان سوم (در مقابل حکومت و مخالفان حکومت) در صحنه اجتماعی این کشور مطرح سازند. این تحرکات موجب شده است تا گروه‌های شیعی در محدودیت‌های زیادی قرار بگیرند. مجوز فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی صادر نمی‌شود و به دفعات، این گروه‌ها با سرکوب‌های حکومت مواجه بوده‌اند. بی‌عدالتی‌ها، تبعیض‌ها و ناروایی‌های بسیاری بر آنها وارد شده است. رسانه‌ها و عوامل حکومتی و قدرت‌های بزرگ صنعتی و صهیونیسم بین‌الملل

تلاش می‌کنند گروه‌های شیعی را بنیادگرا و تروریست و جاسوسان جمهوری اسلامی ایران معرفی کنند؛ اما به رغم تلاش‌های به عمل آمده، جمعیت‌های شیعه، به دلیل فرهنگ سیاسی و انقلابی، که تقویت‌کننده روحیه افراد است، نه تنها بر اثر فشارهای صورت گرفته تضعیف نشده‌اند، بلکه حتی بیش از گذشته و با ایمانی راسخ‌تر به مبارزه خود ادامه می‌دهند در یک دهه اخیر، بخصوص دو سال گذشته، واکنش به مسائل داخلی و بین‌المللی، همچون حضور بی‌نتیجه در صحنه‌های سیاسی و انتخاباتی، واکنش به حوادث جهان اسلام از جمله فلسطین و لبنان، حضور فعال در جریان‌ات و حوادث سیاسی، مخالفت و مبارزه با توهین‌های و لواط و محدودیت‌ها، ممانعت از حضور فعال رژیم صهیونیستی در این کشور، مقابله با جریان‌ات تفرقه‌افکن، دفاع از جمهوری اسلامی ایران، مخالفت با حضور ناتو و کشورهای بیگانه در منطقه، حمایت از ملت عراق و افغانستان، و برگزاری همایش‌های سیاسی - اجتماعی اوج گرفته که واکنش قابل ملاحظه به حوادث غزه و حضور در تظاهرات، تجمعات، رسانه‌ها، و محافل دینی - اجتماعی در اعتراض به اقدامات رژیم اشغالگر قدس از آن جمله است.

از سوی دیگر، در این کشور عرصه برای مشارکت سیاسی گروه‌های شیعه اسلام‌گرا وجود نداشته است. اگرچه خود شیعیان هم هنوز بلوغ و نبوغ لازم را در صورت کسب قدرت ندارند، اما در عین حال، حکومت نیز به شدت تلاش کرده است تا اجازه کسب کرسی‌های قدرت به هیچ‌یک از مخالفان و رقبا، بخصوص اسلام‌گرایان، داده نشود و در این راه، از همه ابزارهای سیاسی، امنیتی و حتی اقتصادی استفاده نموده است.

فعالیت‌های رو به رشد شیعیان و الگوگیری از انقلاب اسلامی به نوعی مانع شکل‌گیری و استمرار نظم دلخواه حکومت و اجرای هر نوع سیاست ضد‌مذهبی شده و این گروه‌ها درصدد ایجاد تحوّل در نظام ارزشی و مقابله با جریان‌های فکری - عقیدتی غیر دینی و ضد دینی و همچنین محافل صهیونیستی شده‌اند. آنها ززمه‌های «عدم جدایی دین از سیاست» را سر می‌دهند و آموزه‌های

اعتقادی، فرهنگی و اسلامی خود را، که از انقلاب اسلامی ایران نشأت گرفته، سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده‌اند و اکنون افق‌های تازه‌ای برای کسب عزت و تبدیل شدن به عناصری تأثیرگذار در مسائل گوناگون کشور به سویشان گشوده شده است.

افراط‌گرایی در افکار اعمال و اقدامات شیعیان این کشور جایگاهی نداشته و به دلیل وجود همین افکار تساهل و تسامح‌گرایانه، رویکردهای مردمی رشد کرده‌اند. این در حالی است که در سایر فرق، روحیه افراط‌گرایانه زمینه ترس و اقدامات شدید حکومت را موجب شده، اگرچه با مخالفت قدرت‌های فرامنطقه‌ای مواجه گردیده است.

۷. به دلیل افزایش قیمت نفت در یک دهه گذشته، جمهوری آذربایجان وضعیت اقتصادی خوبی را پشت سر گذاشته است. تحولات قابل توجهی در تغییر ساختارهای صنایع نفتی و ساختمان‌سازی رخ داده و از نظر رشد اقتصادی، حرکت‌های خوبی صورت گرفته است. اما از نظر شاخصه‌های توسعه انسانی تغییرات، قابل توجه نیست. اقتصاد این کشور در حال گذر است؛ هنوز هم تکلیف اراضی اشتراکی دوران شوروی (سابق) مشخص نشده و یا در دست عده‌ای خاص قرار گرفته است. تورم مهار شده، اما قدرت خرید مردم بالا نیست. تجارت، کارخانه‌های بزرگ و کوچک، گمرک‌ها و نبض‌های اقتصادی کشور در دست مافیای قدرت و وابستگان به حکومت است و به همین دلیل، سایر مردم به کارگران و کارمندان و مزدبگیران تبدیل شده‌اند. تعداد دیگری نیز به کارهای مستقل و کوچک، همچون کشاورزی، باغداری، دام‌داری، ماهی‌گیری، و تجارت چمدانی مشغولند و گروه‌های شیعی اسلام‌گرا نیز به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی از سایر گروه‌های این کشور متمایز نیستند و از لحاظ اقتصادی، وضعیتی مشابه سایر مردم دارند. این نابسامانی‌ها و معضلات تأثیراتی منفی بر فرهنگ، اجتماع، آموزش، اخلاق و سیاست بر جای نهاده است.

۸. نرخ باسوادی بالا و از نظر کمی، نظام آموزشی قابل توجهی در این کشور

وجود دارد و «فرهنگستان علوم» معتبرترین و بزرگ‌ترین مرکز آموزش عالی این کشور است؛ ولی از لحاظ کیفیت، در سطح پایینی قرار دارد. به دلیل لائیک بودن حکومت، تحصیلات رسمی دینی جایگاه پایینی نزد مراکز آموزشی این کشور دارد و فقط چند مدرسه علوم دینی و چند شعبه آموزش عالی در چند شهر این کشور متمرکز است. حکومت این کشور درصدد است تا از ورود معلمان و دانش‌آموزان و دانشجویان با حجاب به مدارس و دانشگاه‌ها جلوگیری کند که چالش‌های بسیاری را با گروه‌های شیعه اسلام‌گرا به وجود آورده است. گروه‌های اسلامی شیعه تلاش می‌کنند تا ضرورت تدریس مبانی دین اسلام در مدارس جمهوری آذربایجان را تبیین و عملی نمایند.

۹. آداب و رسوم اسلامی و گذشتگان در زمینه ازدواج، کفن و دفن اموات، و نام‌گذاری‌های اسلامی و شیعی حفظ شده، اگرچه از خرافات مصون نمانده است. اعیاد ملی، بخصوص نوروز و جشن‌های مذهبی، همچون عید فطر و قربان مورد توجه مردم است. روز به روز اهمیت توجه به مراسم و اعیاد دینی، به ویژه مولودیه‌های اهل بیت علیهم‌السلام، بیشتر می‌شود. عزاداری ماه محرم در این کشور به فرهنگ تبدیل شده و هیأت‌های مذهبی در حال گسترش و شکل‌گیری است و در ماه رمضان و شب‌های احیا، حضور باشکوه مردم نسبت به گذشته بیشتر شده است.

۱۰. اماکن مذهبی و مساجد این کشور هر روز بیش از قبل، هویت گذشته‌های دور خود را بازیابند. اگرچه حکومت این کشور با ترفندهای گوناگون سعی در ایجاد محدودیت در این اماکن دارد، اما رویکردهای مردم خلاف آن را نشان می‌دهد.

۱۱. در شبکه‌های تلویزیونی این کشور، مسائل دینی تبلیغ نمی‌شود و اگر هم در خصوص مسائل دینی بحثی می‌شود بیشتر انحرافی و یا ضد دینی است. تعداد برنامه‌های فاسد و غیراخلاقی فراوان است و در طول دو دهه گذشته، با اعتراض‌های گسترده اسلام‌گرایان مواجه بوده است. گروه‌های اسلامی تلاش کرده‌اند با اجرای برنامه‌های مذهبی و یا ترجمه فیلم‌های مذهبی ایرانی، سهمی در تبلیغات دینی و فرهنگی داشته باشند.

۱۲. سازمان روحانیت شیعه جمهوری آذربایجان، که پس از استقلال این کشور و بازگشت طلب علم دینی اعزامی به ایران، شکل گرفته، تعلیمات و تبلیغات دینی را در اولویت کارهای خود قرار داده و اصلی‌ترین هدفش تعلیم معالم شرع و آموزه‌های شیعی برای اقشار گوناگون مردم، بخصوص نوجوانان، جوانان و بانوان است. سازمان روحانی شیعه این کشور در اختیار حکومت است که در دوره تزار شکل گرفته و هدفش به انحراف کشاندن مبانی تشیع و به خدمت حکومت در آوردن امور دینی است و روحانی‌های آن نزد مردم به «ملاهای درباری» (حکومتی) مشهورند. طلباب بازگشته از حوزه‌های علمیه قم - و بعضاً از ترکیه و سوریه - به تدریج، وارد فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شده‌اند. انتشار ادبیات شیعی، تشکیل کلاس‌های آموزش اعتقادات اسلامی، فعالیت‌های رسانه‌ای و مطبوعاتی، برگزاری همایش‌ها و میزگردهای علمی - دینی، تشکیل هیأت‌ها و مجامع دینی، و ورود به مساجد و اماکن مذهبی از جمله فعالیت‌های آنهاست و تلاش می‌کنند در بین مردم نفوذ کنند و ابتکار عمل را در دست بگیرند. آنها در بیشتر جریانات سیاسی ضدصهیونیستی و حمایت از جریانات مذهبی داخلی و خارجی نقش دارند؛ یعنی به تدریج، وارد جریانات سیاسی و موج‌های اجتماعی می‌شوند. به دلیل نقش مؤثر و رویکرد خوب مردم به این قشر، حکومت برخوردهای متفاوتی را انجام می‌دهد: از یک‌سو، با تصویب قوانین، سعی در ایجاد محدودیت و ممنوعیت برای آنها دارد، و از سوی دیگر، از فعالیت‌های آنها ممانعت می‌کند و اتهامات گوناگونی همچون بنیادگرا، تروریست، جاسوس ایران و مرتجعان مخالف آزادی و مدرنیسم بر آنها وارد می‌کند. چالش‌های متعددی میان حکومت و سازمان روحانی این کشور در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، امنیتی و دینی با حکومت وجود دارند. علاوه بر این، برخی طریقت‌ها از خارج کشور با توجه به فضای آزادی که از سوی حکومت فراهم شده است، سعی در به انحراف کشاندن اعتقادات شیعی مردم، ایجاد اختلاف در بین اقوام و مذاهب و ترویج اباحی‌گری و الحادگرایی دارند.

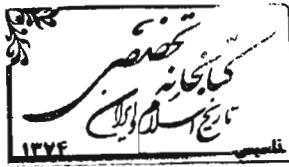
۱۳. روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان در دو دهه گذشته با فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو بوده که عوامل تأثیرگذار بر این روابط بیشتر خارجی است. قدرت‌های فرامنطقه‌ای و صهیونیسم‌بین‌المللی سعی در تقلیل این روابط دارند و افکار و ایده‌های پان‌ترکیسم موجب چالش‌های زیادی بین دو کشور شده است. حوزه‌های علمیه دینی ایران نیز تلاش کرده‌اند با انتشار ادبیات شیعی، آموزش طلب علم دینی و تعلیم آموزه‌های دینی، ایجاد مدارس علوم دینی، احیا و ساخت اماکن دینی و تاریخی، ارسال محصولات فرهنگی و دینی و اعزام مبلغان دینی، گام‌های مؤثری در تحولات اعتقادی این کشور بردارند؛ اما با محدودیت‌ها و ممانعت‌های حکومت مواجه بوده‌اند، به گونه‌ای که تاکنون نتوانسته‌اند به صورت رسمی دفتر مراجع را در این کشور ایجاد نمایند.

۲. راه‌کارها و پیشنهادها

با توجه به خلأهای موجود برای شیعیان جمهوری آذربایجان، که اصلی‌ترین آنها دور بودن از آموزه‌های شیعی و تعلیمات اسلامی است، اگرچه در جهت حل این نیازمندی‌ها گام‌هایی برداشته شده، اما این مقدار نسبت به وضعیت موجود و حجم فعالیت مذاهب انحرافی، نیروهای فرامنطقه‌ای، و رویکردها و خواسته‌های مردمی، بسیار اندک است. بدین‌رو، در جهت ارتقای وضعیت شیعیان این کشور پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

۱. به جذب و به‌کارگیری طلاب جوان و نوجوان توجه لازم صورت گیرد. جوامع شیعی تحت تأثیر روحانیان هستند و نمی‌توان حضور و نفوذ آنها را نادیده گرفت. این قشر عوامل اصلی تعلیم آموزه‌های شیعی و در پی آن، تبدیل افکار مردم به موج‌های اجتماعی و جریان‌ات و تحولات سیاسی به شمار می‌روند.
۲. با توجه به تأثیر رسانه‌ها و مطبوعات بر افکار عمومی و گرایش‌های مردمی، باید نسبت به گسترش این ابزارها اهتمام ویژه مبذول داشت. پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و وبلاگ‌های گوناگون برای تنویر افکار عمومی و پاسخ به شبهات

- دینی و اجتماعی و فرهنگی در این زمینه نقش مهمی دارد.
۳. در دنیای امروز، نمی‌توان نقش لوح‌های فشرده، برنامه‌های رایانه‌ای، چاپ و نشر کتب و بروشورهای دینی و فرهنگی را در انتقال مطالب دینی و فرهنگ تشیع نادیده گرفت. لازم است با سرمایه‌گذاری‌های لازم، در این زمینه گام‌های بلندتری برداشته شود.
۴. ایجاد مدارس و یا کلاس‌های رسمی و در صورت بروز محدودیت، تشکیل کلاس‌های انفرادی، غیر رسمی و غیرانتفاعی در مناطق گوناگون و روستاها می‌تواند نقش مهمی در ترویج آموزه‌های دینی داشته باشد.
۵. طلبه‌های جوان و تحصیل‌کرده لازم است با استفاده از عناوین و راه‌های گوناگون، در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی حضور یابند تا تبلیغ چهره به چهره و اثرگذاری قابل توجه بر دانشجویان و استادان داشته باشند.
۶. برگزاری اردوهای سیاحتی و زیارتی و آشنا ساختن نخبگان جامعه با وضعیت گذشته و حال تشیع و زدودن تبلیغات منفی از اذهان آنها یکی از روش‌های مؤثر است.
۷. برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت فرهنگی - دینی برای مردان و بانوان آذری و آشنا کردن آنها با فرهنگ تشیع و انتقال مطالب دینی، اجتماعی از جمله روش‌های تبلیغی به شمار می‌روند.
۸. گسترش چاپ و انتشار نشریات و روزنامه‌ها و مجلات که در این زمینه، کمبودها و خلأهای بسیاری وجود دارد.
۹. گروه‌های شیعه اسلام‌گرا باید به خودکفایی اقتصادی برسند. کمبود پشتیبانی‌های مادی موجب عقب‌ماندن از اقدامات لازم خواهد شد. اگر آنها درصد کسب جایگاهی در قدرت هستند، ناگزیرند پشتوانه مالی داشته باشند؛ اما در حال حاضر، با مشکلات عدیده‌ای در این زمینه مواجهند.
۱۰. شیعیان باید همچون ترکیه، زمینه‌سازی‌های لازم را برای حضور در مراکز قدرت صورت دهند و به نبوغ و بلوغ اجتماعی - سیاسی برسند.



فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

۱. آران، شماره‌های ۱، ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸.
۲. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی، ترجمه علی‌نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.
۳. احسن التواریخ، حسن بیک روملو، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴.
۴. اخبار شیعیان، ش ۲۱، بایرام بالجی، «سرنوشت مذهب شیعه در آذربایجان بعد از فروپاشی شوروی».
۵. اطلس تاریخی ایران، ۱۳۵۰، شماره ۸.
۶. اقوام مسلمان اتحاد شوروی، شیرین آکینر، ترجمه محمدحسین آریا، تبریز، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
۷. البلدان، احمد بن واضح یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.
۸. الفبای جدید و مکتوبات، میرزا فتحعلی آخوندزاده، گردآوری و تصحیح حمید محمدزاده، تبریز، بی‌نا، ۱۳۵۷.
۹. المسالک والممالک، ابن خردادبه (عبدالله بن احمد)، ترجمه حسین قره‌چانلو، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۷۰.
۱۰. اهداف آموزش دینی در جمهوری آذربایجان و مؤسسات دینی، باکو، آذرشر، ۱۹۹۱.
۱۱. ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران)، س ۱۳۷۵-۱۳۸۸.
۱۲. ایسنا (خبرگزاری دانشجویان)، س ۱۳۸۵-۱۳۸۸.
۱۳. باکو ۲۰۰۱، مهدی نعلبندی، تبریز، بنیاد فرهنگی طوبی، ۱۳۸۲.
۱۴. برآورد استراتژیک جمهوری آذربایجان، الیاس واحدی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۲، ج ۱ و ۲.

۱۵. بررسی تحولات سیاسی آذربایجان از سال ۱۹۸۵ به بعد، عزیز نظافت، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۲.
۱۶. بررسی کشورشناسی جمهوری آذربایجان، بهرام امیراحمدیان، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۲.
۱۷. بررسی وضعیت اقتصادی جمهوری آذربایجان، داود نصیریانفر، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۶.
۱۸. پژوهش، س ۳، ش ۶، اسکندر حسین زاده، «آذربایجان؛ بایسته‌های پژوهش دینی».
۱۹. پژوهش، س ۳، ش ۶، «وضعیت تشیع در جمهوری آذربایجان».
۲۰. تاریخ آذربایجان، ۱۹۹۹، ترجمه نصرالله اسحق بیات، تبریز، ارک، ۱۳۶۰.
۲۱. تاریخ تشیع در آذربایجان، محمد رضائی، قم، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵.
۲۲. تاریخ عالم آرای عباسی، ترکمان اسکندر بیگ، تنظیم و مقدمه ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۲۳. تاریخ عثمان پاشا، ابوبکر ابن عبدالله، به کوشش یونس زیرک، ترجمه نصرالله صالحی، تهران، طهوری، ۱۳۸۷.
۲۴. تکملة الاخبار، عبدی بیک شیرازی، تصحیح و تعلیق عبدالحسین نوائی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۹.
۲۵. جامعه‌شناسی احزاب، ربرت میخلر، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران، قومس ۱۳۶۹.
۲۶. جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام، بارتولد، ترجمه لیلان رُبن شه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
۲۷. جغرافیای استرابو، استرابو، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۲.
۲۸. جغرافیای کامل قفقاز، بهرام امیراحمدیان، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱.
۲۹. جمهوری آذربایجان، بهناز اسدی‌کیا، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶.
۳۰. حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، طهوری، ۱۳۶۲.
۳۱. خاطرات حاج علی اکرام علی‌اف، تدوین عبدالحسین شهیدی ارسباران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
۳۲. خبرگزاری آران، تبریز، س ۱۳۸۵-۱۳۸۸.
۳۳. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، عنایت‌الله رضا، ج اول، زیر نظر، کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۵.

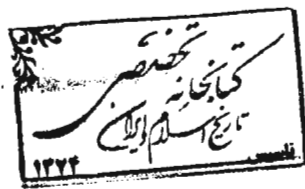
۳۴. دانشمندان آذربایجان، محمدعلی تربیت، به کوشش غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
۳۵. روابط ایران و جمهوری آذربایجان، بهرام امیراحمدیان، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴.
۳۶. روزنامه آکسپرس، ۷ مرداد ۱۳۸۵.
۳۷. روزنامه بیرلیگ، ۱۲ خرداد ۱۳۸۷.
۳۸. روش تحقیق در علوم اجتماعی، کامپنهود کیوی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰.
۳۹. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
۴۰. ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، محمدحسین افشردی، بارتولد، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۴۱. شبکه برون مرزی جمهوری اسلامی ایران (سحر)، برنامه تلویزیونی «۱۷ شهر قفقاز»، ۱۳۷۵-۱۳۷۳.
۴۲. شهرياران گمنام، احمد کسروی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵.
۴۳. علمای قفقاز، هادی هاشمیان، تبریز، مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی رادیو برون مرزی، ۱۳۷۵.
۴۴. فتنه الفبا، اصغر فردی، ترجمه امین صدیقی، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۲.
۴۵. فتوحات شاهی، امیر صدرالدین ابراهیم امینی هروی، تصحیح غلامرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳.
۴۶. فتوح البلدان، احمد بلاذری، ترجمه محمد توکل، تهران، قطره، ۱۳۶۷.
۴۷. قانون اساسی جمهوری آذربایجان، بی‌نا، ۲۰۰۹.
۴۸. قره باغ در چشم‌انداز تاریخ ایران، عبدالاحد بهراد، تبریز، ارک، ۱۳۷۲.
۴۹. قصص الخاقانی، ولی‌قلی شاملو، تصحیح سیدحسن سادات ناصری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۵۰. کمیته امور دینی، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۷.
۵۱. کندوکاوها و پنداشته‌ها، فرامرز رفیع‌پور، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰.
۵۲. ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز. منیزه تراب‌زاده و دیگران، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.

۵۳. مرکز آمار آذربایجان، ۲۳ اکتبر ۲۰۰۹.
۵۴. مسالک و الممالک، ابواسحاق ابراهیم اصطخری، به اهتمام ایرج افشار، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
۵۵. مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، «قضیه ناگورنا قره‌باغ»، عالیه ارفعی، س ۱، ش ۲، ۱۳۷۱.

ب. منابع لاتین

56. *Azərbaycan İslamın Modernləşdirilməsi* Abdullah Ahadov, Baku, Azərbaycan dövlət nəşriyyatı, 1995.
57. *Azərbaycan İslam Madaniyyəti Abidələri*, Samad Bayramzadə, Baku, 2008.
58. *Sessiz Moharebə*, Araz Gorbanov, Baku, Ganjilar Nəşriyyatı, 1999.
59. *Slamın Sosial və Fəlsəfiyə Kökləri*, Abutaleb Məmmədov, Baku, Neftapress, 2001.
60. ARASDIRMALAR MeəRKəZi, Elshan Elmi Mostafəoğlu, Baku, 2008.
61. *Azərbaycanda İslam*, Aref Yənesov, Baku, Zaman, 2004.
62. *The states man year book*, Azərbaycan, 2003.
63. *A.P.A Agentliyi* Xəbər, 9/11/2006.
64. *A.N.S.PRESS* Xəbər, Azərbaycan.jan.2009.
65. *A.N.S Televiziya* Xəbər, azərbaycanmag.1997.
66. *Ayna Gazeti*, Xəbər, 21-23/3/1998.
67. *Bakınsekye Vedunovostı* Xəbər, 9/6/2006.
68. *Baku Xəbər Gazeti*, Xəbər, 9/11/2001.
69. *Bizimasr.media-az.com* Xəbər, 2007.
70. *Bizimyoł*, Xəbər, 2008.
71. *Davat Nəşriyyatı*, Baku, 2008.
72. *Echo Gazeti*, Xəbər, 17/4/2008.
73. *Ekspress Gazeti*, Xəbər, 28/8/2006.
74. *Gondalığ Gazeti*, Xəbər, 2008.
75. *İslam Həqiqətləri Gazeti*, Xəbər, Baku, 5\9\2005.
76. *Hürriyyət Gazeti*, Xəbər, 28-31/3\1998.
77. *Olaylar Gazeti*, Xəbər, 9/11/2001.
78. *Nəbz Gazeti*, Xəbər, 16/6/2008.

79. *Rezonans Gazeti*, Xabar, 17/5/1997.
80. *Riting Gazeti*, Xabar, 24/11/2001.
81. *Sanat Gazeti*, Xabar, 7/11/2001.
82. *Sharg Gazeti*, Xabar, 12/3/2002 - 28/8/2006.
83. *SPACE Televiziyası* Xabar, 8/4/2002.
84. *S.T.V Televiziyası* Xabar, 9\11/2006.
85. *Trend News Agentliyi* Xabar, 9/11/2006.
86. *Turan Agentliyi* Xabar, 4/4/2007.
87. *Yeni Musavat Gazeti*, Xabar, 1996-2009.
88. *525 Gazeti*, Xabar, 17/5/1997- 3/9/2001.
89. WWW. AZERBAIJAN NEWS.
90. WWW. azerbaijan.az.
91. WWW. azstat.org.
92. WWW. ayna.az.
93. WWW. avciya.org.
94. WWW. chalg jebhasi, Azerbyjan, Aug-Des 2008.
95. WWW. express.com.
96. WWW. Islam-azeri.az, azerbaijanin islam ve xabar sayti.
97. WWW. iribnews.ir.
98. WWW. rasekhood.net.
99. WWW. Terendnews.
100. WWW. Turan Agent.
101. WWW. yenimanat.com.
102. WWW. yenisharq.org, Elmi ARASDIRMALAR MƏRKƏZİ.
103. WWW. xalqqazeti.com.
104. WWW. Wikipedia.
105. WWW. rasekhood.net, 2009.
106. WWW. apa.az, 2008.
107. WWW. bizimasr.media-az.com.
108. WWW. wikipedia.com.
109. WWW. islam insesi.az.
110. WWW. Davat zornali, Baku, June 2007.



فهرست آثار انتشارات مؤسسه شیعه‌شناسی

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف
۱	جهاد شیعه در دوره اول عباسی	دکتر سمیره مختار الیثی
۲	شیعیان افغانستان	محمدعزیز بختیاری
۳	شیعیان پاکستان	محمداکرم عارفی
۴	عالمان شیعه ج ۱ و ج ۲ و ج ۳	رحیم ابوالحسینی
۵	سنت عزاداری و منقبت‌خوانی در تاریخ شیعه امامیه	مؤسسه شیعه‌شناسی
۶	تاریخ سیاسی شیعیان اثنی‌عشری در ایران	دکتر پروین ترکمنی‌آذر
۷	شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده	گراهام فولر / ندر رحیم فرانکه
۸	تاریخ تشیع در آذربایجان	محمد رضایی
۹	شکل‌گیری سازمان روحانیت شیعه	محمدعلی اخلاقی
۱۰	جنبش حسینیان؛ ماهیت فکری و تکاپوهای سیاسی	دکتر محمدحسن الهی‌زاده
۱۱	جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس	زینب متقی‌زاده
۱۲	شیعیان بغداد؛ وضعیت سیاسی اجتماعی	محمدطاهر یعقوبی
۱۳	تصویر امامان شیعه در دائرةالمعارف اسلام (ترجمه و نقد)	مؤسسه شیعه‌شناسی
۱۴	تصویر خانواده پیامبر در دائرةالمعارف اسلام (ترجمه و نقد)	مؤسسه شیعه‌شناسی
۱۵	تعدیل نابرابری‌های اجتماعی در دولت امام علی <small>علیه السلام</small>	جمعه‌خان محمدی
۱۶	تاریخ حدیث شیعه (تا قرن پنجم هجری)	دکتر نلهه غروی نائینی
۱۷	کاشان در مسیر تشیع	مصطفی صادقی
۱۸	نیایش عارفان؛ شرح حکمت و معنویت شیعی در دعای کمیل	دکتر محمد فنایی
۱۹	دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی	آندرو جی. نیومن
۲۰	ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی	نقیسه فاضلی‌نیا
۲۱	شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی‌زبان	غلام‌احیا حسینی
۲۲	حکومت شیعی آل کیا در گیلان	حسن شریعتی فوکلائی
۲۳	تصویر محمد(ص) و حضرت زهرا(س) در دائرةالمعارف اسلام	مؤسسه شیعه‌شناسی
۲۴	مجموعه مقالات اجتماعی	محمود تقی‌زاده داوری
۲۵	علل خیزش شیعیان حاشیه جنوبی خلیج فارس	سیدمرتضی کاظمی دینان
۲۶	زندگی‌نامه تاریخی امام علی <small>علیه السلام</small>	علی کریمی
۲۷	سازمان روحانیت شیعه در عصر رضا شاه پهلوی	امید بابایی